

عربی در عهد جاهلی

حقیق

نوشته ی :

کارل بروکلن

گردآوری، ترجمه و افزوده ها،

چنگیز بهلوان

شناخت شعر - ۱

کارل بروکلن (۱۸۶۸-۱۹۵۶)، خاورشناس بزرگ آلمانی، در اثر مهم خود تاریخ ادبیات عربی کوشیده است همه آثار را که به زبان عربی نوشته شده است، از دوران جاهلیت تا روزگار خود، معرفی کند و تمامی دست‌نوشته‌های شناخته‌شده و همچنین چاپ‌های مختلف آن‌ها را بشناساند. عنوانی که او برای کتاب خود برگزید، موجب شد برخی از پژوهشگران به اشتباه تصور کنند که همه مؤلفان این آثار، عرب‌تبار بوده‌اند؛ در حالی که در دوران گسترش تمدن اسلامی، فرهنگ‌ها و کشورهای دیگری هم در کار توسعه این تمدن نقش داشته‌اند که از مردم عرب نبوده‌اند.

فؤاد سزگین، اسلام‌شناس ترک، در دوره‌ای دیگر بر مبنای تألیف بروکلن، مجموعه‌ای تازه تدارک دید و آن را تاریخ نگارش‌های عربی نام نهاد و با این کار کوشید تا ابهام پدیدآمده در اثر بروکلن را از میان بردارد.

دکتر چنگیز پهلوان در کتاب شعر عربی در عهد جاهلی که ترجمه بخش نخست از کتاب تاریخ ادبیات عربی به همراه افزوده‌هایی ایرانی است، کوشیده است از نقش ایرانیان و فرهنگ آنان در گسترش و توسعه تمدن اسلامی و آثار مکتوب آن، تصویری جامع‌تر ارائه کند و امکانی فراهم آورد تا طالبان علوم اسلامی از دستاوردهای کتاب‌شناختی به آسانی بهره بگیرند و بر غنای آگاهی‌ها و پژوهش‌های خود بیفزایند.

شعر عربی در عهد جا

شابک: ۹۶۴-۹۲۰۲۳-۶-۶ 964-92023-6-6



101893
نشر چشمه



نشر گیو

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

شعر عربی طر عہد جاہلی

نوشتهی : کارل بروکلمن

گردآوری، ترجمہ و افزودہ ما، چنگیز پهلوان

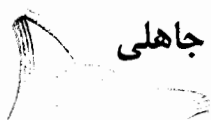
۱۴/۵
۱/۶۰ ف

مؤلف: ...

۱۴۰۰

کتابخانه ...

شعر عربی در عهد جاهلی



شعر عربی در عهد جاهلی

اثر:
کارل بروکلمن

گردآوری، ترجمه و افزوده‌ها:
چنگیز پهلوان



نشر گویو

تهران - ۱۳۷۹

بروکلمن، کارل، ۱۸۶۸-۱۹۵۶. Brockelmann, Carl
شعر عربی در عهد جاهلیت / نوشته‌ی کارل بروکلمن؛ ترجمه و تألیف
چنگیز پهلوان. - تهران: گپو، ۱۳۷۹.
۲۲۰ ص.

ISBN 964-92023-6-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
این کتاب ترجمه بخشی از کتاب Geschichte der arabischen literatur
است.
کتابنامه.

۱. شعر عربی -- پیش از اسلام -- تاریخ و نقد. ۲. ادبیات عربی -- پیش
از اسلام -- تاریخ و نقد. الف. پهلوان، چنگیز، مترجم. ب. عنوان.

ش ۴ ب / ۲۲۲۵ PJA ۸۹۲/۷۱۱۰۹
۱۳۷۹

۷۸-۲۷۳۰۳ م

کتابخانه ملی ایران



نشر گپو

شعر عربی در عهد جاهلی
کارل بروکلمن

گردآوری، ترجمه و افزوده‌ها: چنگیز پهلوان

طرح روی جلد: ابراهیم حقیقی
آماده‌سازی متن: دفتر خدمات کتاب سوگدیانا 

حروفچینی: خسرو هادیان

مدیر تولید: عقاب علی‌احمدی

چاپ اول: ۱۳۷۹

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سیحون

چاپ: آزاده

صحافی: سپیدار

شابک: ۹۶۴-۹۲۰۲۳-۶-۶ ISBN: 964-92023-6-6

فهرست

پیشگفتار مترجم	۹
مقدمه	۳۱
۱. قلمرو تاریخ ادبیات	۳۳
۲. منابع و کتاب‌های پیشین تاریخ ادبیات عربی	۳۹
۳. دوران‌های تاریخ ادبیات عربی	۷۳
بخش نخست	۷۷
۱. زبان عربی	۷۹
۲. آغاز شعر	۸۳
۳. قالب‌های شعر عربی	۹۱
۴. طبیعت شعر قدیم عربی	۹۵
۵. روایت شعر عربی	۱۰۷
۶. منابع شناخت شعر جاهلی	۱۱۱
۷. شش شاعر مشهور	۱۳۳
۸. شاعران دیگر در عصر جاهلی	۱۵۱
۹. شاعران یهودی و نصرانی پیش از اسلام	۱۷۵
۱۰. آغاز نثر عربی	۱۸۵
فهرست جامع نام‌ها	۱۹۱



Broekmans

كارل بروكلمن (۱۸۶۸-۱۹۵۶)

پیشگفتار مترجم

به نام خداوند جان و خرد

کارل بروکلمن از خاورشناسان شهیر آلمان است که در رشته‌های مختلف شرق‌شناسی فعالیت‌هایی بنیادی داشته است. شرق‌شناسان گوناگون یکصدا بر این باورند که هیچ پژوهنده‌ی ژرف‌نگری در عرصه‌ی مطالعات شرقی بی‌نیاز از آثار او نمی‌تواند باشد.

کارل بروکلمن در ۱۷ سپتامبر ۱۸۶۸ در شهر روستوک (Rostock) به دنیا آمد و در ۶ ماهه ۱۹۵۶، در ۸۷ سالگی، در شهر هاله چشم از جهان فرو بست. بروکلمن در سال ۱۸۹۰ دکترای خود را در شهر استراسبورگ (Strasburg) نزد نولدکه (Nöldeke) خاورشناس برجسته‌ی آلمان، گذراند و سه سال پس از آن، رساله‌ی دانشجویی‌اش را در برسلاو (Breslav) به پایان برد. او در کونیگزبرگ، هاله، برلن و برسلاو به تدریس و تحقیق پرداخت و آثاری گرانقدر از خود بر جا گذاشت.

بروکلمن با زبان‌های اروپایی و زبان‌های شرقی آشنایی عمیق داشت و از چندین زبان با تسلط کامل بهره می‌گرفت. به قول پروفیسور فوک، شرق‌شناس آلمانی، او جامع‌ترین و بنیادی‌ترین توصیف را راجع به زبان‌های سامی فراهم آورده است.

در زمینه مطالعات عربی، رساله‌ی دکترای بروکلن سهمی شایسته داشته است. در این رساله، بروکلن به ارتباط میان کامل فی التاریخ اثر ابن اثیر و اخبار الرسل و الملوک اثر طبری می‌پردازد. کوشش‌های او در حوزه‌ی ترک‌شناسی نیز اهمیت ویژه‌ای داشته است. بروکلن در یکی از تألیفات خود که به سال ۱۹۲۸ در لایپزیک به چاپ رسید، به لغات الترمذی می‌پردازد و در تألیفی دیگر که در لیدن در فاصله‌ی ۴-۱۹۵۱ طبع شده است، دستور زبان ترکی شرقی را در آسیای میانه مورد توجه قرار می‌دهد.

یکی از آثار برجسته‌ی او را می‌توان تاریخ ملل و دول اسلامی برشمرد که نخست در ۱۹۳۹ در مونیخ چاپ و به زبان‌های مختلف، از آن جمله فارسی، ترجمه شد. با این حال، بسیاری بر این عقیده‌اند که مهم‌ترین اثر او را باید تاریخ ادبیات عربی دانست که نخست در دو جلد، در فاصله‌ی ۱۸۹۸-۱۹۰۲ انتشار یافت و سپس به تکمیل آن روآورد و سه جلد به عنوان پیوست (۱۹۳۷-۱۹۴۳) به آن افزود. این اثر اکنون در پنج جلد در دسترس شرق‌شناسان قرار دارد. بروکلن با این اثر، کاری را بنیان گذاشت که نام و کوشش او را ماندگار می‌سازد. او در تاریخ ادبیات عربی می‌خواهد همه‌ی آثاری را که به زبان عربی نوشته شده‌اند، از دوران جاهلیت تا روزگار خود، معرفی کند و تمامی دست‌نوشته‌های شناخته‌شده و همچنین چاپ‌های مختلف آن‌ها را بشناساند. ادبیات در این جا معنایی عام دارد و کلیه‌ی آثار نویسندگان حوزه‌ی تمدن اسلامی به زبان عربی را در بر می‌گیرد. عنوان این کتاب موجب شد که برخی از پژوهشگران، به اشتباه، تصور کنند که همه‌ی مؤلفان این آثار عرب‌تبار بوده‌اند؛ در حالی که بروکلن فقط زبان عربی را که در یک دوره، زبان شکوفای تمدن جامع اسلامی بوده است، همچون معیار مشترک میان آثار گوناگون مورد توجه قرار داده است.

سال‌ها پس از انتشار تاریخ ادبیات عربی، فؤاد سزگین اسلام‌شناس ترک که مقیم آلمان (فرانکفورت) است، بر اساس تألیف بروکلن، مجموعه‌ی تازه‌ای را

تدارک دید که آن را تاریخ نگارش‌های عربی نام نهاد. او با به کارگرفتن این عنوان سعی داشت که ابهام پدیدآمده در عنوان کتاب بروکلن را از میان بردارد. عنوان اثر بروکلن به آلمانی چنین است:

Geschichte der Arabischen Literatur

و فؤاد سزگین اثر گسترده‌ی خود را به آلمانی چنین نام گذاشت:

Geschichte des arabischen Schrifttumes

در حالی که بروکلن مبنایی علمی برای تألیف خود در نظر گرفت و براساس ترتیب زمانی، مشخصات کلیه‌ی نوشته‌های عربی را از عصر جاهلیت به این سوگردآوری کرد، سزگین مبنایی عقیدتی را برای اثر خود برگزید و کارش را با قرآن و علوم قرآنی آغاز کرد. از این رو می‌توان گفت که یکی با توجه به ترتیب زمانی کار کرده است و دیگری با توجه به ترتیب موضوعی که آمیخته است به ارزشداوری.

از سوی دیگر، باید در نظر داشت که در هر دو اثر فهرست‌های بسیاری یافت می‌شوند که کتب نگارش‌یافته به فارسی، ترکی و اردو را دربر می‌گیرند. گرچه بروکلن ترتیب زمانی را برای مجموعه‌ی تألیف خود برگزیده است، با این حال باید دانست که زمان‌های مختلف در اثر او طبیعتی واحد و یکسان ندارند: عصر جاهلی فقط به اعراب اختصاص می‌یابد، اما دوران گسترش تمدن اسلامی، فرهنگ‌ها و کشورهایی را در درون خود جای می‌دهد که سهمی خلاق در توسعه‌ی این تمدن به عهده می‌گیرند، بی‌آن‌که در شمار مردم عرب قرار بگیرند. روشن است که دوران شکوفایی تمدن اسلامی نمی‌توانسته تنها با تکیه‌زدن بر مردم عرب که تمدنی ابتدایی داشته‌اند، پدیدار گردد. بنابراین، نباید عصر جاهلی و دوران شکوفایی را برابر گرفت و در یک رشته‌ی به هم پیوسته‌ی زمانی در کنار هم گذاشت. چنین روشی شبهاتی به بار می‌نشانَد که می‌تواند به کلیت یک اندیشه یا یک پژوهش آسیب برساند. بروکلن در واقع، در یک نگاه کلی، سه دوره‌ی به کل متفاوت را در اثر پرآوازه‌ی خود، به دنبال هم بررسی کرده

است: دوره‌ی پیش از اسلام که یکسره به عصر جاهلیت توجه دارد؛ دوره‌ی تمدن اسلامی که دوره‌ای بغرنج و پیچیده است و فرهنگ‌ها و تمدن‌های گونه‌گون، به‌ویژه تمدن ایرانی در برپایی و رونق آن سهم داشته‌اند؛ و سرانجام دوره‌ی سوم که دوره‌ای ناهماهنگ و ناسازگار است و بیش‌تر به احوالات قلمی پژوهشگران و نویسندگانی اختصاص دارد که در حوزه‌ی زبان عربی، و نه الزاماً اسلامی، آثار خود را عمدتاً در کشورهای عرب‌زبان، به نگارش درآورده‌اند. این دوره‌ی سوم، به‌خصوص به آثاری می‌پردازد که با دو دوره‌ی پیشین از هر نظر تفاوت دارند. اثر فؤاد سزگین نیز با چنین ناهمسانی‌هایی آمیخته است. از این‌رو باید گفت که توجه به اسلام از راه زبان عربی، می‌تواند بدفهمی‌هایی به وجود آورد.

از این‌ها که بگذریم، اثر بروکلمن و اثر سزگین مسیر ورود به تمدن اسلامی و فهم آن را هموار می‌سازند و هر پژوهشگری باید با استقلال رأی از این بدفهمی‌ها بپرهیزد و نقش تمدن‌های مختلف را در آن بازبیناسد. با توجه به چنین نیازی است که کتاب‌شناسی‌های اختصاصی دیگری در سطوح ملی و بین‌المللی سازماندهی شده‌اند که قصد دارند این کمبود را از میان بردارند یا با تأکیدهای موردی، به سهم فرهنگ‌های مختلف در پهنه‌ی تمدن اسلامی توجه دهند. این قبیل کوشش‌ها هنوز به کمال نرسیده‌اند و نتوانسته‌اند نمایی جامع از تمدن‌های «شرقی» به دست دهند.

با توجه به آن‌چه آمد، درست در دورانی که تب دائرةالمعارف‌نویسی در دوران پس از انقلاب اسلامی داشت بالا می‌گرفت، پیشنهاد ترجمه‌ی دو اثر بروکلمن و سزگین را به مؤسسات مختلف دادم و تأکید داشتم که بدون آگاهی درست از محتوای این دو اثر و به‌ویژه تکمیل آن‌ها از راه تهیه‌ی کتاب‌شناسی‌های اختصاصی، فعالیت‌های دائرةالمعارف‌نویسی با نقصان‌های بسیار مواجه خواهد شد. اما از آن‌جا که همه چیز در ایران بر اساس «تعلق گروهی» جریان می‌یابد، کسی و جایی به پیشنهادم علاقه نشان نداد. سرانجام در دهه‌ی هفتاد «مؤسسه‌ی

اطلاعات» حاضر شد اسباب لازم را برای ترجمه‌ی اثر بروکلن در اختیارم بگذارد، بی‌آن‌که از کمّ و کیف دشواری‌های فنی و اجرایی چنین کار بزرگی آگاهی لازم را داشته باشد. در نتیجه، به این فکر افتادم که بخشی از تاریخ ادبیات عربی را به فارسی برگردانم و با مراجعه به مجلدات پیوست، متنی نمونه تدارک ببینم تا مسئولان این مؤسسه از خصوصیات کلی چنین ترجمه‌ای آگاهی‌هایی اولیه را کسب کنند. از این‌رو به ترجمه‌ی بخش اول این کتاب که به شعر عصر جاهلی اختصاص دارد و در ضمن رویکرد بروکلن را به تاریخ ادبیات می‌نمایاند، پرداختم و با مراجعه به مجلدات پیوست، متنی را آماده ساختم که گوشه‌ای از گنجینه‌ی غنی اثر بروکلن را نیز نشان می‌داد. این کار برای خود من هم تجربه‌ای گرانبها به شمار می‌رفت. اما پس از تحویل نمونه، مسئولان مؤسسه که از حجم و هزینه و کیفیت کار تا اندازه‌ای آگاه شده بودند، از قبول دشواری‌ها سرباز زدند و مرا که در بحران مالی جانکاهی به سر می‌بردم، رها کردند. به‌راستی مؤسسه‌ی اطلاعات جای مناسبی برای ادامه‌ی چنین طرح عظیمی به حساب نمی‌آمد. چندی بعد به پیشنهاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه و «بنیاد دائرةالمعارف اسلامی» به مدیریت دکتر مهدی محقق که هر دو از اهمیت چنین طرحی اطلاع داشتند، سرگرم تهیه‌ی بخشی از اثر فؤاد سزگین گشتم که به معرفی مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی و کتابخانه‌های جهان که گنجینه‌های خطی عربی و فارسی و دیگر زبان‌های شرقی داشتند، می‌پردازد. این اثر را با مراجعه به شش جلد از اثر سزگین فراهم آوردم، اما به سبب آن‌که مدیریت دکتر مهدی محقق چندان دوام نیاورد و مدیریت جدید از انتشار آن سرباز زد، به ناچار حاصل کوششم را شخصاً پی‌گرفتم و با امکاناتی ابتدایی و با استفاده از حروفچینی دستی آن را سر و سامان دادم.

در این میان استاد عزیز محمدتقی دانش‌پژوه با مؤسسه‌ی دیگری که آن‌هم دائرةالمعارف اسلامی تدارک می‌دید، مذاکره کرد و مدیر این مؤسسه را دعوت به قبول طرح جامع من که ادغام دو اثر بروکلن و سزگین و تهیه‌ی افزوده‌هایی

ایرانی را به آن‌ها هدف می‌گرفت، دعوت کرد. از آن‌جا که در آن‌هنگام حتی «شهروند دست‌دوم» هم به شمار نمی‌رفتم، مدیر مؤسسه با صراحت گفت که حاضر به پذیرش این طرح هست، اما حاضر نیست به هنگام چاپ اثر، نامی از من به میان آورد. او گفت در صورتی این طرح را حمایت خواهد کرد که فقط نام خودش روی کلیه مجلدات ذکر شود. طبیعی می‌بود که زیر بار چنین خفتی نروم و چنین پیشنهادی را نپذیرم. به همین سبب، ناگزیر در یک شرکت بازرگانی که به خرید و فروش وسایل سمعی و بصری مشغول بود، به کار گیل تن دادم. با این حال، یکی از دوستان که می‌خواست یک دستگاه نشر با همین مؤسسه راه بیندازد، چاپ کتاب سزگین را به عهده گرفت و بی‌آن‌که نام مرا روی جلد ذکر کند، نخستین مجلد از اثر سزگین را به نام کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان، در سال ۱۳۶۶ زیر نام «انتشارات معارف» نشر کرد. اما نظر به این‌که نام من در داخل کتاب آمده بود، شریک دائرةالمعارف آن دوست، از ادامه‌ی این کار سر باز زد. دو کوشش دیگر استاد دانش‌پژوه که به کارم علاقه پیدا کرده بود، همچنان ناکام ماند. ایشان سعی داشت «دانشکده‌ی الهیات» و «مرکز مطالعات فرهنگی» را به اجرای این طرح تشویق کند، ولی نمی‌دانست که حضرات فقط می‌خواهند نام‌شان روی مجلدات چاپی بیاید وگرنه حاضر به پذیرش آن نخواهند شد. حاصل آن‌که در این جاها هم سرخورده گشتم و با ناامیدی از ادامه‌ی کار چشم پوشیدم. در نتیجه ترجمه‌ی بخشی از کار بروکلن که سال‌ها در انتظار چاپ به سر می‌برد، در لابه‌لای دست‌نوشته‌هایم خاک می‌خورد. بعدها یکی از ناشران حاضر شد این متن را به چاپ برساند و در معرفی گوشه‌ای از تحقیق بروکلن گام بردارد. این ناشر هم پس از مدتی، با آن‌که به گونه‌ای ابتدایی به حروفچینی کتاب پرداخت، به علل مختلف انتشار اثر را به تعویق انداخت.

با توجه به آن‌چه آمد، چندان امیدی به چاپ این کتاب کوچک نداشتم و اندیشه‌ی پیگیری «طرح جامع کتاب‌شناسی اسلامی- ایرانی» را یکسره رها

کردم. می‌دانستم که تنگ‌نظری‌ها و جاه‌طلبی‌های عده‌ای از محققان و مدیران مؤسسات تحقیقاتی هم مانع عمده‌ای بر سر راه اجرای چنین طرحی به حساب می‌آید که نمی‌بایست آن‌ها را نادیده گرفت. طرح درهم‌کردن دو اثر بروکلن و سزگین همراه با افزوده‌هایی ایرانی به آن‌ها، نه تنها می‌توانست زبان فارسی را در مقیاس علمی به مرحله‌ای والاتر برساند، بلکه این امکان را نیز فراهم می‌آورد که شمار بیش‌تری از طالبان علوم اسلامی از دستاوردهای کتاب‌شناختی به‌آسانی بهره بگیرند و بر غنای آگاهی‌ها و پژوهش‌های‌شان بیفزایند. از این گذشته، ترجمه‌ی فارسی این دو اثر به شیوه‌ای نو و همراه با کتاب‌شناسی‌های اختصاصی، این امکان را به دست می‌داد که ترجمه‌های نادقیق عربی این آثار سندیت خود را از دست بدهند و تاب ایستادگی در برابر نگاه‌های موشکافانه را نداشته باشند. مترجمان عربی بخشی از اثر بروکلن چنان دخالت‌هایی در متن اصلی اثر کرده بودند که اعتبار ترجمه‌ی آنان را پرسش‌برانگیز می‌ساخت؛ به خصوص که نام ایران را به قصد حذف کرده بودند و بر وجهه‌ی عربی اثر تأکید گذاشته بودند. برخی از هموطنان پژوهشگر نیز به این بهانه که ترجمه‌ی این آثار کاری عبث است و به بازنویسی کتاب‌شناسی‌ها به فارسی می‌انجامد، هرگونه کوشش تازه‌ای را در برگردان این تحقیقات به فارسی به سبکی جدید سد می‌کردند و استفاده‌ی ناقص از آن‌ها را در تهیه‌ی مقالات دائرةالمعارفی ترجیح می‌دادند. واقعیت این است که آثار بروکلن و سزگین نه فقط به معرفی کتاب‌های گوناگون می‌پردازند، بلکه مشخصات دستیابی به آن‌ها را همراه با توضیحات مفصل و موردی، در اختیار دوستداران این رشته از دانش‌ها قرار می‌دهند. از این گذشته، ترجمه‌ی انتقادی این دو اثر همراه با افزوده‌هایی ایرانی می‌تواند مبنای تازه‌ای برای پژوهش‌های دائرةالمعارفی به دست دهد و از نقایص حاکم بر دائرةالمعارف‌نویسی، به ویژه دائرةالمعارف‌های گونه‌گون اسلامی، در حال حاضر بکاهد.

به هر حال، درست در هنگامی که دیگر از چاپ متن حاضر چشم‌پوشی کرده

بودم، آقای عقاب علی‌احمدی که تا اندازه‌ای از سرنوشت این ترجمه آگاه شده بود، با محبت گام پیش گذاشت و چاپ آن را به ناشر کنونی پیشنهاد کرد.

و اما چند نکته درباره‌ی این ترجمه. از آن‌جا که متن حاضر با مراجعه به پیوست‌های بروکلن فراهم آمده است، در نتیجه با متن آلمانی اثر تفاوت‌هایی دربر دارد. مورد به مورد کوشیده‌ام اضافاتی را که بروکلن سال‌ها پس از انتشار دو جلد نخست گردآوری کرد، در محل خود قرار دهم و با ذکر اعدادی مستقل و اعدادی ترکیبی در هر محل، امکان مقایسه با متن اصلی و با پیوست‌ها را به دست دهم. در هر جا که کلمه‌ی zu همراه با اعدادی آمده است، به پیوست‌ها ارجاع می‌دهد و عدد مستقل یا عدد بالای آن به متن اصلی. در نتیجه متن کنونی نه فقط به اهل فن امکان می‌دهد که در هر مورد به دو جلد اصلی مراجعه کنند و از کم و کیف کار مترجم اطلاع به دست آورند، بلکه در ضمن می‌توانند از میزان بهره‌گیری‌ها از پیوست‌ها نیز آگاه شوند و به پیوست‌ها نیز در صورت لزوم، نگاهی بیندازند. بروکلن در هر مورد، علاوه بر ذکر مأخذ متعدد، شرحی در توصیف و معرفی موضوع آن‌ها نیز به دست می‌دهد که استفاده‌ی از منابع را دلپذیرتر می‌سازد. او این کار را استادانه انجام می‌دهد و وسعت و عمق و دقت دانش خود را به وضوح به رخ می‌کشد. بروکلن در سراسر اثر خود و در حوزه‌های متنوع علمی به این روش دشوار وفادار است و هیچ‌گاه نظری را بدون اتکاء به منابع مشهور و معتبر موجود، بر زبان نمی‌آورد. اثر بروکلن علاوه بر اطلاعات گسترده‌ای که دربر دارد، ما را با شیوه‌ی علمی یکی از شرق‌شناسان بزرگ غرب و روش انتقادی و جست‌وجوگرانه‌ی او آشنا می‌سازد و هشدار می‌دهد که هر نظری در عرصه‌ی پژوهش‌های علمی تنها با آگاهی از دستاوردهای پیشینیان در هر زمینه، اعتبار می‌یابد. کسانی که حاصل کار اسلاف خود را نادیده می‌گیرند، در حقیقت به تفکر علمی صدمه می‌زنند و از ارج پژوهش‌های دقیق، بغرنج و همه‌جانبه می‌کاهند و در نهایت، آسان‌پسندی را رواج می‌دهند.

در ترجمه‌ی این متن هر جا که نکته‌ای به نظم رسیده است، در زیرنویس آورده‌ام و با علامت (م.) مشخص ساخته‌ام. حرف «م» به تنهایی پس از ارقام مربوط به سال‌ها به معنای میلادی است و با نقطه م (م.) که افزوده‌های مترجم حاضر است، تفاوت دارد. این توضیحات همه از این قلم است. در آن موقع قصد داشتم نشان دهم که ترجمه‌ی این اثر نیازمند توضیحاتی است که به تحقیق جداگانه یا نظرخواهی از اهل فن نیاز دارد. بدیهی است هر اشتباهی که در این توضیحات رخ داده باشد، متوجه این حقیر است.

در مورد کتابخانه‌ها و شهرها و مجموعه‌ها، علاماتی اختصاری آورده‌ام که با توجه به کوتاه‌سازی‌های بروکلن تنظیم شده‌اند. این عمل به قصد ترجمه‌ی کل اثر صورت گرفت و در حال حاضر نیز آن‌ها را حفظ کردم تا اهداف آن ترجمه را در آن هنگام بنمایانم.

در برخی از یادداشت‌ها به نواقص کار مترجمان عربی این اثر اشاره کرده‌ام. در واقع یادداشت‌های زیادی در باره‌ی اشتباهات مترجمان عربی گرد آورده بودم. این یادداشت‌ها در آتش‌سوزی خانه‌ام از میان رفت و دیگر نتوانستم آن‌ها را دوباره تهیه کنم. البته از فواید ترجمه‌ی عربی نیز غافل نبوده‌ام. کوشش مترجمان عربی را با آوردن کلمه‌ی مصنوعی «تعب» ارج گذاشته‌ام. این کلمه کوتاه‌ساخته‌ی «ترجمه‌ی عربی بروکلن» است.

بروکلن در مقدمه‌ی ترجمه‌ی حاضر مفهوم و گستره‌ی کار خود، یعنی تاریخ ادبیات، را توضیح می‌دهد و منابع عمده‌ی کار خود را در بخش دوم معرفی می‌کند که هر دو به تمامی کتاب بازمی‌گردند، نه الزاماً فقط به ترجمه‌ی حاضر که گوشه‌ی کوچکی از کتاب تاریخ ادبیات عربی را دربر می‌گیرد.

شاید این کتاب از نظر ضبط نام‌ها و مکان‌ها هم فایده‌ای دربر داشته باشد. سعی کرده‌ام با استفاده از تلفظ نام‌ها در زبان‌های اصلی آن‌ها را ضبط کنم، اما اگر نام‌هایی در زبان فارسی به گونه‌ای خاص جا افتاده باشند، همان شیوه را حفظ کرده‌ام تا اغتشاش به بار نیاید، مانند مارگولیوٹ. در مورد ضبط نام‌ها در کتاب

دیگرم نیز که از اثر سزگین به فارسی برگردانده‌ام، در این راه گام برداشته‌ام. این دو کتاب، در مجموع، زمینه‌ای برای تدوین اثری دیگر در عرصه‌ی همسان‌سازی ضبط نام‌های کسان و جای‌ها فراهم می‌آورند. از آن جا که این دو اثر در زمان‌های مختلف ترجمه و گردآوری شده‌اند، شاید تفاوت‌هایی از نظر ضبط با هم داشته باشند که معرف تحول نگرش صاحب این قلم در این دو مقطع به شمار می‌رود.

بروکلمن از جمله شرق‌شناسانی است که با عشق و علاقه به تمدن شرق می‌پردازند و رشته‌های گوناگون شرق‌شناسی را به سیاست‌های جاری آلوده نمی‌سازند. او آنچه را که باور دارد، هرچند که با او موافق نباشیم، روی کاغذ می‌آورد، نه مصلحت سیاسی و اقتصادی حکومتی خاص را. از این نظر هم باید با احترام به شخصیت‌هایی چون بروکلمن نگریست و آثار آنان را قدر گذاشت. امید است که این کوشش ناچیز و نارسا، گامی در جهت سپاسگزاری از بزرگان رشته‌ی خاورشناسی که در سال‌های اخیر در ایران در معرض بدگمانی و بهتان و افترا قرار داشته‌اند، به شمار آید و هرچند اندک، ترویج کوشش‌های دقیق علمی را بیش از پیش دامن بزند. هنوز هم بر این باورم که اگر مؤسسه‌ای بتواند اسباب لازم را جهت ترجمه‌ی همزمان دو اثر کلان بروکلمن و سزگین همراه با افزوده‌هایی تحقیقی تدارک ببیند و زمینه‌ساز تألیفی نو در این زمینه بشود، اقدامی مؤثر و ماندگار در مسیر عمق‌بخشیدن به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در ایران به عمل آورده است. چنین اقدامی حوصله و شکیب می‌طلبد و باید از تظاهر علمی که به مناسبت‌های گوناگون سازماندهی می‌شود و در واقع جانشین تحقیق و کاوش واقعی گشته است، دوری بجوید.

انسان، پژوهشگر و میهن دوست

کارل بروکلمن در هفتاد و نه سالگی هنگامی که نشانه‌هایی از زنده ماندن فرزندش که در استالین‌گراد به اسارت درآمده بود، دریافت کرد، به نگارش زندگی‌نامه‌اش دست زد تا یادگاری از خود برای او بر جا بگذارد. در این یادداشت‌ها او به منشأ خانوادگی، رشته‌های خویشاوندی، دوران دانشجویی و جوانی، استادی و تحقیقاتش می‌پردازد و با شیوه‌ای صادقانه آنچه را که به جان آزموده است، ثبت می‌کند. این زندگی‌نامه که در نوع خود نوشته‌ای کم‌مانند از یک استاد و محقق آلمانی است، از دل‌بستگی عمیق بروکلمن به خانواده، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی آن روزگار و علاقه‌ی بی‌پایانش به فرزندى حکایت دارد که چندان امیدی به دیدار او ندارد.

بروکلمن که روزگار سختی را پشت سر گذرانده است، تنها میراثی که می‌تواند برای فرزند از خود بگذارد چیزی نیست جز شرح جامعی از اندیشه‌ها و کوشش‌های علمی‌اش. از یک استاد واقعی نیز جز این انتظاری نمی‌توان داشت. این یادداشت‌ها که در کهنسالی نوشته شده‌اند، ذهن نقاد، دقیق و هنوز نیرومند و پرتوان بروکلمن را می‌نمایانند که قادر است به جزئیات بپردازد و توصیف دلنشینی از رویدادهای عمده‌ی زندگی و پیوندهای خانوادگی فراهم آورد.

بروکلمن می‌نویسد: وقتی که در ۱۸۸۶ در دانشگاه ثبت‌نام کرد، در کنار رشته‌ی شرق‌شناسی، درس‌های مربوط به زبان‌شناسی کلاسیک و تاریخ را نیز پی گرفت تا از عهده‌ی گذراندن امتحانات آموزگاری برآید، زیرا که رشته‌ی شرق‌شناسی آینده‌ی شغلی مطمئنی به فارغ‌التحصیلان عرضه نمی‌داشت. بروکلمن سپس از استادانش یاد می‌کند و از دشواری‌های دوران دانشجویی‌اش. می‌نویسد: وقتی که از روستوک به برسلاورفت، در میهمانخانه‌ای اقامت گزید که ساس‌ها امانش ندادند و بدنش را سخت گزیدند. به ناچار از آن میهمانخانه

بیرون آمد و در محله‌ای ارزان، سکونتگاهی برای خود دست و پا کرد. در این‌جا درس‌های شرق‌شناسی را نزد پرتوریوس (Praetorius) و فرانکل (Frankel) و هیله‌برانت (Hillebrandt)، گاه تنها و گاه با عده‌ای دیگر از محصلان، فراگرفت و در همین مدت زبان ترکی را خود به تنهایی آموخت. از آن‌جا به استراسبورگ رفت و افتخار شاگردی نولدکه، خاورشناس مشهور آن دوران را پیدا کرد. بروکلن می‌گوید: «به واقع از او بسیار آموختم.» در همین شهر در محضر استادانی چون هوبشمن (Hübschmann)، زبان‌های سانسکریت و ارمنی، و از دومیشن (Dümichen) عربی مصری را فراگرفت. این هر سه، به گفته‌ی بروکلن، در منزل خود درس می‌دادند. در بیش‌تر درس‌های نولدکه، بروکلن به تنهایی حاضر می‌شده و به او گوش می‌داده است. در درس‌های دیگر نیز اغلب به جز او یکی دو نفر همدرس دیگر حضور می‌یافته‌اند. بروکلن از زندگی ساده‌ی دانشجویی خود در استراسبورگ، نحوه‌ی سکونت و خوراک نکته‌هایی خواندنی می‌آورد که به شناخت فضای زیستی و دانشگاهی آن دوران نیز کمک می‌کند. بروکلن یادآور می‌شود که نولدکه وقتی از تهیدستی‌اش اطلاع پیدا کرد، او را یاری داد که کمک‌هزینه‌ی تحصیلی دریافت کند. در عین حال نولدکه به بروکلن توصیه کرد که مطالعات زبان‌شناسی کلاسیک و تاریخ را جدی بگیرد تا از آینده‌ی شغلی مطمئن‌تری برخوردار باشد. بروکلن از بابت این مشورت هم خود را مدیون نولدکه می‌داند. سرانجام بروکلن به یاری نولدکه توانست در تابستان ۱۸۹۰ دکترای خود را به پایان برساند.

بروکلن در فاصله‌ی ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۲ در استراسبورگ در یکی از دبیرستان‌ها به تدریس رو آورد، اما نتوانست به دانشگاه راه پیدا کند. دانشگاه امکانات مالی کافی جهت استخدام او به عنوان دانشیار خصوصی نداشت. در ضمن، ینسن (Jensen) در آسوری‌شناسی و شوالی (Schwally) هم در شرق‌شناسی توانسته بودند رساله‌ی دانشیاری بگذرانند و در نتیجه جا را برای او تنگ کرده بودند. بروکلن به توصیه‌ی نولدکه دوباره به برسلاو رفت و به نگارش رساله‌ی

دانشیاری مشغول شد که تا ژانویه ۱۸۹۳ به درازا کشید. بروکلن در این میان توانسته بود با محافل دانشگاهی ارتباط برقرار سازد و به فعالیت‌های آموزشی بپردازد.

با استفاده از یک امکان مطالعاتی به قصد دیدار از استانبول (قسطنطنیه) فعالیت‌های آموزشی را رها ساخت و راهی امپراتوری سلطان عبدالحمید شد. بروکلن در جست‌وجوی یک نسخه خطی سفر به استانبول را تدارک دید، اما پیش از آن‌که به این سفر برود، در اوت ۱۸۹۵ به منظور رونویسی از یک نسخه خطی با کشتی بخاری از هامبورگ به لندن رفت. این سفر پنج روز طول کشید. در لندن در بریتیش میوزیوم روزها تا ساعت پنج بعدازظهر در تالار نسخه‌های خطی کار می‌کرد. از سازماندهی کتابخانه‌ی بریتیش میوزیوم شگفت‌زده شده بود. می‌نویسد: هر یک ربع ساعت هر کتابی را که می‌خواست از مخزن دریافت می‌کرد، اما هیچ کتابی را به امانت نمی‌دادند. در نیمه‌ی سپتامبر، کار رونویسی را به پایان برد و از آن‌جا به پاریس و سپس به مarseille رفت تا عازم قسطنطنیه بشود. داستان این سفر و این روزها را به گونه‌ای خواندنی شرح می‌دهد.

بروکلن در راه دریایی به سوی قسطنطنیه با دو بازرگان ارمنی آشنا می‌شود و می‌نویسد که در همین دوران، سلطان عبدالحمید دریایی از خون در میان ارمنیان به راه انداخته بود. سفر او از مarseille به عثمانی (قسطنطنیه) هشت روز به طول می‌کشید. در استانبول بر اثر روابط حسنه‌ی سفیر با مقامات، موفق می‌شود نسخه خطی مورد نظرش را در کنسولگری مطالعه کند. کتابخانه‌ی استانبول در هفته دو-سه روز و هر بار فقط به مدت دو ساعت به مراجعان امکان استفاده از مخازن را می‌داد. از این گذشته، هیچ‌کس نمی‌توانست نسخه‌ای خطی را از کتابخانه خارج کند. همین بخت استثنایی به بروکلن امکان داد که در اتاق کوچکی در کنسولگری کارش را به پایان ببرد. کنسول آلمان در آن هنگام شخصی بود به نام اشتامر (Stahmer) که پسان‌تر سفیر آلمان در ایران شد. بروکلن در مدت اقامت خود در ترکیه با یونانیان و ارمنیان رفت‌وآمد داشت و در نتیجه

می‌توانست به تمرین زبان‌های یونانی و ارمنی بپردازد. بروکلن در این هنگام توانست نسخه‌ی خطی دیگری از نسخه‌ای که در لندن رونویسی کرده بود، بیابد. نسخه‌های موردنظر بروکلن عبارت بوده‌اند از: نسخه‌ی خطی ابن سعد و نسخه‌ی خطی ابن قتیبه. بروکلن از اقامت خود در استانبول استفاده می‌کند و انواع نسخه‌های خطی ارمنی و عربی را می‌خرد، اما یک نسخه‌ی خطی فارسی را که تصاویری زیبا داشته و از آن نام نمی‌برد، به سبب گران‌قیمت بودن خریداری نمی‌کند.

بروکلن در استانبول در اتاقی زندگی می‌کرد که به زحمت می‌توانست آن را گرم کند؛ سقفش چکه می‌کرد و همیشه گوشه‌ای از آن خیس بود. آلمانیان مقیم استانبول را به چند گروه مرفه و نیمه‌مرفه، بازرگان بزرگ و خرد تقسیم‌بندی می‌کند و با این حال با آنان روابطی برقرار می‌سازد و می‌گوید دیدارهای مان به تحکیم همبستگی ملی مدد می‌رساند.

بروکلن از نگرانی‌هایش در مورد چاپ کتاب‌هایش یاد می‌کند و از ناشری که به جای هزار نسخه، کتابش را در سه هزار نسخه چاپ می‌کند، سخت می‌نالَد. این ناشر نه فقط با او که با دیگران هم رفتار بدی داشته است و با آن‌که مختصری به او پرداخت می‌کرده است، ناگهان غیث می‌زند و به ناچار کار به دادگاه می‌کشد. سرانجام بروکلن مجلدات تاریخ ادبیات عربی را به بریل (Brill) در لیدن می‌سپارد. این درد همه‌ی نویسندگان است و معلوم می‌شود که ناشران در سراسر جهان، کمابیش همه‌ی نویسندگان و اهل تحقیق را می‌آزارند. در حالی که بروکلن به سبب درآمد اندک حتی قادر به همسرگزینی نبوده است و یادآور می‌شود که اصولاً در میان دانشیاران خصوصی در آلمان تنها تعداد کمی که مرفه بوده‌اند می‌توانسته‌اند ازدواج کنند، ناشرش با کلاهبرداری او را استثمار می‌کرده است.

بروکلن در یادداشت‌هایش به تفصیل از رقابت‌های جانکاه و حقیرانه‌ی دانشگاهی یاد می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه روابط شخصی و گروهی بر

اعتبار علمی و آموزشی می‌چربد و مانع رشد استادان واقعی می‌گردد. این وضع در ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر، یکسره به منزلت علمی و اجتماعی دانشگاه لطمه زده و خسران‌هایی جبران‌ناپذیر به بار آورده است. چنین رقابت‌هایی هنوز هم در غرب جریان دارد و به‌ویژه در رشته‌های علوم اجتماعی به معنای وسیع کلمه، و در حوزه‌ی مطالعات شرق‌شناسی خصلتی سیاسی و سودجویانه به خود گرفته است.

بروکلمن در فاصله‌ی ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ با سمت استادی در برسلاو به تدریس می‌پردازد و سرانجام در فاصله‌ی ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۰ می‌تواند بر کرسی استادی در کونیگزبرگ (Königsberg) تکیه بزند. او در نیم‌سال زمستانی ۱۹۰۲-۱۹۰۳ جانشین یان (Jahn) می‌گردد و درآمد دانشگاهی‌اش تازه به او امکان می‌دهد که ازدواج کند. در هفت‌سالی که در شهر کونیگزبرگ به سر می‌برد، تمام وقتش را صرف اتمام محبوب‌ترین کتاب‌هایش یعنی دستور تطبیقی زبان‌های سامی می‌کند. خلاصه‌ی این کتاب به فرانسوی نیز انتشار می‌یابد، اما به سبب وضع نابسامان ناشرش در آلمان به چاپ دوم نمی‌رسد.

پس از کونیگزبرگ، بروکلمن به دعوت دانشگاه هاله (Halle) به این شهر کوچ می‌کند و در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۲ در این شهر فعالیت‌های دانشگاهی‌اش را پی می‌گیرد. در این‌جا او با ریتز (Ritter)، شرق‌شناس معروف آلمان آشنا می‌شود و او را به عنوان دستیار (= استادیار) به پیکر (Becker) در هامبورگ معرفی می‌کند. ریتز دو سال به عنوان مترجم در خاورمیانه کار می‌کند و سپس جانشین بکر می‌شود. بروکلمن می‌نویسد: رفتار ناپسند ریتز موجب شد که او را از کار برکنار سازند. ریتز پس از آن به عنوان مسئول «دفتر محلی انجمن شرق‌شناسی آلمان در استانبول» مشغول به کار می‌شود و سپس به عنوان استاد به دانشگاه فرانکفورت می‌رود و آثار برجسته‌ای از خود بر جا می‌نهد.

جنگ جهانی اول، بروکلمن و هم‌ه‌ی شهروندان آلمان را شگفت‌زده می‌کند. او سیاست‌های نادرست آلمان را در مراکش باعث این وضع می‌داند و می‌گوید،

شکست دیپلماسی آلمان در مراکش و اصولاً تمامی سیاست شرقی آلمان، مسیری مرگبار برای این کشور به بار آورد. فرزندی که یادداشت‌ها را برای او می‌نویسد، در همین شهر هاله دیده به جهان می‌گشاید و سال‌های سخت جنگ جهانی اول را در کودکی تجربه می‌کند. بروکلن از دشواری‌های جنگ جهانی اول و آثار زیانبار آن بر زندگی خود و همسرش یاد می‌کند و اوضاع آشفته‌ی دانشگاهی را در این دوران شرح می‌دهد. از برآمدن نیروهای چپ، تضادهای میان سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها، جاه‌طلبی‌های استادیاران و جز آن یاد می‌کند و به وضوح نشان می‌دهد که در هنگامه‌ی شورش‌های اجتماعی، چه سودجویی‌ها و منفعت‌طلبی‌هایی زیر پوشش آرمان‌های سیاسی سر بر می‌کشند و نظام‌های سیاسی و اجتماعی را در طرفه‌العینی به هم می‌ریزند. بروکلن می‌نویسد: در جریان این آشوب‌ها، چپی‌ها دانشگاه را که موقعیتی محتاطانه اتخاذ کرده بود، سرزنش می‌کردند و خواستار پیوند دانشگاه با خلق بودند. برپایی جلسات سیاسی چیزی جز آشوب و تضاد و درگیری به بار نیامورد و اعتبار علمی دانشگاه را خدشه‌دار ساخت. حتی بروکلن هم نمی‌تواند از این آشوب‌ها دور بماند. او در دانشگاه در برابر کودتای سیاسی رادک (Radek)، دیگران را همراهی می‌کند و با یاری شماری از دانشجویان به بسیج مردم شهر رومی آورد. در برابر نیروهای کمونیستی که شهرها را محاصره کرده بودند، ایستادگی می‌کند و سلاح به دست مانند یک سرباز انقلابی همراه با دانشجویان به نظارت بر اوضاع آشفته‌ی شهر دل می‌بندد. آن‌چه او می‌نویسد، به واقع گوشه‌ای از تاریخ آلمان در آن دوران است و یادآور اوضاع انقلابی در هر کشور است که انسان‌ها را از حرفه‌ی خود بازمی‌دارد و در مکان و مقامی متفاوت، و گاه نازل قرار می‌دهد. بروکلن با آن‌که در زندگی سختی‌های زیادی را تحمل کرده است، با این حال از انقلاب می‌هراسد و با جنگ و دندان از موقعیت خود و از وضع اجتماعی آن روزگار به دفاع برمی‌خیزد. او هواخواه اصلاح است؛ این تمایل را در سراسر نوشته‌اش به خوبی نشان می‌دهد، اما از تغییر ناگهانی می‌هراسد و

نمی‌خواهد سرنوشتش به دست کوچه و خیابان بیفتد. گرچه محافظه‌کاران افراطی بروکلن را نمی‌پسندیدند و پذیرای او نبودند، از اندیشه‌های لیبرال خود دست برنمی‌داشت.

در سال ۱۹۲۲ به برلن رفت و در دانشگاه آن‌جا به کار مشغول شد. دعوت دانشگاه بن را در همین سال پس از مشورت‌های متعدد، نپذیرفت و برلن را بر آن‌جا که تحت تأثیر فرانسویان قرار گرفته بود، ترجیح داد. در برلن نیز همه چیز مطابق میل او نبود؛ تورم افزایش می‌یافت و پیدا کردن خانه‌ای مناسب محال بود. بروکلن می‌نویسد: حقوقش را هر چهارده روز یک‌بار دریافت می‌کرد که یک روز پس از آن، نیمی از ارزشش را از دست داده بود. گرچه از کار تدریس رضایت داشت، اما وضعیت مسکن و تورم او را سخت آزار می‌داد. در این میان استاد قدیمش پرتوریوس در برسلاو بازنشسته شد و بروکلن را نامزد جانشینی او کردند. این دعوت را بلافاصله پذیرفت و به سال ۱۹۲۳ به دانشگاه آن‌جا بازپیوست.

تورم فزاینده، زندگی او را درهم ریخته بود و در نتیجه پس‌اندازهایش ته‌کشید. به تدریج که نابسامانی‌های اقتصادی فرونشست، اندکی بهبود در زندگی او پدیدار گشت. از وضعیت آموزشی شکوه می‌کند و می‌گوید، اسقف اعظم دیگر اجازه نمی‌داد که دانشجویان رشته‌ی الهیات، عبری بیاموزند. به نظر اسقف اعظم، یادگیری زبان لهستانی مهم‌تر بود از فراگیری عبری. به همین لحاظ، تعداد کم‌تری در درس‌های بروکلن حاضر می‌شدند. در زمستان ۱۹۲۸-۱۹۲۹ توانست قدری پس‌انداز کند و باز به دیدار کتابخانه‌های استانبول برود.

در ۱۹۳۲ تبلیغات نازی‌ها فزونی گرفت و محیطی پرتشنج به بار آورد. در همین سال، ریاست دانشگاه به بروکلن پیشنهاد شد که آن را پذیرفت. در این‌هنگام استادان دانشکده‌ی حقوق، استادی را به نام کوهن (Cohen) از دانشگاه کیل برای تدریس حقوق آلمان به دانشگاه برسلاو فراخواندند. از همان آغاز، نازی‌ها با تدریس او مخالفت کردند. کوهن خواستار حمایت

بروکلمن می‌شود. بروکلمن سرِ درس او می‌رود و حاضران را که شماری از آنان غیردانشجو بودند، به حفظ آرامش و رعایت منزلت دانشگاه دعوت می‌کند. حاضران در ابتدا سکوت می‌کنند، اما به محض آن‌که کوهن درسش را شروع می‌کند، جنجال به راه می‌اندازند. پس از آن‌که سه بار این جریان تکرار می‌شود، بروکلمن ناچار پلیس را به دانشگاه می‌خواند و تالار درس را تخلیه می‌کند. در ماه‌های نوامبر و دسامبر نیز این وضع ادامه می‌یابد و تعطیل سه‌روزه‌ی تمامی دانشگاه نیز سودمند نمی‌افتد. وقتی که کوهن می‌خواست درس بدهد، او باش از همه جا جمع می‌شدند و با فریادهای «یهودی خائن گم شو» او را از تدریس بازمی‌داشتند. یک مأمور پلیس که از دفتر کار بروکلمن یکی از این صحنه‌ها را تماشا می‌کرد، به او گفت همه‌ی اینان را می‌شناسیم؛ اینان جنایتکاران و زندانیان قدیم‌اند. سپس می‌نویسد: سپاه نازی‌ها از چنین مردمانی برآمده بود. کوهن سرانجام توانست به تدریس خود، هرچند محدود، در حصاری از سیم خاردار ادامه دهد. به همین سبب، نازی‌ها، بروکلمن را متهم ساختند و او را خائن به کشور معرفی کردند. هنگامی که نازی‌ها به قدرت رسیدند، بروکلمن را از ریاست دانشگاه برکنار ساختند. او در سال ۱۹۳۳ شصت و پنج سال داشت و طبق قانون مصوب سوسیالیست‌ها می‌بایست بازنشسته شود، اما توانست تا سال ۱۹۳۵ همچنان به کار خود ادامه دهد. در سال ۱۹۳۷ به شهر هاله بازگشت.

در فاصله‌ی ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۷، جنگ را با سختی‌های بسیار گذراند و بیماری همسرش او را سخت آزرده کرد. در اکتبر ۱۹۴۵، به پیشنهاد رئیس دانشگاه، کتابدار «انجمن شرق‌شناسی آلمان» شد.

بروکلمن یادداشت‌هایش را در ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۷ رها می‌کند. چند هفته پیش از آن‌که این یادداشت‌ها به پایان برسد، به عنوان استاد افتخاری دانشگاه مارتین‌لوتر در هاله برگزیده شد. در زمستان سرد سال ۱۹۴۷ که سرما به سی درجه زیر صفر رسید، پیرمردی در راهروی کتابخانه‌ی انجمن شرق‌شناسی پشت ماشین‌تحریر نشسته بود که پالتوی بلندی بر تن داشت و نوک

دستکش‌هایش را چیده بود تا راحت‌تر بتواند از ماشین تحریر استفاده کند. می‌گویند تنها به احترام او بود که کتاب‌های گرانبهای انجمن را نیروهای شوروی به روسیه نبردند. روسیان در آن هنگام که بخشی از آلمان را در تصرف داشتند، بسیاری از ذخایر فرهنگی این کشور را انتقال دادند، اما در سال‌های دهه‌ی پنجاه آن‌ها را به آلمان بازگرداندند. بروکلن که در سال ۱۹۵۳ برای بار دوم در کسوت استاد ممتاز بازنشسته شد، در سال ۱۹۵۵ بر اثر سرماخوردگی، در حالی که سرگرم کار روی کتاب نحو عبری بود، درگذشت.

کتابنامه

مقدمه با استفاده از منابع زیر نوشته شده است:

- Archiv F. Or. XVIII. pp. 226-227.
- *Oriens*, vol. 27-28 (1981).

- مقاله‌ای زیر عنوان:

Autobiographische Aufzeichnungen und Erinnerungen von Carl Brockelmann: als Manuskript herausgegeben von Rudolf Sellheim. 1-65 pp.

- عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین. بیروت ۱۹۸۴. صص ۵۷-۶۶.
- در ضمن نك. به مقاله‌ی مفصل یوهان فوک (Johann Fück) که در اساس از یادداشت‌های بروکلن (در *Oriens* که در بالا از آن یاد شده است، به چاپ رسیده است) بهره گرفته است:

Johann Fück: *Ges. - Sprachw.* 7, 4 / 1958 / 857-876. Martin-Luther - Universität, Halle - Wittenberg.

مقدمه

۱ ادبیات به معنای وسیع آن شامل همه‌ی چیزهایی می‌شود که انسان در قالب زبان ریخته است تا آن‌ها را به حافظه بسپارد؛ از این رو آ. بوک^۱ تمایل داشت که سنگ‌نبشته‌های یک قوم را نیز بخشی از قلمرو ادبیات آن قوم به شمار آورد. هنگامی که تاریخ زبانِ مرده‌ای بر پایه‌ی شمار معینی از آثار ساخته می‌شود، سندها، نامه‌ها و چیزهایی از این دست را نیز جزئی از ادبیات این زبان می‌شمرند. اما وقتی سخن از زبانی می‌رود که مانند زبان عربی غنای زیاد دارد، آنگاه از فرآورده‌های آن تنها چیزهایی ادبیات نامیده می‌شوند که از همان آغاز متوجه محفل بزرگ‌تری از شنوندگان و خوانندگان‌اند؛ به این قصد که بر خلق و خوی آنان تأثیر بنهند یا بر معرفت‌شان بیفزایند. در نزد قوم‌های فرهنگی مدرن، این فرآورده‌ها چنان انبوه می‌گردند که تاریخ‌نگار ادبی ناچار است کار خود را به شعر محدود کند.

1. A. Boeckh

zu.s.1 به طور کلی در نزد قوم‌های فرهنگی مدرن فقط
 فرآورده‌های شعر در گسترده‌ترین معنی آن، ادبیات نامیده
 می‌شوند. همان‌گونه که علم ادب کلاسیک زیر عنوان
 ادبیات، آثار هنر بلاغت را همراه با آثار معرفت‌گرد می‌آورد، و. شرر^۱ نیز
 می‌خواست تاریخ علوم را وارد حوزه‌ی پژوهش تاریخی-ادبی بکند،
 لیکن تنوع بی‌نهایت زندگی مدرن چنین پژوهشی را ناممکن می‌سازد. با
 این‌همه اگر می‌خواستیم چنین محدودیتی را بر تاریخ ادبیات عربی
 تحمیل کنیم، این تاریخ ناکامل می‌گردید.

اما شعر عربی برای تکامل فرهنگ بشری آن اندازه اهمیت
 ندارد که اثربخشی دانشمندان عربی‌نویس برای برکشیدن¹
 علم اهمیت دارد، زیرا زبان عربی محدود به ملتی واحد
 نمی‌شد بلکه در محیطی وسیع که اسلام در آن نفوذ کرده بود، از
 کرانه‌های پونتوس^۲ گرفته تا زنگبار؛ از فاس و تمبوکتو^۳ گرفته تا کاشغر و
 جزایر سوندا، وسیله‌ی تمامی فرهنگ و آموزش گردید و در دوره‌های
 بعد بود که این نقش را تا حدی به زبان‌های ملی واگذار
 کرد. از این‌رو تاریخ‌نگار ادبیات عربی باید همه‌ی این²
 پدیده‌ها را وارد قلمرو کار خود سازد و نمی‌تواند کار خود
 را به هنر بلاغت به معنای تنگ آن محدود سازد، مگر در دوران جدید
 که جهان اسلامی نیز به گونه‌ای فزاینده با فرهنگ اروپایی شباهت
 می‌یابد.

1. W. Scherer, *Kleine Schriften* II, 70.

2. Pontus

3. Timbuktu

چون در این کتاب به ادبیات عربی فقط به عنوان شکل تجلی فرهنگ اسلامی نگریسته می‌شود، از این رو تمامی نوشته‌های عربی مسیحیان و یهودیان که فقط به همکیشان‌شان اختصاص یافته است، از قلمرو کار ما خارج می‌گردد. از این گذشته، حجم بسیار زیاد موضوع این کتاب ما را وامی‌دارد که به طور عمده، به کتاب‌های موجود توجه کنیم و از انبوه عظیم کتاب‌های ازدست‌رفته و آن کتاب‌هایی که فقط از راه نقل قول بر ما شناخته شده‌اند، آن‌هایی را بریکشیم که بر مسیر تکامل ادبیات، به گونه‌ای تعیین‌کننده، اثر نهاده‌اند.

علم ادبیات به معنی بالا^۱ می‌خواهد سنت نوشتاری یک قوم را به عنوان عنصری از تمامی فرهنگ آن قوم بفهمد، همچنان‌که می‌کوشد هر اثر را از خلال خصوصیت پدیدآورنده‌ی آن و تأثیرهای محیط زندگی‌اش درک کند. بدین ترتیب، امروزه فقط می‌توان درباره‌ی حوزه‌های پراکنده‌ی ادبیات عربی به کار پرداخت، همان‌گونه که گلدزیه‌ر راجع به علم حدیث عمل کرده است. اما اگر کسی بخواهد 3 به معرفی تمامی این موضوع بپردازد، باید کار خود را به زندگی ظاهری ادبیات، همان‌سان که در سرنوشت نویسندگان و کتاب‌های‌شان تجلی می‌یابد، محدود سازد تا بدین وسیله بتواند زمینه‌های شناخت بعدی نمو و زوال آن را فراهم آورد.

۱. نك.:

- B. Ten Brink, *Über die Aufgabe der Literatur-geschichte, Rectoratsrede*, Strassburg 1891. - تن‌برینک
- E. Elster, *Die Aufgabe der Literaturgeschichte, Akademische Antrittsrede*. Halle 1894. - الستر
- Horst Oppel, *Die Literaturwissenschaft in der Gegenwart, Methodologie und Wissenschaftslehre*, Stuttgart 1939. - هورست اوپل

zu.s.2 ولی اگر نخواستہ باشیم حجم کتاب حاضر افزایشی نامحدود پیدا کند، لازم می‌آید که این موضوع گسترده را محدود سازیم. کتاب‌های مسیحیان و یهودیان^۱ که عربی را فقط به سود اعتقادات‌شان به کار گرفتند، از حوزه‌ی بررسی ما خارج می‌شوند. اما در عین حال، شاعران و ادیبانی که کتاب‌های‌شان فقط خطاب به همکیشان‌شان نبوده است، باید در این کتاب جای خود را بیابند.

فعالیت ادبی در دوران قرون وسطا در هیچ کجا مانند حوزه‌ی فرهنگ اسلامی این چنین پرتحرک نبوده است. و در نتیجه، ناگزیر شمار بسیار زیادی از فرآورده‌های این تحرک به سرعت به فراموشی سپرده شده‌اند و به دست ما نرسیده‌اند. البته اغلب، نگهداری و ازدست‌دادن یک اثر به شرایط اتفاقی بستگی دارد. کتاب‌های علمی، به ویژه دینی که زمانی تأثیر بسزایی داشته‌اند، اغلب از سوی مخالفان نگرش‌هایی که در آن‌ها ارائه شده است، به شدت سرکوب شده‌اند. به هر حال، هر جا که اطلاعی از این کتاب‌ها به ما رسیده است، باید مورد توجه قرار بگیرد. برعکس، در عهده‌ی ما نیست که در این جا از سلسله‌ی پایان‌ناپذیر کتاب‌های گمشده یاد کنیم که در کتاب‌های تاریخ ادبی مسلمانان نیز فقط نامی از آن‌ها بر جا مانده است.

از پایان قرن نوزدهم، جهان عرب‌زبان نزدیکی بیشتری با حوزه‌ی فرهنگ اروپایی یافته است. در نتیجه، روزبه‌روز نگارش‌های فزاینده‌ای پدید آمده است که هدف آن‌ها گشودن جهان فکری اروپایی، دستاوردهای علمی و فنی اروپا از راه ترجمه، پرداخت یا نگارش‌های

1. M. Steinschneider, *Die Arabische Literatur der Juden*, Frankfurt a/Main 1902.

مستقل به روی عربان است. از این رو، این نگارش‌ها خارج از چارچوب کتاب ما قرار می‌گیرد که باید برای ربع آخر قرن نوزدهم و برای قرن بیستم، چنان‌که نزد ملت‌های فرهنگی مدرن اروپایی رسم است، محدود به شعر در گسترده‌ترین معنای آن گردد و خارج از حوزه‌ی آن تنها کتاب‌هایی را که دارای اهمیت ادبی برجسته‌ای هستند، مورد توجه قرار دهد.

موقعیت کنونی علم ادبِ عربی این امکان را به دست نمی‌دهد که بتوان تاریخ ادبیات عربی را در چارچوب علم ادبیاتِ مدرن^۱ تدوین کرد. البته هدف‌گیری تاریخ ادبیاتِ مدرن، دست‌کم در آلمان، در ارتباط با تکامل خودِ ادبیات، همواره تغییر یافته و از نو تعریف شده است. در حالی که نسل گذشته زیر تأثیر رمانتیسم، تکامل ادبیات را همچون جریان تکاملی فی‌نفسه هدفمندی می‌دانست، ولی تن^۲ به تأثیر محیط بر

۱. نك:.

- E. Elster, *Prinzipien der Literaturwissenschaft*,
2 Bde., 1897-1911. – الستر
- J. Petersen, *Literaturgeschichte als Wissenschaft* 1914. – پترسن
- R. Unger, *Literaturgeschichte als Problemgeschichte*,
Schriften der Königsberger Gesellsch.
I Berlin 1924. – اونگر
- H. Cysarz, *Literaturgeschichte als Geisteswissenschaft*,
Halle 1926. – سیزارتس
- E. Ermatinger, *Das dichterische Kunstwerk*, 2. Aufl. 1923 – ارماتینگر
- — (hsg.), *Philosophie der Literaturwissenschaft*.
Berlin 1930. —
- O. Walzel, *Das Wortkunstwerk* 1926. – والتسل
- —, *Gehalt and Gestalt im kunstwerk des Dichters*,
Berlin 1929 (Handbuch der Literaturwiss.) —
- 2. Taine

زندگی نویسنده توجه داد که می‌بایست کوشش می‌شد حد و مرز آن در برابر تأثیر استعداد خاص او در کار آفرینش ادبی اش مشخص گردد. سرانجام در بحث راجع به آثار شاعران، و متفکران نظر بر این شد که تمامی تکامل زندگی معنوی مشاهده‌شدنی در این آثار به صورت مرتبط و به هم پیوسته درک گردد و نیروهای مؤثر در آن‌ها نشان داده شود. اما این کار تنها بر اساس پژوهش‌های موردی گسترده و با جزئیات رده‌بندی شده ممکن می‌شود؛ همچنان که این امر در مورد قلمرو فرهنگ اسلامی تاکنون فقط در زمینه‌ی مذهب انجام شده است. اگر قرار باشد که کتاب حاضر این کارها را برای خود ثمربخش گرداند، نمی‌تواند از عهده‌ی پژوهش‌موردی در همه‌ی زمینه‌ها برآید؛ بلکه باید برای چنین پژوهشی، مواد لازم را در قلمرو زندگی‌نامه و کتاب‌شناسی آماده سازد و بدین وسیله، زمینه را برای شناخت آتی زندگی درونی ادبیات عربی فراهم آورد تا شاید نسل بعدی بتواند هدف‌های تازه‌ای، وراسوی جهت غالب کنونی عرضه کند که جهت تاریخی - معنوی نام گرفته است.^۱

۱. آنگاه چنین کاری باید یک تاریخ ادبی (Histoire Littéraire) باشد و نه یک تاریخ ادبیات (Histoire de Literature) به مفهومی که برونیتیر (Brunetières) و نیزار (Nisard) به کار می‌برند.

منابع و کتاب‌های پیشین تاریخ ادبیات عربی

مهم‌ترین منابع درباره‌ی زندگی نامه‌ها و کتاب‌شناسی‌ها در تمامی موضوع مورد بحث، صرف‌نظر از تک‌نگاری‌هایی که در جای خود یاد می‌شوند، در زیر می‌آیند.

3 zu.s.3 در این جا نخست فقط منابع کلی، به ویژه برای جلد اول برشمرده می‌شوند؛ در حالی که تک‌نگاری‌ها در جای خود یاد می‌شوند.

3 ۱.۲. زندگی‌نامه‌ها

۱.۱.۲. * ابن خلکان = ابن خلکان. وفيات الاعیان. بولاق ۱۲۹۹ هـ.

۲.۱.۲. ابن خلکان، ویراسته‌ی ووستنفلد:

b.Hall** = Vitae illustrium virorum, ed'. F. Wüstenfeld, Gottingen 1835-40.

* نشانه‌ی اختصاری از مترجم فارسی است. برای هر منبع، نشانه‌ای خاص تعیین شده است که بسته به مورد با نشانه‌های بروکلین تطبیق می‌کند. م.
 ** نشانه‌ی اختصاری از بروکلین. م.

۳.۱.۲. ابن خلکان، ترجمه‌ی انگلیسی توسط دوسلین:

Ibn Khalikans biographical Dictionary translated from Arabic, by MacGuckin de Slan, 4 Bde. Paris – London 1843-71.

۴.۱.۲. فوات = محمد بن شاکر الکتبی. فوات الوفیات. ۲ ج بولاق ۱۲۹۹ هـ.
zu.s.3 ۵.۱.۲. یاقوت، ارشاد = یاقوت الرومی. ارشاد الارب الی معرفة الادیب [معروف به معجم الادباء]
تصحیح مارگولیوئث:

The Irshad al-Arib ila ma'rifat al-Adib or Dictionary of learned Men by Yāqut ed. by D.S.Margoliouth, vol. I-VII, Leyden 1907-26 (E.J.W. Gibb Memorial vol. VI)

چاپ دوم:

Second edition vol. I, 1923, II, 1925, V. 1929, VI, 1931.

۲.۲. کتاب‌شناسی‌ها

۱.۲.۲. ابن ندیم، فهرست = کتاب الفهرست. فلوگل که پس از مرگ او توسط رودیگر و مولر در دو جلد در لایپزیگ در ۱۸۷۱-۱۸۷۲ م. به انجام رسید:

Fih. = kitab al-Fihrist, hsgb. von G. Flügel, besorgt von. J. Rödiger und A. Müller, 2Bde. Leipzig 1871-2.

۲.۲.۲. حاجی خلیفه = حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی. کشف الظنون، ویراسته‌ی فلوگل. ۷ ج لایپزیگ و لندن ۱۸۳۵ - ۱۸۵۸ م. در ج ۷

H.H. = Lexicon bibliographicum et encyclopaedicum a Mustapha ben Abdallah Katib Jelebi dicto et nomino Haji Khalfa celebrato compositum, ed. latine vertit et commentario indisibusque instruxit G. Flügel, Leipzig – London 1835-58, 7 Bde. Keşfel-Zunun, Brinici Cilt, Katib Çelebi elde mercut yazma ve basma nüshaları ve zeyilleri gözden geçirilerek, müellifin elyazisiyle olan nüshaya göre fozlaları çıkarılmak, eksikleri tamamlanmak suretiyle Maarif Vekilliğin kararı üzerine İstanbul Üniversite – sinde Ord. Prof. Şerefettin Yaltkaya ile Lektör Kilisli Rifat Bilge tarafından hazırlanmıştır, Maarif Matblaası 1941.

۳.۲.۲. الیس = فهرست کتاب‌های عربی در موزهی بریتانیا در ۳ ج. ۱۸۹۴ م، ۱۹۰۱ م، ۱۹۳۸ م:

Ellis A.G. = Catalogue of Arabic Books in the British Museum, London I 1894, II 1901, III Indexes by A.S.Fulton 1938.

۴.۲.۲. اویتینگ = فهرست کتاب‌های عربی در کتابخانه‌های دانشگاهی و ایالتی پادشاهی. استراسبورگ ۱۸۷۷ م:

Euting J. = Katalog der Kaiserlichen Universitäts – und Landesbibliothek in Strassburg, Arabische Literatur. Strassburg 1877.

۵.۲.۲. **B.O** = کتاب‌شناسی شرقی در ۲ ج. لایپزیگ ۱۸۴۶ م، ۱۸۶۱ م:

B.O = Zenker J. Th., Bibliotheca orientalis, Manuel de bibliographie orientale. 2 Bde. Leipzig 1846, 1861.

۶.۲.۲. هرمان = فهرست کتاب‌های شرقی که در سال‌های ۱۸۵۰ – ۱۸۶۸ در آلمان به چاپ رسیده است. هاله ۱۸۷۰ م:

Herm. = Herrmann C.H., Bibliotheca orientalis et linguistica, Ver-zeichnis der vom jahre 1850 bis incl. 1868 in Deutschland erschienenen Bücher, Schriften und Abhandlungen orientalischer und sprachvergleichender Literatur, Halle a.S 1870.

۷.۲.۲. فریدریسی = فهرست کامل کلیه‌ی کتاب‌های چاپ‌شده در آلمان، فرانسه، انگلستان و مستعمرات در سال‌های ۱۸۷۶ – ۱۸۸۳ م. لایپزیگ ۱۸۷۷-۱۸۸۴ م:

Fried. = Friedrici, K., Bibliotheca orientalis oder vollständige Liste aller 1876-83 in Deutschland, Frankreich, England und den Kolonien erschienen Bücher usw, Leipzig 1877-84.

۸.۲.۲. **L.BL.** = نامه‌ی ادبی برای زبان‌شناسی شرقی. لایپزیگ ۱۸۸۳ – ۱۸۸۸ م:

L.BL. = Literaturblatt für orientalische Philologie, hsgb. von E. Kuhn, Leipzig 1883-8.

۹.۲.۲. شوون = کتاب‌شناسی کتاب‌های عربی یا مربوط به عربان، نشریافته در اروپای مسیحی از ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ م: zu.s.3

Chauvin, Victor. = Bibliographie des ouvrages arabes ou relatif aux Arabes, publiés dans l'Europe chrétienne de 1880 à 1885. I. Préface, Table de Schnurrer, Les Proverbes. Liège 1892. II Kalilah 1897. III Loqmâne et les fabulistes, Barlaam. Antar et les romans de chevalerie, 1898. IV-VII, Les Milles et Une Nuits. 1900, 1902. VIII Syntipas 1904. IX Pier Alphonse, Secundus, Recueils orientaux, Tables de Henning et de Mardus. Contes occidentaux. Les maqâmes 1905. X Le Cor'an et la tradition 1907. XI Mahomet 1909. XII, Le Mahométisme 1922.

۱۰.۲.۲. **DMG** = فهرست کتابخانه‌ی انجمن شرقی آلمان. لایپزیگ ۱۹۰۰ م:

DMG = katalog der Bibliothek der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, I, Drucke, 2. Aufl. Leipzig 1900.

۱۱.۲.۲. فولتن، الیس = فهرست تکمیلی کتاب‌های چاپ‌شده‌ی عربی در موزه‌ی بریتانیا، ۱۹۲۶ م:

Fulton, A.S. and Ellis, A.G. = Supplementary Catalogue of Arabic Printed Books in the British Museum. London 1926.

۱۲.۲.۲. لامبرشت = فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی زبان‌های زنده‌ی شرقی. پاریس ۱۸۹۷ م:

Lambrecht, E. = Catalogue de la bibliothèque de l'école des langues orientales vivantes. I. Paris 1897 (Publ. de l'école des lang. or. viv. série VI. t. I).

۱۳.۲.۲. فان دایک = فان دایک، ادوارد [Ed. Van Dyck]. اکتفاء القنوع بما هو مطبوع من اشهرالتألیف العربیة فی المطابع الشرقیة و الغربیة، قاهره، ۱۳۴۶ / ۱۹۲۸.

۱۴.۲.۲. سرکیس، معجم = سرکیس، یوسف‌الیان. معجم‌المطبوعات العربیة و المعربیة. قاهره ۱۳۴۶-۱۳۴۹ / ۱۹۲۸-۱۹۳۰.

۱۵.۲.۲. سرکیس، جامع = سرکیس، یوسف‌الیان. جامع‌التصانیف الحدیثه. قاهره ۱۹۲۹ م و بعد.

۱۶.۲.۲. شنب-پروونسال = محمدبن شنب و لوی-پروونسال. فهرست تاریخی انتشارات فاس. الجزایر ۱۹۲۱ م:

M. Ben Cheneb et E. Levi-Provencal, Essai de répertoire chronologique des éditions de Pez. Alger 1921 (Extr. de la Revue Africaine).

۱۷.۲.۲. گابریلی = کتاب‌شناسی اسلامی از گابریلی. رم ۱۹۱۶ م:

Gabrieli, G., Manuale di bibliografia musulmana, I, Bibliografia generale (Manuali coloniali I) Roma 1916.

۱۸.۲.۲. فان‌مولر = کتاب ادبیات اسلام از فان‌مولر. برلین - لایپزیگ. ۱۹۲۳ م:

Pfannmüller, G., Handbuch der Islam-literatur, Berlin - Leipzig 1923.

۱۹.۲.۲. 4 **O.B.** = کتاب‌شناسی شرقی. برلین ۱۸۸۷ م به بعد:

O.B = Orientalische Bibliographie, begründet von A. Müller, hsgb, von L. Scherman, Berlin, 1887 ff.

۳.۲. فهرست‌های نسخه‌های خطی 4, 5, 6

و
zu.s.4
مهم‌ترین منابع هستند که در زیر فقط مشخصات آن‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به ترتیب الفبایی^۱ یاد می‌گردد. گابریلی فهرست کاملی از آن‌ها را تا سال ۱۹۱۶ م. در جای خود معرفی می‌کند.

۱.۳.۲. اسکندریه = فهرست مخطوطات المكتبة البلدية فی الاسكندرية به قلم احمد ابوعلی الامین الوطنی ج ۱-۶. اسکندریه ۱۹۲۶-۱۹۲۹ م: (نک. مجله‌ی لغة العرب ج ۷. صص ۸۰۱-۸۰۸، در دسترس من نبود): و همچنین نک. مقاله‌ی کراچکوفسکی:

Alexandria = Kratchkovsky. I., Zap. vost. otd. XXII. 1/30.

۲.۳.۲. الجزایر = فهرست کلی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های عمومی فرانسه در الجزایر از فانیان. پاریس ۱۸۹۳ م:

۱. این فهرست به سبک خود بروکلین به ترتیب الفبای لاتین آمده است. م.

Alger = Catalogue général des manuscrits des bibliothèques publiques de France, Départments. Tome XVIII, Alger. par E.Fagnan. Paris 1893.

۳.۳.۲ الجزایر، مسجد کبیر = فهرست نسخه‌های نگهداری شده در کتابخانه‌های اصلی الجزایر، مسجد کبیر، از محمد بن شنب. الجزیره ۱۹۰۹ م:

Alger Gr.M. = Catalogue des mss. Conservés dans les principales bibliothèques Algériennes, Grande Mosquée d'Alger, par M. Ben Cheneb. Alger 1909.

۴.۳.۲ علیگره = فهرست نسخ قلمی (عربی، فارسی، اردو)، دانشگاه اسلامی، علیگره، تنظیم سید کامل حسین. علیگره ۱۹۳۰ م:

Aligarh = Fihrist Nusah qalami ('Arabi, Farsi wa Urdu), Moslem University Aligarh. Murattibuh Saiyid Kāmil Ḥusain, 'Aligarh 1930.

۵.۳.۲ امروزیانای اول = فهرست نسخه‌های خطی عربستان جنوبی در میلان. اثر گریفینی ۱۹۰۸ م، ۱۹۱۰ م:

Ambros = Griffini. E., I Manoscritti Sudarabici di Milano (Estr. d. Riv. d. Studii Or. II, III) Roma 1908, 1910.

فهرست نسخه‌های خطی عربی مخزن تازه‌ی کتابخانه‌ی امروزیانای میلان:

Lista dei mss. Arabici, nuovo fondo della Biblioteca Ambrosiana di Milano, Riv. St. Or III 253-278, 571-594, 901-921, IV 97-106, 1021-48, VI, 1283-1316, VII, 565-628, VIII, 51-130, 241-357;

امروزیانای دوم = همو، تازه‌ترین مجموعه‌ی نسخه‌های خطی عربی امروزیانا:

Die jüngste ambrosianische Sammlung ar. Hdss. ZDMG 69, 63-88.

۶.۳.۲ آصفیه = فهرست کتب عربی، فارسی و اردو، مخزنه‌ی کتبخانه‌ی آصفیه سرکار عالی. حیدرآباد ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۴۷ هـ:

Āsaf. = Fihrist Kutub 'Arabi Farsi wa Urdu maḥẓūna i kutubhāna i Āṣafīya Sarkari 'Āli, Haiderabad I, 1332 h / 1323 f, II, 1333 h / 1324 f, III, 1347 h / 1338 f.

- ۷.۳.۲. ایاصوفیه = دفتری کتبخانه‌ی ایاصوفیه. استانبول ۱۳۰۴ ه: ^۱
- AS = Defteri Kütübḥāne'i Aya Sofia, Stambul 1304.
- ۸.۳.۲. اسعد افندی = دفتری کتبخانه‌ی اسعد افندی. استانبول بی تا:.
- As'ad Ef. Defteri Kütübḥāne'i As'ad Ef., Stambul O. J.
- ۹.۳.۲. انجمن آسیایی = فهرست مؤلفان در مجموعه‌ی نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی حیدرآباد. کلکته ۱۹۱۳ م:

۱. درباره‌ی کتابخانه‌های استانبول نک. به اطلاعاتی که یوزف شاخست در مجله‌ی سامی‌شناسی V. صص ۲۸۸-۲۹۹؛ VIII، ص ۱۲۰ می‌دهد، ولی دیگر از دقت کامل برخوردار نیست.

J. Schacht, ZS V, 288-299, VIII, 120.

همچنین نک. ریتز. مجله‌ی اسلام:

H. Ritter, Isl. 18, 55. n. 1

همچنین نک. فهرست کتاب‌های هاراسوویتس. لایپزیگ ۱۹۰۰ م:

Harrassowitz Bücherverz. Leipzig 1900, Nr. 252, S. 844

همچنین نک. رشر در مجله‌ی انجمن شرق‌شناسی آلمان:

O. Rescher in ZDMG 64. 194 ff.

و گزارش‌های سمینار زبان‌های شرقی در برلین:

MSOS XIV, ii, 163 ff, XV, I ff.,

و مجله‌ی مطالعات شرقی:

RSO IV, 695 ff,

و مجموعه‌ی دانشکده‌ی شرق‌شناسی بیروت:

MFOB V, 498 ff,

و ریتز. فیلولوژیکا در مجله‌ی اسلام:

H. Ritter, Philologica I-VIII in *Islam* XVII (1928) 15 ff, XVIII, 34 ff, XIX, 1 ff, XXI, 84 ff.

و شاخست. رسالات آکادمی پروس:

J. Schacht, *Abh. der Preuss. Ak.* 1928, phil. - hist. Kl. No. 81, 1931. No.1.

همچنین نک. هووارد. مواد اولیه برای مطالعه‌ی کتابخانه‌ها و بایگانی‌های استانبول:

Harry N. Howard, *Preliminary Materials for a Survey of the Libraries and Archives of Istanbul* JAOS 1939, 227-46.

فهرست یادشده در بالا فقط شامل فهرست‌هایی است که اغلب به آن‌ها استناد می‌شود.

As.Soc. = Author - Catalogue of the Haiderabad Collection of Mss. and printed Books, Calcutta 1913.

۱۰.۳.۲. انجمن آسیایی بنگال = فهرست کتاب‌های عربی و نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ی انجمن آسیایی بنگال، گردآوری شده توسط شمس‌العلماء میرزا اشرف علی. کلکته ۱۹۰۵ م. فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی تهیه شده به نام حکومت هندوستان توسط انجمن آسیایی بنگال در سال‌های ۱۹۰۳ - ۱۹۰۷ همان‌جا ۱۹۰۸ م:

As. Soc. Beng. = Catalogue of the Arabic Books and Mss. in the Library of the Asiatic Society of Bengal; compiled by Shams-ul-'ulamā Mirzā Ashraf 'Alī, Calcutta 1905. List of Arabic and Pers. Mss. acquired on behalf of the Government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1903-7, eb. 1908.

۱۱.۳.۲. عاطف افندی = دفتری کتبخانه‌ی عاطف افندی. استانبول ۱۳۱۰ م:
'Atif Ef. = Defteri K. 'Ā. Stambul. 1310.
۱۲.۳.۲. تیمور = احمد تیمور در مجلة المجمع العلمی بدمشق III، ۳۳۷ - ۳۴۴، ۳۶۰ - ۳۶۶ (همچنین: عیسی اسکندر معلوف. خزائن الكتب العربية من نقائس الخزانة التیمورية. همان‌جا)، و در: المقتبس VII، ۳۴۷ به بعد:

Taimur = ...

۱۳.۳.۲. بیروت = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی شرقی دانشگاه سن‌ژوزف، نک. *MFOB* ج ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، از لویی‌س شیخو:

Bairut = Cheikho, L., Catalogue raisonné des mss. ar. la Eibliothèque orientale de l'Université de St. Josef in *MFOB*. VI, VII, VIII, X, XI, XIV.

۱۴.۳.۲. دانشگاه آمریکایی بیروت = مخطوطات الخزانة المعلوفیه فی الجامعة الامریکیة (کتابخانه‌ی عیسی اسکندر معلوف). بیروت، مطبعة الادبية ۱۹۲۶ م.

Bairut = ...

۱۵.۳.۲. بانگیپور = فهرست نسخه‌های عربی از مولوی عبدالحمید، پاتنه، ۱۹۱۸ م [فهرست دستی کتب قلمی لیبراری موقوفه‌ی خان‌بهادر خدابخش موسوم به مفتاح‌الخلیفة، تدوین از مولوی عبدالحمید، پاتنه ۱۹۱۸-۱۹۲۲].
فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی در کتابخانه‌ی عمومی شرقی در

بانکیپور IV، آثار طبی، ۱۹۱۰ م؛ V، سنت؛ VII، تاریخ هند؛ IX، علم ادب و علوم؛ X، الهیات؛ XII، زندگی‌نامه؛ XIII، تصوف؛ XIV، قرآن؛ XV، تاریخ؛ XVIII، علوم قرآنی؛ XIX، پیوست ۱ اصول فقه و ۲ قانون ارث؛ XX، علم ادب ۱۹۳۶ م؛ XXI، دایرة‌المعارف، منطق، فلسفه و جدل، ۱۹۳۶؛ XXII، علم ۱۹۳۷ م؛ XXIII، شعر ۱۹۳۹ م؛

Bankipur = B. arabic Handlist by M. Abdulhamid, Patna. 1918. Catalogue of the Ar. and Pers. Mss. in the Oriental Public Library at bankipore, vol IV, Medical Works, 1910; V, Tradition; VII, Indian History; IX, Philology and Sciences; X, Theology; XII, Biography; XIII, Sufism; XIV, Qoran; XV, History; XVIII, Qoranic Science; XIX, Supplement to I, II (1, Principles of Jurisprudenc, and Jurisprudence 1931, 2. Law of Inheritance 1933); XX, Philology 1936; XXI, Encyclopaedia, Logic, Philosophy and Dialectics, 1936; XXII, Science 1937, XXIII, Poetry and Elegant Prose 1939.

۱۶.۳.۲. باتاویا = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی انجمن فنون در باتاویا، هلند، از فان‌دن‌برگ. ۱۸۷۳ م. پیوست فهرست نسخه‌های خطی عربی، نگهداری‌شده در موزه‌ی انجمن علوم و فنون باتاویا از فان‌رونکل ۱۹۱۳ م؛

Batavia = Friedrich, Codicum arabicorum in Bibliotheca Societatis Artium quae Bataviae floret asservatorum catalogus, absolvit indicibusque instruxit L.W.C. van den Berg, Bataviae et Hagae 1873. Supplement to the Catalogue of the Arabic Mss. preserved in the Museum of the Batavia Society of Arts and Sciences by Th. S. van Ronkel. Batavia - The Hague, 1913.

۱۷.۳.۲. بایزید = دفتری کتبخانه‌ی بایزید. استانبول ۱۳۰۴ هـ؛

Bayezid = Deft. K.B., Stambul, 1304.

۱۸.۳.۲. برلین = فهرست آلوارت درباره‌ی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌ی سلطنتی برلین ج ۱-۱۰، برلین ۱۸۸۷-۱۸۹۹ م (فهرست‌های دست‌نوشته‌ی کتابخانه‌ی سلطنتی برلین، ج ۷ به بعد)؛

۱. درباره‌ی کتابخانه‌های هند نک: هاشم الندوی. تذکرة النوادر من المخطوطات العربية. حیدرآباد ۱۳۵۰ هـ.

Berl. = Ahlwardt, W., Verzeichnis der ar. Hdss. der Kgl. Bibliothek zu Berlin, Bd. 1-10, 1887-1899 (Die Handschriften verzeichnisse der Kgl. Bibliothek in Berlin, Bd. 7 ff).

۱۹.۳.۲ بشیر آغا = دفتری کتبخانه‌ی بشیر آغا. استانبول. بی‌تا:

Bašir Āga = Deft. K.B.A. Stambul O.J.

۲۰.۳.۲ بودلیان = فهرست نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی بودلیان، ۱۷۸۷، ۱۸۲۱، ۱۸۳۵ م:

Bodl. = Bibliothecae Bodleianae. codd. mss. or. catalogus, pars I a Jo. Uri, Oxoniae 1787, pars II. vol. I ab Alex. Nicoll, Oxon. 1821, vol. II ab E. B. Pusey, Oxon. 1835. (H.G. Farmer, Arab. Musical Mss. in the Bodl. Library, *JRAS* 1925, 639-654).

۲۱.۳.۲ بولونیا - مارسیلی = ملاحظات درباره‌ی نسخه‌های خطی شرقی مجموعه‌ی مارسیلی در بولونیا از روزن، ۱۸۸۵ م:

Bol-Mars. = Rosen, V., Remarques sur les mss. or. de la Collection Marsigli à Bologne, suivies de la liste complète des mss. ar. de la même coll. (Atti d. R. Acc. dei Lincei Ser. 5, vol. XIII. Roma 1885).

۲۲.۳.۲ بمبئی = فهرست نسخه‌های عربی، هندی، فارسی و ترکی کتابخانه‌ی ملا فیروز از ریختسک، بمبئی ۱۸۷۳ م:

Bombay = Rehatsek, A., Catalogue raisonné of the ar. hind. pers. and turk. Mss. of the Molla Firuz Library, Bombay 1873.

۲۳.۳.۲ دانشگاه بمبئی = فهرست توصیفی نسخه‌های عربی، فارسی و اردو در کتابخانه‌ی دانشگاه بمبئی از خان بهادر شیخ عبدالقادر سرفراز. بمبئی ۱۹۳۵ م:

Bombay Un. = A descriptive Catalogue of the Arabic, Persian and Urdu Mss. in the Library of the University of Bombay by Khan Bahadur Schaikh Abdu'l Kādir-e-Sarfarāz, Bombay 1935.

۲۴.۳.۲ بن = فهرست نسخه‌های کتابخانه‌های دانشگاه بن از گیلدماستر، بن ۱۸۷۴ م:

Bonn = Gildemeister, J., Catalogus librorum Mss. in Bibliotheca Academica Bonnensi, Bonnae 1874.

۲۵.۳.۲. **برسلاو** = فهرست نسخه‌های خطی عربی، فارسی، ترکی و عبری کتابخانه‌ی شهر برسلاو از بروکلمن، برسلاو ۱۹۰۰ م:

Breslau St. = C. Brockelmann, Verzeichnis der ar. pers. türk. and hebr. Hdss, der Stadtbibliothek zu Breslau, Breslau 1900. Breslau Un: G. Richter, Verzeichnis der orientalischen Hdss. (Staats - und Universitäts - bibliothek Breslau). Leipzig 1933.

۲۶.۳.۲. **موزه‌ی بریتانیا** = فهرست نسخه‌های خطی نگهداری‌شده در موزه‌ی بریتانیا. بخش دو، ۳ ج، لندن ۱۸۴۶-۱۸۷۹ م:

Br. Mus. = Catalogus codd. mss. qui in Museo Britannico asservantur, pars II, codd. ar. amplectens, 3 vol. London 1846-79.

۲۷.۳.۲. **پیوست موزه‌ی بریتانیا** = پیوست فهرست نسخه‌های خطی عربی در موزه‌ی بریتانیا از ریو. لندن ۱۸۹۴ م:

Br. Mus. Supl. (BMS) = Rieu, Ch., Supplement to the Catalogue of the Arabic Mss. in the British Museum, London 1894.

۲۸.۳.۲. **فهرست توصیفی موزه‌ی بریتانیا** = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی عربی تهیه‌شده توسط امنای موزه‌ی بریتانیا از ۱۸۹۴ م، تألیف الیس و ادواردز، لندن ۱۹۱۲ م:

Br. Mus. DL. = A descriptive List of the Arabic Mss. acquired by the Trustees of the British Museum since 1894, Composed by A.G. Ellis and Edward Edwards, London 1912.

۲۹.۳.۲. **بریل** = فهرست مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی عربی و ترکی متعلق به خانه‌ی بریل در لیدن از هوتسما. لیدن ۱۸۸۶ م، چاپ دوم با افزایش ۱۸۸۹ م (فهرست همین مجموعه است به ترتیبی دیگر و با افزودن ۴۰۳ شماره، اکنون در مجموعه‌ی گارت در پرینستن، ایالات متحده‌ی آمریکا = عنوان کوتاه‌شده در این کتاب، بریل دوم):

Brill-H. = Houtsma, M. Th., Catalogue d'une Collection de mss. ar. et turcs appartenant à la maison E.J. Brill à Leide, Leide 1882, 2. erweiterte Ausg. 1889 (in anderer Ordnung und um 403 Nr. vermehrt, Jetzt Sammlung Garrett in Princeton USA).

۳۰.۳.۲. براون = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی شرقی متعلق به مرحوم براون،

از ادوارد براون، ویراسته‌ی نیکلسن، کمبریج ۱۹۳۲ م:

Browne = A descriptive Catalogue of the Oriental Mss. belonging to the Late E.G. Browne by Edward G. Browne ed. by Reynold A. Nicholson, Cambridge 1932.

۳۱.۳.۲. بورسه = یادداشت‌هایی راجع به برخی نسخه‌های خطی عربی در

کتابخانه‌های بورسه، از شرر، *ZDMG* ج ۶۸: زوسهایم، از کتابخانه‌های آناتولی، چاپ‌شده در *Beitr. z. K. d. Orients* ج ۷:

Brussa = Rescher, O., Notizen über einige ar. Hdss. aus Brussaer Bibliotheken, *ZDMG* 68, 47-63; K. Süssheim, Aus anatolischen Bibliotheken, *Beitr. Z. Kunde des Orients*, VII 77-88.

۳۲.۳.۲. بوهار = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌های بوهار از

هدایت حسین، کلکته ۱۹۲۳ م:

Buhar = Catalogue raisonné of the Buhar Library, vol III, Catalogue of the arabic Mss. in the Buhar Library by M. Hidayat Husain, Calcutta 1923.

۳۳.۳.۲. بورخارت = فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی متعلق به مرحوم

دکتر بورخارت سیاح، با مقدمه‌ای از فیشر، لایپزیگ، ۱۹۲۲ م:

Burch. = Die ar. und pers. Hdss. aus dem Besitz des verstorbenen Reisenden Dr. Burchardt, mit einem Vorwort von A. Fischer, Leipzig, Fock, 1922.

۳۴.۳.۲. کائناتی = فهرست مجموعه‌ی نسخه‌های خطی بنیاد کائناتی برای تحقیقات

اسلامی از گابریلی، رم ۱۹۲۶ م:

Caetani = Gabrieli, La Fondazione Caetani per gli studii musulmanii, Roma 1926, S. 22-42.

۳۵.۳.۲. مدرسه‌ی کلکته = فهرست نسخه‌های عربی و فارسی مدرسه‌ی کلکته از

کمال‌الدین احمد و عبدالمقتدر، با مقدمه‌ای از دنیسن راس. کلکته ۱۹۰۵ م:

Calc. Madr. = Catalogue of the ar. and pers. Mss. in the Library of the calcutta Madrasah by Kamaluddin Ahmad and Abdul Muqtadir with an Introduction by E. Denison Ross, Calcutta 1905.

۳۶.۳.۲. **کمبریج** = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی در کتابخانه‌ی کالج ترینیتی از پالمر. کمبریج ۱۸۷۰ م:

Cambr. = Palmer, E.H. Descriptive Catalogue of the Arabic, Pers. and Turkish Mss. in the Library of Trinity College, Cambridge 1870.

۳۷.۳.۲. **کمبریج** = نسخه‌های خطی عربی و جز آن در کتابخانه‌ی کینگز کالج، همو:

Ar. etc. Mss, in the Kings College *JRAS*, NS III, 105 ff.

۳۸.۳.۲. **فهرست کمبریج** = فهرست نسخه‌های اسلامی کمبریج از براون. کمبریج ۱۹۰۰ م:

Cambr. Handl. = A Handlist of the Muhammadan Mss. of Cambridge 1900.

۳۹.۳.۲. **پیوست فهرست کمبریج** = پیوست فهرست نسخه‌های اسلامی در کتابخانه‌های دانشگاه و کالج‌های کمبریج از براون. کمبریج ۱۹۰۰ م:

Cambr. Suppl. Handl. = A supplementary Handlist of the Muhammadan Mss. Preserved in the Libraries of the University and Colleges of Cambridge by E.G. Browne, Cambridge 1922.

۴۰.۳.۲. **فهرست ایتالیا** = فهرست نسخه‌های شرقی در برخی کتابخانه‌های ایتالیا، ج. فلورانس ۱۸۷۸-۱۸۹۲ م:

Cat. = Cataloghi dei codici orientali di alcune biblioteche d'Italia, 5 fsc. Firenze 1878-1892.

۴۱.۳.۲. **خسروپاشا** = دفتری کتبخانه‌ی خسروپاشا. استانبول بی تا:

Chosrew P. = Defteri Kütübh. Ch. Pāšā. Stambul. O.J.

۴۲.۳.۲. **برلین - بریل** = رشید دحداح = بیطار. فهرست مجموعه‌ای از نسخه‌های عربی نفیس و کتاب‌های نادر. پاریس ۱۹۱۲ م. اکنون در برلین است و در این جا از آن به عنوان **برلین - بریل** یاد می‌شود:

Dahdah M-y Bitar: = Dahdah Roscheid, Catalogue d'une Collection de mss. ar. Précieux et de livres rares, Paris 1912, Jetzt in Berlin, hier zitiert: **Berl. Brill M.**

۴۳.۳.۲. **داماد ابراهیم** = دفتری کتبخانه‌ی داماد ابراهیم پاشا، استانبول ۱۳۱۲ هـ:

Damad Ibr. = Deft. K. Damad Ibrāhim Pāšā, Stambul 1312.

۴۴.۳.۲. دامادزاده = مراد ملا = دفتری کتبخانه‌ی دامادزاده قاضی‌عسگر ملامراد. استانبول ۱۳۱۱ هـ. در استانبول معمولاً مراد ملا نامیده می‌شود (ریتز) و در این جا نیز گاهی چنین خواهد آمد:

Damadz. = Deft. K. Damad Ibrahim Pāšā, Stambul 1311.

۴۵.۳.۲. دمشق = خزائن‌الکتب فی دمشق وضواحيها، اثر حبیب زیات. قاهره ۱۹۰۲ م.

۴۶.۳.۲. همچنین نك. دمشق- نقد زیات = المدافعة الوطنية فی نقد حبیب الزیات از ناصیف ابوزید الرشید الخوری. دمشق بی‌تا. [تعب: ۱۹۰۲ م] ۱۸۰ صص.

۴۷.۳.۲. دمشق، عمومی = سجل جلیل يتضمن تعليمات المكتبة العمومية فی دمشق الخ. دمشق ۱۲۹۹ هـ. کتابخانه‌ای در شام شریف در محله‌ای به نام قبه‌ی ملک‌ظاهر. حاوی کتاب‌ها و رسائل است. این دفتر مبین مقدار و انواع کتاب‌ها است.

Dam. 'Um. (Zāh.) = Šāmi šerifde Malik Zāhir Qubbesi nām mahallede te'sis u gušād olunan Kütübhāne'i 'Umūminin hāwī Olduğu bil-ğümle kütüb u resā'ilin miqdār we'enwā'ini mübeiyin defterdir. Dimaşg 1299.

۴۸.۳.۲. درسدن = فلاشر. فهرست نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی درسدن. لایپزیگ ۱۸۳۱ م:

Dresd. = Fleischer. H. L. Catalogus codd. mss. or. in Bibliotheca Regia Dresdensi, Lipsiae 1831.

۴۹.۳.۲. جلفا = نسخه‌های خطی جلفا از باسه، ۱۸۸۴ م:

Djelfa = Mss. de Bachagha de Dj. par R. Basset, Bull. de Corr. Afr. 1884, 363-75.

۵۰.۳.۲. دتسکویه سلو^۱ = کراچکوفسکی. فهرست نسخه‌های خطی شرقی قصر کاترین دوم، ۱۹۲۹ م:

Detskow Selo: Kratchovsky, I., Les mss. or. du palais de Cathérine II a. D.S. Dokl. Ak. Nauk SSSR, 1929, 161-8.

۱. اکنون پوشکین‌شهر خوانده می‌شود. م.

۵۱.۳.۲. ادینبورگ = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی عربی و فارسی در کتابخانه‌ی دانشگاه ادینبورگ از اشرف‌الحق، اته و روبرتسون. ادینبورگ ۱۹۲۵ م:

Edinb. = Descriptive Catalogue of the Arabic and Persian Mss. in Edinburgh University Library by Ashraful Hakk, H. Ethé, and E.R. Robertson. Edinburgh 1925.

۵۲.۳.۲. اسکوریال اول = فهرست کتابخانه‌ی عربی - اسپانیایی در اسکوریال از کاسیری ۲ ج. مادزید ۱۷۶۰-۱۷۷۰ م:

Esc.1 = Bibliotheca Arabico - Hispana Escorialensis opera M. Casiri. 2 Bde. Matriti 1760-70.

۵۳.۳.۲. اسکوریال دوم = درنبرگ = نسخه‌های خطی عربی اسکوریال I، پاریس ۱۸۸۴؛ II: ۱. اخلاق و سیاست، همان‌جا ۱۹۰۳ م؛ بازنگری و تکمیل آن توسط دکتر رنو، II: ۲. طب و تاریخ طبیعی؛ II: ۳. علوم دقیقه و علوم خفیه، پاریس ۱۹۳۹ (هنوز آن را ندیده‌ام)؛ III: توسط لوی - پروونسال، پاریس ۱۹۲۸ م؛ همچنین نك. موراتا، فهرست مخزن‌های اسکوریال:

Esc.2 = Derenbourg. H., Les mss. Arabes del'Escorial I, Paris 1884, II, 1. Moral et Politique eb. 1903. Les Mss. arab. de l'Escorial d'après les notes de H. Derenbourg revues mises à jour et complétées par le Dr. Renaud, II, 2, Médecine et Histoire Naturelle, II, 3, Sciences exactes et sciences occultes, Paris 1939. III, par E. Lévi - Provençal, eb. 1928. vergl. Morata. Un catálogo de los fondos árabes primitivos de El Escorial, n al - Andalus II (1934.), 87-181.

۵۴.۳.۲. فاس اول = فهرست کتاب‌های عربی کتابخانه‌ی مسجدالقرویین در فاس، از بل. فاس ۱۹۱۸ م:

Fās = Bel, A., Catalogue des livres arabes de la Bibliothèque de la Mosquée d'el - Qaraouiyyine á Fes, Fes 1918.

۵۵.۳.۲. فاس دوم = فهرست نسخه‌های عربی دو کتابخانه‌ی فاس، از باسه. الجزایر ۱۸۸۳ م:

Fas B. = Basset, R., Les mss. ar. de deux bibliothèques de Fas, Alger 1883.

۵۶.۳.۲. فاس سوم = فهرست کتابخانه‌ی مسجد کبیر فاس، هسپریس XVIII (۱۹۳۴)، ۷۶-۹۹ (پاریس ۱۷۲۵)، در حقیقت تعلق دارد به زاویه‌ی سیدی حمزه، تافلت (از رنو):

Fas. H.P.J. Renaud, Un prétendu catalogue de la Bibliothèque de la Grande Mosquée de Fās, Hespèris XVIII (1934) 76-99 (Paris 1725).

۵۷.۳.۲. فاتح = دفتری کتبخانه‌ی فاتح جامع. استانبول بی تا.:

Fatih = Def. K. F. gami., Stambul O. J.

۵۸.۳.۲. فلورانس اول = نسخه‌های خطی عربی فهرست نشده در فلورانس، از اولگا پیستو. ۱۹۳۵ م.:

Fir. = Olga Pinto, Manoscritti arabi delle biblioteche governative di Firenze non ancora catalogati, Firenze 1935 – Bibliofilia XXX VII, 234-46.

۵۹.۳.۲. فلورانس دوم = فهرست نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های طبیبی فلورانس. فلورانس ۱۷۴۲ م.:

Fir. (Flor.) Laur. = Assemani, S.E., Bibliothecae Mediceae Laurentianae et Palatinae codicum mss. or. catalogus, Florentiae 1742.

۶۰.۳.۲. فرانک = فهرست مجموعه‌ای نفیس از نسخه‌های خطی و کتاب‌های عربی که در ۲۰ ژوئن ۱۸۶۰ در کتابفروشی فرانک به فروش می‌رسد. پاریس ۱۸۶۰ م (در این جا فقط بر اساس اثر پرچ = Pertsch از آن نقل می‌شود):

Franck = Catalogue d'une belle collection de mss. et livres Arabes, dont la vente aura lieu le 20 Juin 1860 dans la librairie A. Franck, Paris 1860.

۶۱.۳.۲. فیض‌الله = (فیضیه) = اثر دفتری کتبخانه‌ی فیض‌الله افندی و سیدمراد کلکان دلتلی اسماعیل آغا ۱۳۱۰ ه.:

Falz. = Def. K. Faiz., M., Kol. Del., Is. A. 1310.

۶۲.۳.۲. گلاسگو اول = فهرست نسخه‌های خطی عربی، سریانی و عبری در کتابخانه‌ی دانشگاه گلاسگو از وایر:

Glasg. = The ar., syr. and hebr. Mss. of the Hunterian Library of the University of Glasgow by T.H. Weir, JRAS 1889, S. 739-56.

۶۳.۳.۲. **گلاسگو دوم** = فهرست نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ی موزه‌ی دانشگاه گلاسگو، آغازشده توسط جان یونگ، ادامه‌یافته توسط هندرسن ایتکن، گلاسگو ۱۹۰۸ م:

Glasg. = A Catalogue of the Mss. in the Library of the Hunterian Museum in the University of Glasgow, begun by John Young, continued by P. Henderson Aitken, Glasgow 1908, S. 453-523.

۶۴.۳.۲. **گوتا** = نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ی دوک در گوتا، از پرچ. ج I - V گوتا ۱۸۷۷-۱۸۹۲ م:

Goth. = Pertsch, W. Die arabischen Hdss. der Herzoglichen Bibliothek zu Gotha, Bd. I-V Gotha 1877-1892.

۶۵.۳.۲. **گوتینگن** = فهرست نسخه‌های خطی در پروس. ۱. هانور، ۲. گوتینگن، ۳. برلین ۱۸۹۴ م:

Gott. = Verzeichnis der Hss. im Preussischen Staate 1. Hannover, 2. Göttingen, 3. Berlin 1894.

۶۶.۳.۲. **گرانادای اول** = نسخه‌های خطی عربی در گرانادا، از آسین پلاسیوس، گرانادا ۱۹۱۲ م:

Granad. S.M. = Noticia de los manuscritos árabes del sacro Monte de Granada P.M. Asin Palacios (Rev. del Centro de Est. Hist. de Granada y su Reino) Granada 1912.

۶۷.۳.۲. **گرانادای دوم** = فهرست نسخه‌های خطی عربی نگهداری‌شده در دانشگاه گرانادا، از آلمارگو دیکاردناس. گرانادا ۱۸۹۱ م:

Granad. U. = Catálogo de los mss. árabes que se conservan en la universidad de Granada, p. Almagro de Cárdenas, Granada 1891 (Extr. Mèm. XI Congr. Internat. des Orientalistes, Paris 1894, p. 45 ss.)

۶۸.۳.۲. **هاله** = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی انجمن شرقی آلمان (DMG)، از هانس‌ور، در مجموعه‌ی رساله‌های شرق‌شناسی. لایپزیگ ۱۹۴۰ م:

Halle = Wehr, H., Verzeichnis der ar. Hadss. in der Bibliothek der DMG, AKM (Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes), XXV, 3, Leipzig 1940.

۶۹.۳.۲. هامبورگ = فهرست نسخه‌های خطی شرقی بجز عربی در کتابخانه‌ی شهر هامبورگ. بخش ۱، نسخه‌های خطی عربی و فارسی، از کارل بروکلمن. هامبورگ ۱۹۰۸ م:

Hamb. = Katalog der orientalischen Hdss, der Stadtbibliothek Zu Hamburg, mit Ausschluss der hebr. Teil. I, Die ar. pers. usw. Hdss. von C. Brockelmann, Hamburg 1908.

۷۰.۳.۲. حمیدیه = دفتری کتبخانه‌ی حمیدیه تربت، استانبول ۱۳۰۰ هـ:

Hamid. = Def. K. Hamidiye Türbe, Stambul 1300.

۷۱.۳.۲. هاویت = فهرست نسخه‌های خطی مجموعه‌ی هاویت با مقدمه و شرح از هارتمان. هاله ۱۹۰۶ م:

Haupt = Die arabischen Hdss. der Sammlung Haupt mit Einleitung und Beschreibung von M. Hartmann, Halle a. d. S. 1906.

۷۲.۳.۲. کپنهاگ = نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی کپنهاگ، از مرن. کپنهاگ ۱۸۵۱ م:

Havn. = Codices arabici bibl. regiae Hafniensis enum. et descr. a F. Mehren Hafniae 1851.

۷۳.۳.۲. هایدلبرگ = فهرست نسخه‌های خطی عربی تازه‌خریداری‌شده‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه هایدلبرگ، در مجله‌ی سامی‌شناسی از برن‌باخ:

Heidelberg = Berenbach, J., Verzeichnis der neuerworbenen ar. Hdss. der Universitätsbibliothek H., ZS VI 213-237, X 74-104.

۷۴.۳.۲. هند = یادداشت‌هایی درباره‌ی نسخه‌های مهم خطی عربی و فارسی پیداشده در کتابخانه‌های مختلف هند. از حافظ نظیر مولوی. نشریه‌ی انجمن آسیایی بنگال ۱۹۱۷ م:

Indien = Hafiz Nazir A. Mawlawi, Notes on important ar. and pers. Mss. founded in various Libraries in India, Journ. and Proc. As, Soc. Beng. XIII, 1917, n. 2, XIV, 1918, n. 8.

۷۵.۳.۲. دیوان هند اول = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی دیوان هند. از لوت. لندن ۱۸۷۷ م:

Ind. Off. = Loth, O., Catalogue of the ar. Mss. in the Library of the India Office, London 1877.

۷۶.۳.۲. دیوان هند دوم = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی دیوان هند.
ج II: ۱. کتاب‌شناسی قرآن، از استوری. لندن ۱۹۳۰ م؛ ۲. صوفیگری و اخلاق، از آربری. لندن ۱۹۳۶ م؛ ۳. فقه از لوی. لندن ۱۹۳۷ م؛

Ind. Off. II = Catalogue of the ar. Mss. in the Library of the India Office. II Qor'anic Literature by G.A. Storey, London 1930; 2. Sufism and Ethics by A.J. Arberry, London 1936; 3. Fiqh dy Ruben Levy, London 1937.

۷۷.۳.۲. دیوان هند سوم = فهرست دو مجموعه‌ی نسخه‌های خطی فارسی و عربی نگهداری‌شده در کتابخانه‌ی دیوان هند، از دنیسن راس و ادوارد براون. لندن ۱۹۰۲ م؛

Ind. Off. R.B. = Catalogue of two Collections of Persian and Arabic Manuscripts preserved in the India Office Library by E. Denison Ross and E.G. Browne, London 1902.

۷۸.۳.۲. دیوان هند چهارم = فهرست نسخه‌های خطی اسلامی تهیه‌شده توسط کتابخانه‌ی دیوان هند، از آربری، ۱۹۳۶-۱۹۳۸، مجله‌ی انجمن سلطنتی آسیایی ۱۹۳۹ م؛

Arberry, A.J., Handlist of Islamic Mss. acquired by the India Office Library 1936-38. JRAS 1939, 353-96.

۷۹.۳.۲. یحیی افندی = دفتری کتبخانه‌ی یحیی افندی. استانبول ۱۳۱۰ هـ؛

Ja. Ef. = Defteri K Jahya Efendi, Stambul 1310.

۸۰.۳.۲. قدس اول = برنامه‌ی المکتبه‌ی الخالديه در قدس ۱۳۱۸ هـ.

Jer. =

۸۱.۳.۲. قدس دوم = فهرست نسخه‌های خطی عربی در قدس به یونانی. قدس ۱۹۰۱ م؛

Jer. K. = *Kθixvλi* Jerusalem 1901.

۸۲.۳.۲. دو یونگ = فهرست نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی آکادمی علوم لیدن. باتاویا ۱۸۶۲ م؛

de Jong = de Jong, P., Catalogus codd. or. bibl. acad. scient., Lugduni Batavorum 1862.

۸۳.۳.۲. قاهره‌ی اول = فهرست الکتب العربیه‌ی المحفوظة بالکتبخانة الخدیویة المصریة. ج I - VII. قاهره ۱۳۰۶-۱۳۰۹ هـ.

Kairo1 = ...

۸۴.۳.۲. قاهره‌ی دوم = فهرست الكتب العربية الموجودة بدار الكتب المصرية لغایت شهر سبتمبر ۱۹۲۵، ج II - VI، قاهره ۱۳۴۵ / ۱۹۲۶ - ۱۳۴۸ / ۱۹۳۴.

Kairo2 = ...

۸۵.۳.۲. قاهره‌ی سوم = نشرة اسماء كتب الموسيقى و الغناء المحفوظة بدار الكتب المصرية [اصدرتها الدار بمناسبة انعقاد مؤتمر الموسيقى العربية بالقاهرة فى شهر مارس ۱۹۳۲، مطبعة دارالكتب المصرية. قاهره ۱۹۳۳].

Kairo, Kutub al-musiqi = ...

۸۶.۳.۲. قاهره‌ی چهارم = دارالكتب المصرية: فهرست مكتبة مكرم. قاهره ۱۹۳۳. (همچنین در دسترس من نبود).

۸۷.۳.۲. قاهره‌ی پنجم = دارالكتب المصرية، فهرست مكتبة قوله. ج I - IV. قاهره ۱۹۳۱-۱۹۳۳. (در دسترس من نبود، در برلین هم موجود نبود).

Kairo, Qawala = ...

۸۸.۳.۲. قاهره‌ی ششم = فهرست الكتب و المخطوطات المحفوظة فى خزانه الامير ابراهيم حلمى بمكتبة الجامع المصرية. قاهره ۱۹۳۶ م (در دسترس من نبود).

۸۹.۳.۲. کوپریلی = کوپریلی‌زاده محمد پاشا کتبخانه دفتری. استانبول. بی‌تا.:

Kopr. = Köprülüzade Mehmed Pāšā kütübḥāne defteri.
Sambul. O. J.

۹۰.۳.۲. کرافت = نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی آکادمی امپراتوری در وین، از کرافت. وین ۱۸۴۲ م:

Krafft = Die ar., pers. und türk. Hdss. der k, k, orient.
Akademie zu Wien von H. Krafft, Wien 1842.

۹۱.۳.۲. لاله‌لی = دفتری کتبخانه‌ی لاله‌لی. استانبول ۱۳۱۰ هـ:

Laleli = Defteri K. Laleli, Sambul 1310.

۹۲.۳.۲. لندبرگ = مجموعه‌ی نسخه‌های خطی عربی لندبرگ در دانشگاه ییل. نشریه‌ی کتابخانه ش ۲۸. نیویورک ۱۹۰۸ م:

Landb. = Torrey, Ch. The Landberg Collection of ar. Mss.
at Yale University. Library Journal 28 (New York 1908) S.
53-57.

۹۳.۳.۲. **لندبرگ-بریل** = فهرست نسخه‌های عربی به‌دست‌آمده از کتابخانه‌ای خصوصی در المدینه متعلق به خانه‌ی بریل، توسط لندبرگ. لیدن ۱۸۸۳ م:

Landb. -Br. = Catalogue des mss. ar. Provenant d'une bibliothèque Privée à El-Medina. appartenant à la maison E.J. Brill. par C. Landberg, Leiden 1883.

۹۴.۳.۲. **لایپزیگ اول** = فهرست نسخه‌های خطی اسلامی، مسیحی - شرقی، یهودی و سامره‌ای کتابخانه‌ی دانشگاه لایپزیگ از فولرز. لایپزیگ ۱۹۰۶ م:

Leipz. = Vollers, K., Katalog der islamischen, christlich-orientalischen, Jüdischen und samaritanischen Hdss. der Universitätsbibliothek zu Leipzig. mit einem Beitrag von J. Leipoldt, Leipzig 1906.

۹۵.۳.۲. **لایپزیگ دوم** = فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی لایپزیگ. ۱۸۳۸ م:

Lips. = Catalogus librorum mss. bibliothecae senatus Lipsiensis ed. A.G.R. Neumann; codd. or. ling. descr. H.O. Fleischer et Fr. Delitzsch, Grimmae 1838.

۹۶.۳.۲. **لیدن اول** = فهرست نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی آکادمی لیدن. از دوزی، دو یونگ، دخویه و هوتسما. ج I - VI. لوگدونی باتاوورم ۱۸۵۱-۱۸۷۷ م:

Leyd.1 = Catalogus codd. or. bibl. acad. Lugd. Batav. ed. R. Dozy. P. de Jong, M.J. de Goeje et M. Houtsma, vol. I-VI, Lugd. Bat. 1851-1877.

۹۷.۳.۲. **لیدن دوم** = فهرست نسخه‌های خطی عربی، از دخویه و جوینبال. لوگدونی باتاوورم ۱۸۸۸ م و ۱۹۰۷ م:

Leyd.2 = Catalogus codd. arab. ed. II. vol. I auctoribus M.J. de Goeje et Th. W. Juynboll. Lugd. Bat. 1888 vol. II. 1907.

۹۸.۳.۲. **لوون** = نسخه‌های خطی اسلامی در دانشگاه لوون. به ویژه نسخه‌های خطی مدون. از هفنینگ ۱۹۳۷ م:

Lowen = Die islamischen Hdss. der Universitätsbibliothek Löwen (Fond Lefort, Série B und C) mit einer besonderen Würdigung der Mudauwana handschriften des IV, VI, X, XI Jahrhunderts von W. Heffening, Muséon, t. L, 1937, 85/100.

۹۹.۳.۲. لندن = فهرست نسخه‌های شرقی در کتابخانه‌ی دانشگاه لندن. از تورنبرگ.

لندن ۱۸۵۰ م:

Lund. = Codices orientales bibliothecae regiae universitatis Lundensis recensuit C. J. Tornberg. Lundae 1850.

۱۰۰.۳.۲. مادرید اول = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی ملی مادرید. از

روبلس. مادرید ۱۸۸۹ م:

Madr = (Robles F.G.) Catálogo de los manuscritos árabes exist. en la Bibliotheca Nacional de Madrid. Madrid 1889.

۱۰۱.۳.۲. مادرید دوم = یادداشت‌های انتقادی درباره‌ی نسخه‌های خطی عربی

کتابخانه‌ی ملی مادرید. از درنبرگ. پاریس ۱۹۰۴ م:

Madr. Der = Notes critiques sur les mss. ar. de la bibliothèque Nationale de Madrid par H. Derenbourg. Paris 1904.

۱۰۲.۳.۲. مادرید سوم = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی مادرید. از

ریبرا و آسین. مادرید ۱۹۱۲ م:

Madr. J. = Manuscritos árabes y aljamiados de la Bibliotheca de la Junta (para Ampliación de Est. y Inv. cient.) Noticia y extractos por los alumnos de la sección árabe bajo la dirección de J. Ribera y M. Asin, Madrid 1912.

۱۰۳.۳.۲. مادرید چهارم = فهرست نسخه‌های خطی عربی تهیه‌شده در تطوان.

مادرید ۱۸۶۲ م:

Madr. T. = Catálogo de los codices Arábigos adquiridos en Tetouan por el gobierno di S. M. formado por D.E. Lafuente y Alcantara, Madrid 1862.

۱۰۴.۳.۲. منچستر = فهرست نسخه‌های عربی در کتابخانه‌ی جان ریلندز، از مینگانا.

منچستر ۱۹۳۴ م:

Manch. = Mingana, A., Catalogue of the ar. Mss. in the John Rylands Library, Manchester 1934.

۱۰۵.۳.۲. مارس = فهرست‌های عمومی و غیره (نك. الجزایر). از آلبانس. پاریس

۱۹۳۴ م:

Mars. = Cat. gén. etc. (s. Alger) tome VI, 437-482. Marseille par M. l'abbé Albanés, Paris 1892.

۱۰۶.۳.۲. مشهد = فهرست کتابخانه‌ی مبارکه‌ی آستان قدس رضوی. مشهد ۱۳۴۵ هـ.
نک. اتواشپیسین در یادنامه‌ی لیتمن، و ایوانف در مجله‌ی انجمن سلطنتی
آسیایی:

Mesh. = (Oktai) Fihristi... vgl. O. Spies. Festsch. E.
Littmann, 89-100; Ivanov, JRAS 1920, 535-63.

۱۰۷.۳.۲. موصل = کتاب مخطوطات الموصل. از داوود الجلی الموصلی. بغداد
۱۹۲۷ م:

Mousl = ...

۱۰۸.۳.۲. مونیخ اول = فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی کتابخانه‌ی مونیخ. از
آومر. مونیخ ۱۸۶۶ م:

Munch. = Aumer. J., die ar. und pers. Hdss. der Hof-und
Staatsbibliothek in München 1866. (Cat. codd. mss. Bibl. reg.
Monac. 1, 2).

۱۰۹.۳.۲. مونیخ دوم = نسخه‌های خطی عربی مجموعه‌ی گل‌آذر در کتابخانه‌ی
مونیخ. از گراتسل. ۱۹۱۶ م:

Munch. G. = Gratzl, E., Die arab. Hdss. der Sammlung
Glaser in der Kgl. Hof-und Staatsbibliothek zu München, Mitt.
VAG 1916.

۱۱۰.۳.۲. نجف = کتابخانه‌ی نجف و دیگر کتابخانه‌های خصوصی (نسخه‌ی آن در
اختیار ریتز). نک. به مکتبه‌ی النجف در مجله‌ی لغة العرب. III، ۵۹۳-۵۹۹:

Nağafabadi = Bibl. des. N. u. a. Privatbibliotheken in Nağaf
(Ms. im Besitz H. Ritters) s. K. Lodjeizh, Maktabat an- Nağaf,
Loghat al-Arab, III, 539/9.

۱۱۱.۳.۲. نانیانا = فهرست نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی نانیانا در پادوا از
السمعانی. I، II ج. پادوا ۱۷۸۷ م:

Nan. = Catalogo de' Codd. mss. or. della Bibliotheca
Naniana, comp. dall' Ab. S. Assemani I, II, Padova 1787.

۱۱۲.۳.۲. نیوبری = نسخه‌های خطی عربی و ترکی در کتابخانه‌ی نیوبری. از
مک‌دونالد (انتشارات کتابخانه‌ی نیوبری ش ۲). شیکاگو ۱۹۱۲ م:

Newberry = The ar. and turkish Mss. in the N. Library
descr. by D.B. Macdonald (Publ. of the N. Library, 2),
Chicago 1912 (18 SS).

۱۱۳.۳.۲. نور عثمانیه = نور عثمانیه کتبخانه دفتری. استانبول بی تا.:

N.O. = Nūri Osmāniye kütübkhāne defteri. Stambul o. J.

۱۱۴.۳.۲. پاریس اول = فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌ی ملی پاریس در بخش نسخه‌های خطی. از دوسلان. پاریس ۱۸۸۳-۱۸۹۵ م:

Paris = Bibliothèque Nationale. Département des Manuscrits. Catalogue des mss. arabes par le Baron de Slane. Paris 1883-95.

۱۱۵.۳.۲. پاریس دوم = فهرست نسخه‌های خطی عربی تازه به دست آمده (۱۸۸۴ - ۱۹۲۴ م). از بلوشه. پاریس ۱۹۲۵ م:

Paris, B. = Bibliothèque Nationale. E. Blochet. Catalogue des mss. ar. des nouvelles acquisitions (1884-1924), Paris 1925.

۱۱۶.۳.۲. پاریس سوم = فهرست مجموعه‌ی نسخه‌های خطی اسلامی متعلق به دو کوردومانش. مجله‌ی آسیایی. ۱۹۱۶ م:

Paris = Inventaire de la collection de manuscrits musulmans de M. Decourdemanche, JA 1916.

۱۱۷.۳.۲. پاتنه، کتابخانه‌ی شرقی = کتابخانه‌ای شرقی دارای دو فهرست از نسخه‌های خطی فارسی و عربی آن. گردآوری شده توسط خان صاحب عبدالمقتدر و عبدالحمید. از اوکانر ۱۹۲۰ م:

Patna, Or. Library = O'Connor, V.C.S., An Eastern Library with catalogues of its Persian and arabic mss. compiled by Khan Sahib Abdulmuqtadir and Abdulhamid, 1920.

۱۱۸.۳.۲. پیشاور = لباب‌المعارف العلمیة فی مکتبة دارالعلوم الاسلامیة. پیشاور. فهرست کتب. پیشاور بی تا.

۱۱۹.۳.۲. پترزبورگ اول = فهرست نسخه‌های خطی و چاپ‌های چوبی شرقی در کتابخانه‌ی عمومی امپراتوری در سن پترزبورگ ۱۸۵۲ م:

Pet. = Catalogue des mss. et xylographes orientaux de la Bibliothèque Impériale publique de St. Pétersbourg 1852.

۱۲۰.۳.۲. پترزبورگ دوم = یادداشت‌های کوتاه راجع به نسخه‌های خطی عربی در موزه‌ی آسیایی از روزن. سن پترزبورگ ۱۸۸۱ م:

Pet. A.M. = Rosen, V., Notices sommaires des mss. arabes du Musée Asiatique, I. St. Pétersbourg 1881.

۱۲۱.۳.۲. پترزبورگ سوم = فهرست نسخه‌های خطی عربی در مؤسسه‌ی موزه‌ی آسیایی در لنینگراد ۱۹۳۲ م:

Pet. A. M. Buch. = Beljajev, V.J., Arabskie rukopisje Bucharskoi kolleksii Aziatskavo Museja Inst. Vost. an SSSR (Trudi Inst. Vost. II) Leningrad 1932.

۱۲۲.۳.۲. پترزبورگ چهارم = فهرست نسخه‌های خطی عربی از کراچکوفسکی ۱۹۱۷، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷ م:

Pet. A.M.K. = Kračkovskii, Arabskija rukopisi postupivšija v Aziatskii Musei Ross. Akad. Nauk. s. Kavkazskavo fronta (Izvestija Ross. Ak. Neuk) Petrograd 1917. Opisanie sobranja ar. ruk. pozertwovannich v Az. Musei V 1926, Izv. Ak. Nauk 1927.

۱۲۳.۳.۲. پترزبورگ پنجم = فهرست مجموعه‌ی علمی مؤسسه‌ی زبان‌های شرقی وزارت امور خارجه. ۱. نسخه‌های خطی عربی مؤسسه‌ی زبان‌های شرقی از روزن. سن پترزبورگ ۱۸۷۷ م. ۲. نسخه‌های خطی عربی همان مؤسسه که در شماره‌ی اول و غیره منظور نشده‌اند، I - VI از گونتسبرگ، روزن، دورن، پاتکانوف، چوبینوف. سن پترزبورگ ۱۸۹۱ م:

Pet. Ros. = Collections scientifiques de l'Institut des langues orientales du Ministère des affaires étrangères. I. Les mss. ar. non. compris dans le No. 1 etc. de l'Institut des langues or. décrits par D. Günzberg. V. Rosen, B. Dorn, K. Patkanof, J. Tchoubinof, St. Pétersbourg 1891.

۱۲۴.۳.۲. پترزبورگ ششم = فهرست نسخه‌های خطی فارسی و ترکی و عربی در کتابخانه‌ی دانشگاه پترزبورگ. نک. زالمن و روزن ۱۸۸۸ م:

Pet. Un. = Indices alphabetici codd. mss. pers. turc. ar. qui in Bibl. Imp. Lit. Universitatis Petropolitanae adservantur, conf. C. Salemann et V. Rosen, Petropoli 1888 (aus Zap. vost. otd. Imp. Russk. Arch. Obč. I-III).

فهرست نسخه‌های خطی فارسی و ترکی و عربی در کتابخانه‌ی دانشگاه پترزبورگ. از روماسکویچ، لنینگراد ۱۹۲۵ م:

Pet. Un. = Romaskevič, A. A., Spiosk persidskich, tureko-tatarskich i arabkich rukopisei Biblioteki Petrogradskogo Universiteta, Zap. Koll Vost. I (Leningrad 1925) 353/71.

۱۲۵.۳.۲. **فیلا دلفیا** = نسخه‌های خطی شرقی در مجموعه‌ی جان لویس در کتابخانه‌ی فیلا دلفیا. از سمسار. فیلا دلفیا ۱۹۳۷ م:

Philadelphia = Oriental Mss. of the John Fr. Lewis Collection of the free Library of Philadelphia by M.A. Simsar, Philadelphia 1937.

۱۲۶.۳.۲. **پرینستن، لیتمن** = فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌ی دانشگاه پرینستن از لیتمن. پرینستن - لایپزیگ ۱۹۰۷ م:

Princeton = Littmann, E., A List of ar. Mss. in Princeton University, Pr. - Leipzig 1907.

۱۲۷.۳.۲. **پرینستن، گارت** = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی عربی مجموعه‌ی گارت در کتابخانه‌ی دانشگاه پرینستن. از فیلیپ حتی، نبیه امین فارس، بطرس عبدالملک. پرینستن ۱۹۳۸ م:

Princeton - Garrett = Hitti, Ph. K., Nabih Amin Faris, Butrus, 'Abd-al-Malik, Descriptive Catalogue of the Garrett Collection of Arabic Mss. in the Princeton University Library. Princeton 1938. Butrus Abdalmalik, A critical Study of the Barudi Mss. in the Princ. Un. - Libr. Diss., Princeton 1935.)

۱۲۸.۳.۲. **قلیچ علی پاشا** = دفتری کتبخانه‌ی قلیچ علی پاشا. استانبول ۱۳۱۱ هـ:

Qilič 'A. = Defteri K. Qilič 'Ali Pāšā. Stambul 1311.

۱۲۹.۳.۲. **رباط اول** = نسخه‌های خطی رباط. از لوی - پروونسال. (کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی زبان عرب و لهجه‌های بربر در رباط. ج VII). رباط ۱۹۲۲ م:

Rabāt = Lévi - Provençal, Les Mss. ar. de Rabat (Bibl. de l'école supérieure de langue Arabe et de dialectes Berbères de R.T. VII) Rabat 1922.

۱۳۰.۳.۲. **رباط دوم** = فهرست نسخه‌های خطی عربی تهیه‌شده توسط کتابخانه‌ی عمومی مراکش، تحت‌الحمایه‌ی فرانسه (سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ م) از بلاشر، رنو:

Rabāt = Inventaire sommaire des mss. ar. acquis par la bibliothèque Genérale du Protectorat Français au Maroc (années 1929/30). par R. Blachère et. H. P. J. Renaud, Extrait de Hespéris XII, 106/31.

۱۳۱.۳.۲. راغب پاشا = دفتری کتبخانه‌ی راغب پاشا. استانبول ۱۳۱۰ هـ:

Rağib = Defteri kütübhâne, Râğib pâşâ Stambul 1310.

۱۳۲.۳.۲. رامپور اول = فهرست کتاب^۱ عربی در کتابخانه‌ی دولتی رامپور. ۱۹۰۲ م:

Rāmpūr = Fihrist Kitāb Arabi, Catalogue of Arabic books in the Rāmpūr State Library 1902.

۱۳۳.۳.۲. رامپور دوم = فهرست کتب عربی موجوده‌ی کتبخانه‌ی ریاست رامپور. مجلد دوم. حصه‌ی اول. رامپور ۱۹۲۸ م:

Rampur II = Fihrist ...

۱۳۴.۳.۲. ساریوو = فهرست نسخه‌های عربی و فارسی و ترکی در موزه‌ی ساریوو از فهیم اسپهو. ساریوو ۱۹۴۲ م:

Sarajevo = Fehim Spaho, Arapski Perzijski i Turski rukopisi hrvatskih zemaljskih Muzeja i Sarajevu, 1942.

۱۳۵.۳.۲. سباط = کتابخانه‌ی نسخه‌های خطی متعلق به بولس سباط. ج I و ج II، قاهره ۱۹۲۸ م. ج III، قاهره ۱۹۳۴ م:

Sbath = Bibliothèque de mss. Paul Sbath I, II, Cairo 1928, III, K. 1934.

۱۳۶.۳.۲. سلیمیه = دفتری کتبخانه‌ی سلیمیه. استانبول ۱۳۱۱ هـ:

Selim. = Defteri K. Selīmiye. Stambul 1311.

۱۳۷.۳.۲. سلیم آغا = دفتری کتبخانه‌ی حاجی سلیم آغا. استانبول ۱۳۱۰ هـ:

Selīm A. = Defteri K. Hağgi Selīm Āgā. Stambul 1310.

۱۳۸.۳.۲. سرویلی = دفتری کتبخانه‌ی سرویلی مدرسه. استانبول ۱۳۱۱ هـ:

Servili = Defteri K. Servili Medresse. Stambul 1311.

۱۳۹.۳.۲. استانبول اول = نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول. از ادهم بی (فهیمی) و ایوان اسچوکین. استانبول ۱۹۳۴ هـ:

Stambul = Edhem Bey (Fehmi) et Ivan Stchoukine, Les Mss. Or. illustrés de la Bibliothèque de l'Université de Stambul, Stambul 1934.

۱. کتب باید درست باشد. م.

۱۴۰.۳.۲. استانبول دوم = نسخه‌های خطی ریاضیدانان اسلامی در استانبول: منابع و تحقیقات درباره‌ی تاریخ ریاضیات، نجوم و فیزیک. ماکس کراوزه: دفتر چهارم. برلین ۱۹۳۶ م:

Stambul = Max Krause, stambuler Handschriften islamischer Mathematiker: Quellen und Studien zur. Geschichte der Mathematik, Astronomie und Physik, Abt. B Heft 4, Berlin 1936.

۱۴۱.۳.۲. استانبول سوم = مطالعات نسخه‌های خطی استانبول راجع به کتاب‌های حدیث عربی. ماکس وایس وایلر. کتابخانه‌ی اسلامی، لایپزیگ ۱۹۳۷ م:

Stambul = Max Weisweiler, Istanbul Handschriftenstudien zur arabischen Traditionsliteratur, Bibliotheca Islamica 10. Leipzig 1937.

۱۴۲.۳.۲. استوارد^۱ = فهرست توصیفی کتابخانه‌ی شرقی تیپو سلطان میسوری. کمبریج ۱۸۰۹ م:

Steward Ch. = A descriptive Catalogue of the Oriental Library of Tippoo sultan of Mysore etc., Cambridge 1809.

۱۴۳.۳.۲. استکهلم = فهرست نسخه‌های خطی شرقی در کتابخانه‌ی سلطنتی. از ریدل. استکهلم ۱۹۲۳ م:

Stockholm = Riedel. W., Katalog over Kungl. Bibliotheks orientalska handskrifter (K. Bibl. Handl. Bilager, N.F. 3) Stockholm 1923.

۱۴۴.۳.۲. طنجه = فهرست کتابخانه‌ای خصوصی در طنجه. از سالمون. در «آرشیو مراکش». ج ۷. ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م:

Tanger = Catalogue d'une bibliothèque privée par G. Salmon. Arch. Maroc. V/1904-5 / 134-46.

۱۴۵.۳.۲. تاشکند = فهرست توصیفی نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی که در کتابخانه‌ی دانشگاه تاشکند نگهداری می‌شود. از سیمونوف ۱۹۳۵ م:

۱. در اثر سزگین، استوارت (Stewart). م.

۲. در اثر سزگین به جای جلد ۵، جلد ۲ ذکر شده است. ضمناً بروکلین سال انتشار را نیز نیاورده بود که از سزگین گرفته. م.

Tašk. = Semenov. A. A., A descriptive Catalogue of the Pers. Ar. and Turk. Mss. preserved in the Libr. of Middle Asiatic State University, Trudy, sredneaz. Gosud. Un. ser. II Orientalia. fs. 4, Taschkent 1935.

۱۴۶.۳.۲. تبریز = خزائن کتب ایران، خزانه الحاج الملا علی آقا فی تبریز. از محمد مهدی علوی. مجله‌ی لغة العرب ج VII، ۱۵۹-۱۶۰، ۲۲۰-۲۲۶.

۱۴۷.۳.۲. تهران، مجلس = فهرست نسخه‌های فارسی و عربی کتابخانه‌ی مجلس از یوسف اعتصامی. ج I و II. تهران ۱۹۳۳ م.

۱۴۸.۳.۲. تهران، سپهسالار = فهرست کتابخانه‌ی دانشکده‌ی معقول و منقول در مدرسه‌ی عالی سپهسالار از ابن یوسف. ج ۱. تهران ۱۳۱۳-۱۳۱۵ ش.

۱۴۹.۳.۲. تلمسان = فهرست نسخه‌های خطی نگهداری‌شده در کتابخانه‌های اصلی الجزایر. مدرسه‌ی تلمسان. از کور. الجزایر ۱۹۰۷ م:

Tlems. = Cour. A., Catalogue des mss. conservés dans les principales bibliothèques Algériennes, Medresa de Tlemcen. Alger 1907.

۱۵۰.۳.۲. تورینو = فهرست نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ی ملی آکادمی تورینو. از نالینو ۱۹۰۱ م:

Tor. = Nallino, C. A., I mss ar. etc. della biblioteca naz. e dell'accad. di scienze di Torino (Mem. d. R. Ac. d. sc. di T. ser. II. vol. 50, 1901, 92-101.

۱۵۱.۳.۲. توینگن = فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشگاه توینگن. از سیبولد. توینگن ۱۹۰۷ م. ج II از وایس وایلر. لایپزیگ ۱۹۳۰ م:

Tub. = Verzeichnis der ar. Hdss. der Universitätsbibliothek zu Tübingen von Chr F. Seybold. Tübingen 1907, II von M. Weisweiler, Leipzig 1930.

۱۵۲.۳.۲. تونس اول = فهرست نسخه‌های خطی و چاپی کتابخانه‌ی مسجد کبیر تونس. از روی. ج I، تاریخ. تونس ۱۹۰۰ م:

Tunis = Roy, B., Catalogue des mss. et des imprimés de la bibliothèque de la Grande Mosquée de Tunis I. Histoire. Tunis 1900.

۱۵۳.۳.۲. تونس دوم = دفتر المكتبة الصادقية. تونس ۱۲۹۲ هـ.

۱۵۴.۳.۲. تونس سوم = جامع الزيتونة، برنامج المكتبة العبدلية الصادقية. ج I - IV. تونس بی.تا. نک. هوداس و باسه. ۱۸۸۴ م. اوپسالا II: ۲. نسخه‌های عربی و غیره از سترستین. اوپسالا ۱۹۳۴-۱۹۳۶ م:

Tūnis, Zait. = Ġāmi 'az-Zaitūna, Barnāmaġ al-Maktaba al-'Abdaliya Ṣādiqiya, I-IV, Tunis, O. J., s. Houdas et Basset, Bull. de Corr. Afr. 1884. Upps. II, 2, Die ar. Usw. von K. Zetterstēen, MO XXIX, 1935, Uppsala, 1934-6.

۱۵۵.۳.۲. عمومی = کتبخانه‌ی عمومی در استانبول نک. رشر:

'Um. = Kütübḥāne'i 'Umūmiye in Stambul nach O. Rescher.

۱۵۶.۳.۲. اوپسالا اول = فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی و ترکی در کتبخانه‌ی دانشگاه اوپسالا. از تورنبرگ ۱۸۴۹ م:

Ups. = Tornberg, C. J., Codices ar. pers. et turc. bibl. reg. univ. Upsaliensis, Lund 1849.

۱۵۷.۳.۲. اوپسالا دوم = نسخه‌های خطی عربی و فارسی و ترکی کتبخانه‌ی دانشگاه اوپسالا. ضبط و شرح از سترستین. ۱۹۲۸ م:

Ups. II = Die ar. pers. und türk. Hdss. der Universitätsbibliothek zu Uppsala, verzeichnet und beschrieben von K.V. Zetterstēen. MO XXII, fs. 3, 1928.

۱۵۸.۳.۲. واتیکان اول = فهرست نسخه‌های خطی در کتبخانه‌های واتیکان. رم ۱۷۶۶ م:

Vat. = Bibliothecae Apostolicae Vaticanae codd. ms. catalogus P.I, t. 1, Romae 1766.

۱۵۹.۳.۲. واتیکان دوم = مجموعه‌ی نسخه‌های جدید خطی در کتبخانه‌ی واتیکان. پالرمو ۱۹۰۰ م:

Vat. N.F. = C. Crispo Moncada, I codici nuovo fondo della Biblioteca Vaticana, Palermo 1900 (s. Vat. V. XII).

۱۶۰.۳.۲. واتیکان سوم = نسخه‌های خطی عربی اسلامی در کتبخانه‌ی واتیکان. از جورجیو لوی دلا ویدا. واتیکان ۱۹۳۵ م:

Vat. V. = Giorgio Levi della Vida, Elenco dei manoscritti arabi islamici della Bibliotheca Vaticana, Vaticani, Baberiniani, Borgiani, Rossiani, Città del Vaticano 1935 (Studi e Testi 62).

۱۶۱.۳.۲. وین = نسخه‌های خطی عربی و فارسی و ترکی کتابخانه‌ی سلطنتی وین. از فلوجل. ج. ۳. وین ۱۸۶۳-۱۸۶۷ م:

Wien = Flügel, G., die ar. pers. u. türk. Hdss. der K. K. Hofbibliothek. 3 Bde. Wien 1863-7.

۱۶۲.۳.۲. ظاهریه (= ظاهریه‌ی دوم)^۱ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریه: التاريخ و ملحقاته. وضعه یوسف العث. مطبعة دمشق ۱۳۶۶ / ۱۹۴۷ م. (مطبوعات المجمع العلمی العربی بدمشق).

۱۶۳.۳.۲. زنجان = خزائن زنجان فی ایران: از عبدالله زنجانی. در: لغة العرب، VI، صص ۹۲-۹۶؛ نک. کرنکو:

Zanġan = Hazā'in ..., s. Krenkow, BSOS V. 210.

۱۶۴.۳.۲. ینی جامع = ینی جامع کتبخانه‌سندھ محفوظ کتبی موجودین دفتری در. استانبول. بی‌تا:

Yeni Ğamlı = kütübhanesinde mahfuz kütubi mevğudenin defteri dir, Istanbul O. J.

۴.۲. هامرپور گشتال^۲

6 نخستین کسی بود که کوشید تاریخ ادبیات عربی را به طور کامل بشناساند. اما از آن‌جا که او نه مواد کافی در اختیار داشت و نه به اندازه‌ی کافی بر زبان عربی مسلط بود، امروز از اثر مفصل او مگر به قید احتیاط نمی‌توان سود جست.^۳ همین

۱. سزگین این جلد را جلد یک شماره‌گذاری کرده است و جلد اعلام القرآن را که عزت حسن تهیه کرده است، جلد دو یاد می‌کند. برای اطلاع بیش‌تر نک. اثر سزگین. م.

2. Hammer-Purgstall. J.v., Literaturgeschichte der Araber, von ihrem Boginne bis zu Ende des zwolten Jahrhunderts der Hidschret. 7 Bde. Wien 1850-6.

۳. بروکلن در جلد نخست در این باره می‌نویسد: «نقصان‌های این اثر چنان آشکارند که ما در کار خود آن‌ها را نادیده خواهیم گرفت.» جمله‌ای که در بالا آمده، در پیوست است و روشن می‌دارد که او نظر خود را تعدیل کرده است. م.

امر در مورد کتاب آریوتنات^۱ صدق می‌کند که حق مطلب را ادا نمی‌کند. برعکس باید از فون کرمر^۲ نام برد که کتاب استادانه‌اش نگرشی کلی راجع به این حوزه به دست می‌دهد و ما برخی اندیشه‌ها را مدیون او هستیم. پس از انتشار کتاب ما^۳ و توصیف عامه‌فهمی که به همراه آن بود، کتاب‌های هوار^۴ و پیتسی^۵ انتشار یافتند که به میزان زیادی از آن تبعیت می‌کنند. نوشته دخویه^۶ که به نحوی عالی آگاهی دهنده است، به دنبال اثر نیکلسن^۷ می‌آید؛ که ادبیات عربی را در پرتو تاریخ سیاسی و فرهنگی عربان و اسلام می‌نگرد. کتاب متز^۸ نیز نگرشی پرمغز راجع به عصر عباسی به دست می‌دهد.

1. Arbuthnot, F., Arabic Authors. a Manual of arabian History and Literature, London 1870.

2. Kremer, A.V., Kulturgeschichte des Orients unter olen Chalifen, Bd. II, Wien 1877, S. 341-484.

3. Brockelmann, C., Geschichte der arabischen Literatur (Die Literatur des Ostens in Einzeldarstellungen I, 2) Leipzig 1901.

4. Huart, cl., Littérature arabe. Paris 1902. 4. Éd. eb. 1923: A History of Arabic Literature, London 1903 (vgl. T.W. Arnold, The Hindustani Review & Kayastha Samachar, 1903, S. 444 ff über das Verhältnis zu GAL).

5. Pizzi, I., Letteratura Araba, Milano 1903 (Manuali Hoepli, serie sc. 395-6).

6. de Gooje, M. J., die arabische Literatur in «Kultur der Gegenwart» hsg. von P. Hinneberg, I, IV, Berlin - Leipzig 1906, S. 132-160.

7. Nicholson, R., A literary History of the Arabs, London 1907, 4. ed. 1923.

8. Metz, A., Die Renaissance des Islams. Heidelberg 1922. S. 162-263.

همچنین نک به:

- Krymski, A., Istoria Arabov i arabski literaturi, Moskau, I-IV 1911-3.
- Gibb. H. A. R., Arabic Literature, an Introduction, London 1926.
- Rescher, O., Abriss der arabischen Literaturgeschichte. I, II. Stuttgart 1925, 1933 (in 60 Ex. als Ms. gedr.)
- J.M. Abd-el-jalil. Brève histoire de la littérature arabe, Paris 1943.

از میان کتاب‌های زیادی که به تازگی در مصر [، بیروت و بغداد] درباره‌ی تاریخ ادبیات عربی انتشار یافته‌اند، و بیش‌تر آن‌ها با هدف آموزشی نوشته شده‌اند و فاقد ارزش هستند^۱، در این جا فقط گزیده‌ای را برحسب ترتیب تاریخی نام می‌بریم:

- ادوارد فان‌دایک (و) فیلیپیدس قسطنتین. تاریخ العرب و آدابهم. بولاق ۱۳۱۰ / ۱۸۹۲.
- مصطفی صادق الرافعی. تاریخ آداب العرب. قاهره ۱۳۱۱ / ۱۸۹۳. چ دوم، ۱۳۲۹ / ۱۹۱۱.
- محمد دیاب‌بک. تاریخ آداب اللغة العربية. ۲ ج. قاهره ۱۳۱۷-۱۳۱۸ هـ.
- محمدبک عاطف برکات پاشا (وزیر پیشین فرهنگ، درگذ. ۱۳۴۳ / ۱۹۲۴)، شیخ محمد ناصربک، احمدبن ابراهیم، عبدالجواد، عبدالمعتال. ادبیات اللغة العربية. ۲ ج. بولاق ۱۳۲۴ / ۱۹۰۶. چ دوم، المطبعة الاميرية ۱۹۰۹ م.
- صالح‌بک حمدی حامد. ادب الاسلام. قاهره ۱۳۲۵ / ۱۹۰۷.
- حنفی‌بک ناصف (بازرس اول در وزارت آموزش، درگذ. ۱۹۱۹ م). تاریخ الادب او حياة اللغة العربية. ۲ ج. قاهره ۱۳۲۸ / ۱۹۱۰ م.
- محمدعلی المنیاوی. الشذرات السنية فی تاریخ آداب اللغة العربية. قاهره ۱۳۲۹ / ۱۹۱۱ م.
- جرجی زیدان. تاریخ آداب اللغة العربية. ج ۱-۴، ۱۹۱۱-۱۹۱۴ م، فهارس ۱۹۲۲ م.
- جرجی زیدان. المختصر فی تاریخ آداب اللغة العربية. قاهره ۱۹۲۴ م.
- محمد عطية‌الدمشقی. المنتخب فی تاریخ آداب العرب. قاهره ۱۹۱۳ م.
- تاریخ‌الآداب العربية منذ نشأتها الى ایامنا. تألیف احد اخوة المدارس المسيحية (الفرر). اسکندریه ۱۹۱۴ م.
- احمد الاسکندری (و) مصطفی عنانی. الوسيط فی الادب العربي و تاريخه. قاهره ۱۳۳۷ / ۱۹۱۹. چ پنجم، قاهره ۱۳۴۳ / ۱۹۲۵، چ هفتم، ۱۹۲۸ م.

۱. نک. طه حسین. الادب الجاهلی. ۲ به بعد؛ محمود احمد البطاح در مجله‌ی ینبوع از ابوشادی. ص ۱۴۵.

- حمدان مصطفى. الخلاصة الادبيه فى تاريخ الاداب المصرىه العربيه. قاهره ١٣٤٢ / ١٩٢٤. ج دوم، ١٩٢٨ م.
- على حامد. المذكرات الحامديه فى تاريخ آداب اللغة العربيه. قاهره ١٣٤٣ / ١٩٢٥ م.
- محمود حامد التونكى. معجم المصنفين. بيروت ١٣٤٤ / ١٩٢٥ م. ج ٤.
- احمد حسن الزيات. تاريخ الادب العربى. قاهره ١٩٢٥ م. ج پنجم، ١٩٣٠ م.
- مصطفى بدر الدين الحنفى (استاد الازهر). المنتخب فى تاريخ ادب العرب. قاهره ١٣٤٤ / ١٩٢٥ م.
- محمد بهجة الاثرى. مجمل فى تاريخ الادب العربى. ج ١، بى جا ١٣٤٧ / ١٩٢٩ م.
- احمد امين. فجر الاسلام، كتاب فى ثلاثة أجزاء. ابخات عن الحاله العقلية و السياسية و الأدبية فى صدر الاسلام الى آخر الدولة الأموية. ج ١، فى الحياة- العقلية. قاهره ١٣٤٧ / ١٩٢٨ م.
- احمد امين. ضحى الاسلام. ج ١، قاهره ١٣٥١ / ١٩٣٣ م؛ ج ٢، ١٣٥٣ / ١٩٣٥ م.
- معروف الرصافى. دروس فى تاريخ آداب اللغة العربيه. ج ١، بغداد ١٩٢٨ م.
- المجمل فى تاريخ الادب العربى مقرر السنة الثالثة بالمدارس الثانويه، وضعت له لجنة ألفتها وزارة المعارف من: طه حسين، احمد الاسكندرى، احمد امين، على الجارم، عبدالعزيز البشرى، احمد ضيف. قاهره ١٣٤٨ / ١٩٢٩ م.
- المفصل فى تاريخ الادب العربى. از همان نويسندگان. ج ٢. قاهره ١٩٣٤ م.
- جرجس كنعان. الادب العربيه و تاريخها. بيروت ١٩٣١ م.

دوران‌های تاریخ ادبیات عربی

7 هنگامی که ادبای عرب برای تاریخ شعر قوم خود به دو
و دوره قائل می‌شوند، دوره‌ی جاهلیه^۱ یا بت‌پرستی و
zu.s.6 دوره‌ی اسلامی، منظورشان این نیست که به علت تعصب
دینی از شأن دوره‌ی نخست بکاهند. برعکس، نمایندگان
این دوره در نظر آنان نمونه‌هایی ممتاز به شمار می‌آیند، و در دقت خود
در این طبقه‌بندی، گاه چنان غلو می‌کنند که به شاعری که نتوان دست‌آورد او
را انکار کرد، فقط به این خاطر که پس از ظهور اسلام به دنیا آمده، کم‌ارج
می‌گذارند. سپس طبقه‌ای میانی پدید آوردند؛ یعنی طبقه‌ی مخضرمون^۲.
این عنوان به کسانی اطلاق می‌شد که دست‌کم جوانی خود را در دوره‌ی
جاهلیت سپری ساخته باشند. در حقیقت اسلام [در آغاز] به هیچ روی
آن تأثیر ژرفی را که نقّادان عرب می‌خواهند به ما بقبولانند، در شعر عربی
نداشته است. در عصر امویان، شاعران همچنان در طریق پیشینیان کافر

۱. استنباط گلدزیهر از این مفهوم (در: M. St. I, 219-228) و همچنین ولهاوزن (در:
Wellhausen, Reste ar. Heidentums 71.ff) را می‌توان بدین ترتیب تکمیل کرد که این
مفهوم از مفهوم مسیحی 'áγnoia (= ignorance. م.) نشأت گرفته است. (نک. Acta 17, 30).
۲. درباره‌ی شکل‌های گوناگون این واژه نک.: Lane I, II, 757 b.

خود گام برمی داشتند. در دوره ی عباسیان بود که روح اسلام به راستی چیره گردید و نه فقط عاملی علیه بی تفاوتی دینی عربان گردید، بلکه با تعصب قومی آنان نیز به ستیز پرداخت؛ زیرا عباسیان تنها به یاری گروندگان غیرعرب به اسلام، خصوصاً ایرانیان، به قدرت رسیده بودند. بدین ترتیب، در عصر آنان ادبیاتی اسلامی به زبان عربی^۱ رشد یافت. از این رو ادبیات عربی را به دو دوره ی اساسی بخش می کنیم:

۱. ادبیات ملی عربی از آغاز تا سقوط امویان در سال ۱۳۲/۷۵۰:

الف. تا ظهور محمد (ص)

ب. محمد (ص) و عصر او

پ. دوران امویان

۸ ۲. ادبیات اسلامی به زبان عربی.

zu.s.6 شکوفایی واقعی ادبیات عربی حدود سه قرن دوام یافت.

در نیمه ی قرن دهم میلادی، رفاه مادی و زندگی معنوی همراه با وحدت سیاسی دولت عباسی به سرعت رو به زوال گذاشت. پس از آن شکوفایی دیگری رخ داد که آن هم سه قرن به طول انجامید و بر اثر یورش های مغولان در قرن سیزدهم، به طور قطعی درهم شکست. البته ادبیات عربی در این یورش ها از میان نرفت، ولی از آن هنگام در قالبی جامد، سرزندگی و پویایی خود را باخت، و تنها شعر و تاریخنگاری برخی ثمره های اصیل به بار آوردند.

آنچه را که ادبیات عربی در این دوره از اصالت خود از دست داد، توانست از طریق تأثیر تربیتی بر ملت های بسیاری که به تدریج به سوی

اسلام جذب می شدند، جبران کند. مهم ترین رویداد سیاسی این عصر، فتح مصر به وسیله ی سلطان عثمانی، سلیم اول، در سال ۱۵۱۷ میلادی به شمار می رود. در اثر این فتح، ملت های سنی در پیرامون شرق مدیترانه دوباره در داخل دولتی واحد متحد گشتند.

از میانه ی قرن نوزدهم، جهان اسلام هر چه بیش تر از فرهنگ اروپایی تأثیر پذیرفت که موجب گردید ادبیات عربی از اساس تغییر بیابد و به صورتی تازه شکوفا گردد.

بر این اساس تاریخ ادبیات عربی را به پنج دوره بخش می کنیم:

۱. عصر شکوفایی ادبی در عهد عباسیان در عراق از حدود ۷۵۰ تا تقریباً ۱۰۰۰ میلادی؛

۲. عصر شکوفایی دوباره ی ادبی از تقریباً ۱۰۰۰ میلادی تا سقوط بغداد به دست هولاکو در سال ۱۲۵۸ میلادی؛

۳. از دوران تسلط مغولان تا فتح مصر به دست سلطان سلیم در سال ۱۵۱۷ میلادی؛

۴. از ۱۵۱۷ میلادی تا نیمه ی قرن نوزدهم؛

۵. ادبیات جدید عربی در دوران کنونی.



بخش نخست

از آغاز تا ظهور اسلام

11 ساکنان شبه جزیره ی عرب از دیرزمان به دو گروه قومی
 zu.s.11 بخش می شوند که تفاوت هایی ژرف، آن ها را از یکدیگر
 کاملاً متمایز می کند. در زمین های حاصلخیز ساحل جنوبی
 و در ورای آن، در دامنه های مدرج و پرآب که تا بلندی های کوه ها
 می رسد، نژاد شرقی که هسته ی اصلی سامی ها را می سازد، از قدیم با
 عنصرهای مدیترانه ای و تا حدی با عنصرهای زنگی درآمیخت؛
 هم چنان که روابط با ساحل افریقایی مقابل به دوران های پیش از تاریخ
 بازمی گردد. بدین ترتیب، مردمان در این جا از روزگاران قدیم اسکان یافتند
 و به برکت موقعیت جغرافیایی شان که در راه بازرگانی هند و مصر قرار
 داشت، فرهنگ مادی والایی تکامل پیدا کرد. گرچه دولت های آنان؛
 یعنی دولت های سبا، معین و حمیر، کاروان هایی به شمال (العلا) گسیل
 می داشتند، اما به علت ساخت فئودالی خود نتوانستند سازمان سیاسی
 متمرکزی به وجود آورند و قدرت خود را بگسترانند. فرهنگ معنوی آنان
 در نظامی حقوقی خلاصه می شد که تمامی روابط ملکی ایشان را با دقت
 تمام تنظیم می کرد؛ اما سنگ نبشته های فراوان آنان، در هیچ جا، زمینه ای

کافی برای تبیین تاریخی فراهم نمی‌آورد.^۱

بر عکس، ساکنان شمال تهامه و دشت نجد، با آن‌که از مدت‌ها پیش از میلاد به سوی سوریه و بین‌النهرین سرازیر شده بودند، خصلت نژادی آغازین خود را پاک‌تر نگاه داشته بودند. هسته‌ی اصلی ایشان را صحرانوردان تشکیل می‌دادند که زندگی در جلگه‌ها، روح و تن آنان را بانشاط ساخته بود. فقط در راه بازرگانی زمین‌های ساحلی حجاز بود که سکونتگاه‌هایی شهری به وجود آمده بود. عربان در این شهرک‌ها مانند خویشاوندان صحرانوردشان، هنوز به شکل قبیله‌ای جدا از یکدیگر، سکونت داشتند. فقط در حاشیه‌های صحرا زیر نفوذ دو قدرت بزرگ روم-بیزانس و ایران در دمشق و حیره، امیرنشین‌هایی پدید آمده بودند که گاهگاهی گروه‌های بزرگی از صحرانوردان را زیر سلطه‌ی خود گرد می‌آوردند. اما با وجود پراکندگی ظاهری، در همان دوران پیش از اسلام، عربان به علت برخورداری از نوعی وحدت در اندیشه‌های دینی و عادت‌ها، به صورت ملتی واحد با هم پیوند داشتند.

زبان شعر ایشان نیز که ساکنان مسیحی حیره به اندازه‌ی بزرچرانان بت‌پرست قبیله‌ی هذیل در کوهستان‌های جنوب مکه در آن سهم داشتند، مؤید این امر است. در حالی که ظاهراً مردم دمشق در این زبان فقط به عنوان دست‌یابنده شرکت می‌جستند. بی‌تردید نمی‌شد این زبان شعر کهن را بعداً راویان و نویسندگان بر اساس لهجه‌های فراوان خلق کرده باشند^۲.

1. Rhodokanakis, *Altsabäische Texte* I (Wien 1927) 36. n. 4.

۲. در این باره نك. نولدكه در نقد كتاب فولرز:

Nöldke, *die semitischen Sprachen* 45 Zu K. Vollers, *Volkssprache und Schriftsprache im alten Arabien*, Strassburg 1906.

همچنین نك. نولدكه:

Nöldke, *Neue Beiträge zur semitischen Sprachwissenschaft*, S. 1 ff.

ولی این زبان نیز زبان محاوره‌ی مردم نبوده است، بلکه زبانی مصطلح* بوده که برتر از لهجه‌ها قرار داشته و از همه‌ی آن‌ها بهره می‌برده است.^۱

این زبان شاعران همه‌ی خصوصیات شاخه‌های زبان‌های سامی را با پربارترین شکلی پرورانده است، هرچند که کهن‌ترین قالب‌ها را در همه‌ی بخش‌هایش حفظ نکرده است. هیچ یک از زبان‌های خویشاوند سامی از نظر نرمش و دقت در بیان روابط ترکیبی به پای آن نمی‌رسد. با همه‌ی واقع‌گرایی از چنان شور و شراری برافروخته است که آن را قادر می‌سازد، ظریف‌ترین احساس‌های عشقی و نیرومندترین احساس‌های غرور مردانگی را به بیان آورد؛ ولی غنای گنجوازه‌اش را که ادب‌شناسان قدیم با علاقه در ستایش آن غلو می‌کردند، هنوز نمی‌توان نشانه‌ای از پرورش روحی والا به شمار آورد. این زبان شاعران، نخست از تمامی قلمرو زبان‌های حرفه‌ها و لهجه‌های قبیله‌های گوناگون سیراب می‌گردد. کوچندگان و نخجیرگران که در همه جا در سطح فرهنگی مشابهی با بدویان قرار دارند، به علت شیوه‌ی زندگی خود ناچارند ظریف‌ترین سایه‌روشن‌های جهان پیرامون‌شان و خصوصیات حیوان‌هایی را که

* در آلمانی اصطلاح «Kunstsprache» به کار رفته است. مترجم عربی در برابر آن «لغة فنية» گذاشته است که فارسی آن می‌شود زبان هنری، ولی ترجمه‌ی درستی نیست. منظور از آن زبانی است که به منظور ایجاد تفاهمی فوق‌ملی خلق می‌گردد. این اصطلاح را در زمینه‌ی علم نیز به کار می‌برند و منظور از آن، زبانی است که از بدفهمی‌های علمی جلوگیری کند. در این جا منظور زبانی است که فوق لهجه‌ها قرار داشته و ساخته‌ی شاعران بوده است. به همین خاطر، برابر آن در فارسی «زبان مصطلح» گذاشته شد که در این جا منظور همان زبان ادبی است. م.

۱. پرتوریوس (Prätorius) در مقابل نولدکه، همان جا، به حق بر این امر (در: LZBI 1899, Sp. 1404) تأکید کرده است؛ این که چنین زبان‌هایی مصطلح را می‌توان فراوان در بین قوم‌هایی که فرهنگی نازل دارند، مشاهده کرده، «سودربلوم» (Söderblom) در کتاب خود به نام: *Das Werden des Gottesglaubens* 125, n 5. نشان می‌دهد.

اساس موجودیت‌شان وابسته به آن‌هاست، با باریک‌بینی تمام بنگرند و با دقت تمام نام‌گذاری کنند.

همان‌گونه که بدویان شتران خویش را وصف می‌کردند، زنگیان باتو نیز که به پرورش گاو می‌پرداختند و توجه‌شان فقط به آن معطوف بود، برای تمامی ویژگی‌های حیوان‌شان نام‌هایی خاص ابداع می‌کردند؛ اما این امر را نمی‌توان نشانه‌ی شعوری گسترده دانست، بلکه از شعوری محدود حکایت می‌کند که هنوز نتوانسته به مرتبه‌ای رفیع دست بیابد و مفاهیم مجرد و کلی بسازد.

شاعران از این گنجینه‌ی زبانی در صنایع لفظی خود بهره می‌جستند و در عین حال به آن جاذبه‌ی شعری می‌بخشیدند. اما هنگامی که این زبان به دست تقلیدگران افتاد، این جاذبه پژمرده و افسرده شد و در شرایط متفاوت زیست، در داخل قالب‌هایی ثابت اسیر گشت.

11 هنگامی که عربان در روشنائی تاریخ پدیدار شدند، هنر
 zu.s.12 شعر در نزد ایشان به خوبی تکامل یافته بود، ولی هیچ
 روایتی در دست نیست که از مراحل آغازین آن ما را آگاه
 سازد.^۲ از این رو ما فقط می‌توانیم با توجه به شرایط حاکم در میان دیگر
 قوم‌های بدوی^۳ به نتیجه‌گیری‌هایی دست بزنیم که برای عربستان نیز
 معتبر باشند، چنان‌چه آن موقعیت‌های قابل شناخت، نکته‌هایی درخور
 اعتماد به ما ارائه بدهند.

1. De Sacy, *Mémoire sur l'origine et les ancienne monument de la littérature paienne des Arabes*, Paris 1808.

۲. آن‌چه که دانشمندان علم ادب عربی (نک. سیوطی در *المزهر*، ج ۲، ص ۲۹۶،
 ۲ به بعد؛ و همچنین نک. آلوارت: 8 *Ahlwardt, über Poesie und Poetik der Araber*)
 درباره‌ی به اصطلاح شاعران «اوایل» از قبیله‌های گوناگون اطلاع می‌دهند، مانند بقیه‌ی
 «اوایل» است که باید آن‌ها را در شمار اختراعاتی شبه‌دانشمندانه به حساب آورد.

3. E. Grosse, *Die Anfänge der Kunst*, Freiburg i. Br. u. Leipzig 1894, 222-64,
 Erich Schmidt in *Kultur der Gegenwart* LVI 1-27, K. Th. Preuss, *Die geistige Kultur
 der Naturvölker*, Leipzig - Berlin 1914, 50 ff., H. Werner, *Die Ursprünge der Lyrik*,
 1924.

کارل بوشر اقتصاددان می‌خواست در کتاب خود به نام کار و آهنگ^۱ نشان دهد که آهنگ (ریتم) طبیعی کار به ویژه کار جمعی، خودبه‌خود به خواندن سرودهایی آهنگین همراه با کار منجر می‌شود و در نتیجه، کار را از نظر روانی آسان می‌سازد. از چنین سروده‌هایی که همراه با کار خوانده می‌شده‌اند، در مورد عربستان نیز روایت شده است.^۲

ولی پرویس^۳ در کتابش به نام فرهنگ معنوی قوم‌های بدوی نشان داده

1. Karl Bücher: *Arbeit und Rhythmus*, Leipzig 1896.

۲. از زندگی نیلوس (Nilus) مقدس اغلب این نکته نقل شده است که بدویان شبه‌جزیره سینا در قرن چهارم میلادی، به هنگام کشیدن آب از چاه، سرودی را می‌خوانده‌اند که آن را با سرود چشمه‌ی اسرائیلیان (ش ۲۱، ۱۷) مقایسه کرده‌اند. نمونه‌های چنین سرودهای چشمه در کتاب *الآغانی* دوم II، ص ۹۵ س ۱۳؛ در کتاب *فتوح البلدان* بلاذری، ص ۴۹، و در *طبری* III، ۷۱-۷۲ نیز آمده است. راجع به سرودهای کار در سیره‌ی اهل مدینه نیز به هنگام کندن خندق مشهور، و همچنین به هنگام ساختن نخستین مسجد شنیده‌ایم، نک = بخاری، کتاب الصلاة، باب ۵۰. دانشمندان بعدی به این گونه سرودهای کار توجهی نداشته‌اند؛ اما پژوهشگران جدید توانسته‌اند حتی امروزه مانند این سرودها را از دهان مردم ضبط کنند. نک.:

Littmann, *Neuarabische Volkspoesie*, 154

همچنین راجع به سرودهای کشت و زرع نک.:

Musil, *Arabia Petraea* III, 297 ff.

یا درباره‌ی سرودهای آسیاب نک.:

Dalman, *Palästinischer Diwan*, 22-25.

و درباره‌ی سرودهای مردمی در سرزمین مقدس نک.:

Bauer, *Volksleben im Lande der Bibel*. Kap. XXX, No 6-18, 35-6.

و درباره‌ی الاقصر در دوران فرعونان نک.:

Lepsius, *Louçcor sous les Pharaons* 184, 6.

و نک.:

Marçais, *Takrouna log*. Vgl. 328.

3. K. Th. Preuss, *Die geistige Kultur der Naturvölker*. Leipzig - Berlin 1914 S.85.

است که این فرضیات در برابر واقعیت‌های قوم‌نگاری^۱ یارای ایستادگی ندارند. آثار سرودهای آهنگین به همراه کار بسیار اندک است. در همه جای دنیا، سرودهایی یافت می‌شوند که کارهایی از قبیل ریسندگی، بافندگی و جولاهی را مشایعت می‌کنند، ولی این سرودها هیچ تأثیری در نظم کار ندارند. چنین سرودهایی اگر فقط به منظور سرگرمی نباشند، از آغاز مانند همه‌ی صنایع لفظی در نزد بدویان به قصد این بوده‌اند که کار را به وسیله‌ی جادو ترغیب کنند.

آثار آشکار چنین تأثیر سحرآمیزی در عربستان فقط در آغاز پیدایش شعر هجا، همچنان‌که گلدزیهر نشان داده است^۲، مشاهده می‌شود. پیش از آن‌که شعر هجا به درجه‌ی سرود ریشخند تنزل یابد، سلاحی جادوانه در دست شاعر به شمار می‌رفت که می‌خواست نیروی دشمن را با تأثیری جادویی فلج بسازد. از این‌رو هرگاه شاعر می‌خواست چنین لعنی را بر زبان آورد، جامه‌ای ویژه که همانند جامه‌ی کاهنان بود، بر تن می‌کرد. به همین خاطر شاعر به معنی «دانا» است. او هنوز صنعت (تکنیک) خاصی ندارد، بلکه حامل دانشی جادویی است که در شعرش^۳ تجلی می‌یابد.

1. Ethnographie.

2. I. Goldzieher, Abhandl, zur ar. Philologic I. 1, Leiden 1896.

همچنین نک. ملاحظات مشابهی درباره‌ی قدیم‌ترین تاریخ شعر عربی در: *Actes du Xe Congr. intern. des orient.* III, 1-5.

و نک. کتاب بشر فارس:

Bichr Farès, *L'Homme chez les Arabes avant l'Islam*, Paris 1932, S. 214 ff.

ماده‌ی هجا در پیوست دایرة‌المعارف اسلامی منکر رابطه‌ای میان هجا قدیم و جادو می‌شود. در واقع در دوران امویان هرگونه ارتباطی میان هجو با لعن بریده شده بود، ولی امکان دارد که چنین ارتباطی در اوایل این دوره وجود داشته باشد.

۳. تربتن تفسیر گلدزیهر را در کتاب یادشده درباره‌ی ریشه‌ی این کلمه به حق تأیید کرد.

سرودهای کوتاهی هم که بدویان به وسیله‌ی آن‌ها اوج‌های زندگی انسانی را همراهی می‌کنند، در آغاز می‌بایست تأثیرهایی جادویی بر جا بگذارند. آنچه را که آدمی آرزو می‌کند، به صورت سرود به وضوح بیان می‌کند و یقین دارد که به واقعیت نیز درخواهد آمد؛ چنان‌که آدمی در سحر تمثیلی^۱، رویدادهای آرزویی خود را در ذهن می‌پروراند. نمونه‌ی آن، سرودی است که مادری از قبیله‌ی هوتانتو^۲ می‌خواند. او به هنگامی که کودک شیرخواره‌اش را در آغوش گرفته است، یکایک عضوهای بدنش را نام می‌برد، می‌بوسد و می‌سراید: «پسرم! ای فرزند مادری دل‌آگاه. پسرم، ای تیزنگر! روزی می‌رسد که سر در پی درندگان گذاری. ای که بازوان و ساق‌هایی نیرومند داری! تو، ای قوی‌اندام! تردید ندارم که

→ (نک. Tritton, *El IV*, 401) هاوپت و لندبرگ تفسیر دیگری را جانشین این تفسیر کردند و واژه‌ی «شعر» را از ریشه‌ی «شیر» در زبان عبری دانستند. نک.:

P. Haupt, *AJSL* XXIV, 170

C. Landberg, *Etudes sur les Dialect de l'Arabie Mérid.*

II: 2, 1434/5 (Finkel, *ZATW* 50, 310

همچنین نک.

نویسندگان دیگر این نکته را از آنان گرفته‌اند. نک.:

Krenkow *El IV*, 305, H. Farmer, *A History of arabien Music*, London 1920, XIC.

سلامه موسی درباره‌ی کتاب الشفق الباکي اثر احمد شادی، قاهره ۱۹۲۶ م، ص ۱۱۷۴ و خود احمد شادی در پیشگفتار کتاب العین، قاهره ۱۹۳۴ م، مقدمه ۶، ۲۱. این واقعیت را که در سامی‌شناسی هنوز امکان دارد با این قبیل ریشه‌یابی‌ها تمامی قانون‌های آوایی را ریش‌خند کرد، می‌توان در نوشته‌ی آقای کنت (R. Kent, *JAOS* LV, 115 ff) مشاهده کرد که به حق نمی‌خواهد عناصر روش زبان‌شناسی را آن‌گونه که متأسفانه هنوز در بین سامی‌شناسان رواج دارد، بپذیرد.

۱. منظور اعمالی سحرآمیز در نزد قوم‌های بدوی است که می‌خواهند به وسیله‌ی آن‌ها تأثیری مشابه بر جای بگذارند؛ مثلاً ایجاد ابر و در نتیجه، باران از طریق پراکندن دود. اصطلاح سحر تمثیلی را در برابر «Analogiezauber» گذاشته‌ام. م.

۲. هوتانتو تلفظ فرانسوی «Hottentot» است که به آلمانی «هوتن‌توت» تلفظ می‌شود. این مردم کوتاه‌قد در افریقای جنوبی هستند. در سال ۱۹۰۴ علیه آلمانیان شوریدند. م.

تیر خواهی افکند و دارایی «هررو»^۱ ها را خواهی ربود.^۲ مادری بدوی نیز برای کودکش که در خواب است، چنین می‌سراید: «بمیرم و نخستین فرزندم بمیرد اگر از نظر حیثیت، ثروت و سخاوت سرور فخر و دیگر قبیله‌ها نشوی، تا آن‌که روزی گور تو را در خود فرو بگیرد.»^۳

مرثیه نیز در آغاز هدفی جادویی را دنبال می‌کرد. اگر مرده قهرآمیز به قتل رسیده باشد، مرثیه باید خشم او را فرو نشاند و او را از بازگشت به زندگی بهرساند؛ زیرا که بدوی از آن بیم دارد که او با بازگشتش به زندگان زیان برساند. در عربستان اما، این استنباط آغازین به احساس انسانی سوگواری محض جای پرداخت. ولی چون نمایش این احساس برانزده‌ی مردان نبود، به عهده‌ی زنان قبیله به ویژه خواهران مرده گذاشته شد. از طریق ایشان است که مرثیه از توجه هنری نیز برخوردار می‌گردد و تا عصر تاریخی ادامه می‌یابد.^۴

۱. هررو (Herero) از قوم بانتو (Bantou) در افریقای جنوب غربی. م.

2. Th. Hahn, *Globus* XII, 278, bei K. Th. Preuss, *Die geistige kultur der Naturvölker* 92.

۳. القالی، الامالی II، ۱۱۸ [اصل شعر:

نکلت نفسی و نکلت بکری ان لم یسد فهاً و غیر فھر
بالحسب العد و بذل الوفر حتی یواری فی ضریح القبر

[از تعب. م.]

همچنین نک:

Goldzieher, *Altarabische Wiegen-und Schlummer lieder*, WZKM 1888. S. 164-7.

و نقائص، ویراسته‌ی بوان (Bevan) ۱۱۳، ۱، ۲؛ ابن یعیش ۳۶، ۱۸، ۱۹؛ السیوطی، بقیه ۳۶۱، ۱۰؛ کتاب الترقیص از محمد بن معلی الازدی (یاقوت، ارشاد VII، ۱۰۷، بقیه ۱۰۶). المزهر،

ج ۲، II، ۱۶۲، ۴، ۱۷۳، ۱۷، ۱۹۵، ۱۹، ۲۰۷، ۶، ۲۸۶، ۱۸.

۴. نک. رودو کاناکیس، الخنساء و مرثیه‌های‌شان:

S.N. Rhodo Kanakis, *Al-Hansa' und ihre Trauenlieder*, ein literatur - historischer Essai, SBWA 147 (1904)

سرودهای شکار و جنگ که دارای محتوایی جادویی اند، در زندگی بدویان فضای وسیعی را به خود اختصاص می دهند. اعتقاد به این که چنین سرودهایی می توانند موفقیت اقدامی را تضمین کنند، در عربستان در برابر غرور به پیروزی رنگ باخت. در واقع، شکار در نزد بدویان هنوز ورزش به شمار نمی رود، بلکه به قصد به دست آوردن غنیمت انجام می گیرد.^۱ «پاریا»^۲ های تهیدست که پیشینیان قبیله های «صلیب»^۳ کنونی اند و فقط با شکار حیوانات وحشی روزگار می گذرانند، موضوع مورد علاقه ی شاعران هستند. اما بدوی خود را از آنان برتر می داند و شیوه های شکارشان را تحقیر می کند.^۴ لذت جویی ورزشی از

→ و همچنین نك:

Goldzieher. Bemerkungen zu den arabischen Trauergedichten WZKM XVI, 307-339.

درباره ی جادوی مرثیه همچنین نك:

Kowalski, *La tabad in Ungar.* Jahrb. XV, 488-94.

۱. نك. ياكوب. زندگی بدویان پیش از اسلام:

S.G. Jacob, *Leben der vorislam. Beduinen* 113.

(به اضافه نك. بیت زیرین از علقمه ۱، ۳۱: هنگامی که توشه ی قبیله به پایان می رسد، عنان و پاهای اسب بهترین غنیمت است).

[اصل شعر:

إذا أنفدوا زادا فان عنانه أكرعه مستعملا خير مكسب

از تعب. م.].

۲. پاریا (Paria) = بیرون از طبقه؛ همه ی کسانی که خارج از کاست هستند، طردشدگان

جامعه. م.

3. S.W. Piper in *MO* XVII, 1923 und *EI* IV 552-7.

۴. نك. علقمه ۱، ۲۹: «وقتی شکار می کنیم، حیوان وحشی را با پناهگاه اشتباه

نمی گیریم، بلکه از دور فریاد برمی آوریم: بر اسب ها سوار شوید!»

[اصل شعر:

إذا ما اقتصنا لم نخاتل بجنة و لكن نادى من بعيد الا اركب

از تعب. م.].

←

شکار در «طردیات» شاعران بعدی شهرنشین عرب به کمال خود می‌رسد.

اما گاهی وقت‌ها تمامی جهان ذهنی بدویان انباشته از اندیشه‌ی جنگ است و از این‌رو جنگ در شعر آنان نیز یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را ایفاء می‌کند. بیهوده نیست که کهن‌ترین گلچین‌های شعر عربی را به اسم نخستین و پرمایه‌ترین فصل آن‌ها که به شجاعت می‌پردازد، «الحماسه» نامیده‌اند. عربان مانند همه‌ی دیگر قوم‌هایی که از نظر فرهنگی همپایه‌ی ایشان هستند، پیش از نبرد و در اثنای آن هیجان خود را در قالب‌های شعر می‌ریختند. متن‌های تاریخ/ایام/العرب در عصر جاهلی و در صدر اسلام، آن‌گونه که به خصوص در کتاب‌های توده، همچون کتاب وقعه صفین^۱ اثر ابن مزاحم روایت شده است، انبوهی از این دست قطعه‌های شعری را که در آغاز و در میانه‌ی جنگ سروده می‌شده، برای ما بازگو می‌کنند. گرچه ممکن است بسیاری از این شعرها را راویان یا حتی نویسندگان افزوده باشند، ولی به هر حال روح این هنر اصیل قومی را باز می‌تابانند.

ولی عشق بین زن و مرد در میان انگیزه‌های شعر عرب به هیچ روی پدیدار نمی‌گردد.^۲ آن بیان ساده‌ی غریزی و اغلب هنرمندانه‌ای که از عبرانیان در نشید/الناشید بر جا مانده، در نزد عربان فقط به میزان کمی

→ همچنین نک:.

L. Mercier, *La Chasse et les sports chez les Arabes*, Paris 1927.

۱. نک. مقاله‌ی نویسنده در: ZS IV, 1 ff.

۲. زیبایی‌شناسانی چون نویمان و اخیراً روانکاوان مکتب فروید، با واقعیت‌ها سر ستیز دارند؛ زیرا آنان تمامی فرهنگ و به ویژه شعر را حاصل غریزه‌های جنسی می‌دانند. نک:.

G. Neumann. *Geschlecht und Kunst, Prolegomena zu einer Physiologie der Aesthetik*, Leipzig 1899.

همچنین نک:.

R. Unger, *Literaturgeschichte als Problemengeschichte*, S. 25.

یافت می‌شود؛ چنان‌که شاعری چون امرؤ القیس در شعر فخر در کنار قهرمانی‌ها، به ستایش از ماجراهای عاشقانه‌ی خویش می‌پردازد. سرودهای توده‌ای انصار مدینه که در عروسی‌ها خوانده می‌شدند، ما را از روابط ظریف‌تر میان زن و مرد می‌آگاهانند.^۱ ما آن‌ها را فقط در «نسب» که صورت جامد و بی‌روحي یافته است، در مطلع قصیده مشاهده می‌کنیم، (نک. فصل چهار).

۱. ابن جوزی، تلخیص ابلیس. ص ۲۴۰.

قالب‌های شعر عربی

کهن‌ترین قالب هنری عربی را باید سجع دانست، یعنی نثری قافیه‌دار که وزنی (ریتمی) آزاد دارد. چنین می‌نماید که نقش‌های برجسته‌ی یمنی آغازگر قافیه باشند.^۱ در حیشه نیز سجع به عنوان تنها قالب هنری زبان تجلی می‌کند و نه فقط در شعر کلیسایی زبان جعز^۲ بلکه در سرودهای توده‌ای امهری^۳ کهن و در شعرهای قبیله‌های تیگره^۴ و تیگرینیا^۵ وجود دارد. سجع قالبی بود که غیگیویان و پیشگویان (کاهنان)، پندها و موعظه‌های خود را بدان قالب می‌ریختند و در قرآن نیز به کار رفته است.^۶ الحکم‌الحضری از این قالب ابتدایی حتی در روزگار امویان در هجا که مدت زمانی دراز با سرودهای سحرآمیز خویشاوند ماند، بهره

1. M. Hartmann, *Die Arabische Frage*, 602.

۲. جعز یا گنز، زبان حبشی قدیم از شاخه‌های زبان‌های سامی. زبان جعز، زبان مذهبی کلیسای حبشی است. م.

۳. امهری از شاخه‌های زبان‌های سامی. م.

4. Tigre

5. Tigrīna

۶. اصل: و [حضرت] محمد (ص) نیز آن را در قرآن به کار بسته است.

می‌جست.^۱ سجع تکامل یافت و از درون آن رجز پدیدار گردید که نظم آهنگین منضبط‌تری دارد و قافیه در پایان هر مصراع آن تکرار می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان زبان عربی، رجز را هنوز شعر به حساب نمی‌آورند. در واقع، چنین به نظر می‌رسد که در دوران قدیم رجز فقط در خدمت بدیهه‌سرایی به کار می‌رفته است. تنها در اواخر عصر امویان بود که برخی از شاعران آن را در رقابت با دیگر وزن‌های کامل عروضی به کار گرفتند. تکامل بعدی عروض عربی از فن آواز، گرچه ابتدایی بوده، تأثیر پذیرفته است. نابغه بنی‌شبیان^۲ می‌گوید، آواز آن‌سان که در سرود ساربانات (حداء بالركبانية)^۳ طنین می‌افکند، گوش را نسبت به خطای قافیه حساس‌تر می‌کند. بدیهی است سعی کسانی که می‌خواهند بین وزن‌های عروضی و گام آهنگ شتران ارتباط برقرار سازند^۴، توانسته به موفقیتی بینجامد. همچنین کوشش‌هایی که جهت یافتن ارتباط میان بحرهای گوناگون عروضی با یکدیگر و با مرحله‌ی پیشین خود در بحر رجز انجام گرفته، هنوز دریچه‌ای جهت تحقیق عینی به روی پژوهشگران نگشوده است.^۵

تکاج^۶ نیز به خطا می‌رود که می‌پندارد عروض عربی از عروض یونانی

1. Goldzieher, *Abh.* I, 75, 175.

۲. نك. دیوان نابغه بنی‌شبیان. VII، ۲۷، ۲۸ ص ۴۲.

۳. نك. شرح نقائص به تصحیح بوان:

Com. zu *Naqaid*, ed. Bevan I, 56, 17.

و همچنین النوبری IV، ۲۳۲، ۱۶.

4. G. Jacob, *Studien in arabischen Dichtern* II, 106, M. Hartmann. *Metrum und Rhythmus*, der Ursprung der arabischen Metra, Giessen 1897.

لورنس تأکید می‌کند که آهنگ حدای عربان بر روی شتران تأثیر می‌نهد. نك.:

T. E. Lawrence, *Seven Pillars of Wisdom* 149.

5. S.G. Hölscher, *Arabische Metrik*, *ZDMG* 74, 359-416.

6. Tkatsch, *Die Poetik des Aristoteles*, S. 100.

تأثیر پذیرفته است، زیرا رجز فقط از نظر ظاهری با وزن سه‌پایه‌ای «یامبی»^۱ در شعر یونانی شباهت دارد. دلیل این‌که ما در عروض عربی با تکامل مستقلی مواجه هستیم، هنر شعر در نزد بربرهاست که رشدی همانند هنر شعر عربان دارد.^۲

بحرهای تام بی‌زحاف نزد شاعران قدیم، در حماسه^۳ و شش شاعر کلاسیک غلبه دارد. در میان آن‌ها بحر طویل در مرتبه‌ی نخست، سپس کامل، وافر و بسیط می‌آیند. متقارب را بیش‌تر امرؤ القیس به کار می‌برد که گاهی نیز منسرح را به کار می‌دارد. رمل و سریع را طرفه (ش ۲، ۳) به کار می‌گیرد. اولی را یک بار در قصیده‌ای بلند (ش ۵ که ۷۴ بیت است) به کار می‌برد. طرفه (ش ۱۹) و همچنین امرؤ القیس (ش ۲۹)، هر کدام یک بار مدید را به کار برده‌اند. خفیف را در واقع نزد دو مرقرش^۴ (مفضلیات ش ۴۸، ۵۹) و عبید بن الابرص (ش ۱۵، ۲۷) و عامر بن طفیل (ش ۱۴) و همچنین الأعشى (ش ۳۲، ۳۸) می‌یابیم؛ اما چنین می‌نماید که عمر بن ابی‌ربیع به رواج آن یاری رسانده است.^۵ هزج را فقط در دو قطعه‌ی

۱. بروکلن در این‌جا اصطلاح «jambisches Trimeter» را به کار می‌برد که مربوط به شعر یونانی است. در ترجمه معادل آن، «وزن سه‌پایه‌ای یامبی» گذاشته شد. «Jambe» یا «Jambus» به یونانی «iarsos» و لاتین «iambus» است. یامب به معنای پای دوهجایی است که یک واحد موزون را می‌سازد و نخستین هجای آن کوتاه و دومین هجای آن بلند است. مثلاً در شعر یونانی یا لاتینی شش‌پایی که دومین، چهارمین و ششمین پای آن یامب است. یامب شعرهای هجایی یا تراژیک بود. م.

2. S. Zyhlarz, *Zeitschrift für Eingeborenenspr.* XXII, 73.

۳. نك. آمار در نوشته‌ی فرابتاگ:

Freitag. *Verskunst* 15.

۴. لقب دو تن از شاعران جاهلیت عرب: یکی مرقرش‌الاصغر، ربیعۃ بن حرملة و دیگری مرقرش‌الاکبر، عوف بن سعد. م.

۵. کرنکو اظهار می‌دارد که عروض‌های کوتاه‌تر بعدها در حجاز به وجود آمده‌اند.

به احتمال غیراصیل از طرفه (پیوست ۱۵)، و امرؤالقیس (پیوست ۳۱)، و همچنین در قطعه‌ای که به عمر بن ابی ربیعہ نسبت داده شده است (شوارتس، ۱۸۰)^۱ می‌یابیم.

گرچه ما پژوهش‌های ژرفی درباره‌ی فن عروض در نزد شاعران قدیم در دست نداریم، با این حال هم‌اکنون می‌توان ادعا کرد که این فن در همان اوایل مبتنی بر قاعده‌های ثابتی بوده است. در واقع، نزد قدیم‌ترین شاعران چون مرقدش، عبید، عمرو بن قمیثه و امرؤالقیس^۲ به قالب‌هایی برمی‌خوریم که در الگوی عروض تعلیمی دوران بعد نمی‌گنجند، اما این‌ها اثرهای پراکنده‌ی مرحله‌ی نمو هستند که دیگر نمی‌توانیم نادیده بگیریم. کوشش‌هایی هم که توسط شاعران بعدی برای رهایش از این قاعده‌ها انجام می‌شود، فراوان نیست.^۳

→ نك.:

Krenkow, *EI*, IV, 306.

ولی عروضی که عمر بن ابی ربیعہ به کار گرفته، این سخن را تأیید نمی‌کند. نك. دیوان او چاپ شوارتس:

P. Schwarz, IV, 175 ff.

۱. در سیره‌ی ابن هشام (I، ۱۷۱، ۱۰) این نکته جلب توجه می‌کند که از هزج در کنار رجز و سبک‌های مختلف چون قریض، مقبوض، مبسوط [که این‌ها در آن زمان احتمالاً از شیوه‌های سخن تلقی می‌شده‌اند] به عنوان تنها عروض یاد می‌شود، اگر دومی را وزن عروضی در شمار نیاوریم (نك. لسان العرب IX، ۸۰، ۲۰ و Freytag, Versk, 94). در همین رابطه یک سنت قدیم اصطلاح «اقراء الشعر» (نك. ابن سعد، طبقات IV، ۱، ۱۶۱، ۲۶ و ابن اثیر، نهایه III، ۲۶۷، ۱۸) را به کار می‌برد که پسینیان دیگر آن را نمی‌فهمیدند و در معنای آن اختلاف داشتند.

۲. نك. مقدمه‌ی لیال (Ch. Lyall) ص XXV، مفضلیات II، و

Krenkow, *EI* IV, 306.

۳. در ابن قتیبه، عیون الاخبار I، ۱۵۷، ۳ به بعد، و ابن سراج، مصارع العشاق، ۴۸، ۳۴۷

پایین.

طبیعت شعر قدیم عربی^۱

در نخستین قرن پیش از هجرت، بر اساس منابع نسبتاً درخور اعتماد با

۱. در این باره نک.:

- W. Ahlwardt, *Über Poesie und Poetik der Araber*, Gotha, 1856.
- J.G. Wenig, *Zur allgemeinen Charakteristik der arabischen Poesie* Innsbruck 1870.
- V.v. Rosen, *Drewne - arabskaja Poezia*, St. Petersburg 1872. R. Basset, *La Poésie antéislamique*, Paris 1880.
- A. Clouston, *Arabic Poetry*, London 1880.
- Ch. Lyall, *Translations of ancient, Chiefly Preislamic Arabic Poetry*, eb. 1885.
- Ch.h. Lyall, The Pictorial Aspects of ancient Arabic Poetry *JRAS* 1912, 133-52 499.
- Ch. Lyall Some Aspects of ancient Arabic Poetry London 1918. D. B. Macdonald, Arabian Poetry *JRAS* July 1912.
- J. Wellhausen, *Die altarabische Poesie in Kosmopolis* I, 592-604.
- F. Krenkow, Shā'ir, in *EI* IV, 305-7.
- A.S. Tritton, Shi'r, eb. 401-3.
- Th. Kowalski, Poezyja staroarabska in *Rocznik Or.* I, 177-224.

و همچنین کووالسکی با توضیحات بیش تر:

کهن‌ترین شعر عربی آشنا می‌شویم. اگر از شعر هجا چشم‌پوشیم، در همین قرن است که پیوند شعر با تصورات جادویی و دینی، که نزد دیگر قوم‌های بدوی و همچنین عربان وجود داشته، می‌گسلد. بدویان که مهم‌ترین پرچمداران هنر شعر بودند، در پیکار سختی که برای بقای خود در صحرا می‌کردند، هر آن‌چه را می‌توانست نیروی اراده‌ی آنان را فلج سازد، در ژرفای تاریک ذهن پنهان می‌کردند. از این‌رو هنر توصیف طبیعت و حیوان را که نزد پیشینیان‌شان همچون جادوی باران‌زا و شکارآور به کار می‌رفت، حالا دیگر فقط به لحاظ خودِ هنر خواستار آن بودند. شادی محض که از یافتن واژه‌ای درخور حاصل می‌شد، در نزد دیگر قوم‌های بدوی نیز مشاهده می‌گردد. از آن‌جا که این توصیف ساده و روشن، اغلب می‌توانست در حد برشماری کالبد حیوان و مکان‌نگاری تنزل بیابد، کوشیدند با به کارگرفتن تشبیهات جسورانه بدان جان ببخشند و برای آن‌که اصیل بمانند، از آوردن تشبیهات زننده و چندش‌آور نهراسیدند.^۱

→

- Th. Kowalski, Poeziya in erw. Ausg. in *Naszlakach Islama*, Kraków 1935, 1-65.
- F. Bajraktarevic, Pejzaz u staroj arabskoj Poeziji in Popovic festschr., Belgrad 1929, 185-95.
- Krackovski, Sam. Vostok, IV, 1924, 97-112 (Kr.).
- E. Braunlich, Versuch einer literatur geschichtlichen Betrachtungsweise altarabischer Poesien, *Isl.* XXIV, 201-69.
- G. von Grünebaum, Die Wirklichkeits nähe der fruh arabischen Dichtung. Beihefte zur WZKM, 3. Wein 1937.

۱. «طرفه» (۱۶، ۴) آب را کد صحرا را با آب زردرنگ جفت مقایسه می‌کند:

[له شربتان بالنهار و اربع من اللیل حتی آمن جبا مورما]

[از تعب. م.]

و «ذی‌الرمه» ۳۹، ۲۵، ۵۲، ۵۷ همین تشبیه را به کار می‌برد، نك. میدانی، امثال I، ۲۷۰: ۳۰.

اما در نظر شاعر، حیوان‌های وحشی اولویت ندارند. او در وهله‌ی نخست به حیوان اهلی و سواری‌دهنده‌اش، شتر، علاقه می‌ورزد. آدمی باید بتواند اهمیت شتر را برای عرب به تصور درآورد تا این نکته را بفهمد. شتر، نخستین و مهم‌ترین منبع گذران زندگی برای عرب است و همراهی خستگی‌ناپذیر در سفرهای بی‌پایان صحرا به شمار می‌رود. شتر همان قدر می‌توانست عرب را در پرداخت‌های هنری به وجد و شوق درآورد که گاو، شاعران سرودهای ودایی را برمی‌انگیخت؛ و در این مورد اخیر حتی از تبلور روح گاو در ریگ ودا سخن رفته است.^۱

اما عرب به عنوان شاعر نیز به اندازه‌ی کافی به ماده‌ی کار خود پای‌بند نبود تا فقط از صنایع لفظی محض و واقعی لذت ببرد. او این هنر را در وهله‌ی نخست در خدمت بیان غرور خود و افتخار قبیله‌ای که خود از آن برآمده بود، به کار می‌گرفت. بدین سان در برابر هجا، شعر «فخر» پدید می‌آید که در مواردی از اهمیت سیاسی نیز برخوردار می‌گردد؛ چنان‌که در هر دو معلقه‌ی حارث بن حلزة و عمرو بن کلثوم دیده می‌شود. از این دو، شاعر نخستین نزد عمرو بن هند پادشاه حیره (۵۵۴-۵۶۸ / ۹م) از قبیله‌ی خود در برابر تهمت‌هایی که بر آن وارد شده است، به دفاع برمی‌خیزد، در حالی که شاعر دیگر در برابر همان پادشاه، پرخاشجویانه سر می‌کشد و با وصف قدرت و عظمت قبیله‌اش تغلب، به او و قبیله‌ی بکر بن وائل هشدار می‌دهد که از روی آوردن به رفتار خصمانه بپرهیزند.^۲

چه بسا که شاعر، هنر خود را برای گرفتن صله‌ای از پهلوان یا امیر قبیله‌ی خویش عرضه می‌دارد، اما در زمان قدیم با این کار هنوز به

1. K. Bruchmann, *Psychologische Studien zur Sprachgeschichte*, Leipzig 1888, 277 ff.

2. Nöldeke, 5 *Mo'allaqat* I, 16, 52.

دریافت دستمزد نقد نمی‌اندیشد که مدیحه‌سرایان حرفه‌ای را در عصر محمد (ص) گاهی تا حد آوازه‌خوانان دوره‌گرد تنزل داد. تا دوران متأخر فقط یک مضمون صائب یا تشبیهی جسورانه می‌تواند موجب غرور شاعر و شیفتگی مخاطبان او بشود. نقد هنری در مکتب‌های دوران بعد نیز فقط به تک‌بیت‌ها اشاره دارد.^۱

۱. چنین بیتی را که از نظر معنی کامل باشد «مقلد» می‌نامند (نک. جمعی، طبقات الشعراء، ۸۴، ۲، و یاقوت، ارشاد VII، ۲۶۰، ۱)، همچنین نک. بغدادی، خزانه‌الادب I، ۳۷۳، ۲۰، و ابن‌خلدون، مقدمه:

Not. et Extr. XVIII, 327.

عسکری، صناعتین ۱۸۹، ۵ بیت ۴۸ معلقه‌ی امرؤ القیس را می‌ستاید؛ زیرا که این بیت چهار تشبیه‌گوناگون را در خود گرد آورده است:

[لہ اَبْطَلَا ظَبِی و سَاقَا نَعَامَةً وَاَرْخَاءَ سِرْحَانٍ و تَقْرِیْبَ تَنْفَلٍ.

از تعب. م.]؛

ابن‌حزم، طوق‌الحمامه ۱۵، ۱۱ بدین امر افتخار می‌کند که پنج تشبیه‌گوناگون را در یک بیت آورده است. از این رو «تضمین» در شعر کهن به ندرت یافت می‌شود [و معنی بیت را به بیت بعد واگذار نمی‌کنند]؛ چنان‌که در شعر نابغه ذبیانی ۲۹، ۱۶ دیده می‌شود:

[و هم وردوا الجفار علی تمیم و هم اصحاب یوم عکاظ انی

شهدت لهم مواطن صالحات و ثقن لهم بحسن الظن منی

از تعب. م.].

و در نقائض چاپ بوان ۶۴۷، ۱۴-۱۵ مشاهده می‌شود.

عبدالقادر بغدادی، خزانه از معلقه‌ی امرؤ القیس ۴۳-۴۴ ایراد می‌گیرد:

[فقلّت له لما تمطی بصلبه و أردف اعجازاً و ناء بكلکل

الا ایها اللیل الطویل الا انجلی بصرح و ما الاصبح منك بأمثل.

از تعب. م.].

زیرا که ساختی ترکیبی دارد [و معنی بیت نخست جز با بیت دوم روشن نمی‌شود]. جالب توجه‌تر از همه، طفیل ۶، ۸ است که نخستین واژه‌ی بیت، تشبیه معشوقه‌ها با غزال را که در ۵، ۷ آغاز شده، دنبال می‌کند؛ در حالی که بقیه‌ی بیت توصیف این‌ها را ادامه می‌دهد. به محمود الوراق ایراد گرفته می‌شود که اندیشه‌ای را که عدی بن زید و پس از او علی بن الجهم در یک بیت بیان کرده‌اند، در دو بیت گسترانده است (مرزبانی، موشح ۳۴۸).

شاعر برای تأثیر نهادن بر شنوندگانش، نه فقط می‌کوشد گنجواژه‌اش را غنای بیش‌تر ببخشد و واژه‌هایی اغلب غریب به خدمت بگیرد و همچنین تصویرهایی جسورانه و به‌دور از ذهن بسازد، بلکه می‌خواهد علاوه بر قافیه از اثربخشی سطحیِ طنینِ لفظی نیز سود بجوید. شاعری جاهلی در مفضلیات ۱۹ در شعری که به قافیه‌ی سینِ کسره‌دار سروده است، واژه‌هایی را به کار می‌گیرد که با صدای سین آغاز می‌شوند و آن را تا بیت دوازدهم ادامه می‌دهد و هم طنین منظمی در آغاز واژه‌ها پدید می‌آورد. چنین کاری را امرؤ القیس ۳۵، ۲۲ و الاعشی نیز انجام داده‌اند.^۱ هر قطعه‌ی این صنایع لفظی هنگامی به کمال می‌رسد که در ساختار کلیتی بزرگ‌تر، قصیده، پدیدار گردد.^۲ در میان کوشش‌های بسیاری که

→ [عدی:

و صحیح أضحی يعود مريضاً و هو أدنى للموت ممن يعود
علی بن الجهم:
کم من علیل قد تخطاه الردی فنجا و مات طبيبه والعود
محمود الوراق:

و کم من مريض نعاہ الطیب ب الی نفسه و تولی کثیبا
فمات الطیب و عاش المرء ض فأضحی الی الناس یعنی الطیبیا

از تعب. م.]

ابن قیس الرقیات ۱۵، ۹-۱۱ یک معنی را در سه بیت گنجانده است، و این امر بعدها تکرار می‌شود؛ مثلاً در ۴ بیت منسوب به جمیل در تاریخ بغداد X، ۹۸، ۸-۱۱، و در شش بیت ابوالعتاهیه در مرزبانی، موشح ۲۶۱، ۱۳-۱۸، و در بیت‌های شاعری متأخر در سراج، مصارع‌العشاق ۸۶، ۷-۱۲.

۱. نك:

Geyer, *Zwei Gedichte* II, 14. 36.

همچنین نك. عسکری. صناعیتین ۲۶۲ پایین.

نمونه‌های دیگر چنین تصویرسازی‌های طنین‌انداز را نزد الاعشی، کاسکل مشاهده می‌کند:
W. Caskel, *OLZ*, 1931, 798.

۲. واژه‌ی «کلمه» به معنای مجازی به شعر نیز اطلاق می‌گردد. نك. ابن‌سعد، طبقات

III، ۱۷۶: ۲۵، جمحی، طبقات ۴۷: ۲، آمدی، المؤلف ۱۰۶: ۵، ابن حزم، طرق‌الحمامة ۲، ۱۹.

درباره‌ی ریشه‌شناسی این واژه بین دانشمندان علم ادب عربی به عمل آمده، تفسیر لندبرگ که آن را «شعر هدفمند» می‌نامد، بر دیگران رجحان دارد، هرچند که نمی‌توان با نتیجه‌گیری او توافق داشت^۱: «تمامی سودپرستی شعر قدیم و جدید عربی، تمامی آزمندی سیری‌ناپذیر شخصیت عرب در واژه‌ی "قصیده" تجلی می‌یابد»^۲. هدف قصیده همواره و به ویژه در روزگار قدیم هرگز دست‌یافتن به پاداش مادی نبوده است. از این رو برابرنهادی پیشنهادی یا کوب که آن را «شعر دریوزه» می‌نامد^۳، جز برای دوران انحطاط سخن درستی نمی‌نماید. قصیده، اگر درست باشد که واژه‌ای بسیار کهن است، در آغاز هدفی جادویی داشته است و بعدها اغلب کاربرد سیاسی، در گسترده‌ترین معنای این واژه که شامل تمامی روابط زندگی اجتماعی می‌شود، یافته است؛ هرچند که در روزگار کهن اغلب در خدمت خودپرستی محض بوده است.

قصیده که مبتنی بر نظامی دقیق است باید با «نسیب» آغاز گردد؛ با یادآوری معشوقه‌ی غایب از نظر. شاعر هنگامی که سواره از صحرا می‌گذرد، با دیدن آثار ماندگاه‌های [اطلال] معشوقه، او را به یاد می‌آورد.^۴

1. Landberg, *arab.* III 34.

۲. عین جمله‌ی لندبرگ در اثر بروکلن:

«Toute la vénalité de la Poesie arabe ancienne et moderne, toute la Cupidité insatiable du Caractère arabe a trouvé son expression dans la mot *qasida*.»

3. Georg Jacob, *Studien in arab.* Dichtern III 203.

Ilse Lichten städter, *Islamica* V (1931) 17-96.

۴. نك:

عدی بن زید که «نسیب» را می‌شناخت (نك. اغانی دوم، II، ۲۰، ۳، ۳۰، ۴۰، ۹)، با این حال گاه‌گاهی قصیده‌ای با قافیه‌ی میانین (تسمیط) می‌سازد. ولی بدون نسیب است (نك. همان‌جا ۲۵، ۱۳، ۳۹، ۳۱)؛ سلامه‌بن جندل، *مفضلیات* ۲۲ (۲۰)، یک‌بار به جای نسیب درباره‌ی جوانی ازدست‌رفته شکوه می‌کند، ولی با این نوآوری در بین شاعران بازتابی نیافت؛ هرچند که پسینان بارها از نسیب فاصله‌ای کوتاه می‌گیرند. جران‌العود (دیوان، ش ۳) چنین شکوه‌ای را

سپس شاعر با گریزی [تخلص] خاص از جایگاه اندیشه‌های حزن‌آور می‌گسلد و به وصف صحرانوردی بی‌انقطاع خود می‌پردازد که گاهی در حد شمارش محض نام مکان‌ها تنزل می‌یابد.^۱ سپس توصیف شتر خود را به آن می‌افزاید. اگر این توصیف را با تشبیه مرکب خود با حیوانی وحشی بیامیزد، گاهی آن را می‌گستراند و به وصف کامل این حیوان می‌پردازد و تازه، آن وقت شاعر می‌تواند در پایان به موضوع اصلی خود روی آورد.

گویا این الگو از دیرزمان معمول بوده است. امرؤ القیس (۵۹، ۴) از شخصی به نام ابن خذام به عنوان پیشگام شعر شکوه و اندوه از آثار بازمانده از منزلگاه‌های معشوقه‌ها اسم می‌برد، ولی دانشمندان علم ادب قادر نیستند او را شناسایی کنند.^۲ بعدها کسی جرأت نمی‌کرد در این الگو تغییری به وجود آورد. نولدکه^۳ به درستی توجه می‌دهد که از حیوان‌های وحشی فقط اوریکس آنتیلوپ^۴ و گورخر، همواره و به‌دقت

→ در مقدمه‌ی شعری می‌آورد که تمامی آن وقف خاطره‌ی لذت‌های عشق‌های پیشین شده است و بنا بر این، به وضوح دارای انگیزه است. در سنت تاریخ ادبی، عمرو بن قمیثه را نخستین کسی می‌شمرند که چنین شکوه‌ای سروده است (مرزبانی، معجم ۲۰۱). لامیه العرب منسوب به شنفری (ص ۲۵) موضوع کشمکش‌های خویشاوندان را که بارها به «فخر» گریز می‌زند، جایگزین «نسیب» می‌کند. (نک: Geyer, *Isl.* VIII, 110).

۱. چنین روشی در شعر قبیله‌های تیگره در حبشه نیز وجود دارد که به توصیف رعد و برق می‌پردازد. نک:

Littmann, Princeton Exp. III Passim, zB No. 517.

۲. نک. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۵۲؛ آمدی، المؤلف ۱۰۹؛ سیوطی، مظهر اول، II، ۲۳۸.

3. Nöldeke, 5 *Mu'allaqat* I, 3.

۴. بروکلن در این جا واژه‌ی «Oryxantelope» را به کار برده است. مترجم عربی در برابر آن «مه‌آ» گذاشته است. «Oryx» لاتینی‌شده‌ی واژه‌ی «OPU» یونانی است. در

وصف می‌شوند؛ در حالی که حیوانات دیگر را یا هیچ نام نمی‌بردند یا

→ فرهنگ یونانی - فرانسوی اثر بیللی (Bailly) در برابر آن آمده که حیوانی است در مصر یا لیبی از خانواده‌ی آنتیلوپ‌ها دارای شاخ‌های تیز. در کتاب طباع الحیوان (ارسطو طالیس، طباع الحیوان، ترجمه‌ی یوحنا بن البطریق. حقیقه و شرحه و قدم له الدكتور عبدالرحمن بدوی، الناشر وكالة المطبوعات، الكويت، الطبعة الاولى ۱۹۷۷) صص ۵۸-۵۹ چنین آمده است: فأما الحیوان یسمى بالیونانیة أرفص فله قرن واحد و ظلفان فی کل رجل. و فی رجلی هذا الحیوان کما ب أيضاً. و در زیرنویس ۱ ص ۵۹ همین کتاب آمده: OPU... و هر حیوان خرافه‌ی کان الاصل فی اسطورة اللیکورنات (هیرودت: ۱۹۲) يطلق الیوم اللفظ Oryx علی الفرس الأبل له قرنان طویلان منحیان و دی ارسی طومسون یری انه هو المعروف باسم Oryx leucoryx فی شمال افریقایة. در جلد دیگر همان کتاب به نام «اجزاء الحیوان» (ارسطو طالیس، اجزاء الحیوان، ترجمه‌ی یوحنا بن البطریق. حقیقه و شرحه و قدم له الدكتور عبدالرحمن بدوی. وكالة المطبوعات، الكويت، الطبعة الاولى ۱۹۷۸) ص ۱۲۳ چنین آمده: و من الحیوان حیوان له قرن واحد مثل الحمار الهندی و الحیوان الذی یسمى بالیونانیة أرقس. فاما الذی یسمى أرقس فله اظلاف، و اما الحمار الهندی فله حوافر.

قاموس کتاب مقدس (تألیف و ترجمه‌ی جیمز هاکس. چاپ دوم. تهران، طهوری ۱۳۴۹ ش) در ماده‌ی «مهات» چنین شرح می‌دهد: این لفظ در لغت به معنی گاو ماده‌ی وحشی است. اما کلمه‌ی «زمر» عبرانی که به «مهات» ترجمه شده است (تث ۱۴: ۵) احتمال قوی می‌رود که مقصود از حیوان معروفی باشد که در طور سینا و دشت عربستان یافت می‌شود که آن را قوچ گویند و او بسیار به بدن شباهت دارد که آن را بزکوهی نیز گویند، لکن از بزکوهی بزرگ‌تر است؛ زیرا ارتفاع قامتش و دو دستش بیش از سه قدم و در زیر چانه و سینه و دو دستش موی بلند دارد و طول شاخ‌هایش دو قدم و به عقب برگشته و پرقوت و جهنده است، از سنگی به سنگی می‌جهد و در دشت آفریقای شمالی و ممالک عرب و طور سینا دیده می‌شود. در ترجمه‌ی فارسی کتاب مقدس: عهد عتیق ص ۲۹۷، باب چهاردهم، سفر تثنیه چنین آمده است: این است حیواناتی که بخورید گاو و گوسفند و بز* و آهو و غزال و گور و بزکوهی و ریم و گاو دشتی و مهات*.

در ترجمه‌ی عربی کتاب مقدس در همین باب واژه‌ی «مهات» آمده و در ترجمه‌ی لوتر از کتاب مقدس به آلمانی «Antilope» آمده و در ترجمه‌ی انگلیسی امروزی عهد عتیق نیز «antelope» آمده است؛ ولی در ترجمه‌ی فرانسوی لویی سگوند (Louis Segond) «girafe» آمده است.

دهخدا در لغت‌نامه به نقل از فرهنگ‌های دیگر، در ماده‌ی «مهات» به ترتیب گاو وحشی، ماده‌ی گاو وحشی، گوزن ماده و گوزن آورده است. م.

به اختصار از آن‌ها یاد می‌کردند. توصیف دو حیوان نخستین جزئی از اسلوبی شده بود که ساخته‌ی دست استادان بزرگ بود.^۱ اما همراه با آن الگو، تصویرها و تشبیه‌هایی هم از پیشینیان گرفته شده بود؛ چنان‌که ابن‌رشیق در عمده (ص ۱۷۰ به بعد) توانست تشبیهات نویی را که هریک از شاعران قدیم آورده بودند، گرد آورد. با این حال، چنین نوآوری‌هایی نیز بعدها تغییر شکل دادند و به همان الگوی سنتی پیوستند.^۲

روشن است که چنین قصیده‌هایی، به ویژه قصیده‌های بلند مانند معلقات یکباره سروده نمی‌شد. ضرورت قافیه نیز می‌توانسته اغلب شاعر را در ساختن شعر هدایت کند.^۳ از این رو باید به وجود آمدن قصیده را همان‌گونه بدانیم که موزیل شعر شاعران جدید بدوی را وصف می‌کند.^۴ بنا بر این هیچ بعید نیست که قصیده‌هایی ثمره‌ی یک سال کار (الحوالیات) بوده باشند.^۵ همین امر موجب می‌شود که روایت قصیده‌ها از هیچ نظم و ترتیب ثابتی برخوردار نباشد و اغلب حتی خود شاعر نیست که آن‌ها را بدین صورت درآورده، بلکه امکان دارد که راوی او شعرش را این‌گونه ترتیب بخشیده باشد. به همین سبب، بیش‌تر شعرهای کهن همواره فقط به شکل پاره‌هایی وجود داشته است.

۱. البته استثناهایی نیز وجود داشته است؛ چنان‌که ابوذویب و مکتب وی وصف زنبور را ترجیح می‌دهند با ادهم بن ابی‌الزعر الطایی و ابن‌عمار البجلی با علاقه مار را وصف می‌کنند. (نک. آمدی، المؤلف ۳۱، ۹، ۳۷؛ جاحظ، حیوان IV، ۱۰۱، ۱۰۲).

۲. نویری، نهاية الارب IV، ۱۲۳، نشان می‌دهد که چگونه تشبیه ابرق به آهویی ایستاده در بلندی که علقمه (دیوان ۱۳، ۴۲) پرداخت کرده است، بارها از سوی اسحاق الموصلی، ابن‌المعز و دیگران از نو پرداخت شده است.

۳. رؤبه می‌گوید: «قافیه‌ها، مادران شعرند». نک.:

Ahlwardt, Samml. III, XC III.

4. Musil, *Arabia Petrea* III, 233.

۵. همچنین نک.:

Krenkow, *EI*, 852.

در روزگار قدیم به ندرت ترکیب‌های کامل شعری پیدا می‌کنیم. یک بار اعشی بنی تمیم^۱ گفت‌وگوی میان آورنده و گیرنده‌ی پیام مرگی را به صورت گفت‌وگوی شعری منظمی درمی‌آورد که بعد جاحظ در حیوان^۲ و شبلی به تفصیل در آکام‌المرجان^۳ به آن شکل داستانی می‌بخشند. همین اسلوب را در صحنه‌ای عشقی که به وضاح شاعر عصر اموی نسبت داده شده، می‌یابیم.^۴ سعی اعشی برای آن‌که در شعر داستانی^۵ خود راجع به وفاداری سموئل^۶ چیزی مانند یک سبک حماسی بیافریند، در روزگار کهن کاری منحصر به فرد به شمار می‌آید.

11 این ادعا که در روزگار قدیم عاملی خارجی بر هنر شعر
zu.s.15 عربی اثر گذاشته است، به کلی نامحتمل به نظر می‌رسد. در
واقع بورداخ^۷ می‌خواست شعر تغزلی عربی را به جهت
آن‌که بیش‌تر به زنان شوهردار اختصاص یافته بود، ناشی از شعر درباری

۱. دیوان او ویراسته‌ی گایر (Geyer) ۲۷۲، ش ۳.

۲. جاحظ، حیوان VI، ۶۲، ۷ به بعد.

۳. شبلی، آکام‌المرجان ۱۴۰، ۷-۱.

۴. نك. اغانی اول. VI، ۳۵. ترجمه شده به وسیله‌ی فون کرمز:

A. Von Kremer, *Kulturgesch.* I, 145.

چون «وضاح» را نمی‌توان شخصیتی واقعی در تاریخ به حساب آورد، از این‌رو جای تردید بسیار است که آیا باید او را، که به خانواده‌ای ایرانی در یمن تعلق داشته، واسطه‌ی انتقال یک سبک هنری ایرانی، یعنی مناظره‌ی شعری به عربان دانست؛ چنان‌که شوارتس (Schwarz' Umar b. a. Rabia, IV, 45) و ابرمن (Ebermann, *Zap. Koll. Vost.* II, 125) حدس می‌زنند، این سبک در بین خود عربان رواج بسیار داشته است (نك. دیوان ابرنواس. ویراسته‌ی آصاف ۴۴۷، ۴-۱، ۳۳۲-۳۳۳، ۳۸۱، ۱-۱۲، و نیز ابن‌الرومی ۳۷، و أواء‌الدمشقی ۲۴۶).

5. Ballade

۶. نك. اعشی، دیوان، ش ۲۵.

7. Burdach

اسکندرانی بداند و گمان می‌کرد [که این صنعت شعری] از طریق یک شعر فرضی سریانی - ایرانی درباری به آنجا انتقال یافته است.^۱ شعر «تیگره» نیز در آغاز و گاهی حتی در پایان سرودهای بلند با چنین بیت‌هایی که خطاب به معشوقه و شبیه نسیب هستند، آشنایی دارد. بی‌گمان این امر را باید پدیده‌ای تصادفی دانست که شعر «مسیب»^۲ با شش بار تکرار «ولأنت» و جز آن، طنینی را ظاهر می‌سازد که نوردن^۳ خصوصیت سبک سرود باستانی آگنوستوس تئوس^۴ می‌داند.

1. Burdach, *SBA* 1918, 1089 ff.

۲. نك. اعشى، دیوان. ویراسته‌ی گایر ۳۵۳.

3. E. Norden

4. Agnostos Theos

11 در عربستان جنوبی دستکم از یک هزار سال پیش از میلاد
 zu.s.16 مسیح با نوشتن آشنا بوده‌اند و آن را در خدمت مذهب و
 قانون بر روی کتیبه‌های سنگی به کار می‌برده‌اند. اما
 اطلاعی نداریم که آیا در زندگی خصوصی نیز یا حتی در ثبت هنرهای
 کلامی از موادی بی‌دوام و فاسدشدنی استفاده می‌کرده‌اند یا نه؟ عربستان
 شمالی از نظر سنگنبشته از چنین غنایی برخوردار نیست؛ با این حال،
 کتیبه‌هایی که به غلط به کتیبه‌های ثمودی و لحيانی شهرت یافته‌اند و
 همچنین کتیبه‌های صفایی در نزدیکی دمشق که دارای الفبایی خویشاوند
 با الفبای عربستان جنوبی‌اند، مدت‌ها پیش از اسلام از وجود عواطف
 مذهبی در زندگی مردم گواهی می‌دهند. در ۳۲۸ م. برگور امرؤالقیس بن
 عمر و یکی از ملوک لخمی در شماره از بلاد سوریه، لوحی به خط

1. Th. Nöldeke, *Zur Geschichte und Kritik der alt arabischen Poesie in Beitr.*
z. Kenntnis der Poesie der alten Araber (Hannover 1864). S. 1 ff.
 W. Ahlwardt, *Bemerkungen über die Echtheit der alten Arabischen Gedichte*,
 Greifswald 1872.

خوابیده^۱ که وام‌گرفته از خط آرامی است، گذاشته شد. احتمال دارد که این خط را در زندگی خصوصی نیز به کار گرفته باشند، و مسیحیان حیره نیز شاید بخشی از شعرهای خود را به این خط ضبط کرده باشند. از این رو شگفت‌آور نیست اگر در روزگار محمد (ص) نیز در داخل شبه جزیره ی عربستان شعرهایی نوشته شده باشد، که به عنوان نمونه می‌توان از شعر ابن مقبل یاد کرد.^۲

از این رو مارگولیوئث و طه حسین^۳ به خطا رفته‌اند که وجود خط را نزد

1. Kursive

Goldzieher, *ZDMG* XL VI, 18.

۲. نك.:

گواه‌های دیگری در مورد استعمال خط در روزگار قدیم وجود دارد، نك.:

Muir, *JRAS* XL (1879) 72-93.

در این مورد به ویژه نك.:

F. Krenkow, The Use of Writing for the Preservation of ancient Arabic Poetry, Or. Studies, Press. to eg. Browne 261-8.

3. Margoliouth, The Origins of arabic Poetry, *JRAS* 1925, S. 417-49.

کتاب طه حسین به نام فی الشعر الجاهلی. قاهره ۱۹۲۶ م. موجی از نوشته‌های مخالف را برانگیخت که او را وادار ساخت در چاپ دوم کتابش به نام فی الادب الجاهلی، قاهره ۱۹۲۷ م. در نوشته‌های خود تجدیدنظر کلی به عمل آورد. راجع به این مسئله که نشانگر خصلت جنبش فرهنگی در مصر نوین است، کراچکوفسکی گزارشی تفصیلی داده است. نك.:

I. Kračkovskij, Taha Hus. O doislamskoi Poezii Arabov i ego Kritiki, Izv. Ak. Nauk SSSR 1931, Otd. obšč. n. 589-626.

(همچنین نك.:

Bräunlich, *OLZ* 1926, 820.

در زیر مشخصات نوشته‌هایی که در رد طه حسین است، می‌آید:

- (۱) محمد فرید وجدی. نقد کتاب الشعر الجاهلی. قاهره ۱۹۲۶ م.
- (۲) محمد لطفی جمعه. الشهاب الراصد، بحث تحلیلی انتقادی و رد علمی تاریخی علی کتاب الشعر الجاهلی. قاهره ۱۹۲۶.
- (۳) مصطفی صادق الرافعی. تحت رایة القرآن، المعركة بین القديم و الجدید. مقالات الادب

عربان شمالی انکار کرده‌اند و از این امر نتیجه گرفته‌اند که تمامی شعرهایی که به نام شاعران دوره‌ی جاهلیت روایت شده، ساختگی است. اما بدیهی است که خط نتوانسته بود به کلی جای روایت شفاهی را بگیرد. تقریباً همه‌ی شاعران مهم دوران پیش از تاریخ، چنان‌که بعداً نشان داده خواهد شد، «راویه»‌ای همراه خود داشتند که شعرهایشان را از بر می‌کرد؛ آن‌ها را اشاعه می‌داد و چه بسا، بعدها هنر آنان را خود نیز به طور مستقل دنبال می‌گرفت و بر آن می‌افزود. این روایت‌ها بیش‌تر به صورت شفاهی انجام می‌شد و فقط در مواردی استثنایی از خط بهره می‌جست. از طریق راویه محفل‌های وسیع‌تری، نخست در قبیله‌ی خود شاعر، با شعر آشنایی می‌یافتند. البته حتی اگر این نکته را هم در نظر بگیریم که نیروی حافظه‌ی سبکبار و تازه‌ی بدویان آن‌زمان به مراتب نیرومندتر از نیروی حافظه در جهان مدرن فرهنگی است، باز هم کاهش‌ها و تحریف‌ها در روایت شعر ناگزیر می‌نمود. گردآوری منظم تمامی شعرها در روزگار

-
- العربی فی الجامعة المصریة و الرد علی کتاب فی الشعر الجاهلی. قاهره بی‌تا. [۱۹۲۶ م؟]. (نک. مجلة المجمع العلمی بدمشق ۷/ ۱۹۲۷/ ۸۸. و المشرق ۲۷/ ۱۹۲۹/ ۴۳۵).
- (۴) محمد الخضر حسین التونسی. نقض کتاب فی الشعر الجاهلی. قاهره ۱۳۴۵ و (نک. المشرق ۲۷، ۷۲-۷۴).
- (۵) محمد حسین. الشعر الجاهلی و الرد علیه. قاهره بی‌تا. (۱۹۲۶ م؟).
- (۶) محمد احمد الغمراوی. النقد التحلیلی لکتاب فی الادب الجاهلی. قاهره ۱۳۴۸/ ۱۹۲۹.
- (۷) محمد الخضر بک (مفتش در وزارت المعارف العمومیة. درگذ. ۸ شوال ۱۳۴۵/ ۱۰. ۴. ۱۹۲۷). محاضرات فی بیان الاخبار العلمیه و التاریخیه الی اشتمل علیها کتاب فی الشعر الجاهلی. قاهره ۱۹۲۷ م.
- (۸) قرار النيابة فی کتاب الشعر الجاهلی (رای نیابة العمومیة [دادستانی] راجع به شکایت خلیل حسینی، دانشجوی الازهر، علیه طه حسین). قاهره ۱۹۲۷ م.
- (۹) فواد افرم البستانی. الشعر الجاهلی: نشأته، فنونه، صفاته، بحث ادبی انتقادی، مقدمة للمنتخبات من شعر الجاهلیین، بیروت ۱۹۲۷ م، صص ۱۳-۱۶.
- (۱۰) نقد کتاب فی الشعر الجاهلی. لمحمد خضر حسین احد علما الازهر. قاهره بی‌تا.

امویان آغاز گردید و دانشمندان عصر عباسی این کوشش را به اوج رساندند. اما این گردآورندگان قدیم هنوز با مفهوم امانتداری در نقل روایت‌ها و وسواس بسیار، چنان‌که در روزگار کنونی رایج است، بیگانه بودند. و چون اغلب خود نیز شعر می‌سرودند، نه فقط خود را محق بلکه حتی گاهی خود را موظف می‌دانستند که به هنگام روایت شعر گذشتگان، آن را اصلاح یا تکمیل کنند.^۱ پس شگفت‌آور نیست که اینان برای مستند جلوه دادن روایت‌های خود از ابداع نیز نهراستند. هنگامی که حماد الراویه خواست تفوق خود و اهل کوفه را در شناخت شعر کهن در برابر اهل بصره اعلام دارد، ادعا کرد شعرهایی را می‌شناسد که به فرمان نعمان نوشته شده و در کاخ سفیدش (... الاقصر الایض)^۲ در خاک دفن شده و گویا مختار بن ابی عبید آن‌ها را بازیافته است.^۳

صرف نظر از منشأ این‌گونه اشتباهات اجتناب‌ناپذیر، باید گفت که تحریف‌های عمدی چندان اهمیتی ندارند. این واقعیت که برای تجلیل از قبیله‌ای، شعرهای کهن‌نمای قهرمانان مشهور دوره‌ی پیش از تاریخ بر زبان رانده می‌شده، بیش‌تر از آن‌که ما یارای اثبات آن را داشته باشیم، روی داده است. از سوی دیگر، فقیهان اسلامی به علت ملاحظات مذهبی شعرهای شاعران قدیم را واپس می‌زدند. اما از آن‌جا که مذهب در زندگی عربان قدیم عنصر غالب به شمار نمی‌آمده است، انگیزه‌ی دست‌زدن به چنین عملی چندان نیرومند نبوده است.

۱. یک بار «خلف الاحمر» بیتی را که «اصمعی» از «جریر» روایت کرده بود، اصلاح کرد (نک. مرزبانی، موشح، ۱۲۵، ۱۱). گفته شده که او بیت‌های اول و سوم را خود بر چهارمین شعر زهیر (نک. دیوان زهیر، ویراسته‌ی آلوارت) افزوده است (نک. یاقوت، ارشاد VII، ۱۷۲، ۱۳)، نک. مفضلیات. مقدمه‌ی جزء دوم، ۱۷، ویراسته‌ی لایل.

۲. یاقوت، الاقصر الایض، مجموعه‌ی آثار IV، ۱۰۶.

۳. ابن جنحا، خصائص I، ۳۹۳.

منابع شناخت شعر جاهلی

11 شعرهایی که این چنین به دست نسل های بعدی رسیده،
 zu.s.17 توسط دانشمندان علم ادب در بصره و کوفه گردآوری شده
 است. بخشی را از دیوان های هریک از شاعران، بخشی را
 از مجموعه های شعری قبیله ها یا طبقات اجتماعی، و سرانجام بخشی را
 از منتخبات گرد آورده اند.

۱. قدیم ترین مجموعه ی قصیده های کامل توسط حماد راویه انتخاب
 شده است و مطابق الگوی عنوان های کتاب های دیگر، آن را «السموط» یا
 «المعلقات» نامید؛ یعنی آن هایی که به سبب ارزشمند بودن، مقامی رفیع
 یافته اند. از معنای واژه ی معلقات، چنان که نولدکه تشخیص داد^۱، این
 روایت به وجود آمد که این شعرها را در همان روزگار بت پرستی [جاهلی]
 همچون الگو و سرمشق می شناختند و به همین اعتبار، بر کعبه آویخته

1. Nöldeke, *Beitr.* XVII ff. همچنین *Enc. Brit.* XI, 536.

و نك. روبسون که نام «معلقات» را نادقیق شرح می دهد:

J. Robson, *The Meaning of the Title al-M.* *JRAS* 1936, 83/6.

بودند. در حقیقت این مجموعه از حماد راویه است. روایت‌ها در این باره اتفاق نظر ندارند که چه شعرهایی جزء معلقات به شمار می‌آیند. پنج شعر را همگان در شمار معلقات می‌دانند: شعرهای امرؤ القیس، طرفه، زهیر، لید، عمرو بن کلثوم. معمولاً در بیش‌تر روایت‌ها، ششمین و هفتمین جای به عترة و حارث بن حلزه داده شده است؛ در حالی که مفضل به جای اینان، نابغه و اعشی را می‌نشانند. اینان شاعرانی هستند که به هر حال به عنوان مشهورترین شاعران عصر جاهلی اعتبار دارند. تنها استثناء 12

در این جا حارث بن حلزه است. نولدکه سبب این را که چرا حماد او را در این مجموعه جای داده، شناخته است. حماد، مولای قبیله‌ی بکر بن وائل بود. این قبیله از دوران جاهلی در خصوصیت دایم با قبیله‌ی تغلب به سر می‌برد. شعر عمرو بن کلثوم به تمجید و ستایش این قبیله اختصاص یافته بود و به سبب گسترش وسیع تغلب از شهرتی والا برخوردار گشت. چون حماد نمی‌توانست این شعر را نادیده بگیرد، می‌بایست بیندیشد که شعری دیگر را در کنار آن قرار دهد که به تمجید و ستایش از سروران او، یعنی قبیله‌ی بکر بن وائل، پردازد. از این رو، شعر هم‌قبیله‌ای خود حارث را برگزید که شهرت چندانی نداشت. 12

پسینیان که چنین نفعی نداشتند، شاعر مشهورتری را 17 zu.s. جایگزین او ساختند. از این گذشته، برخی معلقات را شامل نه قصیده می‌دانند و شعرهایی را که مفضل برگزیده است، بر انتخاب حماد می‌افزایند. و مجموعه‌ای که تبریزی شرح کرده است، با افزودن قصیده‌ای از عبید بن ابرص، شمار معلقات را به ده می‌رساند.

منابع

متن‌ها و ترجمه‌ها

۱. معلقات سبع، ویراسته‌ی آرنولد:

Septem Moallakat, ed. F. Arnold, Lipsiae 1850.

۲. آبل. فهرست‌های واژه‌های شعری کهن عربی:
L. Abel, *Wörter verzeichnisse Zur altarabischen Poesie I*, Berlin 1891.
۳. نقد گئورگ یاکوب از چاپ معلقات توسط دکتر آبل. مطالعاتی درباره‌ی شاعران عرب:
G. Jacob, Dr. Abels Muallaqāt – *Ausgabe nachgeprüft Studien in arabischen Dichter I*, I, Berlin 1893-4.
۴. نولدکه. نوشته‌هایی درباره‌ی شناخت شعر عربان قدیم:
Th. Nöldeke, *Beiträge Zur Kenntnis der Poesie der alten Araber XVII*
و همچنین در:
Enc. Brit. XVI, 536.
۵. در نسخه‌ی خطی موزه‌ی بریتانیا (Br. Mus. 1662) هفت معلقه با افزودن قصیده‌های نابغه و اعشی (القوائد التسع المشهورة بتفسير غريبها الخ) و قصیده‌ی اول ذوالرمه (در دیوان مکارتنی) تکمیل شده است.
۶. چاپ‌ها و ترجمه‌های قدیم معلقات را سنکر یاد می‌کند:
Zenker, *BOI*, No. 451-470, II, 436-9.
۷. ترجمه‌ی معلقات طرفه و عمروبن کلثوم به آلمانی از روکرت:
Dir Mu'allaqat des Tarafa und 'Amr. deutsch von Fr. Rückert, in Lagards *Symmikta* 198-206.
۸. نولدکه پنج معلقه را ترجمه و شرح کرده است:
Th. Nöldeke, *Fünf Mo'allaqāt übers. u. erkl. I, SBWA CXL* (1899) No. 7, II eb. *CXLII* (1900) No. 5.
۹. گایگر معلقه‌ی طرفه را ترجمه و شرح کرده است:
B. Geiger, *Die M. des Tarafa übers. u. erkl., WZKM* 1905, 323-370.
۱۰. گانتس معلقه‌ی امرؤ القیس را ترجمه و شرح کرده است:
S. Gandz, *Die M. des Imru'ulqais übers. u. erkl. SBWA CLXX* (1913) No. 4.
۱۱. هفت قصیده‌ی طلایی عربستان جاهلی مشهور به معلقات، ترجمه به انگلیسی از خانم بلنت و به صورت شعر انگلیسی آقای بلنت:

The Seven Golden Odes of Pagan Arabia known also as The Moallakat, Transl. From The Original Ar. By Lady Ann Blunt, done into engl. verses by G.W. Wilfried Scawen Blunt, London 1903.

چاپ‌های جدید

۱۲. چاپی از احمد المحمصانی (یکی از شاگردان الشنقیطی) در یک مجموعه. قاهره ۱۳۱۹ هـ.
۱۳. المعلقات العشر أو القصائد العشر الطوال لاحمد بن امین الشنقیطی. قاهره ۱۳۲۹ هـ. چ دوم آن زیر عنوان: المعلقات العشر و اخبار شعرائها. قاهره ۱۳۴۵ هـ.
۱۴. با ترجمه‌ی فارسی و هندی. دهلی ۱۹۰۵ م.

شرح‌ها

۱۴. شرح ابوبکر محمد بن القاسم الانباری (درگذ. ۳۲۷ / ۹۳۹): اسعد افندی ۲۸۱۵ (MFO V, 533)؛ یسعی جامع ۲۷۸ (MSOS XV, 6)؛ نورعثمانیه ۴۰۵۲ (ZDMG 64, 216). معلقه‌ی طرفه با شرح الانباری، چاپ اوتو رشر (O. Rescher). استانبول ۱۳۲۹ / ۱۹۱۱، معلقه‌ی عترة در: RSO IV-V، معلقه‌ی زهیر در: MO 1913, 137-195.
۱۵. شرح محمد بن احمد بن کیسان (درگذ. ۳۲۰ / ۹۳۲) درباره‌ی قصیده‌ی امرؤ القیس. چاپ برنشتاین: Ibn Kaisāns Comt. Zur Qasde des Imrilqais hsg. von F. L. Bernstein ZA, 29, 1/79-3, Bank, XXIII 1, 2504. شرح ابن کیسان فقط راجع به امرؤ القیس، طرفه، لبید، عمرو و حارث، برلین ۷۴۴۰؛ و فقط درباره‌ی امرؤ القیس، دیوان هند ۸۰۰؛ شرح ابن کیسان درباره‌ی معلقه‌ی عمرو بن کلثوم، چاپ اشلوسینگر بر اساس نسخه‌ی خطی برلین: M. Schlössinger, ZA 16, 15-64.
۱۶. شرح احمد بن محمد النحاس (درگذ. ۳۳۸ / ۹۵۰): لیدن ۵۵۷، برلین ۷۴۴۱، دیوان هند سوم ۱۰۴؛ پیوست موزه‌ی بریتانیا ۱۰۲۸؛ امپروزیانای دوم ۱۰۵ (ZDMG 69, 70)، واتیکان سوم ۱۰۱۵: ۷، اسکوریال دوم ۴۰۷، قاهره‌ی دوم III: ۲۲۰، نورعثمانیه ۴۰۵۵. (ZDMG 64, 215)، عمومیه (همان جا ۵۰۱)، لاله‌ی ۱۸۵۴ (همان جا ۵۱۸)،

ایاصوفیه ۴۱۱۹ (WZKM 26, 87)، چورلولو^۱ پاشا ۳۷۰ (۴۹۷)، (MFO V)،
عاشر افندی ۸۴۸-۹ (همان جا ۵۰۸)، بنی احمدخان ۹۸۰ (MSOS XV, 8)،
فیضیه ۱۶۶۰ (ZDMG 68, 382)، کوپرلی ۱۳۲۸، ۱۳۶۵، توپ قاپو ۲۳۰۹،
۲۳۶۶ (RSO IV, 697)، مکتبه شیخ الاسلام (معارف ۱۸، ۳۴۰)، بنکیپور ۱۸۰۱،
تذکره النوادر ۱۲۵، معلقه ی زهیر با شرح النحاس، چاپ هاوسهر:

Die M. des Zuhair mit dem Komt, des an, N, hsg, v. J. Hausheer,
Berlin 1905.

۱۷. شرح حسین بن احمد زوزنی (درگذ. ۴۸۶ / ۱۰۹۳). نک.

de Sacy, Not et Extr. IV 309 ff.

نسخه های خطی آن در همه جا یافت می شود، و بیش تر به منظور آموزش درسی
چاپ شده است؛ مانند چاپ آرنولد، چاپ سنگی از یوحنا بن اسعد الصعبی، لبنان
۱۸۵۳ / ۱۲۶۹.

(نک. Kračkovsky Dokl. Ak, Nauk, 1298, s. 26 ff)، چاپ قاهره ۱۲۷۷ م،
چاپ اسکندریه ۱۲۸۸ ه، سپس قاهره ۱۳۱۱ ه، ۱۳۱۵ ه، ۱۳۱۹ ه، ۱۳۲۸ ه،
(با قصیده ی اعشی: ما بکاء الکبیر بالاطلال و ۳ قصیده ی نابغه)، سال ۱۹۲۵ م، با
تعلیقات هندی، دهلی ۱۸۹۵ م.

۱۸. شرح القصائد العشر از یحیی بن علی تبریزی (درگذ. ۵۰۲ / ۱۱۰۹)، لیدن ۵۶۱،
کمبریج اول ۶۲۶، دیوان هند سوم ۱۰۳، فیضیه ۱۶۶۲، ZDMG 68, 382. در
قاهره هم چاپ شده: شرح القصائد العشر مع ذکر روایات، ۱۳۲۴ ه، ۱۲۴۳ ه،
۱۳۵۲ ه.

۱۹. شرح عثمان بن عبدالله بن ابی علی التنوخی المعری بر اساس شرح نحاس و زوزنی،
قاهره ی دوم III، ۲۲۰.

۲۰. شرح موهوب بن احمد الحصری^۲، پاریس اول ۳۲۷۹.

۲۱. شرح محمد بن علی بن فضل الحسینی الطبری، تألیف شده در ۱۱۵۵-۱۱۵۷ /
۱۷۴۲-۱۷۴۴، بریل اول ۲، ۲: ۱.

۱. ضبط قدیم آن «چورلی لی» است. م.

۲. مترجم عربی اثر بروکلن در یادداشتی می نویسد: این شخص موهوب بن احمد
الحسن الخضری، ابومنصور الجوالیقی است و بروکلن اشتباه می کند. م.

۲۲. شرح عبدالله بن احمد الفاکهی (درگذ. ۹۷۲ / ۱۵۶۴)، راغب پاشا ۱۱۵۴ (ZDMG 64, 501)
 ۲۳. شرح ابوسعید الضریر الجرجانی، قاهره‌ی دوم III، ۲۲۱ (عکس آن بر اساس نسخه‌ای خطی در پاریس).
 ۲۴. شرح عبدالرحیم بن عبدالکریم، که بسط شرح زوزنی است، بریل اول ۳.
 ۲۵. شرح علی بن علی الصنفی پوری، چاپ هند ۱۲۹۱ هـ.
 ۲۶. شرح احمد بن الفقیه محمد بن ابی بکر. تألیف شده در ۸۲۸ / ۱۴۲۴ قلیج علی پاشا ۸۲۵ (MTO V, 496).
 ۲۷. شرح معلقات امرؤ القیس، زهیر، طرفه از محمد بن بدرالدین العوفی (پیرامون ۸۳۳ / ۱۴۷۸) به عنوان تحفة اللیب، لیدن ۵۱۳.
 ۲۸. شرح احمد بن محمد بن عبدالکریم الموسوی، به تاریخ ۱۲۷۳ / ۱۸۵۶، پیوست فهرست کمبریج ۱۲۱۶.
 ۲۹. شرح الفیض السهارنبوری القرشی الحنفی (پیرامون ۱۲۹۹ / ۱۸۸۱) به عنوان ریاض الفیض شرح المعلقات، لاهور ۱۸۸۸ م.
 ۳۰. شرح احمد بن محمد بن اسماعیل المعافی التحوی، پایان یافته در ۱۲۸۷ / ۱۸۷۰، قاهره‌ی دوم III، ۲۵۵.
 ۳۱. نهاية الارب من شرح معلقات العرب از ابوفراس بدرالدین الحلبي النعسانی، قاهره ۱۹۰۶ م، ۱۳۲۹ / ۱۹۱۱.
 ۳۲. الحسیب. امرؤ القیس قصیده معلقسنن شرحی. استانبول ۱۳۱۶ هـ.
 ۳۳. مصطفى الغلابی. رجال المعلقات العشر. بیروت ۱۳۳۱ هـ.
 ۳۴. فواد افرم بستانی. معلقتا طرفه و لبید. بیروت ۱۹۲۹ م.
- (الروائع ش ۲). - تخمیس برای معلقات. پاریس اول ۳۰۷۵، همچنین نك. دوساسی:

de Sacy Not. et Extr IV, 30 gff.

شرحی نیز درباره‌ی معلقه‌ی امرؤ القیس: نظم التفسیر، شرح معلقه امرؤ القیس از ابواسامه جناده بن محمد الازدی الهروی (درگذ. ۳۹۹ / ۱۰۰۸، نك. یاقوت، ارشاد II، ۴۲۶؛ سیوطی، بغیه ۲۱۳)، موزه‌ی بریتانیا ۶۶۳۸ (فهرست توصیفی موزه‌ی بریتانیا ۶۰).

معلقه‌ی امرؤ القیس به دنبال دوازدهمین مقامه‌ی حریری، مشهور به دمشقیه، و

قصیده‌ی زینبیه، شعری منسوب به علی (ع)، چاپ متن همراه با اعراب، شرح عربی و ترجمه‌ی کلمه به کلمه به فرانسوی توسط رو:

La Moallaka d'Imrou'lkais etc., textes publiés avec les voyelles, un Com. ar. et une traduction littéraire en français par A. Raux, Paris 1907.

همچنین شرح نحاس بر معلقه‌ی طرفه، چاپ رایسکه. لیدن:

Taraphae Muallakah Cum scholiis Nahas e mss. Leid. ar. ed. vertit explanavit J. J. Reiske, Lugd. Bat. 1742.

و نك. معلقات، ایاصوفیه ۴۰۹۵، س ۵۴۵ هـ، بر اساس نسخه‌ی خطی س ۴۹۹ هـ روایت احمد بن علی بن السمان.

zu.s.19 ۲. المفضل بن محمد بن یعلی الضبی (درگذ. ۱۶۴ / ۷۸۰ و

به قولی ۱۶۸ / ۷۸۴ یا ۱۷۰ / ۷۸۶) که معاصر حماد بود،

در برابر مجموعه‌ی کوچک اما گزیده‌ی او، منتخب

غنی‌تری عرضه کرد. او از نجیب‌زادگان عرب بود که به هواخواهی علویان

به سرکردگی ابراهیم بن علی بن الحسن برخاست. اما پس از شکست

ابراهیم از سوی خلیفه منصور بخشوده شد و مأمور تربیت فرزند او،

مهدی که بعد به خلافت رسید، گردید. مفضل برای این خلیفه ۱۲۶ یا

۱۲۸ قصیده، در آن میان نیز چند قطعه‌ی کوتاه، از ۶۷ شاعر برگزید.

بیش‌تر این شاعران، یعنی ۴۷ تن از آنان، به دوران پیش از اسلام تعلق

دارند. در بین آنان دو شاعر قدیم و مشهور، مرقش اکبر و مرقش اصغر، و

همچنین دو شاعر نصرانی، جابر بن حنی (ش ۴۲) و عبدالمسیح (ش ۷۲،

۷۳، ۸۴) را می‌یابیم. از این میان ۱۴ تن شاعران مخضرم هستند، یعنی

کسانی که کافر به دنیا آمده و اسلام را به جان آزموده‌اند و فقط ۶ تن کاملاً

به دوران اسلامی تعلق دارند. این مجموعه بنا بر ابن‌ندیم، فهرست ۶۸، از

ابن عربی روایت شده که ۱۲۸ قطعه شعر را برشمرده است و ابو محمد

القاسم بن محمد الانباری از آن میان دو قطعه را حذف کرده است. این مجموعه در آغاز کتاب/الاختیارات نامیده می شد، اما بعد از آن به اسم گردآورنده اش/المفضلیات نامیدند.

منابع

۱. مفضلیات به روایت و شرح ابن انباری. ویراسته ی لایل. ج I: متن عربی. ج II: ترجمه و یادداشت ها. ج III: فهرست ها از یوان:
The *Mufaddaliyāt*, an anthology of ancient arabic Odes Compiled by al-Mufaddal son of Muhammad according to the recension and with the Commentary of abū Muhammad al-Qasim ibn Muhammad al-Anbārī ed. for the first time by Ch. Lyall, I. arab. Text, Oxford 1921, II. Transl. and Notes eb. 1918, III. Indices by A. A. Bevan, Gibb Mem. N. Series III, London-Leyden 1924.
۲. دیوان المفضلیات ج I (۴۰ قصیده همراه با شرح الانباری). استانبول ۱۳۰۸ هـ.
۳. المفضلیات. ویراسته ی ابوبکر بن عمر الداغستانی المدني. قاهره ۱۳۲۴ / ۱۹۰۶.
در این باره نک. مقاله ی هافنر:
Haffner, *WZKM* XIII, 344 ff.
۴. المفضلیات، شرحها حسن السندوبی. قاهره ۱۹۲۶ م.

نسخه های خطی

۵. شرح ابن انباری، لاله ی ۱۸۵۸، قاهره ی اول IV، ۲۷۴.
۶. شرح مرزوقی (درگذ. ۴۲۱ / ۱۰۳۰)، برلین ۷۴۴۶.
۷. شرح تبریزی (درگذ. ۵۰۲ / ۱۱۰۸)، موزه ی بریتانیا، لایل I، XXI (در فهرست توصیفی موزه ی بریتانیا نیست)، برلین - بریل ۲۹۵، فاتح ۳۶۹۳ (MFO V, 502).
۸. مجموعه ای مرکب از مفضلیات و اصمعیات (نک. زیر بند ۲ الف)، در دیوان هند اول، شامل ۷۵ شعر منتشر نشده، نک. لایل I، XX.

۲ الف. چنین می نماید که این دو مجموعه شامل مهم ترین قصیده های می شوند که در دیوان های شاعران بزرگ نیامده اند. هنگامی که اصمعی

عالم بزرگ علم ادب عربی (درگذ. ۲۱۶ / ۸۳۱)، که زندگی نامه نویسان او، بنا بر عادت، در ستایش از او مبالغه کرده اند و گفته اند برای هریک از حرف های الفبا، صد قصیده ی هم قافیه از بر داشته، قصد کرد تا به نوبه ی خود گلچینی فراهم آورد، تعداد کمی شعر برای او بازمانده بود. مجموعه ی او به نام اصمعیات که در نسخه ای خطی در وین همراه با مفضلیات نگهداری شده است، فقط شامل ۷۲ قصیده و در مجموع ۱۱۶۳ بیت می شود؛ در حالی که در کنار قصیده ها تعداد زیادی قطعه های کوتاه شعری وجود دارد. از میان ۶۱ شاعری که در اصمعیات می آید، ۳ تن را نام نمی برد؛ ۵ نفر شناخته شده نیستند؛ از بقیه ی شاعران بیش ترشان به دوره ی جاهلیت تعلق دارند، و فقط ۱۴ تن شاعران مخضرم یا مسلمان خالص هستند. در این مجموعه یک قصیده از هریک از دو شاعر مشهور، امرؤ القیس و طرفه نیز وجود دارد. این مجموعه نمی بایست از محبوبیت چندانی برخوردار بوده باشد؛ زیرا از نظر واژه های نادر مانند مفضلیات غنای زیاد نداشته، زیرا که اصمعی غفلت کرده بود که روایات زیادی بیاورد و به اصطلاح به «اختصار الروایة» بسنده کرده است.

منابع

۱. آلوارت. مجموعه های شاعران قدیم عرب. ج ۱. الاصمعیات (بر اساس رونویس یک نسخه ی خطی کوپرلی. در قاهره ی دوم III. ۳۷):
Sammlungen alter arabischer Dichter I. Elacma'ijjat. hsg.
V.W. Ahlwardt. Berlin 1902.
۲. نسخه ی خطی کوپرلی ۱۳۹۴، نك. رشر: 178, 1911, *MSOS*, Rescher.
۳. شرح ابن انباری: ایاصوفیه ۴۰۹۹: ۱۲.

۳. حدود پایان قرن سوم هجری احتمالاً مجموعه‌ی چهارمی به وجود آمده است به نام *جمهرة اشعار العرب*. این کتاب مجموعه‌ای است هفت بخشی. علاوه بر معلقات سبع، شش هفت بخشی دیگر را آورده است که صرف نظر از عنوان پنجمین بخش، «مراثی»، بخش‌های دیگر دارای عنوان‌هایی زیتتی‌اند که به دلخواه گردآورنده گزیده شده‌اند: *مجمهرات*، *منتقیات*، *مذهبات*، *مشوبات*، *ملحمات*.^۱ در حالی که آخرین بخش فقط شامل شاعران عصر اموی می‌شود، در بخش‌های دیگر غلبه با شاعران دوره‌ی جاهلیت است. کتاب با پیش‌گفتار تقریباً بی‌ارزشی راجع به استعارات و اختلاف دانشمندان بر سر ارزشیابی برخی از شاعران مشهور آغاز شده است. گردآورنده خود را ابوزید القرشی می‌نامد و راوی او، مفضل احتمالاً در طبقه‌ی ششم از سلاله‌ی خلیفه عمر بوده است؛ بنابراین پیرامون نیمه‌ی قرن سوم هجری می‌زیسته است. درباره‌ی این دو نفر، ابوزید و مفضل، در منابع دیگر اطلاعی به دست نمی‌آوریم، و به نظر می‌رسد که نام آنان بر اساس نام‌های ابوزید انصاری، نحوی مشهور، و معلم او، مفضل، بازسازی شده باشد. اما از آن‌جا که ابن‌رشیق (۳۹۰-۴۵۶ / ۱۰۰۰-۱۰۶۴) این اثر را می‌شناسد، بنابراین احتمال دارد که این اثر در تلاقی قرن‌های سوم و چهارم هجری تألیف شده باشد.^۲

۱. بنا بر این عنوان‌های هفت بخش *جمهرة اشعار العرب* از این قرار است: معلقات، *مجمهرات*، *منتقیات*، *مذهبات*، *مراثی*، *مشوبات*، *ملحمات*. م.

۲. مصطفی جواد (در حاشیه‌ی شادی، الینوع ۱۷۳) در نظر داشت که زمان تألیف آن را قدری جلوتر بیاورد؛ زیرا مؤلف (در چاپ بولاق ۱۳۰۸ هـ در ص ۱۶۵، ص ۲۵) از صحاح الجوهری نقل قول می‌آورد. اما این نقل قول در حاشیه‌ی کتاب است که می‌تواند بعداً افزوده شده باشد. ادعای او مبنی بر این‌که مؤلف اغلب (کثیراً) از مفضل بن مسعر، که بنا بر یاقوت، ارشاد VII، ۱۷۱ در سال ۴۴۳ / ۱۰۵۱ درگذشته است، نقل قول می‌آورد، قابل اثبات نیست؛ زیرا هیچ سندی برای آن به دست نمی‌دهد. اما می‌توان احتمال داد که او آدم معتبری چون مفضل ضبی را خودسرانه با مفضل بن مسعر همسان گرفته است.

منابع

نسخه‌های خطی

۱. برلین ۷۴۵۲، توپینگن ۲۳۰، لیدن ۶۰۸-۶۰۹، پاریس اول ۵۸۳۳، الجزایر ۱۷۸۸، موزه‌ی بریتانیا ۱۰۶۳، ۱۶۶۲، پیوست موزه‌ی بریتانیا ۱۱۰۷، بودلیان ۱۲۹۸، امپروزیانای اول ج ۱ (RSO IV, 93)، واتیکان سوم ۱۰۵۴، قاهره‌ی دوم III، ۷۶، پرینستن-گارت ۱۲، کوپریلی ۱۲۳۲ (نک. رشر: ۷، ۱۹۱۲ MSOS)، علیگره ۱۲۶: ۱، آصفیه I، ۱۲۴۰، ۳، و نک.:

D.B. Macdonald, Proc. AOS, Dec. 1894, CLXXV-CCXCL.

چاپ‌ها

۲. چاپ جداگانه‌ی ملحقات قاهره بی‌تا.
 ۳. چاپ معلقات در: آبکاریوس (I. Abkarius). *نهاية الارب فی اخبار العرب*. مارس‌ی ۱۸۵۱ م.
 ۴. چاپ تمامی شعرها بر اساس متنی جز آن متنی که بعد چاپ شد، در: تزین *نهاية الارب*، بدون شرح در: *نیل الارب فی فضائل العرب*. قاهره. بی‌تا (۱۸۹۵ م؟).
 ۵. متن کامل از سعید افندی انطون عمون. بولاق ۱۳۰۸، ۱۳۳۱، ۱۳۴۵ هـ. و نک. هومل در ششمین کنگره‌ی مشرق‌شناسی: Hommel. Actes du vie Congr. Internat. des orient. II. P. sect. I, 387-408.
- Nöldeke, ZDMG 49, 290-3. و نیز نک. نولدکه:
- و نک. تالینو درباره‌ی چاپ‌های گوناگون *جمهرة*:
- M. Nallino, Le Varie edizioni e stampe delta Ġ. a. al-A., RSO XIII. 4 (1932). 334-41.

۳ الف. هنگامی که هبة‌الله بن احمد بن الشجری (درگذ. ۵۴۲ / ۱۱۴۷) که علوی بود، خواست مجموعه‌ی جدیدی از قصاید بنیاد نهد، برای بخش نخست فقط توانست ۱۲ قصیده از طریق وام‌گیری از دیوان‌های ملتمس و طرفه گرد آورد؛ و در بخش دوم گزیده‌ای از دیوان‌های زهیر، بشیر بن ابی حازم و عبید بن ابرص را، و در بخش سوم از دیوان حطیئة عرضه کند.

منابع

۱. دیوان مختارات شعرا العرب. چاپ سنگی قاهره ۱۳۰۶ هـ.
۲. مختارات شعرا العرب، ضبطها و شرحها محمود احمد الزناتى. قاهره ۱۳۴۴ / ۱۹۲۵.

۳. ب. مؤلفی ناشناخته به نام محمد بن المبارک بن محمد بن میمون در ۵۸۸-۵۸۹ / ۱۱۹۲-۱۱۹۳ در بغداد مجموعه‌ای شامل هزار قصیده گرد آورد. عنوان آن: منتهی الطلب من اشعار العرب. نك. اقلید الخزانة ۱۲۰، که از ده بخش آن سه بخش در لاله‌لی ۱۹۴۱ و در قاهره‌ی دوم III، ۳۸۹-۳۹۱ وجود دارد. نیز نك. محمد حسین:

S.M. Hussain, JRAS 1937, 433-52.

۴. در دوران عباسیان زیر تأثیر شعر جدیدتر، نگرش دانش‌آموختگان نیز نسبت به شعر قدیم دستخوش دگرگونی گشت. دیگر کسی را شکیب آن نبود که قصاید بلند را بخواند، بلکه تنها به لذت‌جستن از بیت‌های درخشان بسنده می‌شد. گلچین‌های شعری گوناگونی به منظور پاسخگویی به این تمایل فراهم آورده شد که نظم موضوعی داشتند. کهن‌ترین گلچین این گونه‌ای را ابوتمام شاعر (درگذ. ۲۳۱ / ۸۴۶) پدید آورد. گویا به هنگامی که از خراسان باز می‌گشت و زمستان سخت او را در همدان غافلگیر کرد، در آن‌جا به مطالعه‌ی کتاب‌های گنجینه‌ی غنی میزبان‌ش ابوالوفاء بن سلمه پرداخت. ابوتمام مجموعه‌اش را بنا بر عنوان نخستین فصل از ده فصلی که گرد آورده بود «الحماسه» نامید. تدوین‌کنندگان مجموعه‌های، بعدی نیز این عنوان را پذیرفتند و آن را بارها به کار بستند. فصل‌های بعدی از نظر حجم و اهمیت در مرتبه‌ی پایین‌تری قرار دارند:

باب المراثی، باب الادب^۱، باب النسیب، باب الهجاء، باب الاضياف و المديح، باب الصفات، باب الملح، باب مذمة النساء. ابوتمام انتخاب خود را به شاعران عصر جاهلیت و صدر اسلام محدود ساخت.

منابع

نسخه‌های خطی

۱. نسخه‌های خطی بسیاری از حماسه‌ی ابوتمام وجود دارد، برخی از آن‌ها در گوتا ۲۱۹۳ آورده شده است.

نسخه‌های چاپی

۲. چاپ‌های بولاق: ۱۲۸۶ هـ، ۱۲۹۰ هـ، ۱۲۹۶ هـ، چاپ‌های قاهره: ۱۳۲۲ هـ، ۱۳۱۱ / ۱۹۱۱، ۱۳۲۵ هـ. و: حماسه‌ی ابوتمام مع شرح مختصر قاهره ۱۳۳۵ هـ، چاپ لکهنو ۱۲۹۳ / ۱۸۷۷، چاپ مولوی کبیرالدین احمد و محمد غلام ربانی، کلکته ۱۸۵۶ م (با شرح مولوی فیض‌الحسین)، چاپ بمبئی ۱۲۹۹ (با شرح شیخ لقمان)، چاپ بیروت ۱۳۰۶ هـ، همچنین نک. کریمسکی:
A. Krymski, *Abu Temmam Hamasa*, I, II, Moskau 1912.

شرح‌ها

۳. شرح ابومحمد القاسم بن محمد الاصفهانی (درگذ. ۲۸۷ / ۹۰۰، سیوطی، بغیه ۹۲۸۰)، فاتح ۳۹۹۴ (MFO V, 503).

۱. طبیعی است که این واژه هنوز در معنای آغازین آن به کار رفته است: تربیت عالی. و شاعر قدیم متفقدالجمع واژه‌ی «تأدیب» را (مفصلیات ۴، ۴) از آن مشتق کرد.
[یأبسی الذکاء و یأبسی أن شیخکم لن یعطى الان من ضرب و تأدیب]

[از تعب. م.]

همان‌گونه که فولرز (Vollers, Leipzig, Kat. 180) برای نخستین بار دریافت، جمع «آداب» از «داب» (به معنی عادت، عرف) ساخته شد (همچنین نک. نظر نالینو در کتاب طه حسین به نام فی‌الادب الجاهلی. ص ۱۸). تحول بعدی این مفهوم زیر تأثیر واژه‌ی فارسی «فرهنگ» (نک. Nyberg, *Hilfsbuch des Pahalavi Cl* 70) است و سرانجام به معنای «ادبیات» به کار می‌رود.

۴. التنبيه فی شرح مشکل ابیات الحماسة از ابن جنی (درگذ. ۳۹۲/۱۰۰۲):
پاریس اول ۳۲۸۵، بنی احمدخان ۹۶۶ (MSOS, XV, 7)، توپ‌قاپو ۲۳۶۹
(RSO IV, 697)، قاهره دوم III، ۶۹، پاتنه I، ۲۰۰: ۷۸۹، و چاپ قاهره
۱۹۲۷ م. (۲ الف) از ابن جنی: المبهج فی تفسیر اسماء شعراء الحماسة: منچستر C
۴۴۳، توپ‌قاپو ۲۵۳۳ (RSO IV, 715)، قاهره دوم II، ۳۳، ۳۲۲، قاهره اول
VII: ۶۷۲. مکتبه شیخ الاسلام (تذکره النوادر ۱۲۹)، چاپ دمشق ۱۳۴۶، بانکپور
XXIII، ۷۰، ۲۵۶۴.
۵. شرح مرزوقی (درگذ. ۴۴۱/۱۰۳۰): برلین ۷۴۴۹، لیدن ۶۰۳، موزه‌ی بریتانیا
۵۶۸-۵۶۹. کوپرلی ۱۳۰۸ (MSOS II/ XIV, 8)، نورعثمانیه ۳۹۹۹-۴۰۰۱،
ایاصوفیه ۴۰۵۸، لاله‌لی ۱۸۱۰-۱۸۱۳ (MO VII, 103)، فاتح ۳۹۴۱-۳۹۴۴
(MFO V, 503)، بایزید ۲۶۰۴ (همان‌جا ۵۲۷)، عاطف افندی ۲۱۴۶ (همان‌جا
۴۹۰)، عمومیه ۵۳۹۲-۵۳۹۳، ۵۵۴۷ (همان‌جا ۵۱۹)، فیضیه ۱۶۴۴
(ZDMG 68, 381)، موصل ۱۹۰، I، تهران، مجلس II، ۲۸۸، کوپرلی ۱۳۱۷:
۲ (MSOS XV no. 12)، بانکپور XXIII، ۷۱: ۲۵۶۵، حور لیل ۳۶۷، دمشق
۱۳۴۸.
۶. شرح ثابت بن محمد جرجانی (درگذ. ۴۳۱/۱۰۳۹): سیوطی، بغیه ۲۱۰، یاقوت،
ارشاد III، ۳۹۸، اسکوریال دوم ۲۸۹.
۷. شرح ابوالعلاء المعری (درگذ. ۵۴۸/۱۱۵۳): قاهره دوم III، ۲۰۱.
۸. الباهر از ابوعلی الفضل الطبرسی (درگذ. ۵۴۸/۱۱۵۳). فیضیه ۱۶۴۲
(ZDMG 68, 381).
۹. تبریزی، شرح الحماسة: نسخه‌ی خطی در ۵ ذوالحجه ۵۰۷: دیوان هند اول
۴۶۳۱. (JRAS 1939, 395)، عاشر افندی ۸۲۵-۸۲۷، ظاهره ۱۴، ۱۵
(Plessne, Isic. IV 542-3)، پاتنه I، ۲۰۰: ۱۷۹۱، همچنین نسخه‌ی خطی سال
۵۷۸ هـ: بانکپور XXIII، ۷۲: ۲۵۶۶.
۱۰. ایضاح المنهج فی الجمع بین کتابی التنبيه و المبهج (ش ۲) از ابراهیم بن محمد بن
ملکون الخضر می (درگذ. ۵۸۴/۱۱۸۸): اسکوریال دوم ۳۱۲.
۱۱. شرح عبدالله بن الحسین العکبری (درگذ. ۶۱۶/۱۲۱۹): کوپرلی ۱۳۰۷
(MSOS XV, 8)، بنی جامع ۹۳۴ (MO VII, 103)، بورس، مدرسه خراج‌زاده
۱۵ (ZDMG 68, 47).

۱۲. اصلاح ما غلط فيه ابو عبدالله حسين بن علي النمری البصری (درگذ. ۳۸۸ / ۹۹۸) از ابو محمد الحسن بن احمد الغندجانی (پیرامون ۴۲۸ / ۱۰۳۶ ن.ک. سمعانی، انساب برگ ۴۱۲۲، یاقوت، ارشاد IV، ۲۲، معجم البلدان III، ۸۲۰، سیوطی، بغیه (۲۱۷): قاهره دوم III، ۱۴.
۱۳. شرح یوسف بن الفضل بن نصر الجزری، پایان یافته در ۶۴۷ / ۱۲۴۹: پیوست موزه بریتانیا ۱۱۰۸.
۱۴. شرح ابوالرضا علی فضل الله بن علی الراوندی القاشانی (درگذ. پس از ۵۴۹ / ۱۱۵۴، سمعانی، انساب ۴۳۷ پ، ۸): موزه بریتانیا ۱۶۶۳.
۱۵. شرحی از مؤلف ناشناخته: مونیخ اول ۸۹۹، ۱. (۱۳) مقتضی السیاسة فی شرح نکت الحماسة از یوسف بن قزاوخلو: استانبول اول ۳۱۸۰ و ۲۵۲ و ZS III.
۱۶. اسرار الحماسة از سید بن علی المرصفی (در ۱۳۴۵ / ۱۹۲۶ استاد الازهر)، چ قاهره ۱۳۳۰ / ۱۹۱۲.
- در عهد ملک شاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ / ۱۰۷۲-۱۰۹۲) مظفر بن احمد اصفهانی که پزشک بود دیوانی تألیف کرد که بیت به بیت مشابه حماسه بود، ن.ک. ابن القفطی ۳۲۸، ۷.

۵. بحتری (درگذ. ۲۸۴ / ۸۹۷) که رقیب ابوتمام بود، در مقابل او گلچین شعری دیگری عرضه کرد که ۱۷۴ باب دارد و شامل قطعه‌های کوچک شعری و اکثراً حتی تک‌بیت‌هایی راجع به موضوع‌های گوناگون شعر است. این اثر به هیچ روی موفقیت حماسه‌ی نخستین را نیافت و از این رو فقط در یک نسخه‌ی خطی، لیدن ۸۸۹، به دست ما رسیده است.

۱. به نظر می‌رسد شرح ابوعلی الحسن بن علی الاسترابادی که «پرچ» در «گوتا» ۲۱۹۳ از الجزایر، ص ۸ نقل می‌کند با الجزایر ۱۷۹۰ یکی باشد، ولی در آن مؤلف فقط ابوعلی نامیده شده است و گمان می‌رود که گزیده‌ای از شرح تبریزی باشد.

منابع

۱. حماسه‌ی البحتری (ابو عبادة الوليد بن عبيد) ۲۰۵-۲۸۴ هـ، چاپ عکسی نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی دانشگاه لیدن همراه با فهرست‌ها:
The Hamāsah of al-Buhturi (Abū 'Ubāda al-Walid ibn 'Ubad), With Indices by R. Geyer and D.S. Margoliouth, Leiden 1909 (De Goeje Fond 1).

نک. گلدزیهر:

Goldzieher. *WZKM* XI, 161 ff

۲. کراچکوفسکی در: I. Kračkovsky, *Zap. vost. otd.* XXI, 1912, 1-12.
۳. شیخو. کتاب‌الحماسه بر اساس نسخه‌ی منحصر به فرد کتابخانه‌ی لیدن:
Le Kitāb al-H. de Abū 'Ubāda al-B. ed. d'après l'unique ms. Conservé à la Bibliothèque de Leyde, avec. préface. tables, variantes et notes Critiques par le P.L. Cheikho (MFO Beyrouth 1910, II, IV, V).
۴. محمد محمود الرافعی. مختارات اشعار العرب. قاهره ۱۳۳۰ / ۱۹۲۲.
۵. حماسه‌ی البحتری، ویراسته‌ی کمال مصطفی. قاهره ۱۹۲۹ م.

۵ الف. در سده‌های بعدی نیز گلچین‌های متعددی با نام الحماسه تألیف شده است. در این جا از آن‌ها یاد می‌کنیم:

الف. حماسه‌الخالدیین یا کتاب‌الاشباه و النظائر از دو برادر به نام‌های ابو عثمان سعید (درگذ. پیرامون ۳۵۰ / ۹۶۱) و ابوبکر محمد بن هاشم الخالدی (درگذ. ۳۸۰ / ۹۶۱) که از شاعران دربار سیف‌الدوله بودند. قاهره‌ی اول IV، ۲۰۲، قاهره‌ی دوم III، ۱۲ ب.

ب. حماسه‌بن الشجرى (نک. ۳ الف): پاریس اول ۶۰۱۸، چاپ کرنکو در حیدرآباد ۱۳۴۵ هـ.

پ. الحماسه‌ المغربیة تألیف‌شده در تونس ۶۴۶ / ۱۲۴۸، از یوسف بن محمد البیاسی: فاتح ۴۰۷۹ (MFO V, 505)، قسمتی از آن در گوتا ۱۳.

ت. الحماسه‌ البصریة، از صدرالدین علی بن ابی‌الفرج البصری که به امیر حلب، ملک ناصر تقدیم کرد: اسکوریال دوم ۳۱۳، نور عثمانیه ۳۸۰۴، راغب پاشا ۱۰۹۱

(ZDMG 64, 211)، عاطف افندی ۲۰۵۳ (۴۸۹، MFO V)، عاشر افندی ۷۸۷ (MFO V, 588)، قاهره‌ی دوم III، ۹۰، IV، ۴۶، ب، تیمور پاشا مجله‌ی المجمع العلمی بدمشق III، ۳۴۲.

درباره‌ی مجموعه‌های دیگر زیر این عنوان نک.:

A. Krysmki, *Hamāsa* 76-8.

۶. دانشمندان علم ادب علاوه بر گلچین‌ها و دیوان‌های هریک از شاعران به جمع‌آوری دیوان‌های شاعران قبیله‌ها نیز پرداختند.^۱ از آن میان فقط دیوان هذیل به دست ما رسیده است. اینان در سراًة هذیل میان مکه و مدینه، و همچنین در جنوب به سوی طائف، که تاکنون نیز در آن جا هستند، سکونت گزیدند. تنها شمار کمی از شاعران این دیوان به دوره‌ی جاهلیت تعلق دارند، و بیش‌ترشان مسلمان هستند. نسخه‌ای از دیوان هذیل که در سال ۲۰۰ / ۸۱۶ نوشته شده است، در اختیار عبدالقادر بغدادی مؤلف خزانه‌الادب^۲ بوده است.^۳ این دیوان را سکری، دانشمند علم ادب عربی، پس از سال ۲۷۸ / ۸۸۸ بازپرداخت کرده است. شاگردش حلوانی که ابن‌ندیم، فهرست (۸۰، ۱۶) او را ابوسهل احمد بن عاصم و مؤلف خزانه‌الادب^۴ که کتاب الشعرا المنسوبین الی

۱. نک.:

I. Goldzieher, *Some notes on the Diwans of the Arabic, Tribes JRAS* 1897, 325-34.

همچنین نک. عبدالعزیز میمن، اقلید الخزانه ص ۵ به بعد از آن. گفته شده که ابو عامر الشیبانی شعرهای بیش از ۸۰ قبیله را جمع‌آوری کرده است. «آمدی» از چنین مجموعه‌هایی، تقریباً در هر صفحه، یاد می‌کند، در: کتاب المؤلف والمختلف، ویراسته‌ی کرنکو.

۲. خزانه‌الادب II، ۳۱۷، ۲۵.

۳. نک.:

Goldzieher, *DLZ* 1895, 1451.

۴. خزانه‌الادب I، ۱۱، ۲۹۱؛ II، ۵۵۷؛ ۵۰۸ و IV، ۲۳۱، ۵۷۳، ۱۲.

امهاتهم او را ذکر می‌کند، احمد بن ابی سهل بن عاصم می‌نامند، آن را بر «رمانی» روایت کرده است. شرح آن فقط به صورت خلاصه در نسخه‌های خطی به دست ما رسیده است. سیوطی در شرح شواهد المغنی^۱ روایتی را از عسکری ذکر می‌کند و خزانه‌الادب^۲ نیز چنین روایتی را از اصمعی می‌آورد.

منابع

نسخه‌های خطی

zu.s.21 ۱. در لیدن ۵۷۶ و قاهره (۱۲۸۴ هـ در مدینه بر اساس نسخه‌ای از سال ۸۸۲ هـ رونویس شده که مؤلف آن یحیی بن المهدی نسخه‌ی ناقصی از روایت عسکری را با توجه به روایتی دیگر از ادیب ناشناخته‌ای، که در کتاب‌ها از آن یاد نشده، تکمیل کرده است. نك:.

J. Hell, ZDMG 64, 669 ff

و همچنین یادنامه‌ی کون:

Aups. Zur Kultur-und Sprachgeschichte, E. Kuhn gewidmet 1916 S. 217 ff).

و لندبرگ دیوان ابو ذؤیب، اکنون در ییل، را از همین نسخه نقل کرده است. نسخه‌های جدیدتر این دیوان. مانند قاهره‌ی دوم III، ۱۳ (ادب شعر ۶) و واتیکان سوم ۱۱۹۳، ۴، از این نسخه نقل نشده‌اند.

چاپ‌ها

۲. کوزه‌گارتین. اشعار الهذلیین:

J.G.L. Kosegarten. The Hudsailian Poems vol. I. London 1854.

۳. اشعار الهذلیین، ترجمه‌ی آلمانی از آبیشت:

As'ar ul-Hudalijjina, Deutsch von R. Abicht, Namslau 1879.

۱. سیوطی، شرح شواهد المغنی ۱۹۴ س ۷ از پایین.

۲. خزانه‌الادب I، ۱۳۳؛ II، ۲۸۶، ۳۶۴.

۴. ولهاوزن بخش آخر اشعار هذلیین، عربی و ترجمه‌ی آلمانی:
J. Wellhausen, *Letzter Teil der Lieder der Hudhailiten*, arabisch u. deutsch, in *Skizzen u. Vorarbeiten I*, Heft, Berlin 1887.
۵. شرح دیوان الهذلیین، چاپ ولهاوزن. نك.:
ZDMG 39, 411-80
۶. شعرهای ملیح‌بن الحکم هذلی، ترجمه‌ی بروی:
Die Gedichte des Hudaliten Mulaih b. al-Hakam übers. V.H.H. Bräu, ZS V, 69-94, 262-87.
و از همو:
ZS VI, 5-9.
۷. لامیه‌ی ابوکبیر هذلی، چاپ بایراکتاریویچ:
La Lāmiyya d'Abou Kabir al-Hudali, publiée par F. Bajraktarević
JAS 1923, Juillet-Sept. 59-115.
۸. دیوان ابوکبیر الهذلی با شرح سکری، ترجمه و تعلیقات از بایراکتاریویچ در:
JAS 1927, Juillet-Sept.
۹. دیوان‌های جدید هذلیین، چاپ و ترجمه از هل، ج I، دیوان ابو ذؤیب، ج ۲ دیوان ساعدة‌بن جویه، ابو خراش، متنحل و اسامة‌بن الحارث:
Neue Hudailiten-Diwane, hsg. u. übers. von J. Hell. I. der Diwan des Abu Du'aib, Hannover 1926 (s. Bräunlich Isl. 18, 1-23). II. Sā'ida b. Ġu'ajja, Abū Hirāš, al-Mutanahhil, und Usāma b. al-Hārit, Leipzig 1933.
۱۰. کاسکل، پایان سرودهای هذلیین:
W. Caskel, *der Abschluss d. Carmina Hudsailitarum*, OLZ XXXIX/3, 1936, 129/34.
۱۱. همچنین نك. نوشته‌ی گرونده‌بام:
G.V. Grünebaum, WZKM XLIV, 221/5.
۱۲. اغانی اول XIX، ۸۲، ۸۳ س ۴، اشعار بنی‌جعده از اصمعی را ذکر می‌کند، همچنین در ج V، ۱۷۱ ص ۴۴، یک جزء من اشعار الانصار را ذکر می‌کند.
۱۳. سکری شعرهای یهودیان را هم جمع کرد. این مجموعه را محمد بن جعفر طایلسی تکمیل کرد، نك. چاپ گایر ۳۷.

۷. سکری کتابی هم تألیف کرد به نام اخبار اللصوص که 12, 13 در آن شعرهای مشهورترین راهزنان بدوی را گرد آورده بود. در این کتاب دیوان طهمان بن عمر الکلابی هم وجود داشت که در عصر عبدالملک بن مروان شکوفا گردید. این دیوان را «رایت» بر اساس نسخه‌ای خطی در لیدن ۸۵۲ به چاپ رسانده است، در: *Opuscula arabica*, Leyden, London and Edinburgh 1859, S. 76-95. شرح ابوجعفر نحاس (ش ۳) را ابن حزم (در طوق الحمامه ۶۵، ۱۷) در مسجد قرطبه (کوردوا) نزد ابوسعید العتبی الجعفری خوانده است.

شعرهای دیگر طهمان را می‌توان یافت در: بودلیان (فهرست نیکول) ۳۱۵: ۱، اسکوریال دوم ۳۶۳: ۱، ۴۶۶^۱. قطعه‌های دیگری از اخبار- اللصوص در معجم البلدان یاقوت و در شرح حماسه‌ی تبریزی وجود دارد و در جاهای دیگر.

۸. دانشمندان قدیم علم ادب عربی احوال شاعران را نیز دنباله‌ی zu.s.21 بررسی‌ده‌اند. اینان شاعران را مطابق الگوی کتاب‌های طبقات محدثان، بر حسب ترتیب تاریخی و از نظر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه طبقه‌بندی کردند. شاعرانی چون دعبل بن علی خزاعی (درگذ. ۲۴۶ / ۸۶۰) که کتاب او را صاحب خزانه III، ۱۲۱ ذکر می‌کند، و ابن معتز کتاب‌های طبقات الشعرا تألیف کردند. اما چنین می‌نماید که کتاب طبقات الشعرا از محمد بن داوود^۲ کهن‌تر از آن‌هاست که جهشیاری در کتاب الوزراء ص ۲۵۹ س ۵ از آن یاد می‌کند. کتاب‌های طبقات الشعرا از محمد بن سلام جمحی (درگذ. ۲۳۱ / ۸۴۵) و کتاب الشعر

۱. ولی نه در فهرست آلوارت، برلین ۴۹۶-۴۹۸ چنان‌که در لیدن ۵۸۲ ذکر شده است.

۲. نک. ابن ندیم، فهرست ۴۸، ۱۱۰، ۱۶۶.

و الشاعر از ابن قتیبه به دست ما رسیده است. محمد بن عمران مرزبانی (درگذ. ۳۸۰ / ۹۹۰) که به يك قرن بعد تعلق دارد، در کتاب معجم الشعراء خود بسنده کرد به این که شاعران را به ترتیب الفباء بیاورد؛ ولی در دو کتاب گمشته‌اش که به دست ما نرسیده است^۱، دیدگاه‌های والاتری را عرضه کرده است. همی این کتاب‌ها تحت الشعاع کتاب الاغانی اثر ابوفرج اصفهانی قرار گرفتند. اما حتی کتابی چون خزانه الادب از عبدالقادر بغدادی (درگذ. ۱۰۹۳ / ۱۶۸۲) که خیلی دیرتر پدید آمده، و شرحی است بر شواهد رضی الدین استرآبادی در شرح بر کتاب کافیهی ابن حاجب، مطالب ارزشمندی را از بسیاری از منابع ناپدید شده‌ی کهن به ما می‌شناساند.

منابع

۱. خزانه الادب ۴ ج، بولاق ۱۲۹۹ هـ، چاپ جدید قاهره ۱۳۴۴ هـ، چاپ جدید چهارجلدی قاهره ۱۳۴۸-۱۳۵۳ هـ.
۲. نوشته‌ی گوئییدی درباره‌ی شاعران یاد شده در خزانه الادب، در مجموعه‌ی گزارش‌های آکادمی لینگچهای:
- I. Guidi Sui poeti citati nell'opera H. Atti dei Lincei, III, 273-92, Roma 1887.
۳. اقلید الخزانه یا فهرست آثاری که در خزانه الادب آمده، به قلم محمد عبدالعزیز میمن:
- Iqlid al-Khizāna* or Index of Titles of Works referred to or quoted by 'Aq. al-B. in the Kh. al-Ad. by M. 'Abdal 'aziz Maiman, Lahore 1927.

۱. نک. یاقوت، ارشاد VII، ۵۲، س ۶ به بعد. [نام‌های این دو کتاب: ۱. المفید فی اخبار الشعراء و احوالهم فی الجاهلیة و الاسلام و دیاناتهم و نحله‌م، ۲. الموفق فی اخبار الشعراء الجاهلین و المنحصرین و الاسلامیین علی طبقاتهم. م.]

12 در میان شاعران بسیار دوران پیش از اسلام، شش تن از zu.s.22 آنان به عنوان مشهورترین شاعران مقام نخست را کسب کرده‌اند. اینان شهرت خود را مدیون دانشمندان علم ادب هستند، شاید فقط به این دلیل ساده که تنها از اینان توانستند دیوان‌هایی گردآوری کنند. فرزدق^۱ در میان شاعران مشهور پیش از اسلام از کسان دیگری نیز نام می‌برد، اما از عترة یاد نمی‌کند. او از مهلهل^۲، دایی امرؤ القیس، به عنوان نخستین شاعر نام می‌برد^۳ و ابن قتیبه^۴ نیز در این امر از او پیروی می‌کند. اما بنا بر قول عمر بن شبة^۵ (درگذ. ۲۶۲ / ۸۷۵)، او فقط در نزد تغلب به این مقام دست یافته است؛ در حالی که قبیله‌های

۱. نك. فرزدق، نقائض. ویراسته‌ی بوان ۳۹، ۵۱-۵۹.

۲. همان‌جا. ۷، ۵۳.

۳. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۶۴-۱۶۶، اغانی دوم IV، ۱۴۰-۱۵۲، خزانه‌الادب I، ۳۰۴-۳۰۲.

۴. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۶۴.

۵. سیوطی، مظهر اول II، ۲۳۸، ۲۲ به بعد؛ و: مظهر دوم II، ۲۹۶، ۲ به بعد.

دیگر، شاعران دیگری را همچون نخستینیان می دانسته اند.^۱ یاقوت با نظر یونس بن حبیب درباره ی سنجش تطبیقی شاعران قدیم موافقت دارد.^۲

منابع

چاپی

۱. دیوان های شش شاعر قدیم عرب، ویراسته ی آلوارت، گردآوری شده توسط اصمعی (درگذ. ۲۱۰ / ۸۲۵ یا ۲۱۵ / ۸۳۰) به روایت یوسف الاعلم الشتمری (درگذ. ۴۷۶ / ۱۰۸۳) اهل اسپانیا:

The Diwans of the six ancient arabic poets, ed. W. Ahlwardt, London 1870.

نسخه های خطی

۲. پاریس اول ۳۲۷۴، پیوست موزه ی بریتانیا ۱۰۲۶، رباط اول ۳۱۳، تیمور پاشا در: *مجلة المجمع العلمی بدمشق* III، ۳۴۲.

شرح ها

۳. شرح محمد بن ابراهیم بن محمد بن الخروف الخضرمی (درگذ. ۶۰۹ / ۱۲۱۲): رباط اول ۳۱۴.
۴. شرح از ناشناخته: قاهره دوم III، ۱۹۸.
۵. *العقد الثمین فی شرح دواوین الشعراء الثلاثة الجاهلیین*: طرفه و زهیر و أمرؤ القیس. بیروت ۱۸۸۶.
۶. *خمسة دواوین العرب: النابغة الذبیانی، عروة بن الورد، الفرزدق، حاتم الطائی، علقمة الفحل*، بیروت بی تا. (۱۳۲۷ هـ)
۷. *بستانی، الروائع* III، بیروت ۱۹۲۷ م.
۸. *بطلیوسی (درگذ. ۴۹۴ / ۱۱۰۱) دارای شرحی است به نام: شرح البطلیوسی*، فیض الله ۹۴۰.

۱. *جمعی، طبقات الشعراء* ۳، ۱۲ به بعد؛ مرزبانی، موشح ۷۴.

۲. یاقوت، *ارشاد* VII، ۳۱۰، ۱۳ به بعد.

13 ۱. نابغة الذبیانی زیاد بن معاویة. او در نیمه‌ی دوم قرن پیش
zu.s.22 از ظهور اسلام می‌زیست و بیش‌تر در حیره بود؛ در دوران
پادشاهانی چون منذر سوم و چهارم و نعمان بن منذر
ابوقابوس. آورده‌اند که مورد بی‌مهری این پادشاه اخیر قرار گرفت به سبب
آن‌که در شعری، زیبایی ملکه را ستوده بوده است. ولی در حقیقت این
بی‌مهری به علت آن بود که با دشمنان آل‌لخم یعنی غسانیان در دمشق
روابطی برقرار کرده بود. از این‌رو گریخت و به دربار عمرو بن حارث پناه
برد. هنگامی که فرزند عمرو به نام نعمان که او نیز از نابغه تجلیل می‌کرد،
درگذشت، تصمیم گرفت به حیره بازگردد. این بار توانست مهر و لطف
ابوقابوس را باز به دست آورد؛ اما شادی او از این بابت پایدار نماند، زیرا
اندکی پس از آن سرور ابوقابوس، خسرو دوم پادشاه ساسانی او را
دستگیر کرد و ابوقابوس در زندان جان سپرد. در این هنگام نابغه به قبیله‌ی
خود ذبیان که همواره مصالح آن را در نزد حامیان حکمرانش رعایت کرده
بود، بازگشت و تا پایان زندگی خود در آن‌جا به سر برد.

منابع

۱. ابن‌قتیبه، الشعر و الشعراء ۷-۸۱.
 ۲. اغانی اول IX، ۱۶۲-۱۷۶.
 ۳. اغانی دوم IX، ۱۵۴-۱۷۰.
 ۴. ابن‌عساکر، تاریخ دمشق V، ۴۲۴-۴۲۹.
 ۵. سیوطی، شرح شواهد المغنی ۲۸.
 ۶. دایره‌المعارف اسلام III، ۸۶۸-۸۷۰.
 ۷. دیوان نابغه چاپ درنبرگ.
- Le. Diwan de Nābigha* pub. par. Derenbourg.
JAS. 1868-9 (Socin ZDMG 31, 669 ff (در این رابطه همچنین نک:.

۷. دیوان چاپ‌نشده‌ی نابغه بر اساس نسخه‌ی عربی مجموعه‌ی شفر به کوشش درنیورگ:

H. Derenbourg. N. Dh. inédit d'après le ms. ar. 65 de la Collection Schéfer, *JAs. sér. g. t. 13*, S. 169 ff.

۸. همچنین نك: گیتسبورگ:

D. Ginzburg, in *Sbornik statei učen. Prof. Rosena, St. Petersburg 1897*, S. 169 ff

(روایت مشابهی در: واتیکان سوم ۱۱۹۳، ۳)

۹. دیوان نابغه، مشهد XV، ۱۴، ۴.

۱۰. دیوان نابغه با شرح ابن سکیت، توپ‌قاپو ۲۶۵۳ (همچنین نك. *RSO IV*, 786).

۱۱. دیوان نابغه با شرح اعلم‌الشتتیری، امبروزیانای دوم ۱۳۲ (نك. *ZDMG 69*, 69).

۱۲. شرح دیوان نابغه همراه با شرح دیوان *أمرؤ القیس* و شرحی ناشناخته، قاهره‌ی دوم III، ۲۰۷.

۱۳. توضیح‌البیان عن شعر النابغة الذبیان، ویراسته‌ای افندی ادهم. قاهره ۱۹۱۰ م، بیروت ۱۹۲۹.

۱۴. دغفل النسابة (ذیل معاویه، نك. ابن‌ندیم، فهرست ۸۹) به نام: کتاب‌التظاهر و التناصر، گفتاری با نثر مسجع به نابغه نسبت می‌دهد که گویا نابغه بر حارث غسانی خوانده است تا اسیران قبیله‌ی خود را رها سازد (نك. تحفة‌البیان، استانبول ۱۳۰۲ هـ، ص ۳۸).

۱۵. شرح دیوان نابغه از تبریزی، فیض‌الله ۱۶۶۲: ۳.

۱۶. بستانی، الروائع ۳۰، بیروت ۱۹۳۱.

در میان شعرهای نابغه تمامی ۳۳ بیت شعر شماره‌ی ۱۷ او به گونه‌ای درخور توجه نسیب خالص است.

حصری در *زهرالآداب II*، ۲۰۳ ابیات او را (دیوان ۱۷، ۷-۱۰، ۱۴، ۱۵) به عنوان نمونه‌ای از بیان منسجم فکر می‌ستاید.

راغب اصفهانی در کتاب *محاضرات* ۴۰، ۱۵ می‌آورد که ابوعمرو، نابغه را بلافاصله بعد از *أمرؤ القیس* قرار می‌دهد (در همین‌جا نیز داوری‌های اصمعی درباره‌ی برخی از شاعران می‌آید).

طه حسین در کتاب *الادب‌الجاهلی* ۳۳۶ به بعد، گمان می‌برد که دیوان نابغه منحولات زیادی در بر دارد؛ زیرا تقلید در آن به شدت ظاهر می‌گردد.

13, 14 ۲. عنترة بن شداد (یا: عمرو، یا: معاویه) العبسی، فرزند zu.s.22 کنیز سیاهی [حبشی] به نام زبیه بود و از این‌رو او را از اغربة العرب به شمار می‌آورند. اما او هنگامی که مردی جوان بود، این نقصان ولادتش را به مدد شجاعت خویش که به ویژه در نبردهای داحس و غبراء به اثبات رساند، برطرف ساخت.^۱ عنتره در نبردی با قبیله‌ی طیی به قتل رسید. خاطره‌ی او به عنوان مردمی‌ترین قهرمان عربی هنوز نیز از طریق قصه‌ی عنتره و نامگذاری مکان‌های زیادی به اسم او، در ذهن‌ها زنده است. از هنر شعر او، به طور عمده، معلقه‌اش را می‌شناسیم که در واقع نمونه‌ی شعر شاعری بدوی است؛ ولی در عین حال دربرگیرنده‌ی عناصر تازه‌ای است: هنگامی که صحنه‌ای عشقی را وصف می‌کند، تقریباً آن را به سبک عمر بن ابی‌ربیع تصویر می‌کند و نسیب را با موضوع‌هایی دیگر در شعر پیوند می‌دهد (مانند قصیده‌ی ش ۲۰ در دیوان نشریافته به وسیله‌ی آلوارت).

منابع

۱. اغانی اول VII، ۱۴۸-۱۵۳.
۲. اغانی دوم VII، ۱۴۱-۱۴۶.
۳. اغانی VIII، ۲۳۷-۲۴۵.
۴. آلوارت. ملاحظاتی درباره‌ی اصالت شعر جاهلی عرب: W. Ahlwardt. Bemerkungen über die Echtheit der Alten Arabischen Gedichte, Greifswald 1872, S. 50-7.
۵. تورنبکه. عنتره، شاعر عصر جاهلی. H. Thornbecke, *Antarah, ein vorislamischer Dichter*. Leipzig 1867.
۶. گلدزیهر. عنتره، قهرمان عربی در فهرست نام‌های جغرافیایی: I. Golziher. Der arabische Held Antar in der geographischen Nomenklatur. Globus LXIV, 65/7.

۷. ابن قتیبه. الشعر والشعرا ۱۳۰-۱۳۴.
۸. فواد افرم بستانی در: المشرق XX VIII، ۵۳۴-۵۴۰، ۶۳۱-۶۴۷.
۹. همو. الروائع ج ۲۷.
۱۰. منية النفس فی اشعار عنترة بن شداد العبسی، انتخاب اسکندر آغا ابکاریوس، بیروت ۱۸۶۴ م.
۱۱. دیوان عنترة، به تصحیح الخوری. ج ۳، بیروت الخوری، چاپ دیگر، بیروت ۱۹۰۱ م، همراه با یادداشت‌هایی از رشید عطیه، بیروت بی‌تا.
۱۲. دیوان عنترة، چ قاهره ۱۳۱۵ هـ، ۱۳۲۹ هـ (با یادداشت‌هایی از محمد العنانی).
۱۳. در نسخه‌ی بوهار ش ۴۳۶، XIV، قصیده‌ای با قافیه‌ی «ل» مکسوره به او نسبت داده می‌شود که پاسخی است به قصیده‌ی بهاریه‌ی ربیع بن زیاد العبسی. این قصیده در دیوان نشر یافته توسط آلوارت وجود ندارد.

14 ۳. طرفه^۱ ابن عمرو بن العبدالبکری، برادرزاده‌ی مرقش
zu.s.22 اصغر^۲ بود.^۳ اودر دربار عمرو بن هند پادشاه حیره، که تا
۵۶۸ یا ۵۶۹ میلادی سلطنت می‌کرد^۴، به عنوان ندیم برادر
او قابوس می‌زیست.

۱. سیوطی در شرح شواهد مغنی ۲۷۲، ۱۷ می‌آورد که او این نام را بر اساس بیتی از شعرش به دست آورده است (نک. آلوارت، پیوست ۱۴ / ۱)؛ همان‌گونه که متلمس و آفنون بنا بر یکی از ابیات شعرهای‌شان نامیده شده‌اند. نک. نقائض. چاپ بوان ۸۸۶، ۱۵، ۱۶. در مورد نمونه‌های دیگری از این گونه نام‌های شاعران نک. جاحظ، بیان I، ۱۴۱ و سیوطی، شرح شواهد مغنی ۱۷.

[لانتعجلا بالیکاء الیوم مطرفاً ولا امیر یکما بالدار اذ وقفا]

لغت‌نامه‌ی دهخدا. م.].

۲. مرقش اکبر و اسماء در دیوان طرفه ۱۳، ۱۴ به صورت الگوی عاشق و معشوق تجلی می‌کنند.

Ahlwardt, Samml. 1, 8.

۳. نک.:

۴. نک. نولدکه. تاریخ ایرانیان و عربان، در زمان ساسانیان:

Th. Nöldeke, Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden. S. 170 ff.

14 درباره‌ی مرگ طرفه، داستان خاصی وجود دارد که با zu.s.23 روایت‌های گوناگون بازگو می‌گردد. بنا بر روایت اعلم- الشتمری^۱، والی بحرین که از خویشاوندانش بود به او توصیه کرد بگریزد؛ ولی پس از آن‌که طرفه به خاطر غرورش از این کار سرباز زد، او را دستگیر ساخت. سپس والی یادشده از منصب خود کناره گرفت و جانشینش فرمان قتل را به اجرا درآورد.^۲ در حقیقت چنین می‌نماید که شاعر در خودِ دربار حیره نمی‌زیسته، بلکه دست‌کم گاهگاهی با برادر ناتنی پادشاه به نام عمرو بن امامه در یمن، جایی که عمرو نزد قبیله‌ی مراد علیه برادرش یاری می‌طلبید، زندگی می‌کرده است و پادشاه به این خاطر با مصادره‌ی شتران طرفه که در تباله، سرزمین ملوک لخمی، رها کرده بود، او را کیفر داده است. در نتیجه طرفه با شعرش او را هجو کرده و بدین‌سان از او انتقام کشیده است: ناقدانِ عربی هنر بلاغت او را بسیار ارج می‌نهند و برخی از آنان نیز تمایل دارند او را به ویژه به خاطر توصیف بی‌همتایی^۳ که از شتر در معلقه‌اش به دست می‌دهد، یکی از بزرگ‌ترین شاعران^۴ عصر جاهلی بنامند.

منابع

۱. خزانه I، ۴۱۴-۴۱۸.
 ۲. نك. پرون: A. Perron, JAS. III t. p. 46, 215.
 ۳. روکرت. هفت کتاب قصه‌ها و شعرهای شرقی: Fr. Rückert, *Sieben Bücher morgen ländischer Sagen und Geschichten*, 1-4 Buch, Stuttgart 1837, S. 136.
-
۱. نك.: Seligsohn, S. 99-100.
 ۲. این قسمت اخیر بُن‌مایه‌ای (motiv) داستانی است که رویداد را به عقب می‌اندازد تا بر هیجان آن بیفزاید.
 ۳. قدامه در نقد الشعر ۲۰، ۶، قولی را که گویا از عمر در مدح اوست، می‌آورد.
 ۴. بروکلن در ج I، می‌نویسد: بزرگ‌ترین شاعر عصر جاهلی؛ اما در پیوست I این نظر را تغییر می‌دهد و می‌نویسد: یکی از بزرگ‌ترین شاعران. م.

۴. آلوارت. ملاحظاتى...:

Ahlwardt, *Bemerkungen* S. 57-61.

14, 15 ۵. فاندن هوف. رساله‌ی دکتر، ترجمه‌ی معلقه‌ی طرفه به لاتین:
B. Vandenhoff, *Nonnulla Tarafae poetae Carmina ex* zu.s.23
arabico in latinum sermonem versa notisque adumbrata,
Diss. Berlin 1895.

zu.s.23 ۶. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۸۸-۹۶.

۷. اغانی XIX، ۱۸۵-۲۱۰.

۸. مرزبانى، موشح ۵۷.

۹. مرزبانى، معجم ۲۰۱.

۱۰. کرنکو، دایرةالمعارف اسلام (آلمانی): F. Krenkow, *El*, IV, 717-8.

۱۱. دیوان طرفه با شرح اعلم، به تصحیح سلیگزون:

Diwan de T.b.A. al-B. accompagné du Cmt. de Youssouf al-A'lam
de Santa Maria éd. M. Seligsohn (Bibl. de l'Ecole des Hautes Et.
128) Paris 1901.

(در این باره نك. نولدكه: (Nöldeke *ZDMG* 56, 160 ff

۱۲. دیوان طرفه به روایت ابن السکیت، نشر از احمد بن الامین الشقیطی. قازان
۱۹۰۹ م.

۱۳. بستانی، الروائع ۲۴. بیروت ۱۹۲۸ م.

۳الف. خرتق، خواهر طرفه.

از او بعداً یاد خواهد شد. نك. الخنساء.

۳ب. متملس، دایى طرفه. این نام را از یکی از ابیات خود برگرفته

است.^۱ نام واقعی او چنین است: جریر بن عبدالمسیح الضبعی. پدر او

۱. نك. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۸۶: ۱۰. جاحظ، حیوان III، ۱۲۱، ۱۵. سیوطی، شرح

شواهد مغنی ۱۰۴؛ مظهر دوم II، ۲۶۵، ۹؛ خزانه III، ۷۳.

[بیت متملس:

فهذا أوان العرض حى ذبابه زنا بیره و الازرق المتملس.

از تعب. م.]

عبدالعزی نیز نامیده می‌شود؛ از این رو چنین می‌نماید که بت‌پرست به دنیا آمده و به نصرانیت گرویده است.

بخشی از شعرهای او به نبرد و ستیز میان قبیله‌های موطن او در شرق جزیره می‌پردازند و بخشی نیز به هجاء علیه پادشاه حیره اختصاص یافته‌اند. اگر ضرب‌المثل صحیفه‌المتلمس و داستان نامه‌ی اوریا^۱ی که با آن پیوند خورده است و ملک حیره آن را برای والی بحرین در مورد او و طرفه ارسال داشته است، صحیح باشد، بر پایه‌ی دیوان (II، ۲) او ساخته و پرداخته شده است. در نتیجه می‌بایست ابیات دیگر او در دیوانش (IX) که وقوع این حادثه را پیش‌بینی می‌کند، ساختگی باشند. بت‌ابر قول «العینی» در شرح الشواهد الکبری (در هامش خزانه‌الادب بغدادی) IV، ۱۳۴، این ابیات ساخته‌ی ابومروان النحوی است.

منابع

۱. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۸۵-۸۸.
۲. اغانی دوم XXI، ۱۲۰-۱۳۷.
۳. دیوان متلمس، گردآوری‌شده توسط اصمعی، فقط قطعاتی را در بر می‌گیرد، همراه با تعلیقات از الاثرم (درگذ. ۲۳۰ / ۸۴۴).
۴. موزه‌ی بریتانیا ۱۴۰۷.
۵. دیوان هند سوم ۱۱۰: ۱.
۶. قاهره‌ی اول IV، ۲۵۱.
۷. قاهره‌ی دوم III، ۱۴۵.
۸. ایاصوفیه ۳۹۳۱.

۱. «نامه‌ی اوریا» کنایه‌ای است از این‌که حامل نامه به نیستی کشیده خواهد شد. اوریا سردار داوود بود (نک، عهد عتیق) که چنین نامه‌ای را دریافت کرد. اوریا (یا، اوریا) عبری است و به معنای روشنی بهوه است. مترجم عربی مثل بسیاری جاهای دیگر این نکته را نیز ترجمه نکرده است. م.

۹. اشعار متلمس به عربی و آلمانی از کارل فولرز:
Die Gedichte des M. ar. und deutsch v.K. Vollers, Leipzig 1903
 (Beitr. Z. Ass. u. sem. Spr V).
۱۰. دیوان متلمس. به تصحیح شیخو، در شاعران عربی-مسیحی (Poètes ar. Chrét. ۳۳۰-۳۴۹، همچنین نك. مجله‌ی المشرق V، ۱۰۵۷-۱۰۶۵، VI، ۲۸-۳۵).
۱۱. شرح دیوان المتلمس از ابو عبیده معمر بن المثنی، قاهره‌ی دوم III، ۲۰۶.
۱۲. بنا بر اطلاعی که کرنکو در اختیارم گذاشت، موزه‌ی بریتانیا دارای نسخه‌ای قدیمی است.

۴. زهیر بن ابی سلمی ربیعۃ بن رباح^۱ المزنی در قبیله‌ی عبدالله بن غطفان که پدرش به آن پیوسته بود، به دنیا آمد. زهیر به عنوان شاعر در جنگ خانوادگی معروف به «داحس» و «غبراء» میان قبیله‌های «عبس» و «ذبیان» به دفاع از منافع قبیله‌ی خویشاوندانش برخاست. آورده‌اند که هم‌راوی ناپدری‌اش اوس بن حجر بوده که اوس به نوبه‌ی خود هنر شاعری را نزد طفیل الغنوی فرا گرفته بوده است.^۲ چنین می‌نماید که این سنت سپس از طریق کعب، فرزند زهیر، به حطیثه، جمیل و کثیر رسیده است.^۳ گفته‌اند که او یک سال تمام بر سر هفت قصیده‌اش کار کرده است و از این رو آن‌ها را «الحولیات» نامیدند.^۴ از آن‌جا که عنصر آموزنده و اندرزگویی در شعرهای او تجلی نیرومندی دارند، گمان می‌کنند که او از نصرانیت تأثیر پذیرفته است. این تأثیر در آن هنگام در عربستان بسیار

۱. بروکلن این نام را «رباح» ضبط کرده است. سزگین ج II، ۱۱۸ آن را «رباح» ضبط کرده است. مترجم عربی نیز بر اساس شرح ثعلب، چاپ دارالکتب المصریه و اصابه آن را «رباح» ضبط کرده است. م.

۲. سزگین می‌نویسد بنا بر عینی، شواهد I، ۱۱۳ زهیر راوی هر دو شاعر باید بوده باشد. نك. سزگین II، ۲۱۰-۲۱۱ م.

۳. نك. طه حسین. الادب الجاهلی ۲۶۹ به بعد.

۴. نك. ابن جنی، خصائص I، ۳۳۰، ۱۰.

گسترده بود. اما به این خاطر نباید او را نصرانی دانست. آورده‌اند که او به سن صدسالگی پیامبر را ملاقات کرده است، اما احتمالاً او مدت‌ها پیش از ظهور پیامبر درگذشته است. خواهرش الخنساء در رثای او شکوه سر می‌دهد.^۱

منابع

۱. جمعی، طبقات الشعراء ۱۵-۱۹.
۲. ابن قتیبہ ۵۷ به بعد (با نسب‌نامه‌ای نادرست).
۳. اغانی اول IX، ۱۴۶-۱۵۸.
۴. اغانی دوم IX، ۱۳۹-۱۵۱.
۵. سیوطی، شرح شواهد مغنی ۴۸.
۶. کرنکو، در دایرةالمعارف الاسلام (آلمانی):
F. Krenkow *EI*, IV 1338.
۷. دیوان زهیر. شرح السکری. نسخه‌ی خطی سوسن (نک. پریم در مجله‌ی ZDMG):
Socin *BDMG* ar. 103 (s. Prym, *ZDMG* XXXI, 711).
۸. دیوان زهیر با شرح ثعلب: اسکوریال دوم ۲۷۱.
۹. نور عثمانیه ۳۹۶۷، ۱ (MSOS XV, 15)، ۳۹۶۸ (MSOS XV, 18).
۱۰. مکتبه الشیخ الاسلام (تذکرۃ النوادر ۱۲۱).
۱۱. قاهره‌ی دوم III، ۲۰۴.
۱۲. شرح اعلم‌الشتتمری، ویراسته‌ی لندبرگ:
Landberg, *Primeurs Arabes*, fs. II, Leyde 1889.
- و چاپ قاهره ۱۳۲۳ هـ.
۱۳. دیروف. درباره‌ی تاریخ روایت دیوان زهیر همراه با پیوستی از شعرهای ناویراسته‌ی زهیر:
K. Dyroff, *Zur Geschichte der Überlieferung des Zuhair-diwans mit einem Anhang unedierter Gedichte Zuhairs*, München 1892.

۱. نک. اغانی IX، ۱۵۰، ۲۵.

- 15 ۱۴. بستانی، الروائع ۲۵. بیروت ۱۹۲۹ م.
 zu.s.23 ۱۵. یوسف افندی: المعانی البدیعة فی شعر زهیر بن ربیعة. بیروت ۱۳۰۰ هـ.
 ۱۶. آلوارت:

Ahlwardt, *Bemerkungen...* 61-5.

پرداخت تازه‌ای از دیوان زهیر بر اساس شرح سکری و ثعلب مطلوب است.^۱

15 ۵. علقمة بن عبدة التمیمی الفحل^۲ مانند نابغه هم در
 zu.s.24 دربار حارث غسانی و هم در دربار نعمان سوم ابوقابوس از
 آل لخم رفت و آمد داشت، بی آنکه خود را همواره به
 یکی از این دو پای‌بند سازد. او در قصیده‌ای مشهور در مدح حارث
 غسانی اصغر از او تقاضا کرد برادرش شأس را که در جنگ^۳ اسیر گشته
 بود، آزاد سازد. او از نعمان سوم ابوقابوس ملک حیره (پیرامون ۵۷۳ م) و
 زیرقان، هم‌قبیله‌ای‌اش، که پیرامون ۶۳۲ م از شهرت و اعتبار والایی
 برخوردار بود، نیز یاد کرده است. علقمه شاعر بدوی اصیلی است و به
 ویژه به علت توصیف شتر مرغ شهرت یافته است.^۴ نزاع او با امرؤ القیس

۱. چاپ تازه‌ای از دیوان زهیر توسط دارالکتب المصریة که به همین نحو یا نزدیک به آن است به سال ۱۳۶۳ / ۱۹۴۴ [از تعب.] م.

۲. گویا او را در مقابل خواجه‌ای به نام علقمة بن سهل چنین نامیده‌اند، نك. جاحظ، حیوان I، ۵۵.

۳. منظور از این جنگ، نبرد مشهور عین‌اباغ نیست. نك. نولدکه:
 Nöldeke, *Die Ghassaniden Fürsten*, 36.

۴. شعر شماره‌ی ۸ که در آن زیرقان یاد می‌شود، از خالد بن علقمه است. نك.:
Orientalia VII, 344.

را باید در شمار افسانه‌ها به حساب آورد.^۱

منابع

۱. ابن قتیبه، الشعر و الشعراء ۱۷۰ به بعد.
 ۲. جمحی، طبقات الشعراء ۳۰.
 ۳. ابن حجر، اصابه III، ۱۱۱.
 ۴. بغدادی، خزانه I، ۵۶۵.
 ۵. اغانی اول XXI، ۱۷۲-۱۷۵.
 ۶. اغانی دوم XXI، ۱۱۱-۱۱۳.
 ۷. آلوارت، ملاحظات
 ۸. شعرهای علقمة الفحل همراه با ملاحظات، ویراسته‌ی سوسن: Ahlwardt, Bemerkungen... 65-71.
 ۹. شرح دیوان علقمة از اعلم‌الشتتیری. قاهره‌ی دوم III، ۲۱۵.
 ۱۰. دیوان علقمة الفحل. قاهره ۱۲۹۳ هـ، ۱۳۲۴.
 ۱۱. دیوان علقمة. قاهره ۱۹۳۵ م.
 ۱۲. دیوان علقمة همراه با شرح اعلم‌الشتتیری، ویراسته‌ی محمد بن شنب: 'A.b. 'A DiwaIn accompagné du Comt. d'al-A'lam as - S'antamari, ed. Muhammed Ben Cheneb, Alger - Paris 1925 [Bibl. Arab. I].
 ۱۳. دیوان علقمة، ویراسته‌ی احمد صقر. قاهره ۱۹۳۵ م.^۳
-
۱. منظور نویسنده داستانی است که گفته شده علقمة و امرؤ القیس بر سر شعر خود نزاع کردند و «ام‌جندب» را که زن امرؤ القیس بود، حکم قرار دادند. در این حکمیت، ام‌جندب به سود شعر علقمة نظر داد و در نتیجه امرؤ القیس او را طلاق گفت. می‌گویند به همین دلیل او را علقمة بن فحل نام نهادند. م.
 ۲. بروکلن درج I می‌نویسد ص ۲۰۵. م.
 ۳. بروکلن شماره‌ی ۱۱ از منابع را درج II آورده است و شماره‌ی ۱۳ را در پیوست I و تاریخ انتشار هر دو ۱۹۳۵ م است. شاید این هر دو یک کتاب باشند. م.

۶. أمروالقیس^۱ بن حندج (عدی یا ملیکه)^۲ بن حجر الحارث الکندی، الملک الضلیل زندگانی‌اش را صرف کوشش‌هایی ناموفق در راه اعاده‌ی سلطه‌ی خاندانش، قبیله‌ی کنده عربستان جنوبی، کرد. جد او حجر آکل المرار پیرامون ۴۸۰ م توانسته بود در دشت نجد مقام فرمانروایی به دست آورد؛ اما پسینیانش نتوانستند آن را حفظ کنند. پدر شاعر، حجر، را بنی‌اسد به قتل رساند. از زندگی أمروالقیس اطلاع دقیقی نداریم. طه حسین در الادب الجاهلی (صص ۲۱۱-۲۱۳) در داستان زندگی او شباهتی با داستان زندگی عبدالرحمن بن اشعث‌کندی^۳ می‌بیند که قصاص به افتخار قبیله‌اش اختراع کرده‌اند. این واقعیت را که تصویر کلی او به عنوان یکی از قهرمانان مشهور و قدیم عربی در این جا و آن‌جا، بُن‌مایه‌های گوناگونی گرفته است، در داستانی که مربوط به کودکی او می‌شود، مشاهده می‌گردد. پیرو این داستان، غلامی که مأموریت می‌یابد او را به قتل برساند، نه تنها از اجرای آن سر باز می‌زند، بلکه در پنهان او را نزد خود نگاه می‌دارد و بزرگ می‌کند.^۴ این داستان که امپراتور روم، یوستی‌نیان او را به قسطنطنیه فراخواند تا از او علیه ایرانیان استفاده کند و سرانجام او را امیر فلسطین^۵ کرد، نیز نادرست است و در حقیقت به پسر عموی او قیس بن سلمه مربوط می‌شود که در مورد او به کار برده شده

۱. درباره‌ی نامگذاری او نک. فیشر:

Fischer, *Islamica* I, 379 ff.

۲. نک. سیوطی، مزهر دوم II، ۲۶۵؛ شرح شواهد مغنی ۶.

3. Wellhausen, *Das arabische Reich* 145.

۴. سیوطی، شرح شواهد مغنی ۶.

۵. بروکلن در این جا واژه‌ی «Phylarch» را به کار می‌برد که از لاتینی «Phylarchus» می‌آید و یونانی آن «Phularkos» است؛ به معنی: رئیس یک قبیله، یا فرمانده سپاه سواری که از قبیله‌ای تشکیل یافته است. م.

است.^۱ و این حکایت که او در آنجا شاهزاده‌خانمی را اغوا کرد و امپراتور برای آن‌که او را کیفر دهد فرمان داد در راه بازگشت به آنقره او را به قتل برسانند، نیز ساختگی است؛ زیرا او اغلب راجع به ماجراهای عشقی اش لاف می‌زد.^۲ داستان هدیه‌ی شوم^۳ را احتمالاً به علت فهم نادرست از استعاره‌ای که در ابیات ۱۲-۱۴ (دیوان، قصیده‌ی ۳۰) شعر او به کار رفته، با مرگ او مرتبط ساخته‌اند.^۴ بحتری به قبر احتمالی او در آسیای صغیر اشاره می‌کند.^۵

سنت تاریخ ادبی امرؤالقیس را آفریننده‌ی «نسیب» و بُن‌مایه‌های اسلوب قصیده می‌داند.^۶ از خصوصیات عروض او استعمال ضرب مقبوض (مفاعیلن به جای مفاعیلن) در «طویل»، کثرت «اقواء»^۷ در قافیه و همچنین استعمال قافیه‌ی میانین (= تسمیط) است.^۸

G, Olinder, *The Kings of Kinda* 94-118

۱. نك.

Gaskel, *Islmica* III, 338.

۲. در این باره محمدبن شرف‌القیروانی در *اعلام‌الکلام* ص ۲۹ به بعد، به شدت از او عیب می‌گیرد.

۳. منظور از هدیه‌ی شوم، داستان جامه‌ی آغشته به سم است که گویا امپراتور برای امرؤالقیس فرستاده و او آن را به تن کرده و در نتیجه قرحه‌هایی بر بدنش پدیدار گشته و مرده است. م.

۴. کنیه‌ی او ذوالقروح را که به این مورد اشاره دارد، فرزدق می‌شناسد.

نك. لیال. دیوان عبیدبن‌الابرص ص ۵. و همچنین:

نك. سیوطی. مزر دوم II، ۲۶۷: ۱۸.

۵. بحتری، دیوان I، ۳: ۳.

۶. نك. سیوطی، مزر دوم II، ۲۹۷، ۳ به بعد.

ابن‌رشیق در *قراضة‌الذهب*، قاهره ۱۳۴۴ / ۱۹۲۶ به بررسی بسیاری از ابیات او می‌پردازد که پسینان تقلید کرده‌اند.

۷. نك. لیال.

Lyll, *Orientl. Studien* Nöldeke I, 131.

۸. نك. قدامه. *نقدالشعر* ۱۴ به بعد.

تقریباً تمامی روایت شعرهای او را، که بسیاری از آنها درخور اعتماد نیست، مدیون حماد روایه و برخی از آنها را مدیون عمرو بن العلاء هستیم.^۱

منابع

۱. آلوارت. همان‌جا:
- Ahlwardt, *Bemerkungen...* 72-84.
۲. دیوان امرؤ القیس، ویراسته‌ی بارون دوسلان:
- Le Diwan d'Amro 'lkais* par le baron de Slane, Paris 1837.
- ریاشی مدعی بود که بخش بزرگی از شعرهایی که به نام امرؤ القیس شهرت یافته، متعلق به او نیست؛ بلکه از فتیان که در پیرامون او بودند، مانند عمرو بن قمیثه، نشأت گرفته است. نک. مرزبانی، موشح ۳۴: ۱۰.
۳. ابن قتیبه، *الشعر و الشعراء* ۳۷-۵۶.
۴. *اغانی اول VIII*، ۷۲-۸۴.
۵. ابن عساکر، *تاریخ دمشق III*، ۱۰۴-۱۱۱.
۶. سیوطی، *شرح شواهد مغنی* ۶-۹.
۷. گونار اولیندر، *ملوک‌کنده*:
- Gunnar Olinder, *The Kings of Kinda*. London 1927, 94-118.
۸. محمد صالح سمک^۲، *امیرالشعر فی العصر القديم*. قاهره ۱۹۳۲ م.
۹. هشام الکلبی فهرستی برای شعرهای امرؤ القیس تألیف کرد (کتاب تسمیه ما فی شعر امرؤ القیس من اسماء الرجال و النساء و انسابهم و اسماء الارض و الجبال و المیاه، ابن ندیم، فهرست ۹۷، ۱۵).
۱۰. دیوان: مشهد XV ۱۵.
۱۱. دیوان: به روایت اصمعی: مادرید ۴۷۶ (۸ برگ).
۱۲. دیوان: به روایت سکری: لیدن ۵۶۴.
۱۳. دیوان: مجموعه‌ی جدیدی پس از ۷۹۱ م؛ پیوست موزه‌ی بریتانیا ۱۰۲۵.

۱. سیوطی، *مزهردوم II*، ۲۵۳، ۱۳ به بعد.
 ۲. بروکلن این نام را با «ص» ضبط کرده است. م.

۱۴. شرح: از علی بن عبدالله الطوسی معاصر سکری (نک. یاقوت، ارشاد، ۷، ۲۹۹؛ سیوطی، بغیة، ۳۴۰) به روایت ابوحاتم، اصمعی و ابو عمر الشیبانی: لاله‌لی ۱۸۲۰ (نک. ZDMG 64, 517 و MSOS XV, 24) کوپرلی ۱۳۱۵؛ روایت دیگری: بایزید ۲۶۸۴، قاهره‌ی دوم III، ۲۰۱ (رونویس نسخه‌ی لاله‌لی است). رونویس دیگری از نسخه‌ی لاله‌لی در دیوان هند اول ۴۵۷۴ و همچنین در کتابخانه‌ی اسماعیل پاشا (ش ۳)، به غلط به تبریزی منسوب شده است. نک.: JRAS 1939/366.
۱۵. شرح: از ابوبکر عاصم بن ایوب البطلیوسی (درگذ. ۴۹۴ / ۱۱۰۰): قاهره‌ی دوم III، ۲۰۰؛ همراه با دیوان نابغه و علقمه: وین ۴۴۶، و چاپ‌شده در قاهره ۱۲۸۲ هـ، ۱۳۰۷ هـ، ۱۳۲۴ هـ.
۱۶. شرح از تبریزی در کتابخانه‌ی مکررکوی^۱ (نک. ZDMG 68, 63).
۱۷. شرح: از بهاء‌الدین محمد بن ابراهیم الحلبی بن النحاس (درگذ. ۶۹۸ / ۱۲۹۸) زیر عنوان تعلیقه: اسکوریال دوم ۳۰۵.
۱۸. شرح: از محمد بن عبدالرحمن البغدادی، تألیف‌شده در ذوالقعدة ۱۰۷۸ / آوریل ۱۶۶۸ در اثناء محاصره‌ی کُرت (نک. ریتز درباره‌ی صفدی، الوافی بالوفیات، I، ۳۲): کوپرلی ۱۳۱۴ (نک. MSOS XIV, 9).
۱۹. دیوان: دیوان جمعه حسن السندوبی. قاهره ۱۹۳۰ م.
۲۰. روکرت. أمرؤ القیس، شاعر و پادشاه، چاپ دوم از کرینبرگ:
- Fr. Rückert, *Amrilkais, der Dichter und König*, Stuttgart u. Tübingen 1843, 2. Aufl. V.H. Kreyenborg, Hannover 1924.
۲۱. گریفینی. قصیده‌ای جدید منسوب به أمرؤ القیس:
- E. Griffini, Una nuova qasida attribuita ad. Imr., *RSO* I, 595-605.
- پرداخت تازه‌ای از آن، از گایر:
- R. Geyer, Imr.'s Munsarih - Qasidah auf išu, *ZDMG* 68, 547-70.
۲۲. شرح قصیده منسوب به او، از ابوتراب عبدالحق بن عبداللطیف الزیری القادری: منچستر ۴۵۳ ب، نک. پیوست آلوارت:
- Ahlwardt, App. 19.

۱. این کتابخانه‌ی بغدادی اسماعیل پاشا دیگر وجود ندارد. نک.

۲۳. درباره‌ی دیگرانی که نام امرؤ القیس دارند. نك. آمدی، المؤلف و المختلف، ویراسته‌ی كرنكو ۹-۱۲.
۲۴. زعامة الشعر الجاهلی بین امرؤ القیس و عدی بن زید لعبد المتعال الصعیدی. قاهره ۱۹۳۴ م.
۲۵. مختصر شرح قصیده امرؤ القیس (معلقه) از سجاعی (II، ۴۴۵): بریل اول ۳ (= بریل دوم = گارت ۳). نك. اسکندریه: ادب ۱۵۷.
۲۶. سلیم الجندی (III، ۳۹۰)، امرؤ القیس. دمشق ۱۹۳۶ م.
۲۷. بستانی، روائع ۷. بیروت ۱۹۲۷ م.
۲۸. طوفی، موائد الحیس فی فوائد امرؤ القیس: عمومیه ۲۳۲: ۳ (به خط مؤلف. نك. رشر: Rescher, ZDMG 64, 213, 490)



شاعران دیگر در عصر جاهلی

از میان شاعران بسیاری که در عصر جاهلی وجود داشته‌اند و روایت شعرهایشان با درجات مختلفی از اطمینان به دست ما رسیده است، در این جا فقط از مشهورترین‌شان، به ویژه آنان که مجموعه‌های مستقلی از خود به جا گذاشته‌اند، نام برده می‌شود.

15 ۱. الف. یکی از قدیم‌ترین شاعرانی که می‌شناسیم مرقش
zu.s.25 اکبر عوف (عمرو) بن سعد بن مالک از قبیله‌ی قیس بن ثعلبه
است. پدرش قبیله‌اش را در جنگ بسوس در اوایل قرن
ششم میلادی رهبری می‌کرد. مرقش اکبر دایی عمرو بن قمیثه بود و
خویشاوند طرفه و میمون الاعشی [= الاعشی میمون]. نام او در نظر
پسینیان به عنوان قهرمان داستانی عشقی زنده است که نمایانده‌ی یکی از
بُن‌مایه‌های خاص این‌گونه داستان‌های عشقی، یعنی بازشناخت یکی از
عاشقان از راه انگشتی، است.^۱

۱. نك. اغانی ۷، ۱۹۹ به بعد؛ ابن قتیبه، الشعر و الشعراء ۱۰۳ به بعد؛ همچنین نك.

از شعرهای او فقط ۱۲ قطعه (در مفضلیات ش ۴۵-۵۴، ملحقات ۲ و ۳، به دست ما رسیده است که روایت آن‌ها بسیار ناقص است. یکی از آن‌ها، ش ۵۴، دارای عروضی است که پسینیان آن را دیگر نمی‌شناخته‌اند. درباره‌ی برخی قطعه‌های دیگر شعری نك. / اغانی ۷، ۱۹۲، ۲۶ به بعد؛ اغانی X، ۱۲۸-۱۲۹؛ مرزبانی، معجم الشعرا ۲۰۱.

۱. ب. برادرزاده‌ی او مرقرش اصغر ربیعۃ بن سفیان بن سعد نیز در جنگ بسوس شرکت داشت و در قصه‌ها از او به عنوان قهرمان داستانی عشقی با فاطمه، دختر منذر سوم ملک حیره، یاد می‌شود.^۱ مرقرش اصغر شاعری بهتر از عمویش به شمار می‌رود؛ شعرهایش که عشق نقشی خاص در آن‌ها ایفاء می‌کند، استادانه‌تر است و با سبک رایج تطبیق بیش‌تری دارد.

منابع^۲

مفضلیات ۵۵-۵۹، مرزبانی، معجم ۲۰۱.

۱. پ. از عمرو بن کلثوم الجشمی از قبیله‌ی تغلب و الحارث بن حلزة- البکری، معاصران عمرو بن هند، ملک حیره (۵۵۴-۵۶۸ م)، بجز معلقات‌شان، دیوان کوچکی به دست ما رسیده است. عمرو شاعری بزرگ بود که خاطره‌اش در قبیله‌اش قرن‌ها زنده ماند؛

→ کوسن دو پرسووال (Caussin de Perceval) II، ۳۳۸ به بعد؛ لیاال، مفضلیات، ترجمه ص ۱۶۷ و نیز رشر:

Rescher, *Abriss I*, 55.

۱. نك. / اغانی ۷، ۱۹۳ به بعد؛ ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۰۵ به بعد؛ همچنین نك. کوسن دو پرسووال II، ۳۰۴ به بعد؛ و نیز لیاال، مفضلیات، ترجمه ۱۸۶؛ همچنین نك. رشر: Rescher, *Abriss I*, 56.

۲. درباره‌ی سایر منابع نك. زیرنویس ش ۲ در همین بخش. م.

در حالی که هنر حارث اصالت کم‌تری داشت و از نظر گرایش به تعلیم و تهذیب با شعر زهیر قرابت دارد.

منابع

۱. ابن قتیبه، الشعر والشعراء ۹۶-۹۷، ۱۱۷-۱۲۰.
۲. اغانی دوم IX، ۱۷۱-۱۷۵، ۱۷۸.
۳. مرزبانی، معجم ۲۰۲.
۴. بستانی، روائع ۲۶. بیروت ۱۹۲۹ م.
۵. رشر: Rescher, *Oriental. Miszellen* II, 100-28.
۶. دیوان عمرو (در: فاتح ۵۳۳)، چاپ کرنکو در: مشرق ۱۹۲۲ م، صص ۵۹۱-۶۱۱ (همچنین SA).
۷. در مورد حارث نك. مفضلیات ۲۵، ۶۲، پیوست I.

۱*. تأبط شرأ، ثابت بن جابر (چنین است نزد اصمعی و نزد ابن قتیبه عمسل) الفهمی. او را مانند عترة، به عنوان فرزند کنیزی سیاه، از اغربة-العرب به شمار می‌آورند؛ با وجود این، عده‌ای نیز امیمه‌ی فهمی را مادر او می‌دانند. خواهر او آمتة، مادر عدی بن نوفل بن اسعد بن عبد العزی بود که در سال هشتم هجری، اسلام آورد و عمر (یا عثمان) او را حاکم حضر موت کرد (نك. اغانی ۱۳، اغانی اول ۱۳۵، اغانی دوم ۱۲۹). او که از قهرمانان صحراگرد بود، زندگی ناپایداری را متکی به خود می‌گذراند. ماجراهای نقل شده راجع به او، مطلقاً مَهر و نشان قصه‌های ساخته‌شده‌ی مردمی را دارند، در حالی که بیش‌تر گزارش‌های مربوط به زندگی شاعران قدیم اساساً توسط دانشمندان علم ادب بر اساس تفسیر شعرهای آنان استخراج شده است. در میان شعرهای او که به صورت پراکنده در

* شماره‌گذاری‌های این قسمت عین اثر بروکلین است. در نتیجه تأبط شماره‌ی ۱ گرفته و شاعرانی که پیش از او آمده‌اند، با شماره‌ی ۱ به اضافی حروف الفبا متمایز شده‌اند. م.

منتخبات شعری به دست ما رسیده است، مرثیه‌ای را که در رثای خویشاوندانش سروده است، در دیوان حماسه ۳۸۲-۳۸۶، می‌یابیم.^۱

منابع

۱. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۷۴.
۲. اغانی اول XVIII، ۲۰۹-۲۱۸.
۳. سیوطی، شرح شواهد مغنی ۱۹، ۸۲ (درباره‌ی رابطه‌ی او با ناپدری‌اش ابوبکر الهذلی، ص ۴۳، به نقل از تبریزی).
۴. داستانی درباره‌ی مرگ او در مقدمه‌ی دیوان هذلیین ۲۱۱.
۵. قطعه‌هایی از دیوان او که توسط ابن جنی گردآوری شده است: اسکوریال دوم II، ۷۸۸، برگ‌های ۴۳-۷۱.
۶. قصیده‌ی قافیه در: فیض الله ۱۶۶۲.
۷. لیال. چهار شعر از تأبط شرأ، شاعر راهزن: Ch. Lyall. Four Poems by T. Sh., the brigand Poet, JRAS 1918, 211-27.
۸. نك. باوثر: 16
- Bauer, ZDMG X, 71 ff. zu.s.25
۹. فرایتاگ. درباره‌ی مرثیه و ترجمه و شرح آن: G.W. Freitag. *Carmen arabicum perpetuo comment. et versione Jambica Germanica Illustravit*, Gottingae 1814.
۱۰. گوته. یادداشت‌هایی درباره‌ی دیوان غربی-شرقی: Goethe, *Noten zum westöstl. Diwan*, Werke, Weimar 1882, Bd. 7. S. 12, Jubil - Ausg. V. 152.
۱۱. هلمن. مرثیه‌ی تأبط شرأ یا خلف الاحمر: Carmen quod cecinit Taabbata Sharran vel Chaleph Elahmar in Vindicate sanguinis et fortitudinis laudem, Arabice et Suethice exhibet Haquinus Hellmann, Lundae 1834.

۱. ناقدان فوق‌العاده هوشمند عرب درباره‌ی اصالت آن شک کرده‌اند و آن را به «خلف الاحمر» نسبت می‌دهند، بی‌آن‌که دلیل‌های قانع‌کننده‌ای بیاورند، [ولی چنین احتمالی وجود ندارد]؛ چنان‌که روکرت در ملاحظات خود راجع به دیوان حماسه به اثبات می‌رساند.

۲. الشنفری، رفیق و همدم تأبط شراً در بسیاری از سفرهای ماجرا-جویانه‌اش بود. سنش بیش‌تر از تأبط شراً بود و پیش از او درگذشت. تأبط در تجلیل از او مرثیه‌ای سرود.

الشنفری از قبیله‌ی بنی‌الواس بن الحجر بن الهنء بن الازد در عربستان جنوبی برخاسته بود. او تنها عرب جنوبی‌ای است که شعرهایی از او روایت شده است. اما او در شعر خود زبان شاعران عربستان شمالی را به کار می‌گرفت؛ زیرا که در کودکی به اسارت قبیله‌ی شبایه بن فهم درآمد و در قلمرو آنان رشد کرد. قبیله‌ی فهم، الشنفری را در برابر اسیری در نزد بنی‌سلامان [الآزد] مبادله کرد. خواستگاری ناموفق او از دختری از بنی‌سلامان و تحقیری که از پدر این دختر دید، موجب شد که به قبیله‌ی فهم بازگردد. او با کشتن بسیاری از بنی‌سلامان و با راهزنی‌های متعددی که گاهی تأبط شراً نیز همراهی‌اش می‌کرد، از توهین‌کنندگان به خود انتقام گرفت. در یکی از این سفرها به دست دشمنان خود افتاد و به قتل رسید. از شعرهای او که عینی در شرح شواهد الکبری^۱ یاد می‌کند و آن‌ها را در دیوانی که نزد او بوده است خوانده است، بجز لامیه العرب که در صحت تعلق آن به او اختلاف نظر وجود دارد، تنها شمار کمی به دست ما رسیده است. لایل^۲ با توجه به یکی از شعرهایش که دُم آهیخته‌ی گوساله را به شمشیر تشبیه می‌کند، گمان می‌برد که توانسته اصل یمنی او را بشناسد؛ در حالی که معمولاً در شعر قدیم از گاو ذکری به میان نمی‌آید مگر در

۱. العینی. شرح شواهد الکبری IV، ۵۹۶، ۱۰.

۲. نك. لایل، ترجمه‌ی مفضلیات ص ۶۸:

Lyll, *Mufadd*. 20 (18), 26. Transl. 68.

[اصل شعر و توضیح آن در مفضلیات:

تراها کاذناب الحسیل صوادراً و قد نهلت من الدماء و علت

الحسیل جمع حسیلة: و هی اولاد البقر.... م.].

معلقه‌ی اعشی^۱ و آن‌هم به عنوان قربانی. در شعر شنفری بجز این، چیز دیگری یافت نمی‌شود که به اصل یمنی او اشاره کند، مگر کلمه‌ی «احاظه»^۲ که نام مکانی در جنوب یمن است که آن را در لامیه می‌آورد. این قصیده را دانشمندان قدیم علم ادب و همچنین مؤلف کتاب الاغانی نمی‌شناختند: ولی «قالی» در امالی با صراحت آن را اثری از «خلف الاحمر» می‌داند. ولی شعرهایی که خلف احمر وضع کرد عموماً به الگوی سبک قدیم قصیده پای‌بند هستند. اما در لامیه‌ی شنفری، همان‌گونه که یاکوب در مقدمه‌ی^۳ خود بر لامیه تأکید کرده است، با فردیت خاص یک شاعر روبه‌رو هستیم. در حالی که در شعر قدیم وصف طبیعت فی‌نفسه هدف است، در این جا همین وصف «به عنوان پس‌زمینه‌ای حال و هیجان‌آور» برای خود انسان به کار می‌رود. از این‌رو دلیلی ندارد که دانشمندان قدیم علم ادب را که کرنکو^۴ با آنان هماوایی داشت، باور کنیم و این شاهکار

۱. بیت ۵۵ معلقه‌ی الاعشی، چاپ لایل؛ بیت ۶۱ در اثر گایر:

R. Gyer, *Zwei Gedichte al-Āṣād's* II.

همچنین نك. صص ۲۰۶ به بعد دیوان او.

[و آن بیت چنین است:

انی لعمر الذی حصلت مناسمها تخدی وسيق اليه الباقر الغیل

از تعب. م.]

لایل از دو بیت دیگر الاعشی غفلت کرده است که جاحظ در کتاب الحیوان I، ۹، ۱۷ به بعد و ابن قتیبه در الشعر و الشعرا ۲۱۷، ۸ روایت کرده‌اند و در دیوان الاعشی چاپ گایر در بیت‌های ۲۶-۲۷ از قصیده‌ی ۱۴ وجود دارند، و آن‌ها به مثلی مشهور اشاره دارند: کالثور یضرب لما عافت البقر [عربی مثل از تعب. م.]. نك. عسکری، امثال I، ۱۹۹.

۲. [اصل آن بیت:

فعبت غشاشا ثم مرت کانهما مع الصبح ركب من احاظه مجفل.

از تعب. م.]

۳. نك. مقدمه‌ی یاکوب بر لامیه‌ی شنفری، هانور ۱۹۲۳ م.

4. Krenkow *El*. IV, 335.

شعر قدیم را از شاعری دیگر غیر از شنفری که روایت از او نام برده است، فرض کنیم.^۱

منابع

۱. اغانی XXI، ۱۳۴-۱۴۳.
۲. خزانه الادب II، ۱۴ به بعد.
۳. قالی، امالی اول I، ۱۵۷، III، ۲۰۸-۲۱۲.
۴. ردهاوس در مجله‌ی انجمن پادشاهی آسیایی:
- J.W. Redhouse, *JRAS* 1881, 437-67.
۵. بستانی، روائع III. بیروت ۱۹۲۷ م.
۶. متن لامیه العرب چاپ شده در مجموعه. قاهره ۱۳۱۹ هـ، ۱۳۲۴ هـ.
۷. مراجع قدیم را نولدکه فهرست کرده است. نك.:
Nöldeké Beitr. 200 ff.
۸. مراجع دیگری را یاکوب می‌آورد. نك.:
G. Jacob, *Schanfarastudien*, SB Bayer. Ak. d. Wiss. 1915, 4.
این مراجع توسط گایر تکمیل شده است. نك.:
R. Geyer, *Isl.* VII, 117.
۹. در این باره همچنین نك. ترجمه و مقدمه‌ی یاکوب:
Jacob. Übers. mit Einführung, Luxusausgabe, Hannover 1923.
۱۰. همچنین نك.: دوساسی:
S. de Sacy, *Chrest. Arabe*, éd. I. t. I, 309 ff. éd. II t. II, 134 ff.
۱۱. نسخه‌های خطی همچنین در: ایاصوفیه ۳۹۳۶ (نك.: ZDMG 64, 513) و ۴۱۱۶ (نك. WZKM 26, 76)، فیض‌الله ۲۱۲۹ و در مجموعه متعلق به اسماعیل صائب افندی در استانبول. لامیه العرب: فیض‌الله ۱۶۶۲: ۴.
۱۲. ترجمه‌ی انگلیسی لامیه العرب از هیوز:
Shanfara, *Lamijāt ul Arab a Preislamic Arabian Qasida*, transl. in to engl. verses by G. Hughes, 1896.

۱. همچنین نك. گابریلی:

Gabrieli, *RSO* 1935, 358-6.

۱۳. ترجمه‌ی کراچکوفسکی:

Kračkovsky, *Vostok* IV, 1924, 58-64.

۱۴. شعر الشنفری الازدی به تصحیح عبدالعزیز المیمنی (بر اساس خسرو پاشا، ایوب ش ۱۴۹) در: الطرائف الادبیه، قاهره ۱۹۳۷ م، صص ۲۶-۴۲.

شرح‌ها

۱۵. شرحی که گمان می‌رود از المبرد باشد. استانبول ۱۳۰۰ هـ، اما شاید از ثعلب است؛ چنان‌که نولدکه در کتاب مطالعات مربوط به شعر شنفری از یاکوب ص ۱۵ ذکر می‌کند.

۱۶. شرح ابوبکر بن درید، برلین ۷۴۰۸.

۱۷. شرح زمخشری (درگذ. ۵۳۸/۱۱۴۳): أعجب العجب فی شرح لامیه العرب، اسکوریال دوم ۴۶۲، ۴؛ پاریس اول ۳۰۷۷؛ لایپزیگ ۴۹۸؛ قاهره‌ی دوم III، ۱۷ الف، چاپ‌شده همراه با شرح محمد بن القاسم بن زکور المغربی (درگذ. ۲۰ محرم ۱۱۲۱/۱۱، ۴، ۱۷۰۸).^۱ نسخه‌ی خطی آن: برلین ۷۴۷۰؛ کتابخانه‌ی وحداح ۲۳۳. شرح زکور المغربی همچنین در: اسکندریه، ارب ۱۳۵، ۵ (تفریح الکرب عن قلوب اهل الارب فی معرفة لامیه العرب). و شرح عطاءالله بن احمد المصری المکی، تألیف به سال ۱۱۷۳/۱۷۵۹: قاهره‌ی دوم IV، ب، ۸۵. چاپ آن‌ها در قاهره ۱۳۲۴ هـ، ۱۳۲۸ هـ.

۱۸. شرح عبدالله بن الحسین العکبری (درگذ. ۶۱۶/۱۲۱۹): برلین ۷۴۶۹: قاهره‌ی دوم III، ۲۱۷.

۱۹. شرح یحیی بن عبدالحمید الحلبي الغسانی، تألیف به سال ۶۱۸/۱۱۲۱: اسکوریال دوم ۳۱۴.

۲۰. شرح السویدی: موزه‌ی بریتانیا ۱۴۱۵، ۴.

۲۱. شرح المؤید بن عبداللطیف النجوانی. تألیف به سال ۹۸۲/۱۵۷۴: لیدن ۵۶۹.

۲۲. شرح محمد بن الحسین بن لجک التركي: کتابخانه‌ی وحداح ۲۳۳؛ به خط مؤلف به سال ۶۸۶/۱۲۸۸: ایاصوفیه ۴۱۴۵؛ پترزبورگ ۷۳۲.

۱. نك. احمد العلمی، انیس ۱۹، القادری. نشر المثنی لاهل القرن الحادی عشر و الثانی

II، ۲۰۶، الكتانی، سلوة III، ۱۷۹، و كتاب او: نشر أزهیر البستان فی من اجازنی فی الجزائر و تطوان. الجزائر ۱۷۴۰ م.

۲۳. شرح ابوالاخلاص جاو الله الغنیمی الفيومی. تألیف به سال ۱۱۰۱ / ۱۶۸۹: قاهره
دوم III، ۲۵۸؛ آصفیه ۱۲۴۴: ۳۵.
۲۴. شرح از مؤلف ناشناخته: برلین ۷۴۷۲-۷۴۷۳؛ توپینگن ۵۲، ۲؛ بودلیان II، ۳۰۵؛
واتیکان سوم ۳۶۴ (این شرح از زوزنی نیست)؛ قاهره دوم III، ۲۱۷.
۲۵. محمد بن محمود بن التلامیذ الشنقیطی به خواست امیر مکه عبدالله بن محمد بن
عوف ردی بر شرح غیر معروف عاکش الیمنی نوشت: «احقاق الحق و تبرؤ العرب
مما أحدث عاکش الیمنی فی لغتهم و لامیه العرب»: قاهره دوم III، ۶.
۲۶. شرح ثعلب: آصفیه ۱۲۴۴: ۳۵، و نک. واتیکان سوم ۳۶۴.

۳. عروۃ بن الورد بن حابس العبسی. او از تأبط شرأ و شنفری که
نمایندگان اصیل زندگی عصر جاهلیت هستند، شهرت کمتری دارد، اما
به سبب شعرهای زیادی که از عروه روایت شده، آشنایی بیش‌تری با او
داریم. عروه از قبیله‌ی عبس بود و می‌بایست اندکی پیش از پیروزی اسلام
زیسته باشد. پدرش مردی شجاع بود و در جنگ داحس مؤثر بود؛
به همین سبب عترة او را مدح کرد. مادرش از قبیله‌ی نهذ بود که منزلت
کمی داشت و همین امر بر زندگی عروه سایه افکند. قبیله‌ی عبس، عترة
را که از شهرت بیش‌تری برخوردار بود، همچون قهرمانی ارج می‌نهاد،
ولی از عروه به عنوان بزرگ‌ترین شاعر یاد می‌کرد. شعرهای عروه به
روایت ابن السکیت (درگذ. ۲۴۳ / ۸۵۷) به دست ما رسیده است.

منابع

۱. اغانی اول II، ۱۹۰-۱۹۷؛ اغانی دوم II، ۱۸۴-۱۹۰؛ اغانی سوم III، ۷۳-۷۸.
۲. دیوان او را السکری شرح نکرده است بلکه ابن السکیت شرح کرده. نک.: شرح
دیوان عروۃ بن الورد لابن السکیت. قاهره ۱۹۲۳ م.
۳. دیوان عروۃ بن الورد همراه با شرح ابن السکیت، به تصحیح محمد بن شنب:
O. b. al-W. Diwan accompagn é du cont. d'Ibn as - S., éd. par M.B.
Cheneb, Alger - Paris 1926 (Bibl. Ar.)

۴. شعرهای عمره بن الورد، با ترجمه و شرح از تئودور نولدکه:
Die Gedichte des 'U. b. al-W. hsg., übers. und erläutert von Th. Nöldeke, Göttingen 1863, Abh. der Kgl. Ges. d. Wiss. Bd. 11.
 ۵. یادداشتی درباره‌ی عروه بن الورد، از بوشه:
R. Boucher, Notice sur Orwa b. al-Ward, JA VI, t. g. P. 97.
 ۶. نوشته‌ای در زمینه‌ی مطالعه‌ی دیوان عروه، از باسه:
R. Basset, Contribution à l'étude du Diwan d' O. in P. Haupt Anniversary S. 344-357.
- همچنین ترجمه‌ی دیوان عروه به فرانسوی و شرح آن از باسه:
D. d'O traduit et annoté par R. Basset. Bull. Afr. LXII, Fac des Letters d'Alger, 1928.

۴. قطبة بن اوس الحادرة الفزاری. از قبیله‌ی ثعلبة بن سعد
zu.s.26 که طایفه‌ای از غطفان بود و با زبان بن سیار الفزاری در ستیز
به سر می‌برد و یکدیگر را هجاء می‌کردند. شعرهای کمی
از او در مجموعه‌ی ابوعبدالله الیزیدی (درگذ. ۳۱۰ / ۹۲۲) به دست ما
رسیده است.

منابع

۱. اغانی اول III، ۸۲-۸۴؛ اغانی دوم III، ۷۹-۸۱؛ اغانی سوم III، ۲۷۰-۲۷۴.
۲. شعر الحادرة با تعلیقات الیزیدی و ترجمه به لاتین از انگلن:
Specimen litt, exhibens Al-Hadirae Diwanum, Cum al-Yezidii scholiis, e cod. ms. ar. ed. versione lat. et annotatione illustravit Dr. G.H. Engelmann, Lugd. Bat. 1858.

نسخه‌های خطی

۳. لیدن ۵۷۳-۵۷۴؛ پاریس اول ۵۸۹۱؛ کمبریج ۴۲۷؛ ایاصوفیه ۳۹۳۲-۳۹۳۴ (نک).
- (ZDMG 64, 513)، ۳۹۳۶ (نک. همان‌جا)؛ نیز نک. ایاصوفیه ۳۸۸۱ مکرر؛ فیضیه ۱۵۹۷، ۱۶۶۲، ۵ (نک. ZDMG 68, 30, 382)؛ روایت الیزیدی: قاهره

دوم III، ۱۲۵، و رامپور I، ۵۸۸: ۱۱۹ (نک. JASs-Bengal NS II, XLII)؛
نسخه‌ی خطی فاخر به خط یاقوت المستعصمی: برلین برگ ۲۶۹۴؛ موزه‌ی بریتانیا
۱۵۲۵؛ پیوست موزه‌ی بریتانیا I، ۵۴ (به خط الفزاری نوشته است).

۵. عبید بن الابرص، از قبیله‌ی اسد بود و در دربار حیره می‌زیست. در آن‌جا با نابغه‌ی ذبیانی معاشرت داشت. آورده‌اند که ملک منذر بن ماء السماء (درگذ. ۵۵۴) عبید را در پیری به عنوان قربانی بر سر قبر دو دوستی که او روزی به خشم زنده‌به‌گور کرده بود، به قتل رساند. دیوان او بیانگر اصیل‌ترین شعر بدوی است که در «فخر» نیرویی پرتحرک و سرشار از گستاخی دارد و با دریافتی جدی از زندگی و وصف‌هایی درخشان توأم است.

منابع

۱. اغانی اول XIX، ۸۴-۹۰؛ اغانی دوم XIX، ۸۴-۸۹.
۲. خزانه I، ۳۲۲-۳۲۴.
۳. ابن سلام الجمحی، طبقات الشعرا ۳۰.
۴. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۴۳-۱۴۵.
۵. سیوطی، مغنی ۹۲.
۶. قالی، امالی III، ۱۹۹ به بعد.
۷. دیوان او در مختارات الشعرا از هبة الله الشجری (درگذ. ۵۴۲ / ۱۱۴۷) چاپ شده است. قاهره ۱۳۰۶ هـ. صص ۸۷-۱۰۸. نک. هومل. مقاله‌ها و رساله‌ها:
- F. Hommel, Aufsätze u. Abhandlungen. München 1890. S. 52-92.
۸. دیوان عبید بن الابرص و عامر بن الطفیل به تصحیح لایل (بیش‌ترین بخش آن شامل قطعه‌های نسیب است):
- The Diwan of 'A. b. al-A. and 'Amir b. at-Tufail ed. Ch. Lyall (EJW Gibb Memorial XXI) Leyden 1913.
۹. درباره‌ی شعری که منسوب به اوست نک. گلدزیهر
- Goldzieher, Abh. II, XVII.

۱۰. قصیده‌ای دستنویس: برلین ۷۴۷۵: ۱؛ دیوان هند اول ۸۰۱، ۲ الف.
۱۱. درباره‌ی بیتی منسوب به عبید، نک. فیشر:
A. Fischer, Ein angeblicher vers des 'A. b. al-A. Mél. Maspéro III,
Le Caire 1935, 361-75.
۱۲. گابریلی. شعر عبید بن الابرص:
Fr. Gabriele, *La Poesia di 'A. b. al-A.* Reale Ac. d'Italia Rend. della
Cl. di sc. mor. e stor. s. VII vol. I, 1940, XVIII, 1-2.

18 ۶. حاتم بن عبدالله بن سعد الطایی. به عنوان نمونه‌ی کرم و
zu.s.27 سخاوت شهرت یافته است. با عبید و نابغه معاشرت
داشت. پسر و دخترش در روزگار پیامبر به دست مسلمانان
اسیر گشتند. بی‌تردید بسیاری از شعرهایی که به اسم او روایت شده،
منحول‌اند.

منابع

۱. *آغانی اول XVI*، ۹۶-۱۱۰، *آغانی دوم XVI*، ۹۳-۱۰۶.
 ۲. ابن قتیبہ، *الشعر و الشعراء* ۱۲۳.
 ۳. قالی، *امالی III*، ۱۵۴-۱۵۸.
 ۴. ابن عساکر، *تاریخ دمشق III*، ۴۲۱-۴۲۹.
 ۵. *خزانة الادب I*، ۴۹۴.
 ۶. شعر حاتم و اخباره، از هشام بن محمد الکلبی و یحیی بن مدرک الطایی: موزه‌ی
بریتانیا ۵۶۶: ۲.
 ۷. *دیوان حاتم طایی و اخباره*. لندن (چاپ حسون R. Hassoun) ۱۸۷۲ م.
 ۸. *دیوان حاتم طایی*، با تعلیقات فیض الحسن، لاهور ۱۸۷۸ م.
 ۹. *دیوان حاتم طایی*، به کوشش شولتس:
Der Diwan des arabischen Dichters Ḥaṭīm Tej, hsg. V. Fr.
Schulthess, Leipzig 1897.
- درباره‌ی چاپ شولتس نک. بارت:
Barth, *ZDMG* 52.
- و نیز نک. گایر:
Geyer, *WZKM* 17, 308-318.

۱۰. چاپ دیوان در قاهره ۱۹۲۳ م.

۱۱. رساله مربوط به حاتم طایی:

Hatim Tai, diss, praeside J. Bolmeier exhib. P. E. Oseen, Lond. Goth. 1832.

۱۱. درباره‌ی داستان‌های فارسی، ترکی و هندی درباره‌ی حاتم طایی نك. فان-آرندوک در دایرةالمعارف اسلام:

C. van Arendonk, *EI*, II, 308.

۷. لقیطن یعمر (یا: معمر) الایادی. از عربان عراق بود و به ویژه به خاطر قصیده‌ای که هم‌قبیله‌ای‌هایش را در برابر کسری هشدار می‌داد، شهرت یافته است.

منابع

۱. اغانی اول XXI، ۲۳-۲۵.

۲. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۹۷ به بعد.

۳. دیوان لقیط در: ایاصوفیه ۳۹۳۶؛ فیضیه ۱۶۶۲: ۲ (ZDMG 68, 382)؛ ایاصوفیه ۳۵۸۲ (ZDMG 68, 390).

۴. دو قطعه شعر لقیط در: برلین ۷۴۷۹-۷۴۸۰.

۵. شعر او در مختارات الشعرا از ابن الشجری ۲-۷.

۶. و نك. تئودور نولدکه:

Th. Nöldeke, *Orient u. Occident* I, 689 ff.

18, 19 ۸. اوس بن حجر از قبیله‌ی تمیم، همعصر عمرو بن هند

zu.s.27 ملک حیره بود و پدرش در نبرد الحجار در سال ۵۵۴ م. به

قتل رسید. زادگاه او بحرین بود و همچون سراینده‌ای

گردنده سراسر عربستان شمالی و عراق [۹] را پیمود. به ویژه در دربار

حیره رفت و آمد داشت. زهیر مشهور فرزندخوانده و راوی او بود.

شعرهای او به خصوص به سبب وصف صحنه‌های شکار و سلاح شهرت

یافته‌اند. ابن‌السکیت شعرهای او را گرد آورد، اما تنها قطعه‌هایی از آن‌ها به دست ما رسیده است.

منابع

۱. اغانی اول X، ۶-۱۸؛ اغانی دوم X، ۵-۸.
 ۲. ابن‌قتیبه، الشعر و الشعرا ۹۹ به بعد.
 ۳. مرزبانی، موشح ۶۳.
 ۴. گایر، شعرها و قطعه‌های اوس بن حجر:
- R. Geyer, *Gedichte und Fragmente des A. b. H.*, SB Wien. Ak. phil-hist. Cl. Bd. 126, Wien 1892.
- درباره‌ی این چاپ نیز نک. فیشر:
- A. Fischer, *GGA* 1895, No. 5, *ZDMG* 49, S. 85-144, 673-80.
- و همچنین نک. فرنکل:
- Fraenkel, *ZDMG* 297.
- و نیز نک. باسه:
- R. Basset, *ZA* 26, 295-304.
۵. القصيدة اللامية: پاتنه II، ۴۲۵، ۲۵۹۸: ۱.
 ۶. جاحظ در حیوان آورده است که شعرهای او تا اندازه‌ای با شعرهای شریح بن اوس در هم آمیخته‌اند.

19 ۹. امیه بن ابی‌الصلت شاعر «ثقیف». از میان شعرهایی که zu.s.27 از او روایت شده است فقط مرثیه‌ی مربوط به کشته‌شدگان بدر را می‌توان با اطمینان کامل اصیل، و از او دانست. پیامبر (ص) بعدها انشاد آن را منع کرد. تمامی شعرهایی را که کلمان‌هوار^۱ می‌پندارد منبع قرآنی را در آن‌ها یافته است، می‌توان با تورآندره^۲

1. Cl. Huart, *JA*, sér. X. t. IV (1904) S. 125 ff.

2. Tor Andia, *Der Ursprung des Islams und das Christentum Stockholm*, 1926. S. 48 ff.

همعقیده بود که این اشعار شکل منظوم موادی است که قصاص برای تفسیر قرآن به دست داده بودند. البته این شعرهای منحول باید از همان آغاز به او نسبت داده باشند، زیرا اصمعی او را شاعر آخرت می‌نامد، چنان‌که عنتره را شاعر جنگ و عمر بن ابن ربیع را شاعر عشق می‌نامد. محمد بن داوود، مؤلف الزهره^۱، می‌خواست دومین بخش گلچین خود را که به شعرهای دینی اختصاص یافته بود با شعرهای او آغاز کند.

منابع

۱. نك. مقالہ شولتس در جشن نامہی نولدكہ:
F. Schulthess, U.b. a. 's-S. i. in der Festschrift für Nöldeke S. 71 ff.
۲. قطعہ‌های شعری که به نام او روایت شده‌اند، جمع‌آوری و ترجمه:
U. b. a. s-S. die unter seinen Namen über lieferten Gedicht fragmente gesammelt und übersetzt, Leipzig 1911 (BASS VIII, 3).^۲
۳. نك. نولدكہ:
Nöldeke, ZA XXVII 159-172.
۴. نك. پاوتر:
E. Power, MFO V (1912) 95-145.
۵. دیوان امیة بن ابی الصلت، جمعه بشیر یموت. بیروت ۱۹۳۷ م.
۶. نك. میشل سلیم در: المشرق XXVI، ۴۸۹-۴۹۵، ۶۲۶-۶۳۰.
۷. فرانک - کامنتسکی. بررسی‌هایی درباره‌ی ارتباط شعرهای منسوب به امیة بن ابی صلت با قرآن (رساله‌ی دکترا):
J. Frank-Kamenetzky – Untersuchungen über des Verhältnis der dem U. b. a. s-S. zugeschriebenen Gedichte zum Qor'ān, (Diss. Königsberg) Kirchhain N-L. 1911.

۱. نك. محمد بن داوود، الزهره. ویراسته‌ی نیکل:

M. b. Dā'ud, az-Zahra, ed. Nykl, 372.

۲. طبیعی است که امروزه این مجموعه را مانند هر یک از قطعہ‌ها می‌توان افزایش داد، مثلاً نك. ابن قتیبه، اختلاف اللفظ ۳۷، ۱؛ بختری، حماسه ۲۹، ۱۱-۳۰، ۲؛ شرح مفضلیات. ۳۰۱، ۸؛ عسکری، دیوان المعانی ۹۲، ۴، ۵.

۸. درباره‌ی شعر تبریک و تهنیت به سیف بن ذی یزن که برخی آن را به پدرش و برخی به پدر بزرگش نسبت می‌دهند، نک.:
Schulthess Or. St. I 73 (Ps. - Balḥī ed. Huart, III, 194, Ps. Ta'ālībī Rois des perses 618-9).
۹. شعرهای پسرش القاسم: *اغانی دوم* III، ۱۷۹، ۲۳، ۲۴؛ جاحظ، *حیوان* I، ۳۲، ۱۵، ۱۶؛ *مرزبانی، معجم الشعرا* ۳۳۲، ۲۲-۲۷، از همان قصیده‌ای است که جرجانی در *کنايات* ۱۲۴، ۱۳-۱۸ با بیت‌های بیش‌تری به پسرش عمر نسبت می‌دهد (نک. *اغانی دوم* III، ۱۷۹، ۱۸ و نزد او عمرو است).
۱۰. موعظه‌ای به سبک او از اعشی بنی ابی‌ربیعہ (نک. *اغانی دوم* II، ۱۵۵-۱۵۸) ویراسته‌ی گایر ۲۷۲ ش ۸.
۱۱. شیخو در *المشرق* ۲۲، ۳۷۲-۳۷۹.

19 ۱۰. قیس بن الخطیم از قبیله‌ی اوس در یثرب که بعدها به
zu.s.28 مدینه نامبردار شد، شعر می‌سرود. در نبردهای میان اوس
و خزرج نقشی برجسته داشت، به ویژه به خاطر انتقامی که
از قاتلان خزر جی پدر و پدر بزرگش گرفت، مشهور شده است. اما
نبردهای میان اوس و خزرج از ماجرای انتقام او کهن‌تر هستند. داستان او
در افسانه‌ها با بن‌مایه‌هایی گوناگون در بین قبیله‌ها آراسته شده است. او
در واقع ظهور پیامبر را به جان آزمود؛ اما پیش از هجرت، هنگامی که از
برابر جان‌پناه یک خزر جی می‌گذشت، بر اثر اصابت خدنگ درگذشت.

منابع

۱. *اغانی اول* II، ۱۵۹-۱۷۰؛ *اغانی دوم* ۱۵۴-۱۶۴؛ *اغانی سوم* III، ۱-۲۶.
۲. *حماسه* I، ۹۴، III، ۱۰۴.
۳. *مرزبانی، معجم الشعرا* ۳۲۱-۳۲۲.
۴. *نسخه‌ی خطی دیوان* او: توپ‌قاپو سرای به سال ۴۱۹ هجری. رونوشت آن قاهره‌ی
اول IV، ۲۵۱؛ قاهره‌ی دوم III، ۱۴۴.
۵. چاپ *دیوان قیس بن الخطیم* با ترجمه و شرح و مقدمه از کووالسکی.

Der. Diwan des K. b. al-H. hsg. übers. u. erklärt und mit einer Einleitung versehen von Th. Kowalski, Leipzig, 1914.

و نك. نولدكه:

Nöldeke ZA 29, 205-16.

zu.s.28 ۱۱. المثقب^۱ العبدی عائذبن محصن از طایفه‌ی نکره از قبیله‌ی عبدالقیس در بحرین. بنا بر ابن قتیبه^۲، همعصر عمروبن هند (۵۵۴-۵۷۰)^۳ بود و این امر را از بیتی از او در مفضلیات^۴ می‌توان دریافت؛ در حالی که اصمعی آن را رد می‌کند. در مفضلیات^۵ ابوقابوس بن النعمان (۵۸۰-۶۰۷)، حامی نابغه ذبیانی، را مدح می‌کند.

منابع

۱. مرزبانی، معجم الشعرا ۳۰۳.
۲. دیوان: قاهره‌ی دوم III، ۱۴۷.
۳. شرح دیوان او: قاهره‌ی دوم ۲۰۷، IV ب، ۵۱؛ عاشر افندی ۸۶۷ (نك). (MFOV, 511).

-
۱. گفته‌اند که این نام را از یکی از شعرهایش برگرفته است. نك. جمعی، طبقات ۶۹، ۱۲.
 ۲. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۲۳۴.
 ۳. نك. Rothstein, Lahmidien 23.
 ۴. مفضلیات ۷۶، ۴۰. [اصل بیت:
أخی النجدات و الحلم الرصین
الی عمرو من عمر أتنی
از تعب. م.]
 ۵. مفضلیات ۲۸، ۱۴. [اصل بیت:
فان أبا قابوس عندی بلاؤها
جزاء بنعمی لایحل کنودها.
از تعب. م.]

۱۲. جران العود النمیری^۱

منابع

۱. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۴۵۰، بدون اطلاعات دقیق تر.
 ۲. دیوان جران العود النمیری، روایة ابن سعید السکری (I، ۱۰۸ با شرح). قاهره. دارالکتب ۱۹۳۱ / ۱۳۵۰ (نسخه‌های خطی: قاهره‌ی دوم III، ۲۰۱، IV، ب، ۵۹؛ اباضوفیه ۳۹۷۸).
- در آغاز دیوانش که بیش‌تر شامل قطعه‌هاست، قصیده‌ای اصیل و بلند وجود دارد که از ازدواج ناکامش شکوه می‌کند و در کنار شعری قرار دارد در معارضه با آن از دوستش الرجال عروہ، پدر بزرگ عامر بن الطفیل.^۲
- درخور توجه است که شاعری بدوی که تخلص او «گردن‌شتر» (جران العود) است از کبوتر نوح یاد می‌کند. نک. دیوان ۱۱، ۳، ص ۳۲، ۶.

* * *

در زیر از شاعرانی که دیوان‌های‌شان بعد شناخته شده است یا درباره‌ی برخی از شعرهای‌شان بررسی‌هایی خاص انجام گرفته است، یاد می‌کنیم:

۱۳. عبد قیس بن خفاف البرجمی التمیمی. هم‌عصر حاتم طایی بود و با او مسئله‌ی قتلی را که میان قبیله‌های آنان هنوز حل نشده بود، مسالمت‌آمیز به پایان رساند. آورده‌اند که او هماوا با مرة بن ربیعۃ السعدی شعرهایی در هجاء ابوقابوس النعمان، ملک حیره سرود و آن‌ها را منسوب به نابغه کردند تا ملک حیره را که حامی نابغه بود، نسبت به او بدگمان کنند.

۱. احتمالاً وی را بنا بر بیتی از دیوانش (I، ۴۴) چنین نامیده‌اند. ولی خود او هم در بیتی (۳، ۸) خود را چنین خوانده است.

۲. نک.:

منابع

۱. *اغانی دوم VII*، ۱۴۵ (مؤلف فقط داستان او را با حاتم به روایت جعفر بن قدامه از کتابی از ابو عثمان المازنی، درگذ. ۸۶۳/۲۴۹، ذکر می‌کند. نک. خطیب، تاریخ بغداد VII، ۹۷؛ یاقوت، ارشاد II، ۳۸۰-۳۹۰، سیوطی، بغیه ۲۰۲؛ IX، ۱۵۸).
۲. ابن قتیبه، *الشعرو الشعر* ۷۶.
۳. لامیه‌ی او (مفضلیات ش ۱۱۶) را محمود الشریف (نک. سرکیس، معجم ۱۷۱۰) شرح کرده است، در کتاب: *التعليقات الشرفية على جملة من القصائد الحکمية*. قاهره ۱۳۱۱ هـ.

۱۴. *الافوه صلاة بن عمرو الاودی*. رهبری قبیله‌اش را در جنگ‌های علیه بنو عامر در دست داشت. او را به خاطر غنای حکمت و پند در شعرش از حکماء العرب به شمار می‌آورند.

منابع:

۱. *اغانی دوم XI*، ۴۱-۴۳.
۲. ابن قتیبه، *الشعرو الشعر* ۱۱۰.
۳. دیوان او به خط جدید از محمود الشنقیطی بر اساس نسخه‌ای بسیار بد: قاهره‌ی دوم III، ۲۳۳.
۴. چاپ دیوان *الافوه* در طرائف الادبیه. قاهره ۱۹۳۷ م.

۱۵. *عامر بن الطفیل*، از قبیله‌ی عامر بن صعصعة، به عنوان سرور [= سید] قبیله‌اش در جنگ‌های بسیاری علیه غطفان و مذحج شرکت جست. در سال نهم یا دهم هجری به دیدار پیامبر نایل گشت ولی به اسلام نگروید، شاید به این خاطر که پیامبر تقاضایش را که می‌خواست ریاست بر تمامی بدوها را به او واگذارند، رد کرد. اندکی پس از آن حدود ۶۲ سالگی درگذشت. این گزارش که او به اتفاق اُربد، برادر ناتنی لبید، قصد جان پیامبر را کرده است، درخور اعتماد نیست.

نك. ديوان عبيد بن الابرص و ديوان عامر بن الطفيل، نشر یافته توسط لایل:
Ch. Lyall, *The diwāns of 'Abd b. al-Abras and 'A. b. at-T.* (EJW
Gibb Mem. XXI) Leyden - London 1913.

۱۶. عمرو بن قميئة از قبیله ی بکربن وائل، خواهرزاده ی مرقش اکبر، دایی مرقش اصغر و جد مادری طرفه^۱ بود. آورده اند که او در خدمت حجر، پدر امرؤ القیس، بوده است. قميئة در پیری درگذشت. و این که حکایت کرده اند او امرؤ القیس را در سفر به بیزانس همراهی می کرده است، باید مانند حکایت خود این سفر بخشی از افسانه سازی ها به شمار آورد.

منابع

۱. اغانی دوم XVI، ۱۵۸-۱۶۰.
۲. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۲۲۲.
۳. مرزبانی، معجم ۲۰۰-۲۰۱.
۴. شعرهای عمرو بن قميئة، ویراسته ی لایل:
The Poems of 'A. b. Q. ed. by Chl. Lyall, Cambridge 1919.
و نیز نك. نولدکه:
Nöldeke, ZA 33, 4ff.
۵. و همچنین نك. کراچکوفسکی:
Kračkovsky, Zap. Koll. Vost. I, 580-6.

۱. سزگین II، ۵۲ از او به عنوان خواهرزاده ی مرقش اکبر و خویشاوند مرقش اصغر و طرفه و هم طایفه ی الاعشی میمون یاد می کند. مترجم عربی بروکلن می نویسد: «و هو ابن اخي المرقش الاكبر، خال مرقش اصغر...»؛ در حالی که خود نیز پیش تر مرقش اکبر را دایی او ذکر کرده است (تعب، ص ۱۰۲ و ص ۱۱۶). م.

۱۷. عوف بن عطیة بن الخرع التیمی رهبری قبیله اش را در جنگ رحران در دست داشت. این جنگ یک سال پیش از جنگ شعب جبلة روی داد که برخی آن را سال تولد پیامبر دانسته اند و برخی دیگر تاریخ آن را هفده سال پیش از تولد پیامبر تعیین کرده اند.^۱

منابع

۱. مرزبانی، معجم ۲۲۶.
۲. مؤلف خزانة الادب، دیوان کوچکی از او را در اختیار داشت. نك. خزانه III، ۸۳، ۱.
۳. دو قصیده از او در مفضلیات، ش ۹۴ و ش ۱۲۴.

۱۸. بشر بن اُبی خازم الاسدی، پیرامون ۵۶۰-۶۰۰ م، همصر نابغه ذبیانی، در ستیزهای قبیله اش علیه طیه با سرودن شعرهای هجوآمیز شرکت داشت و در نبردی با بنی وائل بن صعصعه از قبیله ی هوازن به قتل رسید.

منابع

۱. مرزبانی، موشع ۵۹.
۲. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۴۵.
۳. نك. هارتیگان: Hartigan, MFO I, 284-302.
۴. مؤلف خزانه، دیوان او را همراه با شرحی در اختیار داشت.
۵. شش قصیده از او در هبة الله الشجری، مختارات ۶۵-۸۱.
۶. چهار قصیده در مفضلیات ش ۹۶-۹۹.

۱. نك. لایل، دیوان عامر بن الطفیل:

۱۹. أبودود جویریة بن الحجاج الأیادی، همصر منذربن ماء السماء (پیرامون ۵۰۶-۵۵۴ م) بود. به خاطر وصف اسب شهرت یافته است با وجود این، دانشمندان علم ادب، دیوان او را مانند دیوان عدی بن زید به سبب آنکه زبان معیار را رعایت نمی‌کند، نادیده گرفته‌اند.

منابع

۱. اغانی دوم XVI، ۹۱-۹۶.
۲. ابن‌قتیبه، الشعر والشعراء ۱۲۰.
۳. مرزبانی، موشح ۷۳.
۴. نك. آلوارت: Ahlwardt. Samml. alt arab. Dichter I, 8, 9.

۲۰. الممزق شأس بن نهار العبدی، برادرزاده‌ی مثقب و همعصر ابوقابوس بن النعمان.

منابع

۱. ابن‌قتیبه، الشعر والشعراء ۲۳۶.
۲. نك. گایر: R. Geyer, Beitr. Zur Kenntnis alt arab. Dichter II, WZKM XVIII, 1-19.
۳. مفضلیات ش ۸۰.
۴. اصمعیات ش ۵۰.

۲۱. سلامة بن جندل التمیمی. اگر درست باشد که قصیده‌ی ۵۳ از اصمعیات از اوست، پس باید پس از مرگ ابوقابوس بن النعمان نیز زیسته باشد. اما دشوار بتوان او را چنانکه آلوارت گمان کرده است، به این خاطر که نام خدا، «الرحمن»، را به کار برده، مسلمان دانست، یا حتی او را چنانکه شیخو حدس زده است، نصرانی به حساب آورد. او نیز به عنوان توصیفگر اسب شهرت یافته است.

منابع

۱. مفضلیات ش ۲۲.
۲. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۱۴۷.
۳. هوار، دیوان سلامه بن جندل:
- Cl. Huart, *Le Diwan de Selāma' b. Djandal*, JAS, sér. 10, t. 15, S. 71-105.
۴. دیوان سلامه، چاپ لویس شیخو. بیروت ۱۹۱۰ م.
۵. نك. گایر. جشن نامه‌ی زاخاو:
- R. Geyer, *Festschr. f. Sachau* 345 ff.
۶. نك. کرنکو. دایرة المعارف اسلام IV، ۹۹.
۷. نسخه‌ی خطی در اسکندریه، نك.:
- Kračkovsky, *Zap. Vost. Otd.* XXII (1914), 57.

۲۲. طفیل بن عوف الغنوی. الاصمعی شهادت می‌دهد که او از نابغه پیرتر بوده است. او سومین اسب‌شناس مشهور است و به همین خاطر او را «المُحَبَّر» لقب دادند.

منابع

۱. اغانی دوم XIV، ۸۵-۸۷.
۲. ابن قتیبه، الشعر و الشعرا ۲۷۵.
۳. نك. کرنکو:
- Krenkow, *JRAS* 1907, 815-88.
۴. شعرهای طفیل و طرماح، به تصحیح و ترجمه به انگلیسی از کرنکو:
- The Poems of T.b. 'A. al-Gh. and at-Tirimāh* ed and transl. by F. Krenkow, London 1927 (E. J. W. Gibb Mem. XXV).

شاعران یهودی و نصرانی پیش از اسلام

۱. مهاجرنشین‌های یهودی در شمال حجاز احتمالاً توسط فراریانی تأسیس شد که پس از سرکوب قیام‌های شان به وسیله‌ی تیتوس^۱ و هادریانوس^۲ از فلسطین گریختند. گرچه آنان کاملاً عربی شده بودند و مردمانی را نیز از قبیله‌های اصیل عربی در جماعت خود پذیرفته بودند، با این حال نه فقط با اتکاء به شریعت مکتوب بلکه همچنین با تکامل-بخشیدن به آن از طریق هلاخا و هگادا^۳، ارتباط خود را با سرزمین برپا

1. Titus

2. Hadrian

۳. هلاخا (Halacha) به عبری یعنی: قاعده، معیار. شامل مجموعه‌ی قاعده‌های حقوقی و آیینی زندگی یهود است و به عبارت دیگر نمی‌توان آن را شریعت یهودیت ارتدوکس (= درست آیین، متعصب) دانست. هر یک از قانون‌ها و آیین‌هایی که در تلمود نوشته نشده ولی مبتنی بر تفسیر شفاهی آن‌هاست، به معنای آن بخش از تلمود است که مربوط به این قانون‌ها و آیین‌ها می‌شود.

هگادا (Haggada) به عبری یعنی: نقل کردن، گفتن. قسمت‌هایی از تلمود که نظر و دیدگاهی را با آوردن حکایت و داستان شرح می‌دهد. به معنای آن بخش از تلمود است که مربوط به این داستان‌ها می‌شود.

دائرةالمعارف مصاحب قسمت‌های حقوقی «گمارا» را «هلاخا» و قسمت‌های ادبی آن را «هگادا» نامیده است. م.

نگاه داشتند. با وجود آن‌که یهودیان در زمینه‌ی کارهای کشاورزی و صنعتگری و به ویژه زرگری برای عربان عناصری اجتناب‌ناپذیر بودند، با این حال در نزد آنان منزلت والایی نداشتند.

مشهورترین شاعر یهودیان، سموئل بن عادیا بود. به نظر برخی از ثقات، او از عربان اصیل بوده است؛ در حالی که به قول برخی دیگر دست‌کم مادر او باید از قبیله‌ی غسان بوده باشد. اما بی‌تردید او به یهودیت اعتقاد داشته است. سموئل در قصر الابلق در تیماء یا نزدیک به آن سکونت داشت. سموئل بیش‌تر به خاطر اثبات وفای خود به أمروالقیس و قربانی کردن فرزندش برای او مشهور شده است و نه چندان به خاطر استعدادش در زمینه‌ی شعر. الاعشی آن رویداد را در یکی از قصیده‌هایش^۱ می‌ستاید. در دیوان حماسه^۲ گذشته از قطعه‌های بسیار، قصیده‌ای زیبا در فخر از او وجود دارد؛ ولی درست‌تر آن است که این قصیده را منسوب به عبدالملک بن عبدالرحیم الحارثی می‌دانند. فرزند او غریض، برادرزاده‌اش سعید بن غریض^۳ و نوه‌اش شعبه نیز به عنوان شاعر مشهور هستند. در ضمن همین جا یادآور می‌شویم که قبیله‌ی یهودی قریضه در مدینه نیز در زمان پیامبر شاعران زیادی عرضه کرده است که قطعه‌هایی از شعر آنان در کتاب‌های سیره‌ی حضرت محمد (ص) به دست ما رسیده است.

منابع

۱. اغانی اول VI، ۸۷-۸۸ و XIX، ۹۴-۱۰۲ و XXI، ۹۱-۹۳.
۲. و نك. نولدكه: Th. Nöldeke, Beiträge S. 52-86.

۱. الاعشی، دیوان ۲۵: ۵ به بعد.

۲. حماسه، ص ۴۹ به بعد.

۳. ابن عساکر، تاریخ دمشق VI، ۱۵۷.

۳. و نك. دليچ. شعرهای عربی- یهودی پیش از اسلام:
Frenz Delitsch, *Jüdisch-arabisch Poesien aus vormuhammedanischer Zeit*, Leipzig 1874.
۴. ونسینک. محمد (ص) و یهود در مدینه:
A. J. Wensinck, *Mohammed en de Joden te Medina*, Leyden 1908.
۵. لامنس. یهودیان مکه:
H. Lammens, *les Juifs de la Mecque*, Rech. des Science rel. VIII.
۶. لشینسکی. یهودیان در عربستان در عصر محمد (ص):
R. Leszynski, *Die Juden in Arabien zur Zeit Muhammeds*, Berlin 1910.
۷. هورویتز. روابط یهود و عرب در دوران پیش از اسلام:
J. Horovitz, *Judaeo - Arabic Relations in preislamic Times*, *Isl. Culture* III, 1929, 161-199.
۸. مارگولیوئث. روابط میان عربان و اسرائیلیان پیش از ظهور اسلام:
D.S. Margoliouth, *The Relations between Arabs and Israelites prior to the Rise of Islam* (The Schweich Lect. 1921) London 1924.
۹. ولفینزون. تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدرالاسلام. قاهره ۱۹۲۷ م.
۱۰. دیوان سموئل بن عادیا به روایت نفطویه (درگذ. ۳۲۳ / ۹۳۵) به تصحیح لویس شیخو در مجله‌ی مشرق. بیروت ۱۹۰۹ م، چ دوم ۱۹۲۰ م. احتمالاً شماره‌های ۱-۶ شامل بازمانده‌های اصیل شعر اوست، به اضافی شعرهایی از شاعران بعدی یهودی. نك. گایر:
Geyer, *ZA* 26, 305-312.
او به خطا می‌رود که دو قصیده را از سموئل می‌داند. نك. نولدکه. همان‌جا:
Nöldeke, *ZA* 27, 173-183.
- همچنین نك. کراچکوفسکی:
Kračkovsky *Zap. XIX* (1911) ۱۱۴ - ۱۲۳
۱۱. هیرشبرگ. دیوان سموئل بن عادیا و قطعه‌هایی که به نام او روایت شده. ترجمه و شرح از هیرشبرگ:
D. al-S. b. A. und die unter seinem Namen überlieferten Gedichtfragmente, übers. u. erläutert v. J. Hirschberg (*Mém. d. l. Commission d'or. No. 13*) Krakau 1931.

و همچنین نك. كووالسكى. درباره‌ی مسئله‌ی اصالت دیوان سموئل:

T. Kowalsky, *A Contribution to the problem of the authenticity of the Diwan of as-* S. Archiv Orientalny III, 1, 1931.

(كووالسكى ثابت می‌کند که شعر شماره‌ی ۷ از یکی از یهودیان مدینه است.)

۱۲. جیورجیو لوی دلا ویدا. درباره‌ی سموئل:

G. Levi della Vida, A proposito di as - S., *RSO XIII*, 53-72, 323-7.

۱۳. آندره. منشأ اسلام:

T. Andrä, *Der Ursprung des Islam*. S. 57.

۱۴. شرح السجاعی (درگذ. ۱۱۹۰ / ۱۷۷۶). درباره‌ی قصیده‌ی حماسه‌ی سموئل

(درست‌تر آن است که این قصیده را منسوب به عبدالملک بن عبدالرحیم می‌دانند.)

به نام: بلوغ الارب فی شرح قصیده من کلام العرب: برلین ۷۴۶۵؛ قاهره‌ی دوم III،

۳۸. این شرح در قاهره چاپ شده است در ۱۳۲۴ هـ.

۱۵. درباره‌ی قصیده‌ی لامیه‌ای که منسوب به اوست و مفاخره‌ای است برای یهودیان که

در گنیزا یافته شده است. نك. هیرشفلد:

Hirschfeld, *JQR* 1905.

۱۶. نك. مقاله‌ی مارگولیوئث:

D.S. Margoliouth, *JRAS* 1906, 363-71.

۱۷. همچنین نك. مجله‌ی المشرق IX (۱۹۰۶ م)، صص ۴۸۲، ۶۴۵-۶۴۷، و X

(۱۹۰۷ م)، صص ۳۳۴-۳۳۵.

۲۰. عربان در کناره‌های صحرای سوریه در تماس دائم با

zu.s.29 نصرانیت قرار داشتند. نصرانیت در سوریه به عنوان

مذهبی دولتی در برابرشان ظاهر گشت و در بین‌النهرین

به صورت ایمان مذهبی مردم کشاورز «آرامی» تجلی یافت که از نظر

فرهنگی از عربان برتر بودند. غسانیان در دمشق از خیلی پیش‌تر، و

سرانجام آل‌لخم به نصرانیت گرویدند. این مذهب در عصر محمد (ص)

در بین قبیله‌های قضاعه، رابعه، تمیم و طیئ اشاعه‌ای گسترده داشت. دین

جدید تقریباً در همه جای حجاز و نجد دست‌کم شناخته بود. راهب نصرانی در شعر عرب شخصیتی است مردمی.

در میان بادیه‌نشینانی که مدت زمانی دراز با نصرانیت آشنایی یافته بودند، تنوخ در مقام نخست قرار دارد. گروه تنوخ بر اساس اتحاد بنو فهم، بنو تیم‌اللات با نزاریان و جز آن پدید آمده بود. یکی از شاعران آنان به نام اسد بن ناعسة‌التنوخ، هم‌عصر عترة، دوست داشت قصیده‌هایش را از واژه‌های غریب و ناشناخته انباشته کند؛ به حدی که خلیل در کتاب‌العین^۱ در تفسیر آن‌ها شک و تردید داشت.

شاید بتوان این امر را دستاورد نصرانیان، به ویژه عبادیان در حیره، دانست که نخست زبان عربی را به عنوان زبان نوشتاری به کار بسته‌اند. اما بطریک یشوع بارنون (درگذ. ۸۲۸ م)^۲ از عبادیان ایراد می‌گیرد که به پیروی از سنت یهود، خود و حتی زنان‌شان را ختنه، و ازدواج دوباره‌ی بیوه‌زنان را منع می‌کنند.^۳

از این گذشته، عبادیان شعری خاص خود پرورانده‌اند که مهم‌ترین نماینده‌ی آن عدی بن زید است. عدی از خانواده‌ای برجسته برخاسته بود که از دیرزمان در حیره سکونت داشت. پدر او در دربار ایران تربیت شده بود و پس از مرگ نعمان اول، مدتی در حیره حکومت کرده بود تا آن‌که منذر بر تخت نشست. و هنگامی که منذر به سبب خست و مال‌اندوزی با نفرت مردمان مواجه گشت، اداره‌ی امور مدنی او را در دست گرفت.

۱. نك. آمدی، المؤلف والمختلف ۱۹۴-۱۹۵.

۲. در این باره نك.:

Baumstark, Geschichte der syr. Litteratur 219.

۳. در این باره نك.:

E. Sachau, Rechtsb. II, 126.

عدی همراه با پسر یک مرزبان به شیوه‌ی اشرافیت ایرانی تربیت شد. سپس او در دربار مدائن زیست و از توجه و لطف فراوان کسری بن هرمز (خسرو دوم پرویز) برخوردار بود. آورده‌اند که خسرو حتی او را یک بار به سفارت به ییزانس فرستاده است. این سفر موجب شد که او به دمشق نیز برود و گفته‌اند که در همین جا نخستین شعر او سروده شده است. هنگامی که به وطن بازگشت، پدرش و مرزبانی که او را تربیت کرده بود، در گذشته بودند. اکنون می‌توانست منصب پدرش را به دست بگیرد، اما ترجیح داد زندگی را در فراغتی آزاد و گاهی در حیره، گاهی در مدائن و در منطقه‌ی شکار در غفیر بگذراند. وقتی که منذر در بستر مرگ بود، عدی را به فرزند خود نعمان سپرد. آورده‌اند که عدی با توسل به حيله، نعمان را بر تخت نشاند. همین کار باعث شد که نفرت بنومرینه که از دیگر پسران منذر پشتیبانی می‌کرد، متوجه او گردد. پس از آن که عدی دوباره به مدائن بازگشت، مخالفانش توانستند بدگمانی نعمان را نسبت به او برانگیزانند و متهمش کنند که با تحقیر از نعمان سخن رانده است و او را مخلوق دست خود خوانده است. نعمان با مکاری عدی را فریفت و به سرزمین خود فراخواند و سپس او را به زندان افکند. وقتی که پادشاه ایران از این رویداد آگاه شد پیکی به حیره گسیل داشت تا آزادی عدی را ممکن سازد، اما پیک شاهنشاه او را در زندان مقتول یافت.

عدی در آغاز «خَمَرِیه» می‌سرود که معرف سبک شعری اوست.^۱ هموطنانش حتی پس از صد و پنجاه سال شعرهای او را می‌خواندند. یکی از آنان القاسم بن الطفیل^۲ عبادی که ندیم خلیفه‌ی اموی، ولید دوم،

۱. نك. اغانی VI، ۱۲۳.

۲. مترجم عربی در حاشیه‌ی خود در ص ۱۲۵ می‌نویسد: مؤلف این بار ولید را قاسم بن طفیل نوشته اما نام او در کتاب اغانی، همچنان که شعر خود ولید هم آن را تأیید می‌کند، قاسم بن طویل است. م.

بود او را با شعرهای عدی آشنا ساخت و بدین وسیله خلیفه را برانگیخت
آثاری پدید آورد که در نتیجه، «خمریات» در شعر اسلامی پایه گذاری
شد. اما عدی نغمه های جدی شاعرانه هم زیاد داشته است و به خصوص
در بازمانده های شعر او که به دست ما رسیده، اندیشه ی مرگ و فنا چیره
است.

منابع

۱. *اغانی اول* II، ۱۸-۴۳؛ *اغانی دوم* II، ۱۷-۴۰؛ *اغانی سوم* II، ۹۷-۱۵۴.
 ۲. *خزانة الادب* I، ۱۸۴-۱۸۶.
 ۳. *جمهرة أشعار العرب* ۱۰۳.
 ۴. صاحب *خزانة الادب* II، ۲۰: ۵ از دیوان عدی یاد می کند.
 ۵. در مورد *حفیر الغفیر نك. یاقوت، معجم* II، ۹۴، ص ۳۰. شگفت آور است که تغری بردی (I، ۲۴۹ چاپ قاهره) مرگ عدی بن زید را سال ۱۰۲ هـ تعیین می کند؛ در حالی که دیگران او را معاصر خلفای راشدین می دانند.
 ۶. برخی از عربان شعرهای عدی را همچون شعرهای ابودوداد به خاطر جهت و گرایش دیالکتیکی آن ها مردود دانسته اند، نك. عبدالعزیز الجرجانی. *الوساطة بین-المتنبی و خصوصه. ویراسته ی احمد عارف الزین* ص ۵۰-۵۱^۱ (که به غلط ابودوداد نوشته است).
 ۷. *ابن قتیبه، الشعر و الشعراء* ۱۱۱.
 ۸. *مرزبانی، موشع* ۷۲.
 ۹. *مرزبانی، معجم* ۲۴۲.
 ۱۰. *همچنین نك.:*
- Quatremère. *JAS.* s. 5, t. 2. (1837). S. 525 ff.
- و نك. اوالد:
- Ewald. *ZKM* II, 254 ff.
- و نك. تولدكه، *تاریخ عربان و ایرانیان:*
- Nöldeke, *Gesch. d. Araber u. Perser* 312 ff.

۱. از تعب: *بمطبعة العرفان* ۱۳۳۱ هـ. م.

و نیز نك. هورویتس:

J. Horovitz in *Isl. Culture* IV (1930).

۱۱. نك. عبدالمتعال الصعیدی. زعامة الشعر الجاهلی بین أمرو القیس و عدی بن زید. قاهره ۱۹۳۴ م.

۱۲. سیوطی، مظهر دوم II، ۳۰۲ مطلع‌های چهار قصیده‌ی مشهور او را برمی‌شمرد.

۱۳. و نك. قصیده‌ای از او در امبروزیانا:

Ambr. C. 72, IV (RSO VIII, 79).

۱۴. قصیده‌ای طولانی‌تر از او در: ثعالبی، ملوک‌الفرس ۴۹۳-۴۹۴.

۱۵. قصیده‌ای از او درباره‌ی گناه آدم در جاحظ، حیوان IV، ۶۶، ۱-۱۱.

۱۶. و نك. لویس شیخو. النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة. در: المشرق ۱۹۱۰ م، ۷۸ به بعد، ۹۴۴ به بعد؛ ۱۹۱۱، ۱۴۶ به بعد، ۲۲۵ به بعد، ۴۶۵ به بعد، ۶۵۰۳ به بعد، ۸۰۴ به بعد.

۱۷. همچنین نك. همو. مسیحیت و ادبیات مسیحی پیش از اسلام:

L. Cheikho, *Le Christianisme et la littérature Chrétienne en Arabe avant l'islam*, Beyrouth 1912.

۱۸. همچنین نك. تور آندره. منشأ اسلام و مسیحیت:

Tor Andrä, *Der Ursprung des Islams und das Christentum* 34 ff.

۱۹. و نك. ناو. عربان مسیحی بین‌النهرین و سوریه از قرن هفتم تا هشتم:

F. Nau, *Les Arabes Chrétiens de la Mésopotamie et de la Syrie du VII au VIII. s.* Paris 1933 (Cahiers de la soc. As. I).

برخی اندیشه‌های نصرانی نزد نابغه و زهیر و به ویژه شاعران بعدی چون الاعشی و لید نیز یافت می‌شوند که ثابت می‌کنند نصرانیت در فرهنگ معنوی آنان که در شعر تجلی یافته است، تأثیری پنهانی داشته است. اما آشنایی با یک دین هنوز به معنای ایمان آوردن به آن دین نیست. از این رو به کل نادرست است که لویس شیخو می‌خواهد، به تقریب، تمامی شاعران دوره‌ی جاهلیت را جزء شاعران نصرانی به حساب آورد.

منابع

۱. ولهاوزن. طرح‌ها و پیش‌نویس‌ها:
J. Wellhausen, *Skizzen und Vorarbeiten*, III, 197 ff.
۲. شیخو. شاعران عرب مسیحی. شاعران پیش از اسلام:
L. Cheikho, *Les poètes arabes Chrétiens, Poètes ante-islamiques*.
Qouss évêque de Nağrā. Études relig. phil. et lit. 1888, août. p.
592-611.
همو. شعرا النصرانیة:
Les poètes arab. Chrétiens. fs. 1-6, Beyrou 1890-1.
۳. باوم‌گارتنر. شعرکهن عربی و مسیحیت:
Baumgartner, *Die altarabische Dichtung unb das Christentum*.
Stimmen aus Maria Laach X LIV, S. 325-46.

در همان عصر جاهلی علاوه بر شاعر، در شب‌گذرانی‌ها (= سمر) در خیمه‌گاه قبیله‌های صحرانورد و همچنین در گردهم‌آیی‌های شهرنشینان، قصه‌گویان نیز نقشی مهم ایفاء می‌کردند. البته ما نوشته‌هایی از قصه‌های آنان که متعلق به همان عصر باشد، در دست نداریم؛ اما روح آن‌ها در نگارش‌های دانشمندان قدیم علم ادب، به ویژه در کتاب‌الآغانی با امانت منعکس شده است.

قصه‌گویان بخشی از مواد قصه‌های خود را از گنجینه‌ی سیال قصه‌ها و افسانه‌های اقوام، و بخشی دیگر را از روایات اسطوره‌ای و تاریخی قوم خود و همسایگان خود گرفته‌اند. هنگامی که پیامبر می‌خواست قوم خود را با ذکر قصص موعظه کند و به سوی خود بکشاند، نظربن الحارث مکی با اتکاء به داستان‌هایی از حماسه‌های پهلوانی ایرانی بارها به رقابت با پیامبر دست زد. نظر پس از غزوه‌ی بدر ناچار شد با مرگ خود بهای این کار را بپردازد.

قصص مربوط به غزوات، ایام‌العرب، از بیش‌ترین محبوبیت برخوردار بود. این قصص بعدها بارها، و به ویژه از سوی ابو عبیده، گردآوری شد و

بسیاری از آن‌ها از طریق کتاب‌الآغانی و گذشته از آن در شرح‌های تفائض حریر و فرزدق به دست ما رسیده است. در زمینه‌ی اخبار یادشده نیز قصه‌گو به آن اندازه که تفاخر و برانگیختن قبیله‌ی خود را به گونه‌ای مؤثر مورد توجه داشت، آن قدرها پای‌بند دقت تاریخی نبود.

در این مورد می‌توان به مقایسه‌ای گویا میان داستان زنوبیا^۱ 24 در داستان‌پردازی تاریخ‌نگاران رومی با «اخبار عرب» دست زد. این‌جا^۲ زنوبیا، زینب، شخصیتی فرعی گشته است. فرمانده‌ی سوری او زبیدی که مرزنشینان عرب از او بیش از خود ملکه می‌هراسیدند، به خواهرش زباء تبدیل گشته و نقش اصلی را ایفاء می‌کند. از تدمر^۳ که فقط گذرا یاد می‌شود، داستان‌ش به دو شهر در نزدیکی فرات منتقل می‌گردد که از آن‌ها نامی برده نمی‌شود. راه زیرزمینی‌ای که این دو شهر را به هم وصل می‌کند مانند داستان نقبی است که زنوبیا در دیوار ایجاد کرد تا از دست آورلیانوس^۴ بگریزد. مرگ اُذینه^۵ در ضیافت در این‌جا به دشمن زباء منتقل گشته است. همان‌گونه که همه‌ی خطوط اصلی داستان در این مورد جابه‌جا شده است، امکان دارد که در قصص دیگر نیز رویدادها دگرگون شده باشند.^۶

۱. زنوبیا ملکه‌ی تدمر. نك. دائرةالمعارف فارسی به سرپرستی مصاحب، ماده‌های «زباء» و «تدمر». م.

۲. نك. آغانی دوم XVI، ۷۰ به بعد.

۳. تدمر یا پالمورا یا پالمیرا شهر قدیم سوریه که ویرانه‌های آن در ۲۲۵ کیلومتری دمشق است. نك. دائرةالمعارف فارسی. همان‌جا. م.

4. Aurelian

5. Odenathus اُذینه شوی زنوبیا. م.

۶. نك.:

Redhouse, Were Zenobia and Zebba identical? *JRAS* XIX, 583-97.

و نیز نك.:

A. Müller, *Der Islam* I, 11 ff.

«امثال» را نیز می‌توان از بازمانده‌های نثر قدیم عربی به شمار آورد. امکان دارد که برخی از آن‌ها از دوران جاهلیت نشأت گرفته باشند. آن‌ها اغلب به رویدادهای معینی که دستخوش فراموشی شده‌اند اشاره دارند. به هر حال، گردآورندگان دانشمند این امثال درباره‌ی تفسیر و توضیح آن‌ها هرگز به خود تردید راه نمی‌دهند، اما نمی‌توان به تفسیرهای آنان چندان اعتقادی داشت؛ همان‌سان که نمی‌توان داستان‌های این امثال را که حاصل شرح اییات مبهم است، باور کرد.

سرانجام نیز می‌توان فرض کرد که در همان عربستان
 25 قدیم، هنر به کارگرفتن کلام زیبا شکوفا بوده‌است. و
 می‌خواسته‌اند بدین وسیله بر اندیشه یا اراده‌ی هموعان
 تأثیر گذاشته شود. مایه‌های رشد بعدی ادبی در بطن این هنر جای
 داشت.

منابع

- الف. درباره‌ی افسانه‌ها و قصه‌های حیوان‌ها
 24-5 ۱. بروکلن. افسانه و قصه‌های حیوان‌ها در ادبیات قدیم عرب:
 Brockelmann, *Tierfabeln und Tiermärchen in der älteren ar.* zu.s.31
Lit. IslcaII, 96 ff.
۲. کاسکل. ایام‌العرب:
 W. Caskel, *Aijām al-'Arab*, Studien zur altar. Epik, eb. III, 1-99.
۳. موبرگ. درباره‌ی اسطوره‌ها و افسانه‌های عربی:
 A. Moberg, *Arabische Myter och Sagor med Kulturhistorik Inledning*,
 Stockholm 1927.
- ب. درباره‌ی داستان‌های سیار در میان ملت‌ها
 ۴. در این باره نک به: مقاله‌ی گراگر:
 R. Gragger, Eine arabische Gestalt der Bürgerschaftssage, *Zeitschrift*
für vergleichende Lit. 1918, 3 ff.

(در این باره همچنین نك. وینکلر:

H. Winkler, Ar. – Sem. – Or. *MVAG* 1901, S. 143).

۵. توری. داستان پادشاه و راهب:

Ch. Torrey, The Story of the King and the Abbot. *JASO* XX (1899) 201-16.

(همچنین نك. آندرسون:

Anderson, Kaiser und Abt. FFC 42, Helsingfors 1923.

و نیز نك.: ابن قتیبه، عیون الاخبار اول صص ۵۰۶ به بعد؛ جاحظ، حیوان II، ۲۹، ۱۹).

۶. و نك. مقاله‌ی آمدروز:

H. F. Amedroz An ar. Version of the Ballad of Schiller «Der Gang nach dem Eisenhammer», *RSO* III, 557-69.

(اقتباس از کتاب المستجد: بودلیان، فهرست یوری ۸۹۴، این کتابی است جز کتاب المستجد اثر تنوخی. در این کتاب بعداً از آن یاد خواهد شد).

۷. کراپ. داستان اریفوله در افسانه‌های عربی:

Krappe, The Story of Eripye in ar. Legend. *AJSL* XLI, 194 ff.

پ. درباره‌ی مطالبی که جنبه‌ی کلاسیک دارند

پ. ۱. راجع به کفن پنلوپه نك.

۸. سوره‌ی ۱۶ آیه‌ی ۹۳؛ میدانی، امثال I، ۱۷۲، ۵؛ عسکری I (جمهرة الامثال)

۲۸۳، ۷ و ۲۸۶، ۸؛ و نیز نك.:

Odysseus bei Kalypso,

قالی، امالی III، ۱۹۱-۱۹۲.

پ. ۲. راجع به هیلده براند و پسرش هدو براند:

۹. عمروبن معد یکرب و پسرش خزاز در قالی، امالی III، ۱۵۳؛ اثال و پسرش جحل

در: دینوری، اخبار الطوال ۱۸۴، ۱۵، و در: نصر، کتاب صفین ۳۳۰-۳۳۱.

ت. راجع به داستان‌های دروغ

۱۰. عسکری، دیوان المعانی ۱۱۲ به بعد؛ سیوطی، مظهر II، ۳۱۴، ۱۵ به بعد.

ث. درباره‌ی داستان‌های مربوط به بلاهت هبنقه
۱۱. میدانی، امثال I، ۱۴۶-۱۴۷. و درباره‌ی دیگر حمقانك. همان‌جا ۱۵۰-۱۵۲ (و از آن میان جحا ۱۵۰-۱۵۱، و نیز نك. مقاله‌ی شوالی:

Schwally, ZDMG 56, 287

که ابوالعناهیة نیز بدو اشاره کرده است. نك. مرزبانی، موشح I، ۲۵۹، ۱۳ (نه در چاپ بیروت)، ۲۱۲، ۲۳-۲۹، II، ۷۵، ۲۶، ۱۶۸، ۲۱-۱۶۹؛ عسکری، امثال I، ۲۵۸-۲۶۵، II، ۱۸۲-۱۸۳).

ج. درباره‌ی داستان‌های مربوط به ترسویان (جینا)
۱۲. عسکری، امثال I، ۲۱۶-۲۱۷، ۲۵ به بعد.

چ. درباره‌ی داستان‌های مربوط به اخترگویی
۱۳. میدانی، امثال II، ۲۰۷، ۳۱-۲۰۸، ۲.

ح. و درباره‌ی داستانی مسجع مربوط به گردش ماه
۱۴. ابن سیده، مخصص IX، ۲۹.
(امیدوارم سپس به تفصیل به این مطالب بازگردم).

24 خ. درباره‌ی امثال

۱۵. احتمالاً از قدیم مجموعه‌های امثال قبیله‌ها وجود داشته است. دست‌کم در بیتی که به شاعر جاهلی بشر بن خازم (نك. ابن قتیبہ، الشعر و الشعرا ۱۴۵) منسوب است و ابو عبیده آن را از طرماح می‌داند، ضرب‌المثلی آمده که چنین آغاز می‌شود: «وجدنا فی کتاب بنی تمیم (نك. میدانی، امثال I، ۱۳۷: ۱۲).

۱۶. ابوخلیل عسکری (درگذ. ۳۹۵/۱۰۰۵)، جمهرة الامثال. بمبئی ۱۳۰۶-۱۳۰۷ و در هامش میدانی (درگذ. ۵۱۸/۱۱۲۴)، مجمع الامثال. قاهره ۱۳۱۰ هـ، همچنین نك. گلدزیهر:

Goldzieher, ZDMG XXXII 355,

و باز هم گلدزیهر در:

Muhamm. Studien II 205.

۱۷. درباره‌ی اخذ و اقتباس‌های احتمالی از ملت‌های دیگر نك. فرنكل.

S. Fraenkel, *ZDMG* 46, 737 ff.

و نك. پیشل:

R. Pischel, *ZDMG* 47, 86 ff.

25 د. درباره‌ی نثر عربی

۱۸. نك. گلدزیهر. خطیب در نزد عربان:

I. Goldzieher, *Der Chatib bei den Arabern*, *WZKM* VI, 97-102.

فهرست جامع نام‌ها

آمدروز ۱۸۸
 آمدی ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۵۰، ۱۷۹
 آمریکا، ایالات متحده ۴۹
 آمنه (خواهر تأبط شرا) ۱۵۳
 آناتولی ۵۰
 آندرسون ۱۸۸
 آندره ۱۷۸
 آندره، تور ۱۶۴، ۱۸۲
 آنقره ۱۴۷
 آوریانوس ۱۸۶
 آومر ۶۱

الف

ابراهیم بن علی بن الحسن ۱۱۷
 ابراهیم بن محمد بن ملکون الخضرمی ۱۲۴
 ابرمن ۱۰۴
 ابن اثیر ۱۲، ۹۴
 ابن الرومی ۱۰۴
 ابن السکیت ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۶۴
 ابن الشجرى ۱۶۳
 ابن القفطی ۱۲۵
 ابن المعتز ۱۰۳
 ابن انباری ۱۱۸
 ابن جنح ۱۱۰
 ابن جنی ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۵۴
 ابن جوزی ۹۰

ت

آبکاریوس، اسکندر آغا ۱۲۱، ۱۳۸
 آبل ۱۱۳
 آیش ۱۲۸
 آرامی ۱۷۸، ۱۰۸
 آربری ۵۷
 آریوتنات ۷۰
 آرنولد ۱۱۲، ۱۱۵
 آسوری ۲۲
 آسیا ۱۲، ۱۴۷
 آسین ۶۰
 آسین پلاسیوس ۵۵
 آصاف ۱۰۴
 آصفیه ۱۲۱، ۱۵۹
 آفریقا ۷۹، ۸۶، ۸۷، ۱۰۲
 آکادمی امپراتوری دروین ۵۸
 آکام المرجان ۱۰۴
 آلبانس ۶۰
 آل لخم ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۷۸
 آلمان، آلمانی ۱۱-۱۳، ۱۸، ۲۷-۲۳، ۲۹
 ۳۷، ۴۱، ۸۱، ۸۶، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۲۸
 ۱۲۹، ۱۴۲
 آلوارت ۴۷، ۸۳، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۴
 ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸
 ۱۴۹، ۱۷۲

- ابن حجر ۱۴۵
ابن حزم ۹۸، ۹۹، ۱۳۰
ابن خذام ۱۰۱
ابن خلدون ۹۸
ابن خلکان ۳۹، ۴۰
ابن رشیق ۱۰۳، ۱۲۰
ابن سراج ۹۴
ابن سعد ۹۴، ۹۹
ابن سعید السکری ۱۶۸
ابن سلام الجمحی ۱۶۱
ابن سیده ۱۸۹
ابن عربی، محی الدین ۱۱۷
ابن عساکر ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۷۶
ابن عمار البجلی ۱۰۳
ابن قتیبه عمل ۹۴، ۱۰۱، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵
۱۴۸، ۱۵۴-۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۵-۱۶۱
۱۷۳-۱۶۷، ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۸۹
ابن قیس الرقیات ۹۹
ابن مزاحم ۸۹
ابن معتر ۱۳۰
ابن مقبل ۱۰۸
ابن ندیم ۴۰، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۸
ابن یعیش ۸۷
ابن یوسف ۶۷
ابو اسامه جنادة بن محمد الازدی الهروی ۱۱۶
ابو العتاهیه ۱۸۹
ابو العتیه ۹۹
ابو الوفاء بن سلمه ۱۲۲
ابو بکر بن عمر الداغستانی المذنی ۱۱۸
ابو بکر عاصم بن ایوب البطلیوسی ۱۴۹
ابو بکر محمد بن هاشم الخالدي ۱۲۶
ابو تراب عبدالحق بن عبد اللطیف الزبیری
القادری ۱۴۹
ابو تمام ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵
ابو حاتم ۱۴۹
ابو خلیل عسکری ۱۸۹
أبودواد جوریه بن الحجاج الأیادی ۱۷۲، ۱۸۱
ابو ذویب ۱۰۳
ابوزید القرشی ۱۲۰
ابوزید انصاری ۱۲۰
ابو سعید العنتی الجعفری ۱۳۰
ابو سهل احمد بن عاصم ۱۲۷
ابوشادی ۷۱
ابو عامر الشیبانی ۱۲۷
ابو عبیده ۱۸۵، ۱۸۹
ابو عبیده معمر بن المثنی ۱۴۲
ابو عثمان المازنی ۱۶۹
ابو عثمان سعید ۱۲۶
ابو علی ۱۲۵
ابو علی الفضل الطبرسی ۱۲۴
ابو عمر الشیبانی ۱۴۹
ابو عمرو ۱۳۶
ابو فراس بدرالدین الحلبي النعسانی ۱۱۶
ابو فرج اصفهانی ۱۳۱
ابوقایوس بن النعمان ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲
ابو کبیر الهذلی ۱۵۴
ابو محمد الحسن بن احمد الغندجانی ۱۲۵
ابو محمد القاسم بن محمد الانباری ۱۱۷، ۱۱۸
ابو مروان النحوی ۱۴۱
ابو منصور الجوالیقی ۱۱۵
اته ۵۳
أثال ۱۸۸
اجزاء الحیوان ۱۰۲
احمد ابو علی الامین الوطنی ۴۳
احمد الاسکندری ۷۱، ۷۲
احمد المحمصانی ۱۱۴
احمد امین ۷۲
احمد بن ابراهیم ۷۱

- استراسبورگ ۱۱، ۲۲، ۴۱
 استکهلم ۶۶
 استوری ۵۷
 اسجوتین، ایوان ۶۵
 اسحاق الموصلی ۱۰۳
 اسدبن ناعسة التنوخی ۱۷۹
 اسد (قبيله) ۱۶۱
 اسرار الحماسة ۱۲۵
 اسراييليان ۸۴
 اسعد افندی ۱۱۴
 اسکندريه ۴۳، ۷۱، ۱۱۵، ۱۵۰، ۱۵۸
 اسکوريال ۵۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۸
 اسلام (مجله) ۴۵
 اسماعيل پاشا ۱۴۹
 اسماعيل صائب ۱۵۷
 اسماء ۱۳۸
 اشپيسن، اتو ۶۱
 اشتامر ۲۳
 اشرف الحق ۵۳
 اشعار الهذليين ۱۲۸، ۱۲۹
 اشعار بنی جعدہ ۱۲۹
 اشعار متلمس ۱۴۲
 اشلوسينگر ۱۱۴
 اشنفری الازدی ۱۵۸
 اصابه ۱۴۲، ۱۴۵
 اصلاح ما غلط فيه ابو عبدالله حسين بن
 على النمری البصري ۱۲۵
 اصمعی ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۳
 اصمعیات ۱۱۹، ۱۷۲
 اعتصامي، يوسف ۶۷
 اعشى بنی تمیم ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۵۶، ۱۷۶، ۱۸۲
 اعشى بنی ابی ربيعہ ۱۶۶
 احمد بن ابی سهل بن عاصم ۱۲۸
 احمد بن الامين الشنقيطي ۱۴۰
 احمد بن علي بن السمان ۱۱۷
 احمد تیمور ۴۶
 احمد حسن الزيات ۷۲
 احمد شادی ۸۶
 احمد ضيف ۷۲
 احمد عارف الزين ۱۸۱
 اخبار الرسل و الملوك ۱۲
 اخبار الطوال ۱۸۸
 اخبار اللصوص ۱۳۰
 اخبار عرب ۱۸۶
 اختلاف اللفظ ۱۶۵
 ادب الاسلام ۷۱
 ادبيات اللغة العربية ۷۱
 ادوارد ۴۲
 ادواردز ۴۹
 ادهم بن ابی الزعرا الطایي ۱۰۳
 ادینبورگ ۵۳
 اذینه ۱۸۶
 ارب ۱۵۸
 آريد ۱۶۹
 اردو ۱۳، ۴۸
 ارسطو طاليس ۱۰۲
 ارشاد ۴۰، ۸۷، ۹۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۳۴، ۱۴۹، ۱۶۹
 ارشاد الاريب الى معرفة الاديب ← ارشاد
 ارماتينگر ۳۷
 ارمني ۲۲-۲۴
 اروپا، اروپايی ۱۱، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۷۵
 اسپانيا ۱۳۴
 اسپهو، فهيم ۶۵
 استالينگراد ۲۱
 استانبول ۲۳، ۲۴، ۴۸-۴۵، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۸-۵۶، ۶۲، ۶۶-۶۴، ۶۹، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۷

- اعلام الکلام ۱۴۷
اعلم الشنمری ۱۳۹
اغانی ۸۴، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۶
اغانی اول ۱۰۴، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴-۱۵۹، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۸۱
اغانی دوم ۱۰۰، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۶۲-۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۶
اغانی سوم ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۸۱
افسانه و قصه‌های حیوان‌ها در ادبیات قدیم عرب ۱۸۷
افندی ادهم ۱۳۶
أفنون ۱۳۸
اقلید الخزانه ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۱
الانرم ۱۴۱
الادب الجاهلی ۷۱، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۶
الادب العربی و تاریخها ۷۲
الاصمعی ← اصمعی
الاصمعیات ← اصمعیات
الاعشی ← اعشی
الاعشی میمون ۱۷۰
الآغانی ← آغانی
الافوه صلابین عمرو الودی ۱۶۹
الاقصر الابيض، مجموعه آثار ۱۱۰
الباهر ۱۲۴
الترقیص ۸۷
التعلیقات الشریفیة علی جملة من القصائد الحکمیة ۱۶۹
التنبیه فی شرح مشکل ابیات الحماسة ۱۲۴
الجزایر ۴۴-۴۲، ۵۳، ۶۰، ۶۷، ۱۲۱، ۱۲۵
الحارث بن حلزة البکری ۱۵۲
الحجار (جنگ) ۱۶۳
الحسیب، أمرؤ القیس قصیده معلقسنن بشرحی ۱۱۶
الحماسة ۸۹، ۱۲۲
الحماسة البصریة ۱۲۶
الحماسة المغربیة ۱۲۶
الحوالیات ۱۴۲
الحیوان ← حیوان
الخلاصة الأدبیة فی تاریخ الادب المصریة العربیة ۷۲
الخنساء ۱۴۰، ۱۴۳
الخنساء و مرثیه‌های شان ۸۷
الخوری ۱۳۸
الرحال عروة ۱۶۸
الروائع ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴
الزهره ۱۶۵
الستر ۳۵، ۳۷
السكری ۱۵۹
السمعانی ۶۱
السموط ۱۱۱
السیوطی ۸۷
الشذرات السنیه فی تاریخ آداب اللغة العربیة ۷۱
الشعرا المنسوبین الی امهاتهم ۱۲۷
الشعر الجاهلی: نشأته، فنونه، صفاته، بحث ادبی استقادی، مقدمة للمنتخبات من شعر الجاهلیین ۱۰۹
الشعر الجاهلی و الرد علیه ۱۰۹
الشعر و الشعرا ۱۰۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۴-۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۴-۱۶۱، ۱۶۷-۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۹
الشفق الباکی ۸۶
الشنفری ۱۵۵
الشنقیطی ۱۱۴
الشهاب الراصد ۱۰۸
الطرائف الادبیة ۱۵۸

الممزق شأس بن نهار العبدى ١٧٢
المنتخب فى تاريخ ادب العرب ٧٢
الموفق فى اخبار الشعراء الجاهليين و
المختصرمين و الاسلاميين على
طبقاتهم ١٣١
المؤتلف ٩٩، ١٠١، ١٠٣
المؤتلف و المختلف ١٧٩، ١٥٠
النقد التحليلى لكتاب فى الادب الجاهلى
١٠٩
التويرى ٩٢
الوافى بالوفيات ١٤٩
الوساطة بين المتنبي و خصومه ١٨١
الوسيط فى الادب العربى و تاريخه ٧١
اليزيدى ١٦٠
اليس ٤٢، ٢٩
الينوع ١٢٠
امالى ١٥٦، ١٥٧، ١٦١، ١٦٢، ١٨٨
امبروزيانا ٤٤، ١٢١، ١٣٦، ١٨٢
امثال ١٥٦، ١٨٨، ١٨٩
امجندب ١٤٥
أمرؤ القيس ٩٠، ٩٣، ٩٤، ٩٨، ٩٩، ١٠١،
١١٤-١١٢، ١١٦، ١١٩، ١٣٣، ١٣٤،
١٣٦، ١٤٨-١٤٤، ١٥٠، ١٧٠، ١٧٦
أمرؤ القيس بن حندج ← أمرؤ القيس
أمرؤ القيس بن عمر ١٠٧
أمرؤ القيس، شاعر و پادشاه ١٤٩
امويان (سلسله) ٧٣، ٧٤، ٨٥، ٩١، ٩٢،
١٠٤، ١١٠، ١٢٠، ١٨٠
امهرى (زيان) ٩١
اميرالشعر فى العصر القديم ١٤٨
اميهمى فهمى ١٥٣
امية بن أبى الصلت ١٦٤
انتشارات معارف ١٦
انجمن آسيابى بنگال ٤٦
انجمن آسيابى بنگال (نشریه) ٥٦
انجمن پادشاهى آسيابى (مجله) ١٥٧

العقد الثمين فى شرح دواوين الشعراء
الثلاثة الجاهليين ١٣٤
العلا ٧٩
العين ٨٦
العينى ١٤١، ١٥٥
الفرزدق ١٣٤
الفزارى ١٦١
الفهمى ١٥٣
القالى ٨٧
القصيدۃ اللامية ١٦٤
الكويت ١٠٢
المبرد ١٥٨
المبهم فى تفسير اسماء شعراء الحماسة
١٢٤
المثقب العبدى عائذين محصن ١٦٧
المجمل فى تاريخ الادب العربى مقرر
السنة الثالثة بالمدارس الثانوية،
وضعت له لجنة ألفتها وزارة المعارف ٧٢
المذاكرات الحامدية فى تاريخ آداب اللغة
العربية ٧٢
المزهر ٨٣، ٨٧
المشرق ١٠٩، ١٣٨، ١٦٥، ١٦٦، ١٨٢
المشرق (مجله) ١٧٧، ١٧٨
المعانى البديعة فى شعر زهير بن ربيعة
١٤٤
المعلقات الشعر او القصائد العشر الطوال
لاحمد بن امين الشنقيطى ١١١، ١١٤
المعلقات العشر و اخبار شعرائها ١١٤
المفصل فى تاريخ الادب العربى ٧٢
المفضل بن محمد بن يعلى الضبى ١١٧
المفضليات ١١٨
المفيد فى اخبار الشعراء و احوالهم فى
الجاهلية و الاسلام و دياناتهم و
نحلهم ١٣١
المقتبس ٤٦
الملك الضليل ١٤٦

- انجمن سلطنتی آسیایی (مجله) ۵۷، ۶۱
 انجمن شرق‌شناسی آلمان ۲۸
 انجمن شرق‌شناسی آلمان (مجله) ۴۵
 انسابق ۱۲۵
 انگلستان، انگلیسی ۴۰، ۴۱، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۷۳، ۱۶۱
 انگلن ۱۶۰
 اوالد ۱۸۱
 آواء‌الدمشقی ۱۰۴
 اوپسالا ۶۸
 اوپل، هورست ۳۵
 اوس بن حجر ۱۴۲، ۱۶۳، ۱۶۶
 اوس (قبیله) ۱۶۶
 اوکانر ۶۲
 اولیندر، گونار ۱۴۸
 اونگر ۳۷
 ایاصوفیه ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۴۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳
 ایام العرب ۸۹، ۱۸۵، ۱۸۷
 ایتکن، هندرسن ۵۵
 ایران، ایرانی ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۶۷، ۷۴، ۸۰، ۱۰۴، ۱۴۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵
 ایضاح المنهج فی الجمع بین کتابی التنبيه والمبہج ۱۲۴
 ایوانف ۶۱
- پ**
- باتاوورم، لوگدونی ۵۹
 باتاویا ۵۷
 بارت ۱۶۲
 باسه ۵۲، ۵۳، ۶۸، ۱۶۰، ۱۶۴
 بانتو ۸۲، ۸۷
 بانکپور ۴۶، ۱۱۵، ۱۲۴
 باوم‌گارتنر ۱۸۳
 باوثر ۱۵۴
- بایراکتارویچ ۱۲۹
 بازید ۱۲۴، ۱۴۹
 بحرتری ۱۲۵، ۱۴۷
 بحرهای نام بی‌زحاف ۹۳
 بحرین ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۶۳، ۱۶۷
 بخاری ۸۴
 بختری ۱۶۵
 بدر (جنگ) ۱۶۴، ۱۸۵
 براند، هدیو ۱۸۸
 برانگ، هیلده ۱۸۸
 براون، ادوارد ۵۰، ۵۱، ۵۷
 بربر ۹۳
 بررسی‌هایی درباره‌ی ارتباط شعرهای منسوب به امیه بن ابی‌صلت با قرآن ۱۶۵
 برسلاو ۱۱، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۴۹
 برلین ۱۱، ۲۷، ۴۳، ۴۷، ۵۱، ۵۵، ۵۸، ۶۶، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۵۸
 ۱۶۳-۱۶۱، ۱۶۱، ۱۷۸
 برن‌باخ ۵۶
 برنشتاین ۱۱۴
 بروکلن، کارل ۲۹-۱۱، ۳۹، ۴۳، ۴۹، ۵۶، ۶۹، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۵، ۱۳۹، ۱۴۲
 ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۷۰، ۱۸۷
 بروننیر ۳۸
 بروی ۱۲۹
 بریتانیا ← انگلستان
 بریتیش میوزیوم ۱۷۳
 بریل ۲۴، ۱۱۸، ۱۵۰
 بستانی ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷
 بسوس (جنگ) ۱۵۱، ۱۵۲
 بسیط (بحر) ۹۳
 بشرین ابی‌خازم آل‌اسدی ۱۷۱
 بشرین خازم ۱۸۹
 بشیرین ابی‌خازم ۱۲۱

- بصره ۱۱۰، ۱۱۱
 بطرس عبدالملک ۶۴
 بطریک یشوع بارنون ۱۷۹
 بطلیوسی ۱۳۴
 بغداد ۶۱، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۱۲۲
 بغیه ۸۷، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۶۹
 بکر ۲۵
 بکربن وائل (قبیله) ۹۷، ۱۱۲، ۱۷۰
 بل ۵۳
 بلاذری ۸۴
 بلاشر ۶۴
 بلنت، آقا ۱۱۳
 بلنت، خانم ۱۱۳
 بلوشه ۶۲
 بلوغ الارب فی شرح قصیده من کلام العرب ۱۷۸
 بمبئی ۴۸، ۱۲۳، ۱۸۹
 بن ۴۸
 بنگال ۴۶
 بنو تميم اللات (قبیله) ۱۷۹
 بنو عامر (قبیله) ۱۶۹
 بنو فهم (قبیله) ۱۷۹
 بنو مرینه ۱۸۰
 بنیاد دایرة المعارف اسلامی ۱۵
 بنیاد کاشانی ۵۰
 بنی اسد ۱۴۶
 بنی الاوس بن الحجر بن الهنء بن الازد ۱۵۵
 بنی تمیم ۱۸۹
 بنی سلمان (الازد) (قبیله) ۱۵۵
 بنی وائل بن صعصعه ۱۷۱
 یوان ۸۷، ۹۲، ۹۸، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۳۸
 بودلیان ۴۸، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۵۹، ۱۸۸
 بورخارت سیاح ۵۰
 بورداخ ۱۰۴
 بوشر، کارل ۸۴
 بوشه ۱۶۰
- بوک، آ. ۳۳
 بولاق ۳۹، ۷۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۱
 بولونیا ۴۸
 بهاء الدین محمد بن ابراهیم الحلبي بن النحاس ۱۴۹
 بیروت ۲۹، ۴۶، ۷۱، ۷۲، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷
 بیزانس ۸۰، ۱۷۰، ۱۸۰
 بی (فهمی)، ادهم ۶۵
 بیللی ۱۰۲
 بین النهرین ۸۰، ۱۷۸
- پ**
 پاتکانوف ۶۳
 پاتنه ۴۶
 پادوا ۶۱
 پاریس ۴۲، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۰، ۶۲، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۵۸، ۱۶۰
 پالمو ۶۸
 پالمیر ۵۱
 پالمورا ۱۸۶
 پالمیرا ۱۸۶
 پاوتر ۱۶۵
 پایان سرودهای هذلیین ۱۲۹
 پترزبورگ ۱۵۸
 پترسن ۳۷
 پرتوریوس ۲۲، ۲۷، ۸۱
 پرچ ۵۴، ۵۵، ۱۲۵
 پروس ۴۵، ۵۵
 پرون ۱۳۹
 پرویس ۸۴
 پریم ۱۴۳
 پرینستن ۴۹، ۶۴، ۱۲۱
 پنلویه ۱۸۸
 پوشکین شهر ۵۲

- پونتوس ۳۴
پینسی ۷۰
پیشاور ۶۲
پیشل ۱۹۰
پینتو، اولگا ۵۴
- ت**
تاریخ آداب العرب ۷۱
تاریخ آداب اللغة العربية ۷۱
تاریخ ادبیات عربی ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۴
تاریخ الآداب العربية منذ نشأتها الى ايامنا ۷۱
تاریخ الادب العربي ۷۲
تاریخ الادب او حياة اللغة العربية ۷۱
تاریخ العرب و آدابهم ۷۱
تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام ۱۷۷
تاریخ ایرانیان و عربان، در زمان ساسانیان ۱۳۸
تاریخ بغداد ۹۹، ۱۶۹
تاریخ دمشق ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۷۶
تاریخ روایت دیوان زهیر ۱۴۳
تاریخ عربان و ایرانیان ۱۸۱
تاریخ ملل و دول اسلامی ۱۲
تاریخ نگارش های عربی ۶۶، ۶۹
تاریخ نگارش های عربی ۱۳
تالینو ۱۲۱، ۱۲۳
تأبط شرأ ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۹
تبالة ۱۳۹
تبریز ۶۷
تبریزی ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۴۹، ۱۵۴
تحت رایة القرآن، المعركة بین القديم و الجدید ۱۰۸
تحفة البیان ۱۳۶
تدمر ۱۸۶
تذكرة النوادر ۱۲۴، ۱۴۳
- تذكرة النوادر من المخطوطات العربية ۴۷
ترجمه‌ی عربی بروکلن ← تعب
ترجمه‌ی معلقه‌ی طرفه به لاتین ۱۴۰
ترجمه‌ی مفضلیات ۱۵۵
ترک، ترکی ۱۳، ۲۲، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۱۶۳
ترکیه ۲۳
تریتن ۸۵
تزین نهاية الارب ۱۲۱
تسمیط (بحر) ۱۴۷
تسمیه ما فی شعر أمرؤ القیس من اسماء الرجال و النساء و انسابهم و اسماء الارض و الجبال و المیاء ۱۴۸
تطوان ۶۰
تعب ۱۹، ۸۷، ۸۸، ۹۸، ۹۹، ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۸۱
تعلیق ۱۴۹
تغری بردی ۱۸۱
تغلب (قبیله) ۹۷، ۱۱۲، ۱۳۳، ۱۵۲
تکاج ۹۲
تلبیس ابلیس ۹۰
تلمود ۱۷۵
تمبوکتو ۳۴
تمیم (قبیله) ۱۶۳، ۱۷۸
تن ۳۷
تن برینک ۳۵
تنوخ (گروه) ۱۷۹
تنوخی ۱۸۸
توینگن ۱۲۱، ۱۵۹
توب قاهر ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۳۶
تورنبرگ ۶۰، ۶۸
تورنبکه ۱۳۷
توری ۱۸۸
توضیح البیان عن شعر النابغة الذبیان ۱۳۶
تونس ۶۷، ۶۸، ۱۲۶
تهامه ۸۰

جمیل ۱۴۲
جوبینال ۵۹
جهشیاری ۱۳۰

چ

چاپ دیوان قیس بن الخطیم ۱۶۶
چوبینوف ۶۳
چورلولو پاشا ۱۱۵
چهار شعر از تأبط شرأ، شاعر راهزن ۱۵۴

ح

حاتم بن عبدالله بن سعد الطایی ← حاتم طایی
حاتم طایی ۱۳۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۶۹
حاجی خلیفه ۴۰
حارث بن حلزه ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۵۳
حارث غسانی ۱۳۶، ۱۴۴
حارث غسانی اصغر ۱۴۴
حافظ نظیر مولوی ۵۶
حبشه، حبشی ۹۱، ۱۰۱، ۱۳۷
حجاز، حجازی ۸۰، ۹۳، ۱۷۵، ۱۷۹
حجر آکل المرار ۱۴۶
حجر الحارث الکندی ۱۴۶
حذاء بالرکیانیه ← سرود ساریانان
حریری ۱۱۶
حسن السندوبی ۱۱۸
حسون ۱۶۲
حصری ۱۳۶
حضر موت ۱۵۳
حطیئة ۱۲۱، ۱۴۲
حفیر الغفیر ۱۸۱
حلب ۱۲۶
حلوانی ۱۲۷
حماد ۱۱۲، ۱۱۷
حماد الراویه ← حماد راویه
حماد راویه ۱۱۲-۱۱۰، ۱۴۸

تهران ۶۷، ۱۰۲، ۱۲۴
تیتوس ۱۷۵
تیگره ۹۱، ۱۰۱
تیگرینیا ۹۱
تیماء ۱۷۶
تیمور پاشا ۱۳۴

ث

ثابت بن جابر ۱۵۳
ثعالبی ۱۸۲
ثعلب ۱۵۸
ثعلبة بن سعد ۱۶۰
ثمودی (کتیبه) ۱۰۷

ج

جابر بن حنی ۱۱۷
جاحظ ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۴
۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۸۲، ۱۸۸
جحل ۱۸۸
جران العود النمری ۱۰۰، ۱۶۸
جرجانی ۱۶۶
جرجس کنعان ۷۲
جرجی زیدان ۷۱
جریر ۱۱۰
جریر بن عبدالمسیح الضبیعی ۱۴۰
جزء من اشعار الانصار ۱۲۹
جشن نامه‌ی زاخاو ۱۷۳
جشن نامه‌ی نولدکه ۱۶۵
جعز (زیان) ۹۱
جعفر بن قدامه ۱۶۹
جلفا ۵۲
جمعی ۹۸، ۹۹، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۷
جمعه بشیر یموت ۱۶۵
جمعه حسن السندوبی ۱۴۹
جمهرة أشعار العرب ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۱
جمهرة الأمثال ۱۸۸، ۱۸۹

خلف الاحمر ۱۱۰، ۱۵۴، ۱۵۶
خلفای راشدین ۱۸۱
خلیل ۱۷۹
خمیره ۱۸۰، ۱۸۱
خمسة دواوین العرب ۱۳۴

د

داحس (جنگ) ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۹
داستان ازیفوله در افسانه‌های عربی ۱۸۸
داستان پادشاه و راهب ۱۸۸
داستان زنوبیا ۱۸۶
داستان هدیه‌ی شوم ۱۴۷
دانش پژوه، محمدتقی ۱۵، ۱۶
دانشکده‌ی الهیات ۱۶
دانشگاه اسلامی علیگره ۴۴
دانشگاه الازهر ۱۰۹
دانشگاه برسلاو ۲۷
دانشگاه فرانکفورت ۲۵
دانشگاه کیل ۲۷
دانشگاه گرانا‌دا ۵۵
دانشگاه لوون ۵۹
دانشگاه مارتین لوتر ۲۸
دانشگاه هاله ۲۵
دانشگاه ییل ۵۸
داوود الجلیلی الموصلی ۶۱
داوود (ع) ۱۴۱
دایرة‌المعارف اسلام ۱۳۵، ۱۶۳، ۱۷۳
دایرة‌المعارف اسلام (آلمانی) ۱۴۰، ۱۴۳
دایرة‌المعارف اسلامی ۸۵
دایرة‌المعارف فارسی ۱۸۶
دتسکویه سلو ← پوشکین شهر
دخویه ۵۹، ۷۰
درباره‌ی اسطوره‌ها و افسانه‌های عربی
۱۸۷
درباره‌ی السموتل ۱۷۸
درباره‌ی بیتی منسوب به عبید ۱۶۲

حماسه ۹۳، ۱۲۵، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۶
حماسه‌ی ابوتمام ۱۲۳
حماسه‌ی البحتری ۱۲۶
حماسة الخالدیین ۱۲۶
حماسة بن الشجرى ۱۲۶
حمدان مصطفی ۷۲
حمیر (دولت) ۷۹
حنفی یک ناصف ۷۱
حورلیلا ۱۲۴
حیدرآباد ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۱۲۶
حیره ۸۰، ۹۷، ۱۰۸، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹
۱۴۱، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۸
۱۷۹، ۱۸۰
حیوان ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۶، ۱۶۶
۱۸۸، ۱۸۲

خ

خالدبن علقمه ۱۴۴
خان بهادر خدابخش ۴۶
خان بهادر شیخ عبدالقادر سرفراز ۴۸
خان صاحب عبدالمقتدر ۶۲
خانه‌ی بریل ۴۹، ۵۹
خراسان ۱۲۲
خرنق ۱۴۰
خزاز ۱۸۸
خزانه‌ی الادب ۹۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳
۱۴۱-۱۳۹، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۶۱
۱۶۲، ۱۷۱، ۱۸۱
خزرج (قبیله) ۱۶۶
خسروپاشا، ایوب ۱۵۸
خسرو دوم ۱۳۵
خسرو دوم پرویز ۱۸۰
خصائص ۱۱۰، ۱۴۲
خطیب ۱۶۹
خطیب در نزد عربان ۱۹۰
خفیف (بحر) ۹۳

- دفتري کتبخانه‌ی قليچ علي پاشا ۶۴
دفتري کتبخانه‌ی لاله‌لی ۵۸
دفتري کتبخانه‌ی يحيی افندی ۵۷
دکاردناس، آلمارو ۵۵
دلا ويدا جورجيو، لوی ۶۸
دليچ ۱۷۷
دمشق ۵۲، ۸۰، ۱۰۷، ۱۳۵، ۱۷۸، ۱۸۰
دمشقيه ۱۱۶
دو پرسووال، کوسن ۱۵۲
دورن ۶۳
دوزی ۵۹
دوساسی ۱۱۶، ۱۵۷
دوسلان ۶۲
دوسلان، بارون ۱۴۸
دوسلين ۴۰
دو قطعه شعر لقيط ۱۶۳
دوکوردومانش ۶۲
دوميشن ۲۲
دو یونگ ۵۹
دهخدا، علی اکبر ۱۰۲
دهلی ۱۱۴، ۱۱۵
ديروف ۱۴۳
دينوری ۱۸۸
ديوان ابوخرراش ۱۲۹
ديوان ابوذؤيب ۱۲۸، ۱۲۹
ديوان ابوبکیر الهذلي با شرح سکری ۱۲۹
ديوان ابونواس ۱۰۴
ديوان اسامة بن الحارث ۱۲۹
ديوان الافوه ۱۶۹
ديوان السموتل بن عاديا ۱۷۷
ديوان المعاني ۱۶۵، ۱۸۸
ديوان المفضليات ۱۱۸
ديوان أمرؤ القيس ۱۴۸
ديوان امیه بن ابی الصلت ۱۶۵
ديوان بشير بن ابی حازم ۱۲۱
ديوان جران العود النمیری ۱۰۰، ۱۶۸
- درباره‌ی تاريخ روايت ديوان زهير همراه
با پیوستی از شعرهای ناویراسته‌ی
زهیر ۱۴۳
درباره‌ی داستان‌های فارسی، ترکی و
هندي درباره‌ی حاتم طایی ۱۶۳
درباره‌ی شعر تبریک و تهنیت به سيف بن
ذی یزن ۱۶۶
درباره‌ی قصیده‌ی أمرؤ القيس ۱۱۴
درباره‌ی مرثیه و ترجمه و شرح آن ۱۵۴
درباره‌ی مسئله‌ی اصالت ديوان سموئل
۱۷۸
درنبورگ ۶۰، ۱۳۵، ۱۳۶
دروس فی تاريخ آداب اللغة العربية ۷۲
دستور تطبیقی زبان‌های سامی ۲۵
دستور زبان ترکی شرقی ۱۲
دشت نجد ۸۰، ۱۴۶، ۱۷۹
دعبل بن علی خزاعی ۱۳۰
دغفل النسابة ۱۳۶
دفتر محلی انجمن شرق شناسی آلمان در
استانبول ۲۵
دفتري کتبخانه‌ی اسعد افندی ۴۵
دفتري کتبخانه‌ی ایا صوفیه ۴۵
دفتري کتبخانه‌ی بایزید ۴۷
دفتري کتبخانه‌ی بشیر آغا ۴۸
دفتري کتبخانه‌ی حاجی سلیم آغا ۶۵
دفتري کتبخانه‌ی حمیدیه تربت ۵۶
دفتري کتبخانه‌ی خسرو پاشا ۵۱
دفتري کتبخانه‌ی داماد ابراهیم پاشا ۵۱
دفتري کتبخانه‌ی دامادزاده قاضی عسگر
ملا مراد ۵۲
دفتري کتبخانه‌ی راغب پاشا ۶۵
دفتري کتبخانه‌ی سرویلی مدرسه ۶۵
دفتري کتبخانه‌ی سلیمیه ۶۵
دفتري کتبخانه‌ی عاطف افندی ۴۶
دفتري کتبخانه‌ی فاتح جامع ۵۴
دفتري کتبخانه‌ی فیض الله افندی ۵۴

- دیوان چاپ نشده‌ی نابغه ۱۳۶
 دیوان حاتم طایی ۱۶۲
 دیوان حاتم طایی و اخباره ۱۶۲
 دیوان حطیثه ۱۲۱
 دیوان حماسه ۱۵۴، ۱۷۶
 دیوان زهیر ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۴۴
 دیوان زهیر با شرح ثعلب ۱۴۳
 دیوان زهیر بر اساس شرح سکری و ثعلب ۱۴۴
 دیوان زهیر، شرح السکری ۱۴۳
 دیوان ساعده بن جویه ۱۲۹
 دیوان سلامه بن جندل ۱۷۳
 دیوان سموئل بن عادیا به روایت نقطویه ۱۷۷
 دیوان طرفه ۱۲۱، ۱۳۸
 دیوان طرفه با شرح اعلم ۱۴۰
 دیوان طرفه به روایت ابن السکیت ۱۴۰
 دیوان طهمان بن عمر الکلابی ۱۳۰
 دیوان عامر بن الطفیل ۱۷۱
 دیوان عبید بن الابرص ۱۲۱، ۱۴۷
 دیوان عبید بن الابرص و دیوان عامر بن الطفیل ۱۷۰
 دیوان عبید بن الابرص و عامر بن الطفیل ۱۶۱
 دیوان عدی ۱۸۱
 دیوان عروه به فرانسوی و شرح آن ۱۶۰
 دیوان عروه بن الورد همراه با شرح ابن السکیت ۱۵۹
 دیوان علقمه ۱۴۵
 دیوان علقمه همراه با شرح اعلم الشنتمری ۱۴۵
 دیوان علقمة الفحل ۱۴۵
 دیوان عمر بن ابی ربیع ۹۴
 دیوان عمرو ۱۵۳
 دیوان عنتره ۱۳۸
 دیوان لقیط ۱۶۳
- دیوان متمس ۱۴۱، ۱۴۲
 دیوان متحل ۱۲۹
 دیوان مختارات ۱۲۲
 دیوان مکارتنی ۱۱۳
 دیوان متمس ۱۲۱
 دیوان نابغه ۱۳۵، ۱۳۶
 دیوان نابغه با شرح ابن سکیت ۱۳۶
 دیوان نابغه با شرح اعلم الشنتمری ۱۳۶
 دیوان نابغه بنی شیبان ۹۲
 دیوان نابغه و علقمه ۱۴۹
 دیوان‌های جدید هذلیین ۱۲۹
 دیوان‌های شش شاعر قدیم عرب ۱۳۴
 دیوان هذلیین ۱۵۴
 دیوان هذیل ۱۲۷
 دیوان هند ۱۴۱، ۱۴۹
- ذ
 ذبیان ۱۳۵، ۱۴۲
 ذوالرمه ۱۱۳
 ذوالقروح ۱۴۷
 ذی‌الرمه ۹۶
- ذ
 رابعه (قبیله) ۱۷۸
 راذک ۲۶
 راس، دنیسن ۵۰، ۵۷
 راغب اصفهانی ۱۳۶
 راغب پاشا ۱۱۶، ۱۲۶
 رامپور ۶۵، ۱۶۱
 رایت ۱۳۰
 رایسکه ۱۱۷
 ریاح ← زهیر بن ابی سلمی ربیع بن ریاح المزنی
 ریاط ۶۴
 ربیع بن زیاد العبسی ۱۳۸
 ربیع بن حرمله ۹۳

- رجال المعلقات العشر ۱۱۶
رجز ۹۲
رحرحان (جنگ) ۱۷۱
ردهاوس ۱۵۷
رسالات آکادمی پروس ۴۵
رساله مربوط به حاتم طایی ۱۶۳
رشر، اوتو ۴۵، ۵۰، ۶۸، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۰
رشید عطیه ۱۳۸
رضی‌الدین استرآبادی ۱۳۱
رم ۴۳، ۵۰، ۶۸
رمانی ۱۲۸
رمل (بحر) ۹۳
رنو (دکتر) ۵۳، ۵۴، ۶۴
رو ۱۱۷
روابط میان عربان و اسرائیلیان پیش از ظهور اسلام ۱۷۷
روابط یهود و عرب در دوران پیش از اسلام ۱۷۷
روائع ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷
روبرتسون ۵۳
روبسون ۱۱۱
روبلس ۶۰
رودیگر ۴۰
روزن ۶۲، ۶۳
روستوک ۱۱، ۲۱
روسیه، روسی ۲۹
روکرت ۱۱۳، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۴
روماسکوویچ ۶۳
روم، رومی ۸۰، ۱۸۶
روی ۶۷
رؤبه ۱۰۳
ریاشی ۱۴۸
ریاض الفیض ۱۱۶
ریبرا ۶۰
ریتر ۲۵، ۴۵، ۵۲، ۶۱، ۱۱۹، ۱۴۹
- ریدل ۶۶
ریگ ودا ۹۷
ریو ۴۹
ریهتسک ۴۸
- ف**
زالمن ۶۳
زبان‌بن سیار الفزاری ۱۶۰
زباء (خواهر زیدی) ۱۸۶
زیدی ۱۸۶
زیرقان ۱۴۴
زیبیه ۱۳۷
زحاف ۹۳
زعامة الشعر الجاهلی بین أمرؤالقیس و عدی بن زید ۱۵۰، ۱۸۲
زنجان ۶۹
زنجانی، عبدالله ۶۹
زندگی بدویان پیش از اسلام ۸۸
زنگبار، زنگی ۳۴، ۷۹
زنوبیان ۱۸۶
زوزنی ۱۵۹
زوسهایم ۵۰
زهرالآداب ۱۳۶
زهیر ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۸۲، ۱۶۳
زهیر بن ابی سلمی ربیعة بن رباح المزنی ←
زهیر
زینب ۱۸۶
- س**
سارایوو ۶۵
ساسانی (شاهنشاهی) ۱۳۵
سالمون ۶۶
سامره ۵۹
سامی ۱۱، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۹۱
سامی‌شناسی (مجله) ۴۵، ۵۶

- سانسکریت (زبان) ۲۲
سبا (دولت) ۷۹
سترسین ۶۸
سجاعی ۱۵۰
سجع ۹۱، ۹۲
سراج ۹۹
سرکیس ۱۶۹، ۴۲
سرود باستانی آگنوستوس تئوس ۱۰۵
سرود ساریانان ۹۲
سرودهای ودایی ۹۷
سروده‌های توده‌ای ۹۰
سریانی ۵۴
سریع (بحر) ۹۳
سرگین، فؤاد ۱۷-۱۲، ۲۰، ۶۹، ۱۴۲
سعید افندی انطون عمون ۱۲۱
سعیدبن غریض ۱۷۶
سکری ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۸
سگوند، لویی ۱۰۲
سلامه موسی ۸۶
سلامة بن جندل التمیمی ۱۷۲، ۱۰۰
سلطان عبدالحمید ۲۳
سلوة ۱۵۸
سلیگزون ۱۴۰
سلیم الجندی ۱۵۰
سلیم اول ۷۵
سمسار ۶۴
سمعانی ۱۲۵
سموئل بن عادیا ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۷۶
سن پترزبورگ ۶۲، ۶۳
سنکر ۱۱۳
سودریلوم ۸۱
سوریه، سوری ۸۰، ۱۰۷، ۱۷۸، ۱۸۶
سوسن ۱۴۳، ۱۴۵
سوندا (جزایر) ۳۴
سیبولد ۶۷
سیدبن علی المرصفی ۱۲۵
- سیدکامل حسین ۴۴
سیره‌ی ابن‌هشام ۹۴
سیزارتس ۳۷
سیف‌الدوله ۱۲۶
سیمونوف ۶۶
سینا (شبه‌جزیره) ۸۴
سیوطی ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۶، ۱۲۵-۱۲۳،
۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳،
۱۴۹-۱۴۶، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۸۲،
۱۸۸
- ش**
شاخت، یوزف ۴۵
شادی ۱۲۰
شاعران عرب مسیحی. شاعران پیش از
اسلام ۱۸۳
شاعر عصر جاهلی ۱۳۷
شام ۵۲
شأس ۱۴۴
شبايق بن فهم ۱۵۵
شبلی ۱۰۴
شبه‌جزیره‌ی سینا ۸۴
شبه‌جزیره‌ی عرب ۷۹، ۱۰۸
شرح ابن‌انباری ۱۱۸، ۱۱۹
شرح ابن‌کیسان ۱۱۴
شرح ابوالاخلاص جاو الله الغنیمی الفیومی
۱۵۹
شرح ابوالرضا علی فضل‌الله بن علی
الراوندی القاشانی ۱۲۵
شرح ابوالعلاء المعری ۱۲۴
شرح ابوبکر بن درید ۱۵۸
شرح ابوبکر محمد بن القاسم الانباری
۱۱۴
شرح ابوجعفر نحاس ۱۳۰
شرح ابوسعید الضریر الجرجانی ۱۱۶
شرح ابومحمد القاسم بن محمد

- الاصفهانی ۱۲۳
 شرح احمد بن الفقیه محمد بن ابی بکر ۱۱۶
 شرح احمد بن محمد النحاس ۱۱۴
 شرح احمد بن محمد بن اسماعیل
 المعافی النحوی ۱۱۶
 شرح احمد بن محمد بن عبد‌الکریم
 الموسوی ۱۱۶
 شرح اعلم الشنتمری ۱۴۳
 شرح البطلیوسی ۱۳۴
 شرح الحماسه ۱۲۴
 شرح السجاعی ۱۷۸
 شرح السویدی ۱۵۸
 شرح الشواهد الکبری ۱۴۱
 شرح فیض السهارنبوری القرشی الحنفی ۱۱۶
 شرح القصائد العشر ۱۱۵
 شرح المؤید بن عبد‌اللطیف النعجوانی ۱۵۸
 شرح بهاء‌الدین محمد بن ابراهیم
 الحلبي بن النحاس ۱۴۹
 شرح تبریزی ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۴۹
 شرح ثابت بن محمد جرجانی ۱۲۴
 شرح ثعلب ۱۴۲، ۱۵۹
 شرح حسین بن احمد زوزنی ۱۱۵
 شرح حماسه‌ی تبریزی ۱۳۰
 شرح دیوان المتلمس ۱۴۲
 شرح دیوان المثقب العبدی عائذ بن
 محسن ۱۶۷
 شرح دیوان الهذلیین ۱۲۹
 شرح دیوان عروقه بن الورد لابن‌السکیت ۱۵۹
 شرح دیوان علقمه از اعلم الشنتمری ۱۴۵
 شرح دیوان نابغه از تبریزی ۱۳۶
 شرح دیوان نابغه همراه با شرح دیوان
 امرؤ القیس و شرحی ناشناخته ۱۳۶
 شرح زکور المغربي ۱۵۸
 شرح زمخشری ۱۵۸
 شرح زوزنی ۱۱۶
 شرح شواهد الکبری ۱۵۵
 شرح شواهد مغنی ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۸،
 ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۴
 شرح شیخ لقمان ۱۲۳
 شرح عبد‌الرحیم بن عبد‌الکریم ۱۱۶
 شرح عبد‌الله بن احمد الفاکهی ۱۱۶
 شرح عبد‌الله بن الحسین العکبری ۱۲۴، ۱۵۸
 شرح عثمان بن عبد‌الله بن ابی علی التنوخی
 المعری ۱۱۵
 شرح عطاء‌الله بن احمد المصری المکی ۱۵۸
 شرح علی بن عبد‌الله الطوسی معاصر
 سکر ۱۴۹
 شرح علی بن علی الصفی پوری ۱۱۶
 شرح قصیده‌ای از امرؤ القیس ۱۴۹
 شرح محمد بن ابراهیم بن محمد بن
 الخروف الخضرمی ۱۳۴
 شرح محمد بن احمد بن کیسان ۱۱۴
 شرح محمد بن الحسین بن لجک التركي ۱۵۸
 شرح محمد بن القاسم بن زکور المغربي ۱۵۸
 شرح محمد بن عبد‌الرحمن البغدادی ۱۴۹
 شرح محمد بن علی بن فضل الحسینی
 الطبری ۱۱۵
 شرح مرزوقی ۱۱۸، ۱۲۴
 شرح معلقات امرؤ القیس، زهیر، طرفه ۱۱۶
 شرح مفضلیات ۱۶۵
 شرح موهوب بن احمد الحصری ۱۱۵
 شرح مؤلف ناشناخته ۱۵۹
 شرح نحاس بر معلقه‌ی طرفه ۱۱۷

- شرح نحاس زوزنی ۱۱۵
شرح نقائص ۹۲
شرح نقائص حریر ۱۸۶
شرح نقائص فرزدق ۱۸۶
شرحی از مؤلف ناشناخته ۱۲۵
شرح یحیی بن عبدالحمید الحلّبی
الفسانی ۱۵۸
شرحی که گمان می‌رود از المبرد باشد
۱۵۸
شرح یوسف بن الفضل بن نصر الجزری
۱۲۵
شرر، و. ۳۴
شریح بن اوس ۱۶۴
ششمین کنگره‌ی مشرق‌شناسی ۱۲۱
شعب جلة (جنگ) ۱۷۱
شعرا النصرانية ۱۸۳
شعر الحادّره با تعلیقات الیزیدی ۱۶۰
شعر تغزلی عربی ۱۰۴
شعر تیگره ۱۰۵
شعر حاتم و اخباره ۱۶۲
شعر دریای اسکندرانی ۱۰۴
شعر عبید بن الابرص ۱۶۲
شعر فخر ۹۰، ۹۷، ۱۰۱، ۱۶۱، ۱۷۶
شعر فرضی سریانی- ایرانی ۱۰۵
شعر کهن عربی و مسیحیت ۱۸۳
شعرها و قطعه‌های اوس بن حجر ۱۶۴
شعرهای القاسم (فرزند امیه بن ابی الصلت)
۱۶۶
شعرهای طفیل و طرمّاح ۱۷۳
شعرهای عربی- یهودی پیش از اسلام
۱۷۷
شعرهای علقمة الفحل همراه با
ملاحظات ۱۴۵
شعرهای عمرو بن قمنه ۱۷۰
شعرهای عمره بن الورد ۱۶۰
شعرهای ملیح بن الحکم هذلی ۱۲۹
شعر هجا ۸۵
شعر یونانی ۹۳
شفر ۱۳۶
شمس العلما میرزا اشرف علی ۴۶
شنفری ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹
شوارتس ۹۴، ۱۰۴
شوالی ۲۲، ۱۸۹
شواهد ۱۴۲
شوروی، اتحاد جماهیر ۲۹
شولتس ۱۶۲، ۱۶۵
شیخ محمد ناصر بنک ۷۱
شیخو، لویس ۴۶، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۶۶، ۱۷۲،
۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۳
شیکاگو ۶۱
- ص**
صالح بنک حمدی حامد ۷۱
صحاح الجوهري ۱۲۰
صحيفة المتلمس ۱۴۱
صدرالدین علی بن ابی الفرج البصری ۱۲۶
صفایی (کتبه) ۱۰۷
صفدی ۱۴۹
صليب (قبيله) ۸۸
صناعتين ۹۸، ۹۹
- ض**
ضحی الاسلام ۷۲
- ط**
طاهره ۱۲۴
طائف ۱۲۷
طبايع الحيوان ۱۰۲
طبری ۱۲
طبقات الشعرا ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۴،
۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۷
طرائف الادبية ۱۶۹

- عبدالله بن غطفان ۱۴۲
عبدالله بن محمد بن عوف ۱۵۹
عبدالمعتال ۷۱
عبدالمعتال الصعیدی ۱۸۲
عبدالمسیح ۱۱۷
عبدالمقتدر ۵۰
عبدالملک بن عبدالرحیم ۱۷۸
عبدالملک بن عبدالرحیم الحارثی ۱۷۶
عبدالملک بن مروان ۱۳۰
عبد قیس بن خفاف البرجمی التیمی ۱۶۸
عبرانی ۸۹، ۱۰۲
عبری ۲۷، ۴۹، ۵۴، ۸۶، ۱۴۱، ۱۷۵
عبس (قبیله) ۱۴۲، ۱۵۹
عبید بن ابرص ۹۳، ۹۴، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۶۱، ۱۶۲
عثمان (خلیفه) ۱۵۳
عثمانی (دولت) ۲۳
عدی بن زید ۹۸-۱۰۰، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱
عدی بن نوفل بن اسعد بن عبدالعزی ۱۵۳
عراق ۷۵، ۱۶۳
عربان مسیحی بین‌النهرین و سوریه از قرن هفتم تا هشتم ۱۸۲
عربستان ۴۴، ۸۵-۸۳، ۸۷، ۸۸، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۸۷
عرب، عربی ۱۵-۱۲، ۱۷، ۱۹، ۳۷-۳۳، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۵۱-۴۶، ۶۹-۵۳، ۷۳، ۷۵، ۸۱-۷۹، ۸۳، ۸۹، ۹۳-۹۱، ۹۷-۹۵، ۱۰۲-۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۹-۱۱۷، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۵-۱۸۷
عروقه بن الورد ۱۳۴، ۱۵۹
عروقه بن الورد بن حابس العبسی ← عروقه بن الورد
- طرح‌ها و پیش‌نویس‌ها ۱۸۳
طرفه ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۴۱-۱۳۸، ۱۵۱، ۱۷۰
طرفه بن عمرو بن عبدالبکری ← طرفه
طرماع ۱۸۹
طفیل الغنوی ۹۸، ۱۴۲، ۱۷۳
طفیل بن عوف الغنوی ← طفیل الغنوی
طور سینا ۱۰۲
طوفی ۱۵۰
طوق الحمامه ۹۸، ۹۹، ۱۳۰
طویل (بحر) ۹۳، ۱۴۷
طه حسین ۷۱، ۷۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۶
طهمان بن عمر الکلابی ۱۳۰
طیئ (قبیله) ۱۳۷، ۱۷۱، ۱۷۸
- ## ع
- عاشر افندی ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۶۷
عاطف افندی ۴۶، ۱۲۴، ۱۲۷
عاکش الیمنی ۱۵۹
عامر بن صعصعه ۱۶۹
عامر بن طفیل ۹۳، ۱۶۸، ۱۶۹
عبادیان ۱۷۹
عباسیان (سلسله) ۷۴، ۷۵، ۱۲۲
عباسی (عصر) ۷۰، ۱۱۰
عبدالجواد ۷۱
عبدالحمید ۶۲
عبدالرحمن بدوی ۲۹، ۱۰۲
عبدالرحمن بن اشعث کندی ۱۴۶
عبدالعزی (پدر جریر بن عبدالمسیح الضبعی) ۱۴۱
عبدالعزیز البشیری ۷۲
عبدالعزیز الجرجانی ۱۸۱
عبدالعزیز میمن ۱۲۷، ۱۵۸
عبدالقادر بغدادی ۹۸، ۱۲۷، ۱۳۱
عبدالقیس (قبیله) ۱۶۷

عنتره، قهرمان عربی در فهرست نام‌های
جغرافیایی ۱۳۷
عنتره بن شداد العبسی ← عنتره
عوف بن سعد ۹۳
عوف بن عطیة بن الخرع التیمی ۱۷۱
عهد عتیق ۱۰۲، ۱۴۱
عین ابلاغ (جنگ) ۱۴۴
عینی ۱۴۲، ۱۵۵
عیون الاخبار ۹۴، ۱۸۸

غ

غبراء (جنگ) ۱۳۷، ۱۴۲
غریض ۱۷۶
غسان (قبیله) ۱۳۵، ۱۷۶
غطفان (قبیله) ۱۶۰، ۱۶۹
غفیر ۱۸۰

ف

فاتح ۱۲۴
فارس ۸۵
فارسی (زبان) ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۴،
۴۶، ۵۱-۴۸، ۵۳، ۵۸-۵۶، ۶۳-۶۱،
۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۸۱، ۱۱۴، ۱۶۳
فاس ۳۴، ۵۳
فاطمه (دختر منذر سوم) ۱۵۲
فان-آرندوک ۱۶۳
فان‌دایک، ادوارد ۴۲، ۷۱
فان‌دن‌برگ ۴۷
فاندن‌هوف ۱۴۰
فان‌رونکل ۴۷
فان‌مولر ۴۳
فتوح البلدان ۸۴
فتیان ۱۴۸
فجر الاسلام ۷۲
فرات ۱۸۶

عزت حسن ۶۹
عسکری ۹۸، ۹۹، ۱۲۸، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۸،
۱۸۹
علقمة بن سهل ۱۴۴
علقمة بن عبدة التیمی الفحل ۱۰۳، ۱۳۴،
۱۴۴، ۱۴۵
علقمة بن فحل ← علقمة بن عبدة التیمی
الفحل
علویان (فرمانروایی) ۱۱۷، ۱۲۱
علوی، محمد مهدی ۶۷
علی الجارم ۷۲
علی بن الجهم ۹۸، ۹۹
علی بن عبدالله الطوسی معاصر سکر
۱۴۹
علی حامد ۷۲
علی (ع) ۱۱۷
علیگره ۴۴، ۱۲۱
عمله ۱۰۳
عمر بن ابی ربیع ۹۳، ۹۴، ۱۳۷، ۱۶۵
عمر بن شبه ۱۳۳
عمر بن هند ۹۷، ۱۶۷
عمر (خلیفه) ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۵۳
عمر (فرزند امیه بن ابی الصلت) ۱۳۹،
۱۵۳، ۱۶۶
عمرو بن العلاء ۱۴۸
عمرو بن امامه ۱۳۹
عمرو بن حارث ۱۳۵
عمرو بن قمیثه ۹۴، ۱۰۱، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۷۰
عمرو بن کلثوم ۹۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۵۲
عمرو بن کلثوم الجشمی ← عمرو بن کلثوم
عمرو بن معد یکر ۱۸۸
عمرو بن هند ۱۳۸، ۱۵۲، ۱۶۳
عمرو ← عنتره بن شداد العبسی
عمومیه ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۵۰
عنتره ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۵،
۱۷۹

- فرانسه، فرانسوی ۲۵، ۲۷، ۴۱، ۶۴، ۸۶، ۱۱۷
- فرانکفورت ۱۲
- فرانک - کامنتسکی ۱۶۵
- فرانکل ۲۲
- فراشتاگ ۹۳، ۱۵۴
- فرزدق ۱۳۳، ۱۴۷
- فرعون ۸۴
- فرنکل ۱۶۴، ۱۹۰
- فروید، زیگموند ۸۹
- فرهنگ معنوی قوم‌های بدوی ۸۴
- فرهنگ یونانی - فرانسوی ۱۰۲
- فلسطین ۱۴۶، ۱۷۵
- فلورانس ۵۱، ۵۴
- فلوگل ۴۰
- فوات الوفيات ۴۰
- فواد افرم بستانی ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۳۸
- فوک، یوهان ۱۱، ۲۹
- فولتن ۴۲
- فولر، کارل ۵۹، ۸۰، ۱۲۳، ۱۴۲
- فون کرمر ۷۰، ۱۰۴
- فهرست ۴۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۳۶
- فهرست توصیفی موزه‌ی بریتانیا ۱۱۶
- فهرست کتاب‌های هاراسویتس ۴۵
- فهرست کمبریج ۱۱۶
- فهرست‌های واژه‌های شعری کهن عربی ۱۱۳
- فهم (قبیله) ۱۵۵
- فی الادب الجاهلی ۱۰۸، ۱۲۳
- فی الشعر الجاهلی ۱۰۸
- فیشر ۵۰، ۱۴۶، ۱۶۲، ۱۶۴
- فیض الحسن ۱۶۲
- فیض‌الله ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۷
- فیضیه ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۶۰، ۱۶۳
- فیلاولفیا ۶۴
- فیلیپس قسطنطین ۷۱
- فیلیپ حتی ۶۴
- ق
- قازان ۱۴۰
- قاسم بن طفیل ۱۸۰
- قاسم بن طویل ۱۸۰
- قالی ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۸
- قاموس کتاب مقدس ۱۰۲
- قاهره ۴۲، ۵۲، ۵۷، ۵۸، ۶۵، ۷۱، ۷۲، ۸۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۶-۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵-۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۳-۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۰-۱۴۸، ۱۶۰-۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۹
- قدامه ۱۳۹، ۱۴۷
- قرآن ۱۳، ۴۷، ۵۷، ۹۱، ۱۶۴، ۱۶۵
- قرار النبیة فی کتاب العشر الجاهلی ۱۰۹
- قراضة الذهب ۱۴۷
- قرطبه ۱۳۰
- قریضه (قبیله) ۱۷۶
- قسطنطنیه ۲۳، ۱۴۶
- قصر الابلق ۱۷۶
- قصیده ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۷-۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۲
- قصیده‌ای جدید منسوب به عمرو القیس ۱۴۹
- قصیده‌ای دستنویس منسوب به عبید بن الابرص ۱۶۲
- قصیده‌ی زینیه ۱۱۷
- قضاغه (قبیله) ۱۷۸
- قطبة بن اوس الحادرة الفزاری ۱۶۰
- قطعه ۹۴، ۱۳۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۶
- قلیج علی پاشا ۱۱۶
- قیس بن الخطیم ۱۶۶

- قیس بن ثعلبه ۱۵۱
قیس بن سلمه ۱۴۶
- ک**
- کاترین دوم ۵۲
کار و آهنگ ۸۴
کاسکل ۹۹، ۱۲۹، ۱۸۷
کاشغر ۳۴
کاشغری ۱۲
کافیه‌ی ابن حاجب ۱۳۱
کامل (بحر) ۹۳
کامل فی التاريخ ۱۲
کاناکیس، رودو ۸۷
کپهاگی ۵۶
کتاب ادبیات اسلام ۴۳
کتاب الاختیارات ۱۱۸
کتاب الاشباه و النظائر ۱۲۶
کتاب الاغانی ← اغانی
کتاب التظاهر و التناصر ۱۳۶
کتاب الحماسه ۱۲۶
کتاب الشعر و الشاعر ۱۳۰
کتاب الصلاة ۸۴
کتاب العین ۱۷۹
کتاب الفهرست ← فهرست
کتاب المستجد ۱۸۸
کتاب المؤلف و المختلف ۱۲۷
کتاب الوزراء ۱۳۰
کتابخانه‌ای خصوصی در طنجه ۶۶
کتابخانه لایزیگ ۵۹
کتابخانه (نشریه) ۵۸
کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های
خطی عربی در جهان ۱۶
کتابخانه‌های آناتولی ۵۰
کتابخانه‌های استانبول ۲۷، ۴۵
کتابخانه‌های اصلی الجزایر ۴۴، ۶۷
کتابخانه‌های انجمن شرقی آلمان ۴۲
- کتابخانه‌های ایتالیا ۵۱
کتابخانه‌های بورس ۵۰
کتابخانه‌های بوهار ۵۰
کتابخانه‌های دانشگاه بن ۴۸
کتابخانه‌های دانشگاه و کالج‌های کمبریج ۵۱
کتابخانه‌های دانشگاهی و ایالتی پادشاهی ۴۱
کتابخانه‌های طبی فلورانس ۵۴
کتابخانه‌های عمومی فرانسه ۴۳
کتابخانه‌های مختلف هند ۵۶
کتابخانه‌های وائیکان ۶۸
کتابخانه‌ی آکادمی علوم لیدن ۵۷
کتابخانه‌ی آکادمی لیدن ۵۹
کتابخانه‌ی استانبول ۱۷۳
کتابخانه‌ی اسلامی ۶۶
کتابخانه‌ی اسماعیل پاشا ۱۴۹
کتابخانه‌ی امپروزیانا ۴۴
کتابخانه‌ی انجمن آسیایی بنگال ۴۶
کتابخانه‌ی انجمن شرقی آلمان ۵۵
کتابخانه‌ی انجمن فنون در باتاویا ۴۷
کتابخانه‌ی بغدادی اسماعیل پاشا ۱۴۹
کتابخانه‌ی بودلیان ۴۸
کتابخانه‌ی جان ریلند ۶۰
کتابخانه‌ی خصوصی در المدینه متعلق به
خانه‌ی بریل ۵۹
کتابخانه‌ی دانشکده‌ی معقول و منقول در
مدرسه‌ی عالی سیهسالار ۶۷
کتابخانه‌ی دانشگاه ادینبورگ ۵۳
کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول ۶۵
کتابخانه‌ی دانشگاه اویسالا ۶۸
کتابخانه‌ی دانشگاه بمبئی ۴۸
کتابخانه‌ی دانشگاه پترزبورگ ۶۳
کتابخانه‌ی دانشگاه پرینستن ۶۴
کتابخانه‌ی دانشگاه تاشکند ۶۶
کتابخانه‌ی دانشگاه توینگن ۶۷
کتابخانه‌ی دانشگاه گلاسگو ۵۴
کتابخانه‌ی دانشگاه لایزیگ ۵۹

- کتابخانه‌ی مکرری کوی ۱۴۹
کتابخانه‌ی ملا فیروز ۴۸
کتابخانه‌ی ملی آکادمی تورینو ۶۷
کتابخانه‌ی ملی پاریس ۶۲
کتابخانه‌ی ملی مادرید ۶۰
کتابخانه‌ی موزه‌ی دانشگاه گلاسگو ۵۵
کتابخانه‌ی مونیخ ۶۱
کتابخانه‌ی نانیانا ۶۱
کتابخانه‌ی نجف ۶۱
کتابخانه‌ی نسخه‌های خطی متعلق به بولس
سیاط ۶۵
کتابخانه‌ی نیوبری ۶۱
کتابخانه‌ی واتیکان ۶۸
کتابخانه‌ی وحداح ۱۵۸
کتاب صفین ۱۸۸
کتابفروشی فرانک ۵۴
کتاب مقدس ۱۰۲
کتابخانه‌ی آصفیه ۴۴
کتابخانه‌ی دفتری ۵۸
کتابخانه‌ی ریاست رامپور ۶۵
کتابخانه‌ی عمومی در استانبول ۶۸
کتاب قلمی لیبراری ۴۶
کثیر ۱۴۲
کراپ ۱۸۸
کراچکوفسکی ۴۳، ۵۲، ۶۳، ۱۰۸، ۱۲۶،
۱۵۸، ۱۷۰، ۱۷۷
کرافت ۵۸
کرت (جزیره) ۱۴۹
کرنکو ۶۹، ۹۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۴۲،
۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۷۳
کریبرگ ۱۴۹
کریمسکی ۱۲۳
کسری ۱۶۳
کسری بن هرمز ۱۸۰
کشف‌الظنون ۴۰
کعب ۱۴۲
- کتابخانه‌ی دانشگاه لندن ۶۰
کتابخانه‌ی دانشگاه لیدن ۱۲۶
کتابخانه‌ی دانشگاه هایدلبرگ ۵۶
کتابخانه‌ی درسدن ۵۲
کتابخانه‌ی دوک ۵۵
کتابخانه‌ی دولتی رامپور ۶۵
کتابخانه‌ی دیوان هند ۵۶، ۵۷
کتابخانه‌ی سلطنتی ۶۶
کتابخانه‌ی سلطنتی برلین ۴۷
کتابخانه‌ی سلطنتی وین ۶۹
کتابخانه‌ی شرقی تیپو سلطان میسوری ۶۶
کتابخانه‌ی شرقی دانشگاه سن ژوزف ۴۶
کتابخانه‌ی شهر برسلو ۴۹
کتابخانه‌ی شهر هامبورگ ۵۶
کتابخانه‌ی عربی-اسپانیایی در اسکوریال ۵۳
کتابخانه‌ی عمومی امپراتوری در سن پترزبورگ
۶۲
کتابخانه‌ی عمومی شرقی بانکپور ۴۶
کتابخانه‌ی عمومی مراکش ۶۴
کتابخانه‌ی عیسی اسکندر معلوف ۴۶
کتابخانه‌ی فاس ۵۳
کتابخانه‌ی فیلا دلفیا ۶۴
کتابخانه‌ی قبه‌ی ملک‌ظاهر ۵۲
کتابخانه‌ی کالج ترینیتی ۵۱
کتابخانه‌ی کپنهاگ ۵۶
کتابخانه‌ی کینگز کالج ۵۱
کتابخانه‌ی لیدن ۱۲۶
کتابخانه‌ی مادرید ۶۰
کتابخانه‌ی مبارکه‌ی آستان قدس رضوی ۶۱
کتابخانه‌ی مجلس ۶۷
کتابخانه‌ی مدرسه‌ی زبان‌های زنده‌ی شرقی ۴۲
کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی زبان عرب و
لهجه‌های بربر در ریاط ۶۴
کتابخانه‌ی مسجد القرویین ۵۳
کتابخانه‌ی مسجد کبیر تونس ۶۷
کتابخانه‌ی مسجد کبیر فاس ۵۴

کلکته ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۱۲۳
 کمال‌الدین احمد ۵۰
 کمال مصطفی ۱۲۶
 کمبریج ۵۰، ۵۱، ۶۶، ۱۱۵، ۱۶۰
 کنايات ۱۶۶
 کنت (آقای) ۸۶
 کنده (قبیله) ۱۴۶
 کوپریلی ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۹
 کوپریلی ۱۱۵، ۱۲۴
 کور ۶۷
 کوردووا ۱۳۰
 کوزه‌گارتین ۱۲۸
 کوفه ۱۱۰، ۱۱۱
 کونینگزبرگ ۱۱، ۲۵
 کووالسکی ۹۵، ۱۶۶، ۱۷۸
 کوهن ۲۷، ۲۸

گوته ۱۵۴
 گوتینگن ۵۵
 گونتسبرگ ۶۳
 گوئیدی ۱۳۱
 گیلدمایستر ۴۸
 گینتسبورگ ۱۳۶

ل

لانی (زبان) ۹۳، ۱۰۱، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۶۰
 لاله‌لی ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۴۹
 لامبرشت ۴۲
 لامنس ۱۷۷
 لامیه ۱۵۶، ۱۶۹
 لامیه‌ی ابوکبیر هذلی ۱۲۹
 لامیه العرب ۱۰۱، ۱۵۵، ۱۵۷
 لاهور ۱۱۶، ۱۶۲
 لایپزیگ ۱۲، ۴۳-۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۱۵۸
 لایل ۱۱۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۱
 لبنان ۱۱۵
 لبید ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۶۹، ۱۸۲
 لحيانی (کتیبه) ۱۰۷
 لخمی (حکومت) ۱۰۷
 لسان العرب ۹۴
 لشینسکی ۱۷۷
 لغات التترک ۱۲
 لغت‌نامه‌ی دهخدا ۱۰۲، ۱۳۸
 لغة العرب (مجله) ۴۳، ۶۱، ۶۷، ۶۹
 لقیط بن یعمر الایادی ۱۶۳
 لکهنو ۱۲۳
 لندبرگ ۵۸، ۵۹، ۸۶، ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۴۳
 لندن ۲۳، ۲۴، ۴۰، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۱۶۲
 لیننگراد ۶۳
 لوت ۵۶
 لوتر ۱۰۲

م

مابریلی ۴۳، ۵۰، ۱۵۷، ۱۶۲
 مارت ۱۲۱، ۱۵۰
 مانتس ۱۱۳
 مایر ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۵۷
 ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۷
 مایگر ۱۱۳
 ماراتسل ۶۱
 مراگر ۱۸۷
 مرانادا ۵۵
 مرونه‌بام ۱۲۹
 مریفینی ۴۴، ۱۴۹
 گزارش‌های سمینار زبان‌های شرقی ۴۵
 مگلاسگو ۵۵
 مگلدزیه ۳۵، ۷۳، ۸۵، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۶۱
 ۱۸۹، ۱۹۰
 منیزا ۱۷۸
 موتا ۵۵، ۱۲۵، ۱۲۶

- لورنس ۹۲
لوی ۵۷
لوی-پروونسال ۴۲، ۵۳، ۶۴
لهستان ۲۷
لیال ۹۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۴
لیبی ۱۰۲
لیتمن ۶۴
لیدن ۱۲، ۲۴، ۴۹، ۵۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۱،
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۴۸، ۱۵۸،
۱۶۰
- م**
مادرید ۵۳، ۶۰، ۱۴۸
مارسی ۲۳، ۱۲۱
مارگولیو ۱۹، ۴۰، ۱۰۸، ۱۷۷، ۱۷۸
ماکس کراوزه ۶۶
متز ۷۰
متقارب (بحر) ۹۳
متلمس ۱۳۸
مثقب ۱۷۲
مجله‌ی آسیایی ۶۲
مجله‌ی المجمع العلمی بدمشق ۴۶، ۱۰۹،
۱۲۷، ۱۳۴
مجمع الامثال ۱۸۹
مجمل فی تاریخ الادب العربی ۷۲
مجموعه‌های شاعران قدیم عرب ۱۱۹
مجموعه‌ی ابرو عبدالله الیزیدی ۱۶۰
مجموعه‌ی جان لویس ۶۴
مجموعه‌ی دانشکده‌ی شرق‌شناسی بیروت ۴۵
مجموعه‌ی رساله‌های شرق‌شناسی ۵۵
مجموعه‌ی علمی مؤسسه‌ی زبان‌های شرقی
وزارت امور خارجه ۶۳
مجموعه‌ی گارت ۴۹، ۶۴
مجموعه‌ی گزارش‌های آکادمی لینچه‌ای ۱۳۱
مجموعه‌ی مارسیل ۴۸
- مجمهرات ۱۲۰
محاضرات ۱۳۶
محاضرات فی بیان الاخبار العلمیه و
التاریخیه التي اشتمل علیها کتاب فی
الشعر الجاهلی ۱۰۹
محقق، مهدی ۱۵
محمد احمد الغمراوی ۱۰۹
محمد الخضر حسین التونسی ۱۰۹
محمد الخضری یک ۱۰۹
محمد العنانی ۱۳۸
محمدبیک عاطف برکات پاشا ۷۱
محمدبن المبارک بن محمدبن میمون ۱۲۲
محمدبن بدرالدین العوفی ۱۱۶
محمدبن جعفر طیالسی ۱۲۹
محمدبن داوود ۱۳۰، ۱۶۵
محمدبن سلام جمحی ۱۳۰
محمدبن شاکر الکتبی ۴۰
محمدبن شرف القیروانی ۱۴۷
محمدبن شنب ۴۲، ۴۴، ۱۴۵، ۱۵۹
محمدبن عبدالرحمن البغدادی ۱۴۹
محمدبن عمران مرزبانی ۱۳۱
محمدبن محمودبن التلامیذ الشنقیطی
۱۵۹
محمدبن معلی الازدی ۸۷
محمد بهجة الاثری ۷۲
محمد حسین ۱۰۹، ۱۲۲
محمد خضر حسین ۱۰۹
محمد دیاب یک ۷۱
محمد (ص) ۷۴، ۹۱، ۹۸، ۱۰۸، ۱۴۳،
۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۶،
۱۷۸، ۱۸۵
محمد صالح سمک ۱۴۸
محمد (ص) و یهود در مدینه ۱۷۷
محمد عبدالعزیز میمن ۱۳۱
محمد عطیة الدمشقی ۷۱
محمدعلی المنیاوی ۷۱

- محمّد غلام ربّانی ۱۲۳
 محمد فرید وجدی ۱۰۸
 محمد لطفی جمعه ۱۰۸
 محمد محمود الرافعی ۱۲۶
 محمود احمد البطّاح ۷۱
 محمود احمد الزناتّی ۱۲۲
 محمود الشریف ۱۶۹
 محمود الشنقیطی ۱۶۹
 محمود الوراق ۹۸، ۹۹
 محمود حامد التونکی ۷۲
 مختارات ۱۷۱
 مختارات اشعار العرب ۱۲۶
 مختارات الشعرا ۱۶۱، ۱۶۳
 مختارات شعرا العرب ۱۲۲
 مختارین ابی عبید ۱۱۰
 مختصر شرح قصیده امرؤ القیس ۱۵۰
 مخزن‌های اسکوریال ۵۳
 مخصّص ۱۸۹
 مدائن ۱۸۰
 مدح ۱۶۷
 مدرسه‌ی تلمسان ۶۷
 مدرسه‌ی خراج‌زاده ۱۲۴
 مدرسه‌ی کلکته ۵۰
 مدیترانه ۷۵، ۷۹
 مدیحه ۹۸
 مدید (بحر) ۹۳
 مدینه ۸۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۷۸
 مذحج (قبیله) ۱۶۹
 مذهبیات ۱۲۰
 مراثی ۱۲۰
 مراکش ۲۵، ۲۶، ۶۶
 مرثیه ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۴
 مرثیه‌ی تأبط شرأ یا خلف الاحمر ۱۵۴
 مرزبانی ۹۸، ۹۹، ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۸
 ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷
 ۱۷۲-۱۷۰، ۱۸۱، ۱۸۹
- مرقش ۹۳، ۹۴
 مرقش اصغر ۹۳، ۱۱۷، ۱۳۸، ۱۵۲، ۱۷۰
 مرقش اصغر ربیعه‌بن سفیان بن سعد ۱۵۲
 مرقش اکبر ۹۳، ۱۱۷، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۷۰
 مرقش اکبر عوف (عمرو) بن سعد بن مالک ۱۵۱
 مرکز مطالعات فرهنگی ۱۶
 مرّبه‌بن ربیعه السعدی ۱۶۸
 مزهر ۱۸۸
 مزهر اول ۱۰۱، ۱۳۳
 مزهر دوم ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۸۲
 مسجع ۱۳۶
 مسیب ۱۰۵
 مسیح (ع) ۱۰۷
 مسیحیت و ادبیات مسیحی پیش از اسلام ۱۸۲
 مسیحی، مسیحیان ۳۵، ۳۶، ۵۹، ۸۰، ۱۴۲، ۱۰۸
 مشرق ۱۵۳
 مشروبات ۱۲۰
 مشهد ۶۱، ۱۳۶، ۱۴۸
 مصاحب، غلامحسین ۱۸۶
 مصارع‌العشاق ۹۴، ۹۹
 مصر ۲۲، ۷۱، ۷۵، ۷۹، ۱۰۲، ۱۰۸
 مصطفی الغلابینی ۱۱۶
 مصطفی بدرالدین الحنفی ۷۲
 مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی ۴۰
 مصطفی جواد ۱۲۰
 مصطفی صادق الرافعی ۷۱، ۱۰۸
 مصطفی عنانی ۷۱
 مطالعات شرقی (مجله) ۴۵
 مطالعات مربوط به شعر شنفری ۱۵۸
 مطالعاتی درباره‌ی شاعران عرب ۱۱۳
 مظفر بن احمد اصفهانی ۱۲۵
 معاویه ۱۳۶، ۱۳۷

- ملحقات ۱۲۰
ملکشاه سلجوقی ۱۲۵
ملک ناصر ۱۲۶
ملوک الفرس ۱۸۲
ملوک کنده ۱۴۸
ملیکه ← عمرو القیس بن حندج
منتقیات ۱۲۰
منتهی الطب من اشعار العرب ۱۲۲
منچستر ۶۰
منذر ۱۷۹، ۱۸۰
منذین ماء السماء ۱۶۱، ۱۷۲
منذر چهارم ۱۳۵
منذر سوم ۱۳۵، ۱۵۲
منسرح (بحر) ۹۳
منشأ اسلام ۱۷۸
منشأ اسلام و مسیحیت ۱۸۲
منصور (خلیفه) ۱۱۷
منية النفس فی اشعار عنتره بن شداد
العیسی ۱۳۸
مواد اولیه برای مطالعه کتابخانه‌ها و
بایگانی‌های استانبول ۴۵
موائد الحیس فی فوائد عمرو القیس ۱۵۰
مویبرگ ۱۸۷
موراتا ۵۳
موزه آسیایی ۶۲
موزه آسیایی در لنینگراد ۶۳
موزه اتجمن علوم و فنون باتاویا ۴۷
موزه بریتانیا ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۱۱۳، ۱۱۴
۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۴
۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲
موزه سارایوو ۶۵
موزیل ۱۰۳
موسوعة المستشرقین ۲۹
موشح ۹۸، ۹۹، ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۸
۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۹
مولر ۴۰
- معجم ۱۰۱، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱،
۱۸۱
معجم الادباء ۴۰
معجم البلدان ۱۲۵، ۱۳۰
معجم الشعرا ۱۳۱، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۷
معجم المصنفین ۷۲
معروف الرصافی ۷۲
معلقات ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۰،
۱۲۱، ۱۵۲
معلقات سبع ۱۱۲، ۱۲۰
معلقات طرفه ۱۱۳
معلقات طرفه ولید ۱۱۶
معلقات عمرو بن کلثوم ۱۱۳
معلقه ۱۳۹
معلقه عمرو القیس ۱۱۶
معلقه زهیر یا شرح النحاس ۱۱۵
معمر ← لقیط بن یحیی الایادی
معین (دولت) ۷۹
مغنی ۱۶۱
مغولان ۷۴، ۷۵
مفتاح الخلیفه ۴۶
مفضل ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۰
مفضل بن مسعر ← مفضل
مفضل ضبی ۱۲۰
مفضلیات ۹۳، ۹۴، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۸،
۱۱۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۶۹
۱۷۱-۱۷۳
مفضلیات و اصمعیات ۱۱۸، ۱۱۹
مقاله‌ها و رساله‌ها ۱۶۱
مقتضی السیاسة فی شرح نکت الحماسة
۱۲۵
مکتبه شیخ الاسلام ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۴۳
مک دونالد ۶۱
مکه ۸۰، ۱۲۷، ۱۵۹
ملاحظات درباری اصالت شعر جاهلی
عرب ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۵

- مولوی عبدالحمید ۴۶
مولوی فیض الحسین ۱۲۳
مولوی کبیرالدین احمد ۱۲۳
مون ۵۶
مونخ ۱۲، ۶۱
موهوب بن احمد الحسن الخضر ۱۱۵
مؤسسه‌ی اطلاعات ۱۵
مؤسسه‌ی زبان‌های شرقی ۶۳
مهدی (فرزند خلیفه منصور) ۱۱۷
مهلهل ۱۳۳
میدانی، هامش ۹۶، ۱۸۸، ۱۸۹
میشل سلیم ۱۶۵
میلان ۴۴
میمون الاعشی ۱۵۱
مینگانا ۶۰
- ن**
نابغه بنی شیبان ۹۲
نابغه ذبیانی ۹۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵
۱۳۴-۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۷
۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۲
نابغه الذبیانی زیاد بن معاویه ← نابغه
ذبیانی
نازی (حزب) ۲۷، ۲۸
نالینو ۶۷
نامه‌ی اوریا ۱۴۱
ناو ۱۸۲
نبیه امین فارس ۶۴
نحو عبری ۲۹
نزاریان (قبیله) ۱۷۹
نسخه‌ی خطی ابن سعد ۲۴
نسخه‌ی خطی ابن قتیبه ۲۴
نسخه‌ی خطی دیوان ۱۶۶
نسیب ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۴۷
نشر آذاهیر البستان فی من اجازنی فی
- الجزائر و تطوان ۱۵۸
نشید الاناشید ۸۹
نصر ۱۸۸
نصرانی ۱۱۷، ۱۴۳-۱۴۱، ۱۷۲، ۱۷۵
۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲
نظربن الحارث مکی ۱۸۵
نظم التفسیر ۱۱۶
نعمان اول ۱۱۰، ۱۷۹
نعمان بن منذر ابوقابوس ۱۳۵، ۱۸۰
نعمان سوم ابوقابوس ۱۴۴
نعمان (فرزند عمرو بن حارث) ۱۳۵
نقائض ۸۷، ۹۸، ۱۳۳، ۱۳۸
نقد الشعر ۱۳۹، ۱۴۷
نقد کتاب الشعر الجاهلی ۱۰۸
نقد کتاب فی الشعر الجاهلی ۱۰۹
نقض کتاب فی الشعر الجاهلی ۱۰۹
نکرة (طایفه) ۱۶۷
نماره ۱۰۷
نوردن ۱۰۵
نور عثمانیه ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۳
نور عثمانیه کتبخانه دفتری ۶۲
نوشته‌ای در زمینه‌ی مطالعه‌ی دیوان عروه
۱۶۰
نوشته‌هایی درباره‌ی شناخت شعر عربان
قدیم ۱۱۳
نولدکه، تئودور ۱۱، ۲۲، ۸۰، ۸۱، ۱۰۱
۱۱۳-۱۱۱، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۷
۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۰
۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۱
نوبری ۱۰۳
نویمن ۸۹
نهایه ۹۴
نهایه الارب فی اخبار العرب ۱۰۳، ۱۲۱
نهایه الارب من شرح معلقات العرب ۱۱۶
نهد (قبیله) ۱۵۹
نیزار ۳۸

هاوسهر ۱۱۵
 هبة الله الشجرى ۱۶۱، ۱۷۱
 هبة الله به احمد بن الشجرى ۱۲۱
 هجاء ۱۴۱
 هجو ۱۷۱
 هدايت حسين ۵۰
 هذيل ۱۲۷
 هذيل (قبيله) ۸۰
 هنج ۹۳
 هسپريس ۵۴
 هشام الكلبي ۱۴۸
 هشام بن محمد الكلبي ۱۶۲
 هفت كتاب قصه‌ها و شعرهاى شرقى
 ۱۳۹
 هفنينگ ۵۹
 هل ۱۲۹
 هلمن ۱۵۴
 هلند ۴۷
 همدان ۱۲۲
 هند، هندی ۴۸-۴۶، ۷۹، ۱۱۶-۱۱۴، ۱۶۳
 هوار، كلمان ۷۰، ۱۶۴، ۱۷۳
 هوازن (قبيله) ۱۷۱
 هوشمن ۲۲
 هوتانتو (قبيله) ۸۶
 هوتسما ۴۹، ۵۹
 هوتن توت ← هوتانتو
 هوداس ۶۸
 هورووئس ۱۷۷، ۱۸۲
 هولاکو ۷۵
 هومل ۱۲۱، ۱۶۱
 هووارد ۴۵
 هيرشبرگ ۱۷۷
 هيرشفلد ۱۷۸
 هيرودت ۱۰۲
 هيله برانت ۲۲
 هيوز ۱۵۷

نيکل ۱۶۵
 نيکلسن ۵۰، ۷۰
 نيل الارب فى فضائل العرب ۱۲۱
 نيلوس ۸۴
 نيويورک ۵۸

و

واتيكان ۶۸، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۵۹
 وافر (بحر) ۹۳
 والتسل ۳۷
 واير ۵۴
 وايس وايلر، ماکس ۶۶، ۶۷
 وفيات الاعيان ۳۹
 وقعة صفين ۸۹
 ولفينزون ۱۷۷
 ولهاوزن ۷۳، ۱۲۹، ۱۸۳
 وليد ← قاسم بن طویل
 ونسينک ۱۷۷
 ووستفلد ۳۹
 وين ۵۸، ۶۹، ۱۱۹
 وينکلر ۱۸۸

ه

هادريانوس ۱۷۵
 هارتمان ۵۶
 هارتگان ۱۷۱
 هافتر ۱۱۸
 هاکس، جيمز ۱۰۲
 هاله ۱۱، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۵۶
 هامبورگ ۲۳، ۲۵، ۵۶
 هامرپور گشتال ۶۹
 هانس ور ۵۵
 هانور ۵۵، ۱۵۶
 هاويت ۵۶، ۸۶

ی

یادداشت‌هایی درباره‌ی دیوان غربی-

شرقی ۱۵۴

یادداشتی درباره‌ی عروقه بن الورد ۱۶۰

یادنامه‌ی کون ۱۲۸

یادنامه‌ی لیثمن ۶۱

یاقوت ۴۰، ۸۷، ۹۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۰،

۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۴۹،

۱۶۹، ۱۸۱

یاقوت المستعصمی ۱۶۱

یاکوب، گئورک ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۵۶،

۱۵۸، ۱۵۷

یامبی ۹۳

یان ۲۵

یثرب ۱۶۶

یحیی بن المهدی ۱۲۸

یحیی بن علی تبریزی ۱۱۵

یحیی بن مدرک الطایی ۱۶۲

یمن، یمنی ۱۰۴، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۵۶

ینبوع (مجله) ۷۱

ینسن ۲۲

ینی احمدخان ۱۲۴

ینی جامع کتبخانه سنده محفوظ کتبی موجودنین

دفتری ۶۹

یوحنا بن اسعد الصعبی ۱۱۵

یوحنا بن البطریق ۱۰۲

یوستی نیان ۱۴۶

یوسف افندی ۱۴۴

یوسف الاعلم الشنتمری ۱۳۴

یوسف العث ۶۹

یوسف الیان ۴۲

یوسف بن قزاوغلو ۱۲۵

یوسف بن محمد البیاسی ۱۲۶

یونان، یونانی ۲۳، ۲۴، ۵۷، ۹۳، ۱۰۱،

۱۴۶

یونس بن حبیب ۱۳۴

یونگ، جان ۵۵

یهودیان در عربستان در عصر محمد

(ص) ۱۷۷

یهود، یهودی ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۵۹، ۱۲۹،

۱۷۵-۱۷۹

ییل ۱۲۸